مبارزه مسالمت‌آمیز سیاسی با دیکتاتوری آخوندها

بهایی که مجاهدین خلق در سال‌های ۵۸ تا ۶۰ پرداختند

تنظیم شده در ۱۴۰۳

این گزارش مستند؛

یک پیش‌درآمد،

مقدمه

و سه فصل

و چند پیوست دارد

فصل اول: اسامی شهدا و شرح جنایت‌ها

فصل دوم: قضائیه چه کرد؟

فصل سوم: نگاهی به یک سند تاریخی منتشر شده از سوی رژیم

با امضای موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه جنایت‌کار آخوندها

پیوست‌ها:

هشدار موسی خیابانی و مهدی ابریشم‌چی به پیامدهای خطرناک چماق‌داری و قتل‌های حکومتی

اعتراف سردمداران رژیم به مسالمت‌آمیز بودن تظاهرات ۳۰ خرداد ۶۰ مجاهدین

نگاهی به چند عکس از آن سال‌ها

پیش‌درآمد:

اگر هرازگاهی به رادیوتلویزیون ورسانه‌های آخوندها نگاه کنید، سرتا پایشان پر است از برنامه‌ها و گزارش‌ها و مقالاتی که چپ و راست علیه مجاهدین خلق منتشر می‌کنند و در آن‌ها تلاش می‌کنند به نسلی که مجاهدین و سال‌های اول انقلاب را ندیده، بقبولانند که؛

مجاهدین خشونت را در عرصه سیاسی ایران شروع کردند،

مجاهدین بودند که فضای مسالمت و زندگی مسالمت‌آمیز سیاسی را به‌هم زدند،

مجاهدین بودند که از همان ابتدا در این مملکت، خون جاری کردند، کشتند، آتش‌زدند، ویران کردند و امام راحل مهربان و پیرمرد مظلوم را ناگزیر از پاسخگویی و بستن فضای دموکراتیک مملکت کردند!

مجاهدین بودند که برای اولین بار پس از سقوط دیکتاتوری شاه، دوباره سلاح را وارد عرصه اختلاف‌نظرهای سیاسی کردند،

مجاهدین بودند که ترور را جایگزین «گفتمان» دموکراتیک و متمدنانه کردند،

و خلاصه این مجاهدین بودند که فضای خوش و آرام مملکت پس از انقلاب را خراب کردند،

به همین علت؛

می‌خواهیم به سال‌های ابتدای انقلاب برویم،

می‌خواهیم ببینیم چرا فضای سیاسی مملکت پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی دیکتاتوری شاه، دوباره به خشونت کشیده شد؟

چه کسی خشونت را آغاز کرد؟

چه کسی به آن دامن زد؟

چه کسی به آن ادامه داد؟

و چه‌کسی کار را نهایتا به انفجار خشونت در سراسر ایران کشاند؟

می‌خواهیم بدانیم حکومت در آن روزها چه می‌کرد؟

چرا جلوی خشونت را نگرفت؟

قوه قضائیه چه می‌کرد؟

و خلاصه می‌خواهیم بدانیم چرا فضای سیاسی ایران از همان ابتدای روی کار آمدن حکومت جدید، به خشونت گرایید؟

و چرا در تمامی این چند دهه، هیچ‌یک از دولت‌های ظاهرا متفاوت نظامی که قدرت را در تمامی این سال‌ها، پیوسته و بدون انقطاع در دست داشته و هنوز هم دارد، یک گام! حتی یک گام! در جهت قطع خشونت برنداشته؟

چرا که در کشورهای دیگر هم ما شاهد خشونت و قهرجاری بین حکومت و اپوزیسیون بوده‌ایم اما برخی‌ها نهایتا موفق شده‌اند این چرخه خشونت را متوقف کند،

اما در ایران مطلقا و مطلقا چنین پدیده‌ای نه تنها در چشم‌انداز نیست، بلکه محال هم به‌نظر می‌رسد[1]!

و به این ترتیب عملا به همگان ثابت شد که دیکتاتوری آخوندها مطلقا درپی مسالمت اجتماعی، برپایی جامعه‌ای دموکراتیک و استقرار دموکراسی و مناسبات مسالمت‌آمیز با هیچ‌کس نیست، آن‌هم با وجود دیکتاتوری خالص‌سازی شده‌ای که حتی به باندهای درونی و شرکای جنایت و شرکای غارت‌گری‌های خودش هم رحم نمی‌کند و هرچند سال یک‌بار یکی از باندها و دستجات درونی خودش را مشمول تصفیه‌ای سخت و سراسری می‌کند و در این مسیر تا آنجا پیش رفته که حتی یک نفر (به عنوان نمونه حتی یک نفر ار روسای جمهور خودش را هم نتوانسته تحمل کند و همه را یا ممنوع التصویر کرده یا به نوعی از دور قدرت خارج کرده و حتی صلاحیت‌شان برای شرکت در ارگان‌های بالادستی یا حتی میانی (مانند مجلس)شان را هم رد کرده است!

یک دور اسامی روسای جمهور و نخست‌وزیرهای این نظام را مرور کنید تا به درستی این ادعا بیشتر واقف شوید!!!

این گزارش،

نگاهی است به علت حاکم شدن قهر و خشونت به صحنه سیاسی ایران از اولین روزهای حاکمیت یافتن آخوندها بر ایران تا امروز.

برای این کار، نگاهی می‌کنیم به ده‌ها قتل سیاسی سازمان‌یافته حکومتی که توسط عوامل و مزدوران رژیم انجام شد اما هیچ‌کدام‌شان (دقیقا هیچ‌یک از آن قتل‌ها و جنایت‌ها) از سوی قانون و قضائیه رژیم مورد حسابرسی قرار نگرفتند، سهل است حتی بعدها قوه قضائیه رژیم کتابی منتشر کرد که

[1] (حتی وقتی که رهبری مجاهدین رسما اعلام کردند که درصورت پذیرش حکمیت بین‌المللی برای رسیدگی به جنایت‌های انجام شده در ایران و تضمین آزادی‌های دموکراتیک، مجاهدین خلق حاضر هستند بلافاصله به ایران بازگردند).

نشان می‌داد چگونه قوه قضائیه!!!!! خود راسا دست‌اندرکار ایجاد قهر و خشونت و حتی ترور تا انجام قتل‌سیاسی بوده و آن را سازماندهی و اجرا می‌کرده است!
نگاهی به کتاب «غائله ۱۴ اسفند ۱۳۵۹» منتشر شده از سوی قضائیه آخوندها با مقدمه آخوند موسوی اردبیلی، به‌عنوان رئیس دیوان‌عالی کشور آخوندها، درستی این نکته را اثبات می‌کند!!

***

با این مقدمه، برویم به سال ۱۳۵۸ و پرسه‌ای بزنیم در کوچه خیابان‌های شهرهای میهن و از نزدیک نگاهی کنیم به برخی از ده‌ها جنایتی که پاسداران نسبت به مجاهدین مرتکب شدند،
جنایت‌های مکرری که حتی یک موردشان (دقیقا حتی یک موردشان) مورد رسیدگی قضائی و قانونی قرار نگرفت چرا که قاتل و قاتلان همگی عناصر همان دستگاه حکومتی و بعضا اجیر شده همان قضائیه آخوندها بودند،

اگر باور نمی‌کنید این مجموعه را بخوانید،

مجموعه‌ای که مورد به مورد قتل‌ها را مورد بررسی قرار داده و اسناد منتشر شده در هر مورد را از نشریه مجاهد همان زمان به نظرتان می‌رساند، نشریه‌ای که همان روزها در تیراژ بالای نیم میلیون چاپ می‌شده ولی باز هم هیچ‌کس از عناصر و اجزای حاکمیت آخوندی حاضر نشد در هیچ محکمه‌ای آن اسناد و دعاوی مطرح شده در آن‌ها را به چالش بکشد! (رسیدگی پیش‌کش!، آخوندها حتی وارد فضای تکذیب واقعیت‌های مطرح شده در باره آن قتل‌ها و اتهام‌هایی که مجاهدین خلق به آن‌ها وارد می‌کردند هم نشدند! چرا که آن جنایت‌ها را ضروری و وظیفه حکومتی خودشان می‌دانستند)!
این مجموعه نگاهی است به آن سلسله قتل‌های سازمانیافته حکومتی هواداران مجاهدین در سال‌های ۵۸ تا ۶۰.

***

مقدمه

نگاهی سریع به اولین جنایت

ساعت هفت ونیم صبح روز جمعه ۲۸ دی (۱۳۵۸) ماموران پاسگاه نعمت آباد واقع در جنوب غرب تهران پیکر نیمه‌جان جوانی مجروح را در بیابان‌های جاده ساوه(جنوب غرب تهران) پیدا کرده و ابتدا او را به پاسگاه نعمت‌آباد برده و پس از سوال و جواب‌های اولیه و مشخص شدن اسم و آدرسش، یک مامور ژاندارمری همراه با یک نفر دیگر، مجروح را که «عباس عمانی» نام داشت، به بیمارستان بردند. مامور مزبور در گزارش رسمی خود نوشت روز ۲۷ دی ۵۸ همراه با «جوانمرد[۲]» حسن حاج شماعی، پیکر نیمه جان عباس عمانی را پیدا کرده و به بیمارستان شماره ۲ بیمه‌های اجتماعی می‌برند در تحقیقات اولیه روشن می‌شود او یک کارگر هوادار مجاهدین است که هنگام تبلیغ کاندیداتوری مسعود رجوی مورد حمله قرار گرفته و دچار ضربه مغزی شده، عباس ساعت ۸ شب همانروز درگذشت.

در گزارش مامور پاسگاه نعمت‌آباد این‌چنین ثبت شده:

«محترما در تاریخ ۲۷ دی ۵۸ که این‌جانب همراه با «جوانمرد» حسن حاج شماعی، مرحوم عباس عمانی که مجروح و قادر به تکلم نبود به بیمارستان شماره ۲ (بیمارستان شماره ۲ بیمه‌های اجتماعی) بردیم و در بیمارستان توسط دکتر مربوطه او را پانسمان می‌کرد سوالاتی از مجروح عباس عمانی به شرح زیر به عمل آمد و چون قادر به تکلم نبود با اشاره سر جواب داد.

از عباس عمانی سوال شد که آیا تصادف نمودی؟

ج ـ جوابی اصلا نداد

۳ـ سوال شد آیا اعلامیه پخش می‌کردی؟

ج ـ با اشاره سر جواب داد بلی

۴ دکتر اسم را سوال کردند

---

[۲] «جوان‌مرد» اسمی بود که آن روزها به مردم عادی‌ای داده بودند که داوطلبانه و بدون دستمزد به کمک پلیس آمده و حافظ نظم و امنیت اجتماعی بودند.

ج ـ فقط یک بار گفت «عمانی» و دیگر نتوانست حرفی بزند و در بین راه مرتبا سرش را با دست فشار می‌داد و یک‌بار گفت سرم درد می‌کند و دیگر حرفی نزد.

سوال شد اعلامیه مسعود رجبی (رجوی) را پخش می‌کرد؟

جواب داد با اشاره سر بلی

امضاء: مامور پاسگاه ژاندارمری نعمت‌آباد.

در صورت‌مجلسی که در پاسگاه نعمت‌آباد انجام شده محتویات جیب‌های جوان مجروح، این‌طوری ثبت شده؛

۱- تراکتهای تبلیغاتی مسعود رجوی

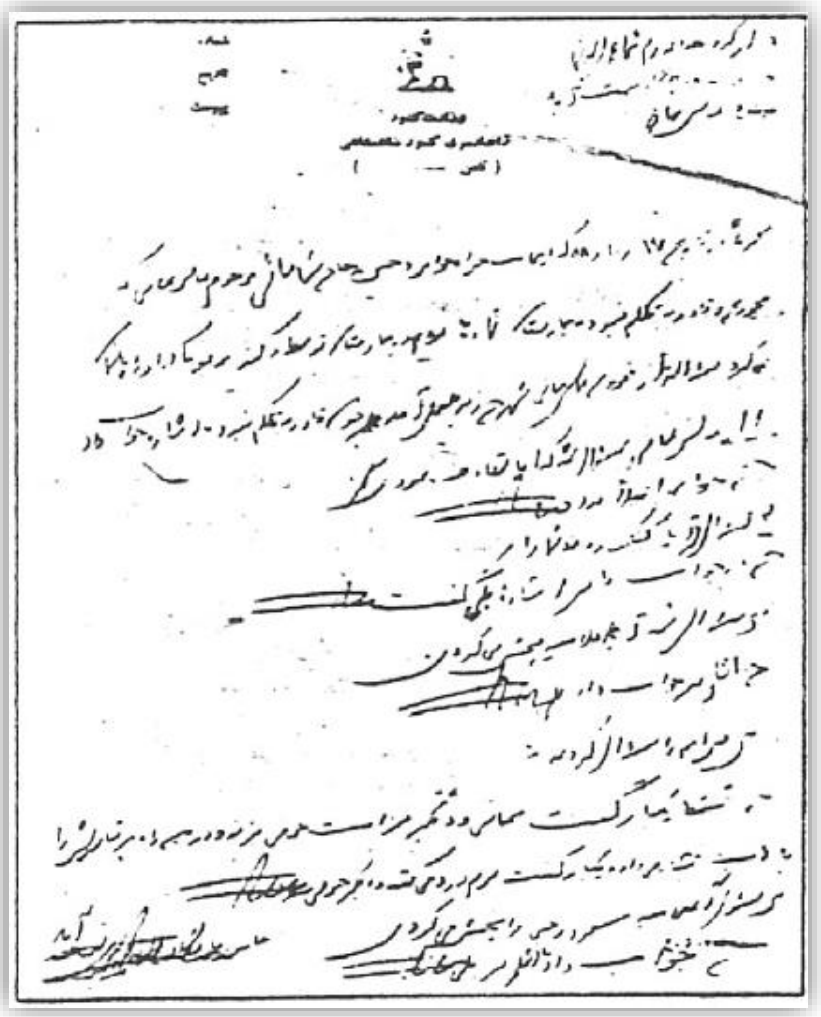
۲- دفاعیات مجاهد شهید سعید محسن

۳- یک نسخه روزنامه فریاد گود نشین

۴- ماژیک بزرگ

۵- یک نامه خصوصی

پزشک معالج عباس در بیمارستان شماره ۲ بیمه‌های اجتماعی، علت مراجعه را ضربه مغزی دراثر کتک نوشته و توضیح داده بود در اینموقع عباس هوشیاری مختصری داشته و باز به سوالات پزشک با اشاره سر جواب می داده است.



همانطور که گفته شد، عباس روز ۲۸ دی به شهادت رسید و روز ۲۹ دی، مجاهدین از شهادت هوادارشان باخبر شدند.

برای اطلاع از تمامی ماجرا با جزئیاتش، گزارش نشریه مجاهد در باره این جنایت را که در همان روزها منتشر شده، می‌توانید در پیوست‌های این مجموعه بخوانید.

***

این البته داستان غم‌انگیز کارگر مجاهد خلق، عباس عمانی است، اما ضروری است یادآوری شود که این داستان از آن روز تا فردای ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ به‌طور مستمر و تقریبا هر یکی دو سه هفته یک‌بار توسط پاسداران و کمیته‌چی‌های خمینی، علیه هواداران مجاهدین تکرار شد و شمار مقتولان به گواهی اسناد به حدود ۷۰ نفر رسید!

برای رسیدن به پاسخ تمامی پرسش‌هایی که در ابتدای این برنامه مطرح شدند، ضروری است ابتدا نگاهی کنیم به برخی از آن ترورها، رخدادهایی خونین که طی آن‌ها، هواداران مجاهدین یکی یکی و گاه دو سه نفره مورد هجوم چماقداران و کمیته‌چی‌های خمینی قرار گرفته و به قتل رسیدند، بدون آن‌که حتی در یک مورد، قضائیه آخوندها وارد شده و به پرونده جنایت رسیدگی کند! حتی یک مورد هم رسیدگی نشد! چرا؟

به این علت که به گفته آخوندها (که سند یک موردش موجود است) حکم هدر بودن جان و مال و ناموس مجاهدین پیشاپیش توسط خمینی دژخیم صادر شده بود و اساسا در تمامی دو سال و چندماهی که مجاهدین تلاش می‌کردند در نهایت مسالمت، قتل و کشتارهای رژیم علیه خود و هوادارانشان را از سر بگذرانند تا شاید بتوانند فضای مبارزه سیاسی مسالمت‌آمیز را در ایران، برقرار کنند، به ردی از خون خودشان تبدیل شد که اثر آن را هنوز هم می‌توان پس از گذشت دهه‌ها دید و آن را پیگیری کرد تا به سرمنشاء جنایت رسید.

این مجموعه نگاهی است به آن روزها و آن پرونده‌های جنایی حسابرسی نشده.

***

در باره مجموعه حاضر

این مجموعه، شامل شماری از اسناد و مقالات منتشر شده در نشریه مجاهد (ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران) در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ابتدای تابستان ۱۳۶۰ است.

مقالات و اسناد عینا از روی نشریه پیاده شده‌اند و اصل تمامی این نشریات اضافه بر آرشیو سازمان مجاهدین خلق ایران، در آرشیو بسیاری از کتاب‌خانه‌های معتبر جهان و شماری از کتاب‌خانه‌های ایران و اینترنت هم موجود و قابل انطباق با اصل سند است.

- **تمامی این مقاله‌ها و اسناد در همان تاریخی که در پایان یا ابتدای مقاله و اطلاعیه در نشریه مجاهد نوشته شده، تنظیم و منتشر شده و در گسترده‌ترین تیراژ ممکن در تاریخ مطبوعات ایران (۶۰۰هزار نسخه) در تمامی مراکز استان‌های ایران و صدها شهر و بخش و روستا در اختیار هموطنان گذاشته شده‌اند.**
- **لازم به یادآوری است آن نشریات با اندکی تاخیر در خارج کشور هم توزیع می‌شد و همزمان به کتاب‌خانه‌های معتبر ایران و جهان هم ارسال می‌گردید و هم‌اکنون آرشیو کاملی از آن‌ها دستکم در کتاب‌خانه‌های تهران مانند کتاب‌خانه مجلس و کتاب‌خانه‌های دانشگاه‌های معتبر تهران وجود دارد.**
- **نشریه مجاهد که حاوی تمامی این اطلاعیه‌ها، مقاله‌ها و اسناد بود، همزمان برای بسیاری از ارگان‌های دولتی (که تحت تسلط دوگانه آخوندها و لیبرال‌های شریک حاکمیت بود) هم ارسال می‌شد.**
- **اسناد منتشر شده در آن دوره به نهادهای مسئول حاکمیت از جمله دادگاه‌های موسوم به دادگاه انقلاب اسلامی و کمیته‌ها، فرمانداری‌ها، استانداری‌ها و دیگر نهادهای قدرت هم ارسال می‌شد اما بسیاری از آن نهادها از تحویل‌گیری اسناد و شکایت‌های مکتوب مجاهدین خودداری می‌کردند یا مانند قاضی شرع بم (آخوند علامه) صراحتا زیر شکایت مجاهدین می‌نوشتند که مجاهدین به فرموده امام خمینی جان و مال‌شان حلال است! و شکایتی از آن‌ها پذیرفته نمی‌شود! (نقل به مضمون، دست نوشته آخوند علامه را در همین مجموعه می‌توانید ببینید).**

هدف از انتشار این مجموعه؛

- نشر سرجمع اسناد پراکنده یک جنایت سازمانیافته حکومتی مستمر علیه مجاهدین خلق است که هواداران‌شان متناوبا در خیابان‌های شهرهای مختلف توسط پاسداران و کمیته‌چی‌ها و اوباش موسوم به حزب‌الله به قتل می‌رسیدند و هیچ شکایتی هم از مجاهدین و خانواده شهدای مجاهد در ارگان‌های رسمی پذیرفته نمی‌شد، هیچ دادگاهی برای رسیدگی به آن جنایت‌ها تشکیل نشد و به این ترتیب میدان رسما برای کشتار هفتگی مجاهدین توسط حاکمیت باز شد!
- انتشار این اسناد، اضافه بر ماندگار کردن اسناد یک جنایت سازمانیافته دولتی، فرصتی برای نسل‌های اخیر فراهم می‌کند تا دید واقعی‌تری نسبت به جهنمی به‌دست بیاورند که خمینی برای فعالیت مسالمت‌آمیز سیاسی ایجاد کرد، تمامی راه‌های مسالمت و رقابت شرافت‌مندانه سیاسی را بست و جز یک مسیر خونین و دریایی از خون در برابر توده‌هایی که تلاش می‌کردند از راه‌های مسالمت‌آمیز و قانونی، دستاوردهای انقلاب ضدسلطنتی را از نابودی به دست ارتجاع آخوندی نجات دهند، باقی نگذاشت.
- خواندن این اسناد و مقالات کمک می‌کند تا نسل امروز دریابد که دختران و پسران هم‌سن و سال‌شان در سال‌های ۵۸ تا تابستان ۶۰ چه خون دلی خوردند که شاید بتوانند از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز، برای تحقق خواسته‌های دموکراتیک خود و مطالبات تاریخی مردم‌شان راه باز کنند اما خمینی نگذاشت و پس از کشتار هفتگی مجاهدین و هواداران‌شان، نهایتا در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ با صدور فرمان شلیک به سوی نیم میلیون هموطن معترض در تهران و بی‌شمار هموطن معترض دیگر در شهرستان‌ها، در ایران حمام خون به راه انداخت.
- آگاهی از این مقاله‌ها و گزارش‌های مستند، فراتر از آگاهی نسبت به یک‌سری اسناد قابل طرح در هر دادگاه عادل و صالحی، از این زاویه هم روشن‌گر است که؛

چرا و چه کسی و چگونه صحنه سیاسی ایران را از مسالمت به سوی قهر سوق داد و جوی خونی در ایران جاری کرد که هم‌چنان ادامه دارد.

- و سرانجام این اسناد به روشنی نشان می‌دهند که؛

جلاد کیست؟ و شهید کیست؟

***

در پایان این مقدمه کوتاه ضروری است؛

- تمامی درودها و احترام قلبی خود را نثار دختران و پسران جوانی کنیم که با صلابتی بی‌مانند و متانتی بی‌نظیر در تاریخ جهان، و با حداکثر ظرفیت ایدئولوژیک و سیاسی خود، مظلومانه و آگاهانه در برابر ظالمانه‌ترین تعدی‌ها و تجاوزهای فاشیسم مذهبی حاکم بر میهن‌مان، صبورانه ایستادند و به ضرورت حفظ انضباط تشکیلاتی و برای حفظ فضای باز سیاسی و فعالیت‌های دموکراتیک،و البته برای یک روشن‌گری تاریخی، کشته شدند اما به مقابله به‌مثل با قاتل و حاکمیت وحشی برنخاستند تا آیندگان خود قضاوت کنند که؛
برای جلوگیری از خون‌ریزی و قهرآمیز شدن صحنه سیاسی ایران، مجاهدین خلق هر روز و هر هفته چه بهای سنگین و جان‌کاهی پرداختند و دست از پا خطا نکردند تا در تاریخ ثبت شود که مبارزه مسالمت‌آمیز سیاسی با وحوش آخوندی را اول بار مجاهدین خلق برپا داشتند و هزینه سنگین آن را هم با خون خودشان پرداختند.
- اکنون که دهه‌ها از آن روزهای سرخ و سیاه می‌گذرد، این مجاهدین خلق هستند که می‌توانند سرفرازتر از هر زمان دیگری، با کارنامه‌ای درخشان و پاک و پاکیزه،
هر دادگاه و هر وجدان بیدار و منصفی را به قضاوت بطلبند،
و خود را
و البته، تمامیت رژیم با همه باندها و دستجاتش،
(از بنیان‌گذار پلیدش خمینی تا تمامی باندها و دستجات اصلاح‌طلب و خط امامی و اصول‌گرا و اعتدالی و ...) را
در معرض داوری تاریخی مردم ایران و جهانیان بگذارند.

***

این مجموعه ضمنا هدیه‌ای است به؛

- تمامی پدران، مادران، خواهران، برادران و تمامی دگر جگرسوختگانی که عزیزان‌شان در تاریک‌ترین شب‌های تاریخ ایران‌زمین، فدیه رهایی و آزادی خلق و میهن شدند و صدای دادخواهی‌شان هرگز پاسخی نیافت.
- این مجموعه، هدیه‌ای است به؛
- تمامی مردمی که شاهد و ناظر به خاک افتادن آن «گل‌های پریشان در باد» بودند و یاری‌هایشان به جوانان خونین بال مجاهدین، سرانجام در خون نشست.
- این مجموعه هدیه‌ای است به؛

- همان شهدایی که اکنون داستان به خاک و خون غلتیدن‌شان، اسناد زرین حقانیت یک انقلاب کبیر شده است، پروانه‌های آزادی که بال و پر به آتش سپردند و در وصال آزادی، به «بنیان» حقیقت رسیدند و خبری از آن‌ها باز نیامد.
- و سرانجام این مجموعه هدیه‌ای است به؛
- کانون‌های قهرمان شورشی که راه آن کبوتران خونین بال را با صلابتی افسانه‌ای در مداری بس‌بالاتر ادامه می‌دهند تا روزی که؛
- خورشید پیروزی بردمد
- رایحه جامعه بی‌طبقه توحیدی در همه جا دامن‌گستر شود
- و
- یزدان به کمال شود پدیدار
- و اهریمن زشتخو، حصاری.
- و نهایتا این مجموعه هدیه می‌شود به اولین کانون شورشی که پرچم پیروزی را بر ویرانه‌های درهم‌کوبیده شده کاخ آخوندها بکوبد و در رثای یاران شهیدمان بانگ بر زند؛
- ای مرغ سحر!
- کنون فراز آی
- رفت آن شب تیره و ستمکار
- و اکنون تو درآ و نیک بنگر
- ای محبوبه نیلگون عماری!

پایان مقدمه

فصل اول

بخش اول:

این فهرست اسامی ۷۰ جوانی است که به دست پاسداران و حزب‌اللهی‌ها در روز روشن ترور شدند و هیچ دادگاهی و هیچ مقامی از مقامات حکومت آخوندها، حتی حاضر به پذیرش گشایش پرونده جنایت انجام شده علیه هواداران مجاهدین نشد.

یک‌بار به اسامی و تاریخ ترور شدن و محل رخداد نگاه کنید!

نگاهی به لیست اسامی کشته شدگان:

تاریخ جنایت	محل وقوع جنایت	اسم مقتول
۵۸۱۰۲۸	تهران	عباس عمانی
۵۸۱۲۰۳	قائمشهر	عین الله پورعلی
۵۸۱۲۲۳	خمین	رضا حامدی
۵۹۰۰۰۰	دزفول	هوشنگ رستمی
۵۹۰۱۳۱	مشهد	شکرالله مشکین فام
۵۹۰۲۰۳	رشت	احمد گنجه ای
۵۹۰۲۰۹	بخش نوخندان شهرستان دره گز	جلیل مرادپور
۵۹۰۲۱۴	اصفهان	سیاوش شمس
۵۹۰۳۰۹	اردبیل	احد عزیزی
۵۹۰۳۱۹	تهران	ناصر محمدی.
۵۹۰۳۲۲	تهران	مصطفی ذاکری
۵۹۰۴۱۲	شیراز	نسرین رستمی
۵۹۰۴۱۷	آمل	قدرت الله زاهدی
۵۹۰۵۱۷	قائمشهر	نادعلی فلاح
۵۹۰۵۳۰	آبادان	جاسم بنی رشید
۵۹۰۶۰۸	قائمشهر	محمد گل عمو زاده
۵۹۰۶۲۹	قائمشهر	محمد حسن صادقی
۵۹۰۹۱۲	حسینیه محله رودسر	اردشیر خانی
۵۹۰۹۱۳	آمل	حسین سالار محمدی
۵۹۰۹۲۶	ساری	داود سلیمانی..

۵۹۱۰۰۳.....تهران.....حمید رضا رضایی
۵۹۱۰۱۳.....رشت.....حسن "بهرام" فرحناک
۵۹۱۱۰۱.....خرم آباد.....بهرام کردستانی
۵۹۱۱۰۹.....خرم آباد.....مهری صارمی
۵۹۱۲۱۵.....لاهیجان.....سیما صباغ خوشکار
۵۹۱۲۲۸.....بندر عباس.....صنم قریشی
۶۰۰۱۰۶.....قادیکلای قائم‌شهر.....اصغر فلاحی
۶۰۰۱۰۷.....قزوین.....اصغر اخوان قدس
۶۰۰۱۰۸.....رامسر.....خیرالله اقبالی نژاد
۶۰۰۱۱۱.....روستای کتالم رامسر.....تیمور تالش شریفی...
۶۰۰۲۰۰.....دورود لرستان.....ابوالفضل سلیمانی
۶۰۰۲۰۰.....منجیل.....امیر ارگنجی
۶۰۰۲۰۱.....قائم‌شهر.....فاطمه رحیمی(رویا)
۶۰۰۲۰۱.....قائم‌شهر.....سمیه نقره خواجا
۶۰۰۲۰۲.....آمل.....شهرام اسماعیلی
۶۰۰۲۰۷.....تهران.....خلیل اجاقی قلی زاده
۶۰۰۲۰۷.....تهران.....ودود پیراهنی
۶۰۰۲۰۸.....کرج.....فاطمه کریمی
۶۰۰۲۰۸.....بندر عباس.....منصور سایانی
۶۰۰۲۱۰.....شهرکرد.....علی فتح کریمی....
۶۰۰۲۱۱.....قائمشهر.....عباس فرمانبردار
۶۰۰۲۳۰.....تبریز.....سکینه چاقوساز
۶۰۰۳۲۰.....بجنورد.....سعید سرایدار
۶۰۰۳۲۰.....بجنورد.....پرویز یزدانی
۶۰۰۳۲۲.....املش.....شرف مازیار
۶۰۰۳۲۲.....لاهیجان.....حرمت گیاهپور
۶۰۰۳۲۳.....رامسر.....اصغر جوربنیان
۶۰۰۳۲۸.....زنجان.....عباس قربانلو

۴۸ نفر در فاز سیاسی

شهید دانیالی زاده روز ۷ اردیبهشت در میدان فردوسی تهران شهید شد.

مجاهد خلق غلامرضا دیبایی شاهد صحنه و به قتل رسیدن دوست همرزمش در خیابان انقلاب تهران بوده است.

آن شهید والا اسمش در هیچ‌جایی حتی در فهرست بالا و حتی در نشریه مجاهد هم ثبت نشده چرا که در آن روزها سازمان مجاهدین در آستانه برپایی تظاهرات میلیونی ۳۰خرداد، با تمام توش و توانش درگیر حل و فصل مسائل اجرایی و امنیتی برگزاری آن تظاهرات تاریخی بود.

بیان این مطلب برای آن است که نشان داده شود؛ شهدای مجاهد دیگری هم بوده‌اند که اصلا در شلوغی‌های بهار ۶۰ حتی فرصت انتشار اسم و سرنوشتشان هم نشد و بی‌نام و نشان جان فدای آزادی مردم و میهن‌شان کردند و رفتند.

.....

روز ۳۰ خرداد سال ۶۰ شمار دیگری از مجاهدین توسط پاسداران به قتل رسیدند، در حالی‌که آن تظاهرات اساسا و مطلقا یک تظاهرات مسالمت‌آمیز غیرمسلحانه بود و بسیاری از سرکردگان و کارگزاران همین دیکتاتوری بارها اعتراف کرده‌اند که روز ۳۰ خرداد مجاهدین و مردم هوادارشان مسلح نبودند[۳].

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ .....تهران.....زهرا محمدی

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ .....تهران.....محمدرضا رمزی سهرابی

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ .....تهران.....عباس سروش

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ .....تهران.....عارف اقبال

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ .....تهران.....منوچهر طلایی

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ .....تهران.....رضا جمشیدی

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ .....تهران.....کوروش سیفی

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ .....تهران.....عبدالله ابراهیمی

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ .....تهران.....اسماعیل حسین‌زاده.

۹تن از شهدای روز سی خرداد

[۳] نگاه کنید به پیوست اعترافهای سرکردگان رژیم در انتهای همین کتاب



دستگیرشدگان تظاهرات ۳۰خرداد
حتی بدون احراز هویت تیرباران شدند

اطلاعات

دعوت دادستانی انقلاب از
اولیاء دستگیر شدگان

صبح امروز از سوی روابط عمومی دادستانی انقلاب اسلامی مرکز در رابطه با مجرمینی که در جریانات ضدانقلابی اخیر دستگیر شده و حکم دادگاه درباره آنها صادر و اجرا شده، اطلاعیه‌یی به شرح زیر صادر شد:

به اطلاع خانواده‌های محترمی که فرزندانشان در جریانات ضدانقلابی اخیر تهران دستگیر شده‌اند و حکم دادگاه درباره آنها صادر و اجرا گردیده می‌رساند لطفاً با در دست داشتن شناسنامه عکس‌دار خود و فرزندانشان که عکس آنها در این جا چاپ شده به دفتر مرکزی زندان اوین مراجعه کرده و فرزندانشان را تحویل بگیرند.

روابط عمومی
دادستان انقلاب اسلامی مرکز

لازم به یادآوری است که اسامی صاحبان عکس مشخص نشده است.

فراتر از اسامی منتشر شده شهدای ۳۰ خرداد، بسیاری دیگر هم بودند که در همان تظاهرات مسالمت‌آمیز ۳۰ خرداد دستگیر و بدون مشخص شدن هویت‌شان تیرباران شدند بدون این‌که کسی نام و نشانی از آن‌ها بیابد مانند آن‌چه که روزنامه اطلاعات در روزهای پس از ۳۰ خرداد ۶۰ منتشر کرد. (عکس بالا)

دختران و پسران جوانی که آن روز گروه گروه دستگیر شده و گاه در کنار همان خیابان‌ها به رگبار بسته شدند.





.....

شمار دیگری از مجاهدین و مردم هوادارشان در فردای ۳۰ خرداد و روزهای بعد به جوخه تیرباران سپرده شدند، بدون این‌که دست به اسلحه برده باشند.

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....حسین مرتضوی

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....علی اصغر زهتابچی

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....زهرا ابراهیمیان

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....کبری ابراهیمیان

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....کاظم فخرایی (فخاریان)

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....جعفر کلاغی‌چی گنجینه

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....داود فراهانی

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....رامین ارسطافر

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....غلام‌علی جعفری

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....رضا حاجی ملک

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ اعدام .....تهران.....قنبرنژاد

۱۱ نفر از شهدای اعدام شده ۳۱ خرداد ۶۰

.....

تاریخ شهادت..... محمود زنگویی

تاریخ شهادت.....مقدسی

تاریخ شهادت.....حاج زوار موسوی نیارکی

سه نفر دیگر از شهدای سی خرداد

جمع شهدای مجاهدین در دوران فعالیت مسالمت‌آمیز سیاسی که دستگیر شدگان ۳۰ خرداد ۶۰ را هم شامل می‌شود، ۷۱نفر بودند (بدون احتساب شهدایی که مانند شهید دانیالی‌زاده اسم‌شان اعلام نشد)

نگاهی سریع به آن قتل‌ها در سال‌های ۵۸ تا فردای ۳۰ خرداد ۱۳۶۰

روز جمعه ۲۸ دی ۱۳۵۸ عباس عمانی کارگر زحمتکشی که مشغول چسباندن پوسترهای تبلیغات انتخاباتی مجاهدین بود را با ضربه‌های چماق کشتند. در این ایام هر کتابفروشی و کیوسکی را که نشانی از مجاهدین داشت به آتش کشیدند. هیچ رحمی در کار نبود.

یک ماه و ۵ روز پس از ترور کارگر مجاهد خلق عباس عمانی، در قائم‌شهر، یک معلم مجاهد به اسم عین‌الله پورعلی ترور شد،

بیست روز بعد، یک جوان کتابفروش هوادار مجاهدین در خمین به اسم رضا حامدی، توسط پاسداران به رگبار یک مسلسل یوزی بسته شد و به شهادت رسید.

کمی بعد یک هوادار دیگر مجاهدین، این بار در دزفول ترور شد اسم او هوشنگ رستمی بود،

کمی بعد آخرین روز فروردین در مشهد، شکرالله مشکین‌فام از زندانیان سیاسی هوادار مجاهدین در زمان شاه، در مشهد با گلوله پاسدارانی که به دفتر مجاهدین خلق حمله کرده بودند، به قتل رسید!

سه روز بعد احمد گنجه‌ای در رشت،

۶ روز بعد جلیل مرادپور در یکی از بخش‌های دره‌گز،

۵ روز بعد سیاوش شمس یک سرباز انقلابی در اصفهان به قتل رسید،

۲۵ روز احد عزیزی در اردبیل،

ده روز بعد ناصر محمدی در تهران،

سه روز بعد مصطفی ذاکری در تهران،

۲۱ روز بعد نسرین رستمی، یک دختر دانش‌آموز در شیراز با گلوله پاسداران در خون غلطید،

۵ روز بعد یکی دیگر در آمل و همین‌طور ردی از خون مجاهدین ترور شده توسط پاسداران که از آمل به آبادان رفت و از آنجا به قائمشهر و رودسر و بعد همینطور شهرهای دیگر از خرم‌آباد گرفته تا بندرعباس و قزوین و دورود لرستان و از تبریز گرفته تا تهران و شهرکرد گرفته تا رامسر و زنجان و بعد هم صفی از شهدای بی‌نام و نشان که قلب هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد.

رضا حامدی در خمین

بهرام فرحناک در شمال

سیاوش شمس در اصفهان

احد عزیزی دراردبیل

نسرین رستمی در شیراز

قدرت الله زاهدی در آمل

نادعلی فلاح در قائم‌شهر

جاسم بنی رشید در آبادان

اردشیرخانی در رودسر

حسین سالار محمدی در آمل

داود سلیمانی در ساری

شهادت مجاهد شهید بهرام کردستانی

تاریخ شهادت : ۱ بهمن ۱۳۵۹

محل شهادت : خرم آباد

نحوه شهادت : ظهر روز چهارشنبه ۱بهمن ۵۹ موردتهاجم سه تن از سرنشینان پیکار استیشن کرم رنگ به شماره ۷۶۶۶۱ –تهران که قصد ربودن بهرام راداشته اند قرار می گیرد فرماندهی مهاجمین مسلح فردی به نام سلطانعلی مرادی معروف به عظیم مرادی که از اوباش وچماقداران شناخته شده ی خرم آباد است به عهده داشته است .

هنگامی که مهاجمین با مقاومت بهرام روبرو می شوند سلطانعلی مرادی دربرابر چشمان مردم با شلیک چند گلوله پی درپی بهرام را به شهادت می رساند وسپس با استفاده از تیراندازی وارعاب مردم مهاجمین فرار می کنند .

تشیع جنازه باشکوه شهید ساعت ۱۰ صبح پنج شنبه باشرکت بیش از دو هزار نفر درمیان اندوه مردم خرم آباد انجام می‌گیرد، مردم خشمگین شعار می‌دادند "لااله الاالله ، الله اکبر"، خون بهرام می‌جوشد، مجاهد می‌خروشد "،"رفت به راه خدا شهید بهرام ما " " خون مجاهد ما مشعل پیکار ما" درمسیر تشیع

جنازه اغلب مردم با چشمان اشکبار ابراز همدردی می‌نمودند . درهنگام خاک سپاری شهید مردم یکصدا شعار " مرگ بر آمریکا " می‌دادند، درپایان مراسم مشتی اوباش و همدستان قاتلین جنایتکار با شعار " اول هشدار بعداً کشتار" به مردم حمله کرده و چهار نفر را با چاقو مجروح می‌کنند ، از جمله برادر شهید از ناحیه کمر چاقو خورده که با ده بخیه پانسمان می‌گردد .

گفته می‌شود دانش آموز شهید مژگان اسدی نیز درتاریخ ۵۹/۹/۳۰ دراجتماع مادران دانش آموز توسط همین قاتل و همین اسلحه به شهادت رسیده است ..... اگر روز (۱۰/۳) حمله حساب شده‌ی افراد مسلح به تحصن مادران دانش آموزان اخراجی از طرف مقامات پی گیری می‌شد ! اگر قاتل جانی مژگان اسدی ومحرکین او به دست عدالت سپرده می‌شدند امروز خون مظلومی دیگر برزمین ریخته نمی‌شد..... در مراسم خاک‌سپاری، چماقداران ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه دراواسط برنامه به طرف جمعیت حمله می کنند آنها ابتدا بیرحمانه شروع به پرتاب سنگ می‌کنند تا بلکه بتوانند جمعیت را متفرق و پراکنده سازند ولی با وجودی که عده‌ی زیادی با سنگ مجروح شده بودند، جمعیت باخشم وکینه و با صدای بلند فریاد می زدند : عامل قتل بهرام اعدام باید گردد، این سند جنایت ارتجاع است .

اوباش که با سنگ اندازی به نتیجه مطلوب نمی رسند شروع به تیراندازی می کنند که در اثر اصابت گلوله ،خواهر دانش آموزی به نام مهری صارمی هوادار سازمان و مادری به نام کبری ایاری همسایه‌ی بهرام شهید که برسر مزارش آمده بود به شهادت می رسند مردم گرداگرد این دو شهید جمع شده و خشمگین فریاد می زدند : این سند جنایت ارتجاع است .

(تعداد جمعیت در این موقع به ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر می رسید)

تهاجمات چماقداران در خرم آباد تاکنون ۴ شهید داده است " مژگان اسدی" ، "بهرام کردستانی" ، مهری صارمی" و کبری ایازی" .

قاتلین آنها را تمام مردم شهر می شناسند و همه از دخالت عظیم مرادی در جریان هر ۴ قتل اطلاع دارند . جالب آنکه از طرف مقامات قضایی هیچ گونه اقدامی درجهت دستگیری وی انجام نگرفته است و او آزادانه با ژ-۳ از تپه های گورستان بر روی مردم رگبار گشوده است .

در قائم شهر حتی به بیماران و بیمارستانها حمله کردند. دوم اسفند ۵۸ کارکنان بیمارستان نوشتند:

«ما کارکنان بیمارستان شیر وخورشید قائمشهر به علت تجاوز پاسداران به حریم بیمارستان و انداختن گاز اشک آور به داخل بیمارستان و تیراندازیهای ممتد در اطراف نرده‌های بیمارستان که باعث ناراحتی بیماران بستری در بخش های مختلف حتی بخش کودکان و نوزادان که نزدیک به خفه شدن عده‌ای از کودکان و نوزادان شده بود، تا رسیدگی کامل از طرف مسئولین شهری و تأمین مصونیت بیماران از وقایع فوق به کم کاری خود ادامه می‌دهیم» همین روز در جریان حمله پاسداران

و چماقداران به مردم، عین الله پورعلی (معلم روستای مشک‌آباد) در اثر ضربات چماقداران و پاسداران جان باخت.
در فروردین ۵۹ چشم پروین صادقی دختر نشریه فروش را در ترمینال خزانه تهران کور کردند
۳۰ فروردین ۵۹ نسرین رستمی را در شیراز با شلیک گلوله از پای انداختند و
در ۹اردیبهشت ۵۹ نوجوانی به اسم جلیل مرادپور را در درگز در حالی کشتند که مشغول فروش نشریه مجاهد، ارگان رسمی سازمان مجاهدین خلق ایران بود. جلیل تنها داشت عقیده و آرمانش را به مردم معرفی می کرد.
در همین ایام احمد گنجه‌ای را در خیابان تختی رشت به جرم دفاع از آزادی کشتند.
همزمان بیش از ۶۰ مورد حمله و هجوم و تخریب و آتش سوزی علیه فروشندگان نشریه مجاهد و افراد و کتاب‌فروشیهای هوادار سازمان مجاهدین در اصفهان انجام شد. این حملات تماما توسط پاسداران و کمیته‌چی‌ها و فالانژهای اصفهان طراحی و اجرا شد.
روز ۱۴ اردیبهشت ۵۹ یک درجه دار ارتشی به نام سیاوش شمس را در اصفهان به جرم هواداری از مجاهدین از پای درآوردند و روز بعد یکی از روزنامه های محلی به نام حرکت (۱۵ اردیبهشت ۵۹) خطاب به مقامات شهر و آخوندهای مسؤل اصفهان نوشت: «هر روز مراسم جشن کتاب‌سوزان درشهر شما برقرار است. هر روز به یک گروه و دسته‌یی در روز روشن حمله می‌شود و با چاقو کشی قانون اساسی جمهوری اسلامی را به هیچ می‌گیرند. تاکنون چندین قتل در اصفهان انجام شده اما.... و شما تاکنون حتی اعلامیه‌یی مبنی بر تقبیح چنین اعمالی نداده‌اید....»
در این ایام مجاهدین که در کانون تهاجمات وحشیانه باندهای حکومتی قرار داشتند در منتهای بردباری به روشنگری و مسئولیت تاریخی خود در افشای ارتجاع حاکم پرداختند. نه عقب نشستند، نه وارد زد و بند با هیولا شدند و نه عکس العمل و مقابله به مثل کردند.
هفتم خرداد ۵۹ احد عزیزی معلم روستا در جریان حمله چماقداران دراربیل به ضرب گلوله ژ۳مجروح شد و دو روز بعد درگذشت.
سحرگاه ۱۹خرداد ۵۹ در خیابان شیرو خورشید تهران گروهی از افراد مسلح، ناصر محمدی دانش آموز ۱۸ساله را با ضرب گلوله _به چشم و سرش_ از پای درآوردند.
هنوز ۳ روز از شهادت مظلومانهٔ ناصر نگذشته بود که
روز پنج شنبه ۵۹/۳/۲۲ در پایان مراسم بزرگداشت شهادت قاصدان آزادی؛ ناصر محمدی ،احد عزیزی ، سیاوش شمس ، جلیل رادپور، احمد گنجی، شکرالله مشکین فام، رضا حامدی و عین الله

پورعلی، قاصدی دیگر به نام "مصطفی ذاکری " درتهران در خون پاکش غلطید و به کاروان شهیدان مجاهدین خلق ایران پیوست.
ماجرای تاختن بر اندیشه‌ها و تلاش برای حفظ آخرین قطره‌های آزادی با تحمل دشنه و چماق و گلوله هم‌چنان ادامه دارد.
دو روز بعد ۲۴ خرداد ۵۹ حسین سالارمحمدی در آمل و اردشیر خانی در رودسر در بیمارستان جان باختند.
پس از آنها نوبت دو مجاهد دیگر بود: دشنهٔ پاسداران قلب داود سلیمانی را در ساری شکافت و حمیدرضا رضایی در حالی که شعار زنده باد آزادی سر می‌داد در خاک و خون غلتید.
آری! سال ۵۹ سال هزاران مجروح و دهها شهید به جرم مخالفت با انحصارطلبی و بیان عقیده بود.
سیما صباغ خوشکار دانش آموز ۱۵ساله از آخرین شهیدان این سال در دفاع از آزادی بود که اسفند ماه در لاهیجان به خاک افتاد.
هنوز مجاهدین تحمل می‌کنند و می‌گویند چرا می‌کشید؟
مگر ما چه کردیم؟ مگر چه می‌خواهیم؟ لااقل به همان قانون اساسی خودتان ملتزم باشید...
سال ۱۳۶۰ را خمینی سال قانون نام نهاد!!!
سال ۶۰ به نام قانون و حکومت قانون نامگذاری شد. اما باز هم بهار قانون با لاله‌های سرخ آزادی گلگون شد. روز ۶فروردین ۶۰ا صغر اخوان قدس که در ا سارت سپاه پا سداران قزوین بود به ضرب گلوله در سلول به خاک افتاد.
صنم قریشی در بندرعباس به ضرب گلوله ایادی رسمی و مسلح رژیم در روز روشن در خونش غلطید و کارگر زحمتکش خیرالله اقبالی نژاد در رامسر به ضرب گلوله های مسلسل دو پا سدار که به قلب و کمرش شلیک کردند جان باخت. این آغاز حکومت «قانون» خمینی بود.
چند روز بعد اصغر فلاحی توسط قمه کشان شناخته شده بسیج و پاسداران شرحه شرحه شد و تیمور طالش شریفی را که مشغول نصب تراکت و اعلامیهٔ شهادت خیرالله اقبالی نژاد بود به گلوله بستند.
۶اردیبهشت ۶۰ امیر ارگنجی را در رشت ربودند و پس از شکنجه‌های فراوان، سنگی به پای او بستند، و او را داخل نایلون گذا شته و به دریا انداختند. ده روز بعد کارگران هنگام لایروبی دریچه سد باریک او را کشف کردند.
هفتم اردیبهشت ۶۰ در جریان تظاهرات مسالمت آمیز مادران درتهران که در اعتراض به موج جدید چماقداری که به مرگ دو قاصد نوجوان آزادی فاطمه رحیمی و سمیه نقره خواجا در قائم شهر و ترور

شهرام اسماعیلی در آمل و سایر شهرها انجام شد ودود پیراهنی دانش آموز ۱۶ساله و خلیل اجاقی کارگر زحمتکش به ضرب گلوله به خاک افتادند

و روز بعد فاطمه کریمی دانش آموز ۱۷ساله را در کرج شرحه شرحه کردند.

هم‌چنین عباس فرمانبردار را در قائم شهر،

منصور سایانی را بر مزار صنم قریشی

و علی فتح کریمی را در شهرکرد به خاطر فریادشان در دفاع از آزادی کشتند.

سکینه چاقوساز، مادری که در تبریز از آزادی می‌گفت و بر اثر حمله چماقداران به شدت زخمی شده بود در ۳۰ اردیبهشت ۶۰ جان باخت...

.....

فصل اول

بخش دوم:

نگاهی به اولین شهدای مجاهدین خلق در سال ۱۳۵۸

(شهدای سال ۵۸)

« سازمان مجاهدین خلق ایران »

نشریه مجاهد شماره ۲۱ منتشر شده در تاریخ ۲۸ دی ۱۳۵۸

عباس عمانی که بود ؟

عباس برادری بودکه او را پس از شهادتش شناختیم اما اکنون نامش را درکنار والامقام ترین شهدای سازمان می‌نگاریم چرا که از نظر ما مجاهد خلق دیگر اکنون محصور درحصارهای تشکیلاتی نیست ما به برادران و خواهران ناشناخته ای چون عباس که در گوشه و کنار کشور همه

توان خود را در تحقق آرمان مجاهدین به خدمت گرفته اند بخود می بالیم و آنها را مجاهد خلق می شناسیم.

عباس فرزندی بود از فرزندان برومند این خلق کبیر کارگری آگاه وزحمتکش و سربازی دلاور از سربازان گمنام راه ازادی و آگاهی خلق که جان پاک خود را درراه آرمانش باخت .

عباس یکی از هواداران پاکباز و صدیق سازمان مجاهدین بود این را وقتی به خانه محقرش رفتیم بخوبی دریافتیم اتاقش پراز کتابها، پوستر ها و اعلامیه های سازمان بود .

او به سازمان وبه ایدئولوژی آن عشق می ورزید ، زیرا بقول خودش سازمان مجاهدین را مدافع حقوق زحمتکشان ،کارگران ودهقانان یافته بود .

درمیان وسائل او نامه‌ای هم خطاب به سازمان مجاهدین پیدا کردیم که فرصت نیافته بود آنرا پست کند اما شهادتش نامه را بدست ما و پیامش را به گوش همه خلق رساند از سطر سطر این نامه ایمانی پرشور و ذهنی بیدار و فعال می تراود،

در اینجا قسمتی از نامه اش را باهم می‌خوانیم:

حضور برادران و خواهران مجاهدم :

پس ا زعرض سلام از خدا میخواهم که حال شما خوب باشد .

من (عباس عمانی) یکی از طرفداران سازمان شما می باشم که دیپلم چهارم نظری را گرفته‌ام و درپروانه سازی درنعمت آباد شبها کار می کنم و تا آنجا که امکان داشته است برادران کارگرم را راهنمائی کرده ام تا هوادار سازمان باشند و همچنین درمحل زندگیمان ، شیر خورشید ، چهارراه عباسی نیز دوستانم را نیز بیشترشان را هوادار سازمان کرده ام وبعضی از بچه های فامیلهایمان را نیز همینطور.

از گفتن این مطالب نه پاداش می خواهم و نه برای خود ستایی ،چون حقیقت را همیشه باید ترویج کرد ،بلکه منظورم از مطالب بالا روشن کردن خودم برای شما است ...

پدرش می گفت اصلا او همه زندگیش همین کارها بود

همه اش به فکر فقرا ،گود نشینها ،زاغه نشینها و ... محرومین بو د لباس نو نمی پوشید و می گفت پدرجان ما باید بفکر آنها که بافلاکت زندگی می کنند باشیم!

یکی از کارگرهای همکارش درباره او می گفت :

درکارگاه همیشه به روشنگری می پرداخت و بحث می‌کرد و آنی از جوش و خروش نمی ایستاد ، همیشه یکی دوتا ماژیک درجیبش داشت و با آنها تراکت برای سازمان تهیه می کرد

او می گفت من پول زیادی ندارم که تراکت چاپ کنم اما این کار را که می توانم بکنم ! پس تا نیمه های شب بیدار می نشست و تراکت تهیه می کرد و صبح آنها را پخش می نمود هیچ وقت از مطالعه غافل نبود درخانه درکارگاه با ولع بسیار کتاب می خواند بخصوص کتابهای سازمان را ،کتابهائی که به او آگاهی و شور می داد، وقتی هم که پیکر نمیه جانش را درمیان گل و لای یخزده بیابان یافتند، باز با خودش کتاب همراه داشت دفاعیات سعید محسن ! براستی که برادر ارزشمندی را ازدست دادیم .

منبع : نشریه مجاهد شماره ۲۱ ـ (۲۸ / ۱۰ / ۱۳۵۸)

تاریخ نشریه : ۹ / ۱۱ / ۱۳۵۸



بخش‌هایی از اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران دربارهٔ

شهادت یکی از هواداران سازمان بدست اوباش چماقدار وهشتمین سالروز شهادت مجاهد شهید

احمد رضایی

بدنبال تهاجمات سراسری عمال ارتجاع به مراکز و دفاتر هواداران سازمان در انتخابات ریاست جمهوری مطلع شدیم که روز جمعه ۲۸ دی ۱۳۵۸ برادر مجاهد عباس عمانی راکه درحوالی ابتدای جاده ساوه مشغول چسباندن پوسترهای تبلیغاتی کاندیدای مجاهدین خلق برادرمجاهد مسعود رجوی بود مورد تهاجم قرار داده وبا ضربه های چماق جمجمه‌اش را می شکنند و به شهادتش می رسانند.

خواهران و برادران رزمنده

هر چند در همان روزهای اول شهادت برادرکارگرمان عباس عمانی با تحقیقات دامنه دار وبدست آوردن مدارک متقن ،جوانب مسئله و علت شهادت این برادر برایمان روشن شد ولی برای برگزار شدن هر چه آرامتر انتخابات (چنانکه سازمان دراعلامیه اش قول داده بود)از اعلام خبر شهادت این مجاهد قهرمان وبرپایی مراسم بزرگداشت خود داری کردیم واکنون ضمن اعلام این مطلب که عباس عمانی شهیدی است از جمله شهدای پرافتخار سازمان یاد آور می شویم که برای بزرگداشت شهادت مجاهد شهید احمد رضایی اولین شهید سازمان و شهادت مجاهدشهید عباس عمانی شهید آخر سازمان مجاهدین خلق ایران مراسمی از ساعت دو نیم بعد از ظهر روز چهارشنبه ده بهمن ماه در محل زمین چمن دانشگاه تهران برگزار خواهد شد .

درخاتمه خطاب به مقامات مسئول که بارها اعلام خطرها وتقاضاهای قانونی ما رانسبت به حملات ایادی ساواک و ارتجاع به مراکزمان مسکوت و بلاجواب گذاشته اند و تا این ساعت کمترین اقدامی درقطع ید نسبت به این عوامل بعمل نیاورده اند توجه می دهیم که استفاده نکردن هوادارانمان از حق قانونی وشرعی دفاع از خود نباید سلب مسئولیتهای این مقامات وبه نشانه تحمل همیشگی تجاوزات تلقی شود.

مجاهدین خلق ایران ۵/بهمن /۵۸

××××××

شهید کارگر عباس عمانی

خون عباس و عباسها به گردن کسانی است که از فراز منابر و تریبون های غصب شده فتوا صادر می کنند که بزنید ،بکشید ،گلو پاه کنید و دیگر پوستر پاره نمی کنیم بلکه گلو پاره می کنیم؟!!

خبر سنگین بودو تلخ ؟!!گاهی کلمات برای بیان احساس چه ضعیف و بیچاره اند ! سنگین!...تلخ !....نه، چه میگویم این از آن خبرها بود که جگر را آتش می زدا!وقتیکه خبر رسید که یکی از بچه ها را حین فعالیت انتخاباتی برای کاندیدای سازمان ما با قساوت تمام کشته اند با اینکه همیشه با حملاتی که به بچه ها می شد انتظار چنین واقعه ای را داشتیم اما لحظه ای بهتمان زد ،سپس همه وجودمان نعره شد که آخر خدا!....

اما اشکها را آشکار نکردیم ،بغضهایمان را فروخوردیم و نعره هایمان را درگلو شکستیم و صبر کردیم تا نگویند که می خوهند انتخابات را بهم بزنند اما حالا این درد را با خلق خود می گوئیم و داد می خواهیم: آخر مگر اینهمه رذالت ممکن است ؟!

جوانی را میکشند تنها به این گناه که وعده های مقامات راکه انتخابات آزاد است ! و هر کس می تواتد برای کاندیدای مورد علاقه اش تبلیغ کند و هیچکس نباید معترض شود! "باور کرده و پا به میدان گذاشته تا برای سازمان و کاندیدای مورد اعتمادش تبلیغ کند.

چگونگی ماجرا

روز شنبه ۲۹ /۱۰/ به ما خبر رسید که یکی از کارگران جوان هوادار سازمان بنام ابوالفضل (عباس) عمانی درحالیکه مشغول نصب پوستر و اعلامیه های تبلیغاتی سازمان برای کاندیدائی برادر مجاهد مسود رجوی بوده مورد هجوم چماق داران و چاقوکشان ارتجاع قرار گرفته و بشدت مصدوم و مجروح شده و سپس دربیمارستان در گذشته است ،از قرار معلوم مهاجمین جنایتکار پس از مضروب کردن عباس پیکر نیمه جان وی را به محلی در جاده ساوه منتقل می کنند و در بیابان می اندازند ،مشخص نیست که عباس چند ساعت بحا ل اغماء درسرمای کشنده بیابان قرارداشته ،بهر حال پیکر خونین و نیمه جان او را ماموران پاسگاه نعمت آباد در ساعت هفت ونیم صبح روز جمعه ۲۸ دی (۱۳۵۸) می یابند و به پاسگاه منتقل می کنند ،دراینموقع عباس هنوز نیمه جانی داشته مامورین پاسگاه از وی و حادثه ای که برایش اتفاق افتاده سوال می کنند ،این پرس و جوی مقدماتی که درپاسگاه بعمل آمده و مشخص می کند که عباس عمانی هوادار سازمان مجاهدین بود ه ودرحین تبلیغات به نفع کاندیدای این سازمان مورد هجوم قرار می گیرد این مسئله با وسائلی که از عباس و محتویات جیب وی بدست آمده و صورت مجلس شده تائید می شود که عبارتند از :

۱- تراکتهای تبلیغاتی مسعود رجوی
۲- دفاعیات مجاهد شهید سعید محسن
۳- یک نسخه روزنامه فریاد گود نشین
۴- ماژیک بزرگ
۵- یک نامه خصوصی

عباس توسط جوانمرد "حسن حاج شماعی " ا زپاسگاه به بیمارستان شماره ۲ بیمه های اجتماعی منتقل می شود و در آنجا پس از معاینه پزشک بستری می شود ،پزشک معالج نیز علت مراجعه را ضربه مغزی دراثر کتک نوشته است در اینموقع عباس هوشیاری مختصری داشته و با ز به سوالات پزشک با اشاره سر جواب می داده است درزیرکلیشه صورت جلسه ای را که دربیمارستان تنضیم شده می بینید:

شهادت عباس عمانی ،فاجعه ای که ارتجاع در جریان انتخابات آفرید خون عباس و عباسها به گردن کسانی است که ازفراز منابر و تریبونهای غصب شده فتوا صادر می‌کنند که بزنید ، بکشید ! گلو پاره کنید و دیگر پوسترپاره نمی کنیم بلکه گلو پاره
می کنیم !

محترما درتاریخ ۵۸/۱۰/۲۷ که اینجانب همراه جوانمرد حسن حاج شماعی ،مرحوم عباس عمانی که مجروح و قادر به تکلم نبود به بیمارستان شماره (۲) بردیم ودربیمارستان توسط دکتر مربوطه او را پانسمان می‌کرد سوالاتی از مجروح عباس عمانی به شرح زیر بعمل آمد و چون قادر به تکلم نبود با اشاره سر جواب داد.

۱ ــ از عباس عمانی سوال شد که آیا تصادف نمودی؟

ج- جوابی اصلا نداد

۲ ــ سوال شد آیا کتک زدند شما را؟

ج- درجواب با سر اشاره بلی گفت.

۳- سوال شد آیا اعلامیه پخش می کردی؟

ج- با اشاره سر جوا ب داد بلی

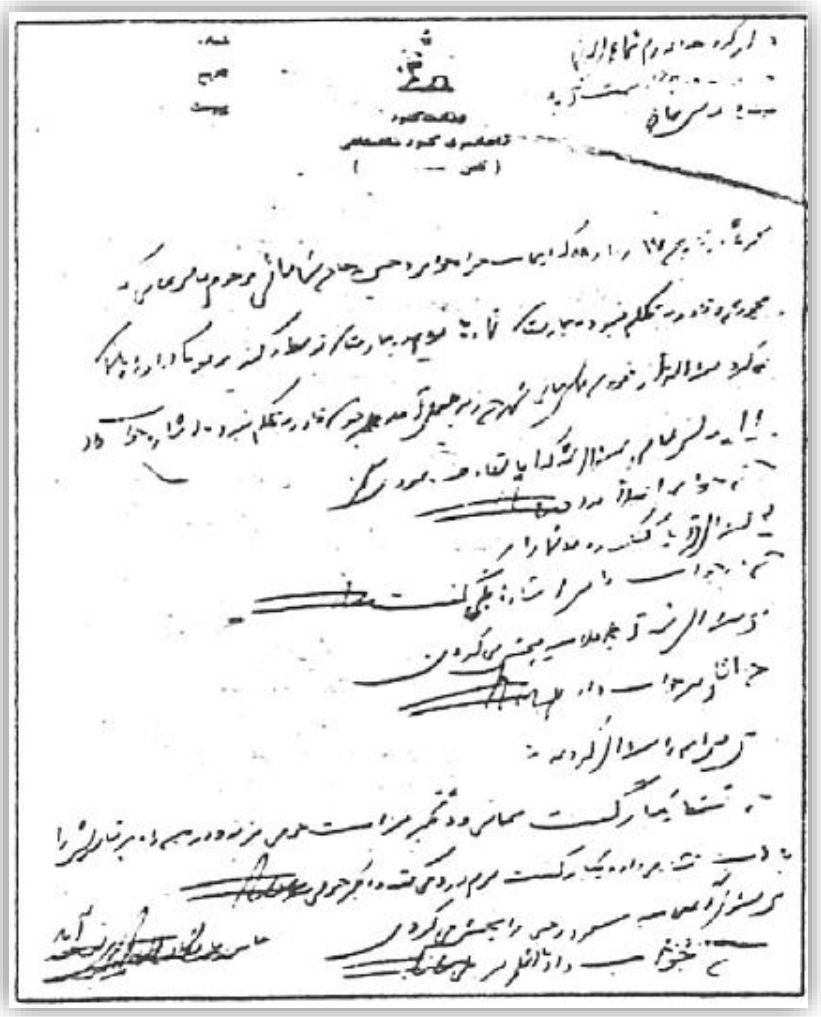
۴- دکتر اسم را سوال کرد ند .

ج- فقط یکبار گفت عمانی و دیگر نتوانست حرفی بزند و دربین راه مرتبا سرش را بادست فشار می داد ویک بار گفت سرم درد می کند ودیگر حرفی نزد .

سوال شد اعلامیه مسعود رجبی (رجوی) را پخش می کرد؟

جواب داد با اشاره سر بلی

امضاء : مامور پاسگاه ژاندارمری نعمت آباد



عباس تا ساعت ۸ شب میان مرگ و زندگی دست و پا میزد تا اینکه در این ساعت جان از پیکر درهم کوفته اش بیرون رفت وروحش به سایر شهدای گلگون کفن راه آزادی و آگاهی خلقها پیوست ،با شهادت عباس عمانی ،شهیدی به شهدای پرافتخار سازمان خونبار ما وداغ ننگی بر ننگهای ارتجاع افزوده گشت.

عباس عمانی که بود ؟

عباس برادری بو دکه اورا پس از شهادتش شناختیم اما اکنون نامش را درکنار والامقام ترین شهدای سازمان می‌نگاریم چرا که از نظر ما مجاهد خلق دیگر اکنون محصور درحصارهای تشکیلاتی نیست ما به برادران و خواهران ناشناخته ای چون عباس که در گوشه و کنار کشور همه توان خود را در تحقق آرمان مجاهدین به خدمت گرفته اند بخود می بالیم و آنها را مجاهد خلق می شناسیم.

عباس فرزندی بود از فرزندان برومند این خلق کبیر کارگری آگاه وزحمتکش و سربازی دلاور از سربازان گمنام راه ازادی و آگاهی خلق که جان پاک خود را درراه آرمانش باخت .
عباس یکی از هواداران پاکباز و صدیق سازمان مجاهدین بود این را وقتی به خانه محقرش رفتیم بخوبی دریافتیم اتاقش پراز کتابها، پوستر ها و اعلامیه های سازمان بود .
او به سازمان وبه ایدئولوژی آن عشق می ورزید ، زیرا بقول خودش سازمان مجاهدین را مدافع حقوق زحمتکشان ،کارگران ودهقانان یافته بود .
درمیان وسائل او نامه‌ای هم خطاب به سازمان مجاهدین پیدا کردیم که فرصت نیافته بود آنرا پست کند اما شهادتش نامه را بدست ما و پیامش را به گوش همه خلق رساند از سطر سطر این نامه ایمانی پرشور و ذهنی بیدار و فعال می تراود در اینجا قسمتی از نامه اش را باهم می‌خوانیم:
حضور برادران و خواهران مجاهدم :
پس ا زعرض سلام از خدا میخواهم که حال شما خوب باشد .
من (عباس عمانی) یکی از طرفداران سازمان شما می باشم که دیپلم چهارم نظری را گرفته‌ام و درپروانه سازی درنعمت آباد شبها کار می کنم و تا آنجا که امکان داشته است برادران کارگرم را راهنمائی کرده ام تا هوادار سازمان باشند و همچنین درمحل زندگیمان ، شیر خورشید ، چهارراه عباسی نیز دوستانم را نیز بیشترشان را هوادار سازمان کرده ام وبعضی از بچه های فامیلهایمان را نیز همینطور.
از گفتن این مطالب نه پاداش می خواهم و نه برای خود ستایی ،چون حقیقت را همیشه باید ترویج کرد ،بلکه منظورم از مطالب بالا روشن کردن خودم برای شما است ...
و به راستی عباس یکپارچه شور وانگیزه و ایمان بود ،به محرومان عشق میورزید و علیرغم فشار زندگی کار و درس از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی ای که راه نجات را
در آن می دید آنی غافل نبود ،پدرش می گفت اصلا او همه زندگیش همین کارها بود
همه اش به فکر فقرا ،گود نشینها ،زاغه نشینها و ... محرمین بو د لباس نو نمی پوشید و می گفت پدرجان ما باید بفکر آنها که بافلاکت زندگی می کنند باشم! یکی از کارگرهای همکارش درباره او می گفت :
درکارگاه همیشه به روشنگری می پرداخت و بحث می‌کرد و آنی از جوش و خروش نمی ایستاد ، همیشه یکی دوتا ماژیک درجیبش داشت و با آنها تراکت برای سازمان تهیه می کرد
ـ او می گفت من پول زیادی ندارم که تراکت چاپ کنم اما این کار را که می توانم بکنم ! پس تا نیمه های شب بیدار می نشست و تراکت تهیه می کرد و صبح آنها را پخش می نمود هیچ وقت از مطالعه

غافل نبود درخانه درکارگاه با ولع بسیار کتاب می خواند بخصوص کتابهای سازمان را ،کتابهائی که به او آگاهی و شور می داد، وقتی هم که پیکر نمیه جانش را درمیان گل و لای یخزده بیابان یافتند ، باز با خودش کتاب همراه داشت دفاعیات سعید محسن ! براستی که برادر ارزشمندی را ازدست دادیم .

عباس بدست چه کسانی شهید شد ؟

و حالا ما این سوال را می کنیم که برادر مارا چه کسی کشت؟ و این خون ناحق به گردن کیست ؟ ما این سوال را از مردم می کنیم و از مردم انصاف می خواهیم که از انحصار طلبان مرتجع ذره ای انصاف و مروت توقع نداریم .

بی شک خون پاک عباس و عباسها به گردن کسانی است که از فراز منابر و تریبونهای غصب شده فتوا صادر می کنندکه مجاهدین را بزنید! بکشید ،گلو پاره کنید !

این جنایت به گردن آنهایی است که با زشت ترین دشنام ها و وقیحانه ترین و بیشرمانه ترین اتهام ها مردم ناآگاه را علیه ما و هوادران ما تحریک می کنند و همچنین به گردن آنهائی‌ست که این تحریکات شوم را سوار بر امواج صوت و نور تا دور دستها و زوایای کشور می‌گسترانند .

و بالاخره این خون بعهده مسئولانی است که همه هشدارهای ما را به ریشخند گرفتند و هیچ اقدامی در جلو گیری از تجاوز های مکرر مرتجعین بعمل نیاوردند .

آن کسی که درروز راهپیمائی رحلت پیامبر دهن می‌دراند که :

دیگر پوستر پاره نمی کنیم بلکه گلوپاره می کنیم ! این جمجه خرد شده و این شهید بخون تپیده ما را تحویل بگیرد ولی بداند که مارا از این شهادتها باکی نیست ، ما از این شهیدان بسیارداده ایم وآماده ایم که بازهم بدهیم ما همان روز اول که قدم در این راه خونین گذاشتیم حساب همه چیز را یکبار برای همیشه با خود کردیم ، ولی عمال ساواک و ارتجاع نیز بداند که نصیبشان از این خونها بیش ازآنچه نصیب دژخیمان و قدر قدرتان رژیم شاه ، نصیری ها ، خسرو دادها و ناجی ها شد نخواهد بود !

آیا از تاریخ عبرت نمی گیرید ؟

ما همه این بیدادها را به پیشگاه خدا و خلق شکایت می بریم وروزی را که مجرمین به کیفر اعمالشان برسند انتظارمی کشیم ،آیا آن روز دور است ؟

فَتَرَبَّصُواْ إِنَّا مَّعَكُم مَّتَرَبِّصُون َ!

.....

مجاهد شهید:عین الله پورعلی

تاریخ شهادت:۳ ــ ۱۲ -۱۳۵۸

محل شهادت:قائم شهر

نحوه شهادت:به علت شدت جراحت بر اثر ضربات چماقداران حکومتی

معلم شهید عین الله پور علی درسال ۱۳۳۷ درروستای تلنار واقع درقریه‌ی چیگرود حومه جویبار قائم شهر، درخانواده ای بسیارفقیر که از طریق کشاورزی روزگار می‌گذراندند به دنیا آمد .

وی همانند بسیاری از کودکان روستایی به‌علت فقر مجبور شد که دوران کودکی خود را به کار در مزرعه بگذراند.

از آنجایی که پدرش علاقه‌ی فراوانی به او داشت با همه‌ی گرفتاری‌ها و مشقات زندگی او را درهفت سالگی به مدرسه فرستاد . وی از دانش آموزان ممتاز کلاس بود و درروزهای تعطیل به ویژه درایام تابستان درکار کشاورزی به پدر و مادر ش کمک می کرد .

پس ا ز طی دوره ی اول دبیرستان وی که از لحاظ مالی درفشار وتنگا بود، دردانشسرای مقدماتی شبانه روزی فرح آباد ثبت نام کرد و تابستانها به طور روزمزد درشرکت های ساختمانی مشغول به کار می‌شد .

این دوران از زندگی وی مصادف با اوجگیری تظاهرات و قیام مردم بر علیه نظام ستم شاهی گردید.وی با شرکت فعال در تظاهرات بر علیه دیکتاتوری و راه اندازی یک کتابخانه کوچک در روستای خود، بذر آگاهی را به میان کودکان و فرزندان روستا میبرد.

عین اله پس از اتمام دوره ی دانشسرا درروستای مجاور (مشک آباد) معلم شد و با شور وشوقی فراوان به تربیت دانش آموزان و روشنگری درسطح روستا پرداخت،و از کتابخانه کوچک خود بعنوان مکانی برای روشنگری کودکان روستا و آشنایی هر چه بیشتر روستائیان به حقوقشان استفاده میکرد.امری که به مذاق فئودال منطقه که وی با اتکاء به پاسداران و آخوندهای حاکم همچنان در صدد بهره کشی از روستائیان بود خوش نمی آمد.همین امر موجب شد تا وی توسط عوامل فئودال منطقه مورد هجوم قرار گیرد.

عین الله پور علی، این معلم آزاده سرانجام گمشده خود را یافت. و پس از آشنایی با سازمان مجاهدین و آرمانهای آن، به عنوان یک هوادار تمامی امکانات ناچیز خود را در راه آزادی و برقراری یک جامعه عاری از بهره کشی قرار داد.

عین الله شهید که در این راه سر از پای نمی شناخت، سرانجام در روز سوم اسفند ۱۳۵۸ ، در حالی که تنها یکسال از آزادی مردم و میهن از نظام ستم شاهی گذشته بود و در هنگامی که همراه با دیگر یاران خود حلقه ای انسانی به دور مرکز مجاهدین در شهر قائمشهر، که مورد هجوم چماقداران

حکومتی قرار گرفته بود، بوجود آورده بودند،مورد حمله چماقداران قرار گرفت و به دلیل ضربات شدید چماق بر سر و رویش بشدت مجروح شد و در بیمارستان ولی عصر قائم شهرجان باخت.
چماقداران ارتجاع،شبانه پیکر پاک این شهید را از بیمارستان ربودند و با تلاشی مذبوحانه مبنی بر اینکه وی بر اثر سکته قلبی فوت نموده وی را دفن کردند.
اما ترفندها و دروغپردازی‌های ارتجاع و عوامل آن در منطقه با حضور پرشور صدها تن از روستائیان و شاگردان معلم شهید در هنگام برگزاری مراسم توسط خانواده این شهید، و سخنرانی ابوذر ورداسبی بر سر مزارش و گرامیداشت این هوادار صدیق مجاهدین نقش بر آب شد.
سازمان مجاهدین خلق ایران مرکز قائمشهر با صدور اطلاعیه ای ضمن بزرگداشت این شهید والا اعلام کرد« بار دیگر شهیدی، به قافله سرخ شهیدان سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست. شهدای عزیز و والامقام، شهدائی که خون پاکشان همه مرتجعین را از صفحه تاریخ پاک خواهد کرد. شهید، عین الله پورعلی، معلم، روستازاده پاکباخته‌ای بود که آرمان توحیدی خود را در سازمان مجاهدین خلق یافت . و سرانجام نیز جان خود را در راه حفظ و حراست ازآرمانش فدا کرد.»

فصل اول

بخش سوم:

(شهدای سال ۵۹)

« سازمان مجاهدین خلق ایران »


مجاهد شهید
رضا حامدی

منبع : نشریه مجاهد شماره

مجاهد شهید رضا حامدی

تاریخ شهادت : ۲۳ فروردین ۱۳۵۹

محل شهادت : خمین

نحوه شهادت : ترور به وسیله رگبار مسلسل چند موتور سوار

مجاهد شهید رضا حامدی،از جوانان پرشور شهر خمین که جوانی خود را با شرکت در تظاهرات و اعتراضات بر علیه نظام ستم شاهی آغاز و پس از سرنگونی نظام سلطنت یکی از هواداران کوشا و فعال سازمان مجاهدین خلق ایران در این شهر بود در شامگاه شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۵۹ در ساعت۱۰/۳۰ هنگامی که عازم منزل خواهر خود بود مورد هجوم گله ای از موتور سواران مسلسل بدست وابسته به حکومت قرار گرفت و جان خود را در راه آزادی مردم و میهن فدا نمود.

وی که پس از پیروزی انقلاب ضد سلطنتی با راه اندازی کتابفروشی طالقانی در شهر خمین، جوانه های آگاهی را به میان نسل جوان میبرد بارها و بارها توسط ایادی ارتجاع و عوامل کمیته های پاسداران مورد تهدید و ارعاب قرار گرفته بود اما هر بار مصمم تر از پیش بر عزم خویش برای ماندگاری در راه آرمانی که آگاهانه انتخاب کرده بود پای می فشرد.

ویژگیهای برجسته رضا و اخلاق انقلابی این جوان پر شور، از وی چهره ای دوست داشتنی در میان مردم و جوانان شهر خمین بوجود آورده بود. به گونه ای که در فردای این جنایت پاسداران ارتجاع، مدارس شهر به کلی تعطیل گردید و پیکر پاکش به همراه عده کثیری از یاران و همشهریانش با شکوهی خاص تشیع و به خاک سپرده شد.

سازمان مجاهدین خلق ایران در ۳۰ فروردین ۱۳۵۹ با صدور اطلاعیه ای، ضمن گرامیداشت یاد این مجاهد شهید تاکید کرد«سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن تهنیت و تسلیت به خانواده‌ی شهید و تمامی خلق قهرمان ایران، رضا حامدی راکه گناهی جز نشر عقاید و مواضع مجاهدین در منطقه نداشت، هدیه‌ی خونین دیگری به تاریخ رهائی این میهن از قید ستم‌های استبدادی و استعماری و استثماری می‌شناسد.
گرچه گمان می‌رود که دادخواهی‌های ما از مقامات مسئول در قبال همه‌ی ضرب و جرح‌ها و شهادت‌ها که طی این مدت تحمل کرده‌ایم باز هم بی‌نتیجه خواهد ماند، اما با اینهمه از تمام آنان می‌خواهیم تا خون جوانان غیور این میهن را در چنگ ظالمان قصاص ناشده نگذارند .»

منبع : سر مقاله نشریه مجاهد شماره ۱۰۹ ـ به تاریخ : ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۵۹

مجاهد شهید هوشنگ رستمی
تاریخ شهادت : ۹ خرداد ۱۳۵۹
محل شهادت : دزفول
نحوه‌ی‌شهادت :
درتابستان۵۹ تظاهرات و تحصن دیپلمه‌های بیکار مورد تهاجم چماقداران و افراد مسلح سپاه قرار گرفته و در این ماجرا یک نفر شهید می شود، به دنبال آن برادر، هوشنگ رستمی و چند نفردیگر را به عنوان محرک دستگیر و در به اصطلاح دادگاه انقلاب محاکمه و تیرباران می‌کنند .
هیچ عکس یا مطلبی علاوه بر این که در بالا می بینید یافت نشد –

منبع : نشریه مجاهد شماره ۴۷ ـ به تاریخ : ۲ / ۲ / ۱۳۵۹

مجاهد شهید : شکرالله مشکین فام
تاریخ شهادت : ۳۱ / فروردین / ۱۳۵۹
محل شهادت : مشهد
نحوه شهادت: بر اثر اصابت گلوله پاسداران به سر



مجاهد شهید
شکرالله مشکین فام

خیابانهای شهر مشهد، در آخرین روز فروردین سال ۵۹ ،از خون صدها تن از جوانان و مردم آزاده این شهر که برای دفاع از مراکز و دفاتر سازمان مجاهدین در مقابل چماقداران و پاسداران ارتجاع حاکم به دور آن حلقه زده بودند رنگین شد.

در این روز مجاهد خلق شکرالله مشکین فام بر اثر اصابت گلوله پاسداران به سرش به شهادت رسید و صدها تن دیگر زخمی و مصدوم شدند.

مجاهدین خلق ایران در اطلاعیه ای به تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۵۹ ،ضمن تشریح حملات بی‌شرمانه و وحشیانه‌ی مشتی چماق‌دار به مراکز مجاهدین خلق و مجروح شدن صدها تن و شهادت حداقل یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در این جنایت اعلام کرد« مشتی اوباش اجیر شده به وسیله‌ی چهره‌های معلوم الحال دراین دو روز خواهران و برادران ما را که در ساختمان‌های مجاهدین خلق در مشهد مشغول فعالیت‌های سیاسی خود بودند، وحشیانه مورد حمله و هجوم قرار دادند. و درنتیجه صدها زخمی و لا اقل یک نفر شهید به جا گذاشتند و به حق روی چماق داران آریامهری را سفید کردند.»

در این روز مجاهد خلق شکرالله مشکین فام دانشجوی دانشگاه مشهد و مسئول شاخه معلمین سازمان مجاهدین بر عهد و پیمانهای خود مبنی بر آزادی مردم و میهن وفا نمود.

وی دوران دبیرستان را در دبیرستان هدایت مشهد گذرانید و درسال پنجاه وارد دانشکده ادبیات مشهد شد. او از بدو ورودش به دانشگاه ، این سنگر آزادی، در کسوت یک دانشجوی مبارز در صفوف

دانشجویان آگاه بر علیه رژیم ستم شاهی مبارزات خود را آغاز کرد و در سال ۵۳ بواسطه همین فعالیتها توسط دژخیمان ساواک دستگیر و روانه زندان شد. او در ساواک ،زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت.وی در زندان توانست گمشده مبارزاتی خود را پیدا کند و در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق قرار گرفت.

پس از طی دوران زندان دوباره به دانشکده باز گشت و تا پیروزی انقلاب ضد سلطنتی در سنگر دانشگاه به رزم بی پایان خود ادامه داد.
پس از پیروزی انقلاب به عنوان یک مسئول در شاخه خراسان سازمان مجاهدین خلق به ادامه آرمان آزادیخواهانه خویش همت گماشت و سرانجام پس از سالیان مبارزه برای آزادی در روز ۳۱ فروردین در حمله پاسداران و چماقداران ارتجاع به دفاتر و مراکز مجاهدین بر اثر اصابت گلوله پاسداران به شهادت رسید.
برادر مجاهد مسعود رجوی با صدور بیانیه ای خطاب به مردم مشهد ،ضمن گرامیداشت این شهید نوشت« مرتجعین با اوباشان و دژخیمانشان بیهوده تلاش می‌کنند که نسل مطهری را که شما در دامن خود و درسایهٔ توجهات تأمن الائمه علیه السلام پرورانده‌اید از دم تیغ بگذرانند و بخشکانند .
و چنین است که مشهد قهرمان که باز هم جگر سوخته و خونین و داغدار است پیوسته یکی از مهم‌ترین سرپناه‌های فرزندان مجاهدش باقی خواهد ماند.»
جنایت حمله به مراکز مجاهدین در مشهد که منجر به زخمی شدن صدها تن از مردم آزاده و آگاه این شهر شد بازتاب وسیعی از خود بر جای گذاشت.
شورای دانشگاه مشهد با صدور اطلاعیه ای ضمن محکوم کردن این جنایت با اعلام سه روز عزای عمومی در دانشگاه تمامی کلاسهای درس دانشگاه را به مدت سه روز تعطیل نمود.
روز دوشنبه دوم اردیبهشت شهر مشهد شاهد حضور دهها هزار تن از مردمی بود که برای گرامیداشت فرزند انقلابی و مجاهد خود در اطراف بیمارستان مصدق برای تشییع پیکر پاک این مجاهد گرد آمده بودند.

منبع : نشریه مجاهد شماره‌های ۶۲ ، ۷۷ و ۱۰۹ (۲۳ / ۱۱ / ۱۳۵۹)

مجاهد شهید احمد گنجه ای

تاریخ شهادت : ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹

محل شهادت : رشت

نحوه شهادت : بر اثر شلیک گلوله پاسداران

××××××

مجاهد شهید احمد گنجه ای، جوانی پرشور از خطه سر سبز گیلان و از جوانانی بود که سلاح میرزا کوچک خان را اینبار در کسوت هواداری از مجاهدین و فروش نشریه مجاهد بر دوش میکشید.وی در روز سوم اردیبهشت ۱۳۵۹ در خیابان تختی رشت، توسط اراذل و اوباش سلاح بدست ارتجاع به جرم هواداری از مجاهدین و افشاندن بذر آگاهی در میان توده ها به ضرب گلوله جان پاک خود را فدیه آزادی و رهایی مردم و میهن نمود.

برادر مجاهد مسعود رجوی در سخنرانی تاریخی «چه باید کرد» در امجدیه در تاریخ ۱۹ اردیبهشت پیرامون شهادت این مجاهد خلق گفت« سوم اردیبهشت برادر ما احمد گنجی در رشت در خیابان تختی به ضرب گلولهٔ نامردمانی که از تهران برای انقلاب فرهنگی، رفته بودند، به ضرب گلوله ژ-۳ به شهادت رسید، و بازهم جنگل سرسبز گیلان خون فام شد. در این فواصل، آتش زدن، ریختن، سوختن، مجروح کردن، در بسیاری از شهرها فراوان داشتیم .»

منابع: نشریه مجاهد شماره ۶۷-۱۰۹- ۸۷



مجاهد شهید جلیل مرادپور

تاریخ شهادت : ۹ اردیبهشت ۵۹

محل شهادت : بخش نوخندان شهرستان دره گز

نحوه‌ی شهادت : هنگام فروش نشریه‌ی مجاهد به ضرب چاقو به شهادت رسید .

محل شهادت : بخش نوخندان شهرستان دره گز

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۶۷ ــ به تاریخ : ۲۸ / ۲ / ۱۳۵۹

مجاهد شهید جلیل مراد پور،دانش آموز ۱۷ ساله ای بود که همچون دیگر پرستوهای پیام آور رهایی و آزادی به جرم پراکندن بذر آگاهی در میان مردم این مرز و بوم در عنفوان جوانی با دشنه ای در سینه، جان خود را فدای آزادی این مردم و میهن نمود.

وی در سال ۱۳۴۲ در بخش نوخندان در یک خانواده فقیر روستایی دیده به جهان گشود.وی تنها فرزند خانواده فقیر روستایی بود که توانست تا سوم راهنمایی تحصیل کند.دیگر برادران و خواهران وی بعلت فقر فزاینده خانواده قادر به تحصیل نبودند.

جلیل پس از پیروزی انقلاب ضد سلطنتی و آشنایی با آرمانهای مجاهدین به عنوان یک هوادار، با فروش نشریه مجاهد در شهرستان خود پیام آور آزادی و رهایی شد.و سرانجام جان پاک خود را نیز در همین راه فدیه آزادی نمود.

در غروب روز نهم اردیبهشت ۵۹ توسط چاقویی که یکی از عوامل ارتجاع به نام اردشیر توفیقی در قلب پاکش فرو کرد جان باخت.

مادری که شاهد این جنایت بود و مراتب را نیز به ژاندارمری اطلاع داده بود، طی نامه‌ای به رئیس ژاندارمری گفته است که اقوام قاتل او را مرتب مورد تهدید قرار داده و گفته‌اند به خاطر شهادتش علیه اردشیر توفیقی از او انتقام خواهند کشید .

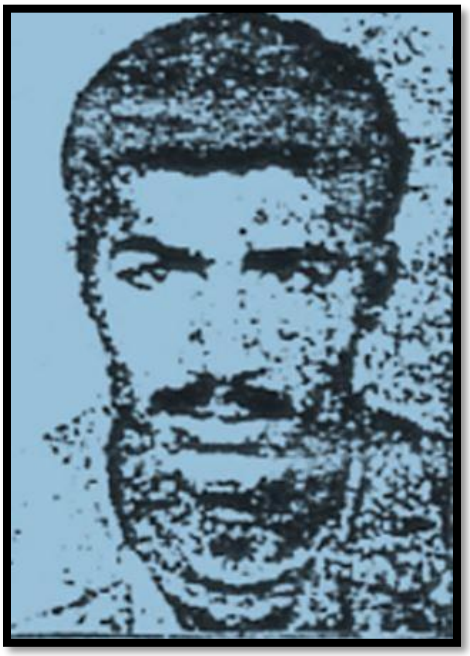
نشریه مجاهد،ارگان سازمان مجاهدین در مقاله ای به تاریخ ۲۴ / ۳ / ۱۳۵۹ در باره جنایت قتل این پرستوی خونین بال نوشت« راستی چرا برای جلوگیری از فروش مجاهد حتی خون نوجوانی به خاک ریخته می‌شود؟ مگر وحشت واپسگرایان و انحصار طلبان از چیست ؟روزنامه ای که تا اعماق روستاهای فقر زده‌ی ما نفوذ کرده چه منافعی از این عناصر را به خطر انداخته است؟»

در این جا بار دیگر ضمن یادآوری مسئولیت اسلامی مقامات اطمنیان می‌دهیم که اگر رساندن پیام مجاهدین به این خلق تحت ستم و باز گفتن حقایق برای آنان این همه برای واپسگرایان و منافعشان ایجاد خطر می کند پیام رسانان پرشور و انقلابی حتی به قیمت از دست دادن جانشان نیز از مبارزه ی بی امانشان درراه حق و حقیقت دست نخواهند کشید ضرب و جرح روزانه و شهادت آنها نیز شاهد این مدعاست .»

برادر مجاهد مسعود رجوی نیز در سخنرانی تاریخی خود به نام «چه باید کرد» به تاریخ ۱۹ اردیبهشت پیرامون شهادت مظلومانه جلیل مراد پور گفت« ۹ اردیبهشت در دره گز، یک قاصدک جوان دیگر، برادر کوچک مجاهد فروش، جلیل مرادپور دانش آموز سال‌های اول دبیرستان، به ضرب دشنه‌ای که در قلبش فرو کردند، در خون غلتید.»

منبع : نشریه مجاهد شماره ۵۸ به تاریخ : ۱۷ / ۲ / ۱۳۵۹

مجاهدشهید سیاوش شمس
تاریخ شهادت : ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹
محل شهادت : اصفهان
نحوه شهادت:بر اثر ضربه دشنه پاسداران به قلبش



مجاهد شهید، سیاوش شمس، درجه دار آزاده و انسان شریفی بود که در روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ در اصفهان و در هنگامه دفاع از یک نوجوان مجاهد فروش، بر اثر ضربه دشنه پاسداران و اوباشان حکومتی به قلب پاکش، جان خود را فدای آزادی نمود.
نشریه مجاهد به تاریخ ۱۷ اردیبهشت پیرامون شهادت مظلومانه این درجه دار آزاده نوشت«شهادت یک درجه‌دار آزاده
میلیون‌ها انسان رنجدیده‌ی این مرز و بوم که سالهای متمادی زیر چکمه دیکتاتوری له شده اند، لحظه‌یی فرصت تنفس در فضای آزاد را نیافته بودند، به جان آمدند، به پا خواستند، برای آزادی فریاد زدند، به زندان افتادند و شکنجه شدند.

هزاران هزار درخیابانها به خاک وخون کشیده شدند و بالاخره پوزه دیکتاتور را به خاک مالیدند وکاخ او را واژگون کردند. اما صد افسوس که اوباشان چماق‌دار انحصارطلب که به حق پس مانده‌های چماق‌داران دیکتاتور سرنگون شده‌اند، از همان فردای انقلاب تلاشی گسترده را برای باز پس گرفتن گوهر آزادی از این همه انسان مظلوم بی‌شرمانه آغاز کردند. هر جا که اثری از آزادی دیدند به آن تاختند.

آری این چنین بود که سیاوش شمس این درجه‌دار انسان‌دوست آزاده‌ی مسلمان که سالهای سال از نزدیک سیستم سرکوبگر دیکتاتوری را لمس کرده، سیستم اختناق را با تک تک سلول‌هایش تحمل نموده بود، وقتی در خیابان‌های اصفهان فروشنده نشریه‌ی مجاهد، پیک آگاهی و آزادی را در معرض تهاجم اوباش چماق‌دار، یعنی قاتلان صبح آزادی و حامیان انحصارطلبی واختناق می‌بینند، به یک باره می‌خروشد و خود را چون سپری بین سربازان اختناق و فروشنده مجاهد قرار می‌دهد .

آخر او می‌داند که مجاهد فریادی است که در شب‌های تیره اختناق که عافیت جویان در لانه‌های‌خود راحت گزیده بودند در سراسر این مرز و بوم در طنین بود. آری او می‌دانست که تلاش برای خاموش کردن فریاد مجاهد چیزی جز تکرار فاجعه تسلط دیکتاتوری در این مرز و بوم نمی‌تواند باشد که اگر مجاهد را هم بتوانند خاموش کنند، مجاهدی که دستگاه قلدر پهلوی با تمام طول و عرضش از خاموش‌کردن‌آن عاجز مانده بود، معنایی جز به قتل‌گاه بردن آزادی نخواهد داشت .

و این چنین سیاوش قهرمان، پیکارگر صدیق راه آزادی خلق با دست خالی و قلبی لبریز از ایمان، عشق به بهروزی مردم درمقابل قداره‌بندان چماق‌دار قرار می‌گیرد.»

شهادت سیاوش قهرمان موجی از تنفر و انزجار عمومی مردم شریف اصفهان را در پی داشت.بگونه ای که استادان دانشگاه‌ها و مدارس عالی اصفهان در نامه ای به رئیس جمهور وقت نوشتند« به نام خدا سیر جریان‌های ارتجاعی که سابقه‌ی طولانی دارد، به صورت حمله به مراکز نیروهای انقلابی، حمله به کتاب‌فروشی‌ها، ضرب و جرح فروشندگان نشریه‌ها، ترور شخصیت‌ها، حمله به دانشگاه‌ها و به اغتشاش کشاندن جو این محیط مقدس و نمونه‌ی اخیر آن در اصفهان شهادت سیاوش شمس به دست اراذل و اوباش چاقوکش در بعد از ظهر ۲/۱۴ به خاطر دفاع و حمایت از یک فروشنده‌ی مجاهد می‌باشد .»

برادر مجاهد مسعود رجوی در میتینگ امجدیه و در سخنرانی تاریخی «چه باید کرد»پیرامون شهادت سیاوش قهرمان گفت« در۱۴ اردیبهشت- یک قاصدک جوان دیگر آزادی، یک مجاهد فروش در اصفهان مورد اهانت و گستاخی و تهاجم چماق داران و اوباش قرار گرفت. یک درجه دار آزاده و غیرتمند، یک انسان شریف، یک رادمرد ارتشی به نام سیاوش شمس به دفاع از او برخاست، ولی دشنه به قلب خودش نشست و شهید شد، و به این ترتیب نام سیاوش شمس درجه دار انقلابی ارتش، تا ابد

بر پرچم خونبار مجاهدین خلق نقش شد. سلام بر سیاوش شمس، سلام بر درجه داران انقلابی ارتش، و به این ترتیب بود که ما اعلام می‌کنیم، از این پس سیاوش شمس در زمرهٔ پرافتخارترین شهدای مجاهد خلق، به خدا پیوست ، خدایا از ما بپذیر! سیاوش شمس نه فقط شهید" مجاهد" بلکه شهید تمام مطبوعات آزاده کشور است. مطبوعات آزادهٔ کشور، بر شما این شهید مبارک باد.»

پیکر پاک این مجاهد در آبادان، شهر زادگاهش با حضور هزاران تن از مردم آزاده تشییع و به خاک سپرده شد.

منبع : سر مقاله نشریه مجاهد شماره ۷۸ ـ به تاریخ : ۱۱ / ۳ / ۱۳۵۹

مجاهد شهید احد عزیزی

تاریخ شهادت : ۹ خرداد ۱۳۵۹

محل شهادت : اردبیل

نحوه‌ی شهادت : بر اثر اصابت گلوله پاسداران در هنگام حفاظت از ساختمان انجمن جوانان مسلمان اردبیل در مقابل حمله اوباش و پاسداران

احمد عزیزی،معلم زحمتکش روستاهای محروم اردبیل در تاریخ ۵۹/۳/۷ و در هنگامه دفاع از ساختمان انجمن جوانان مسلمان اردبیل در مقابل حمله پاسداران و اوباش مسلح به ضرب گلوله های ژ-۳ یکی از مهاجمین به نام طاهر عصایی به شدت مجروح شده و۳ روز بعد به شهادت در بیمارستان به شهادت رسید.

سازمان مجاهدین خلق پیرامون این جنایت و شهادت معلم آزاده و هوادار احمد عزیزی در اطلاعیه ای اعلام کرد« روز چهارشنبه ۵۹/۳/۷ ساختمان دفتر انجمن مسلمان اردبیل مورد تهاجم اوباش چماقدار قرار گرفت. و در نتیجه تعدادی از برادران و خواهران ما مورد اصابت گلوله قرار گرفته و در همین جریان برادر دلیر ما احد عزیزی بوسیله گلوله‌ی ژ-۳ به‌شدت زخمی می‌شود .

در این روز پاسداران و اوباش مهاجم در وهله اول مانع انتقال مجروحین به بیمار ستان های شهر می‌شوند و حتی پس از انتقال آن‌ها به بیمارستان نیز دست به محاصره بیمارستان زده و مانع از آن می‌شوند که احد عزیزی و دیگر مجروحین که حالشان وخیم بود به تبریز انتقال یابند، در نتیجه بدن نیمه جان احد عزیزی با تأخیر بسیار زیاد به بیمارستان تبریز منتقل می‌شود ولی معالجات مؤثر واقع نمیشود و این مجاهد قهرمان ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۵۹/۳/۹ به کاروان شهدای پر افتخار مجاهدین خلق می‌پیوندد .»

مجاهد شهید احد عزیزی مدت‌ها معلم روستاهای اطراف شهر اردبیل بود و دراداره ی انجمن جوانان مسلمان این شهر نقش بسیار فعالی به عهده داشت.

بعد از شهادت مجاهد خلق احد عزیزی در بیمارستان، پاسداران تلاش کردند مانع تحویل جسد وی به خانواده شده و مخفیانه او را دفن نمایند که با اصرار و

پافشاری خانواده شهید مواجه شده و سرانجام به هنگام شب و مخفیانه جنازه‌ی شهید را به غسالخانه‌ی اردبیل منتقل می‌کنند و قصد دفن او را داشتند که باز هم با مطلع شدن خانواده از دفن وی جلوگیری به عمل می‌آید و روز شنبه صبح طی مراسم با شکوهی با شرکت بیش از ۱۵ هزار نفر از مردم آزاده اردبیل به خاک سپرده شد.

برادر مجاهد مسعود رجوی در سخنرانی تاریخی خود به نام «چه باید کرد» در امجدیه تهران در باره شهید احمد عزیزی گفت« بعد در۷ خرداد در اردبیل نوبت به برادر دیگری رسید، احد عزیزی معلم روستا، عضو انجمن جوانان مسلمان و چند نفر دیگر تیرخورده، این دفعه کلک دیگر هم سوار کرده بودند، و آن این بود که با تیراندازی های انحرافی می خواستند نشان بدهند که از ساختمان ما هم تیراندازی شده و البته مانع نقل مکان شهید به تبریز هم شدند ، اگر زودتر می رسید شاید زنده می ماند و این اواخر یک روز نبود در هیچ کجا که ما حمله و هجوم و زخمی و مجروح و تیر خورده و شکنجه شده نداشته باشیم.»

منبع : نشریه مجاهد شماره ۸۵ به تاریخ : ۲۰ / ۳ / ۵۹



مجاهد شهید : ناصر محمدی

تاریخ شهادت : ۱۹ خرداد ۱۳۵۹

محل شهادت:تهران ساختمان انجمن میثاق

نحوه شهادت: براثر اصابت گلوله ی پاسدارانی که ازکمیته ستاد میثم منطقه ی ۶ به انجمن جوانان مسلمان میثاق حمله کرده بودند

مجاهد شهید ناصر محمدی از فرزندان طبقه زحمتکش کارگر ایران بود که سراسر عمرش در رنج و کار و مبارزه گذشت . وی در سال ۱۳۴۰ در یکی از محلات فقیر نشین جنوب تهران در یک خانواده‌ی کم درآمد متولد شد .

پدرش کارگر زحمتکشی بود که دائما درگیر رنج و کار طاقت فرسا بود و آخرین اشتغال وی رانندگی یک وانت بار بود که برای یک شرکت کار می‌کرد .

ناصر نیز ضمن ادامه تحصیل با استفاده از ایام تعطیلات تابستان به کارگری می‌پرداخت و تمام دسترنج خودش راصرف کمک به خانواده‌اش می‌کرد . به گفته پدرش، ناصر حتی تا یک روز قبل از شهادتش با وانت از کرج بار می‌آورد و به این ترتیب او را در کارش کمک می‌نمود .

ناصر،ازسال سوم راهنمایی وارد فعالیتهای سیاسی ـ مذهبی شده بود. دوستان و نزدیکانش را نسبت به ماهیت رژیم شاه آگاه می‌کرد، در مساجد جنوب شهر کتابخانه دائر می‌نمود ، جلسات سخنرانی و بحث تشکیل می‌داد نمایشنامه اجرا میکرد و . . .

ناصر برای ساختن کتابخانه‌ای که در یکی از مساجد جنوب شهر قرار دارد ،شخصا به تهیه آجر و مصالح پرداخت و به کمک دوستانش دیوار آن را بالا برد .

تا قبل ازپیروزی انقلاب ضد سلطنتی فعالیت‌های درخشانی در زمینه ارتقاء آگاهی سیاسی مردم منطقه و معرفی چهره‌ی واقعی اسلام انجام داد . وی گروهی به نام " سازمان جوانان مسلمان جنوب شهر " را همراه با تعدادی از دوستانش بوجود آورده بود که بعدها به مجاهدین خلق ایران ملحق شدند و فعالیت‌اش گسترده‌تر گردید .

از جمله کارهای این جوانان برومند انقلابی ازهمان ایام کمک اقتصادی و صنفی به مستضعفین جنوب شهر بود. آنها با ابتکار خودشان در محل پمپ بنزین مخروبه و بلااستفاده‌ای که در جریان انقلاب از بین رفته بود، مستقرشده و با تهیه مواد اولیه‌ی مورد احتیاج مردم محله به قیمت ارزان، سعی داشتندکه موادی از قبیل برنج و تخم مرغ و گوشت و پودر رختشویی و امثالهم را با حداقل قیمت و البته بدون یک دینار استفاده و سود ، در اختیار همشهریانشان بگذارند .

آنگاه پس از انقلاب نیز که ناصر شهید و یارانش به مجاهدین پیوستند باز هم این فعالیت با کمک مجاهدین همچنان تا شب شهادت ناصر و اشغال غیرقانونی مرکز مزبور که اکنون با نام انجمن جوانان مسلمان میثاق (هواداران مجاهدین خلق ایران) فعالیت می‌نمود، ادامه داشت .

ناصر در ایام قیام بهمن ماه نیز فعالانه شرکت داشت و همراه با پدر دلیرش در خلع سلاح پادگان جی شرکت نمود . بعد از پیروزی انقلاب نیز همچنان به فعالیت های انقلابی واسلامی خود ادامه داد.

درهنرستانی که تحصیل می کرد ، با اقداماتی نظیر تهیه‌ی روزنامه دیواری ،کتابخانه انجمن و . . . دائما در جهت بالا بردن بینش سیاسی وعقیدتی همکلاسی‌هایش تلاش می کرد . او عضو ارزشمند " انجمن جوانان مقداد "ومجاهد خستگی ناپذیری بود که تمام زندگیش را وقف آرمان والای توحیدی‌اش کرده بود.

تا اینکه سحرگاه ۱۹ خرداد در ساعت ۳ و پانزده دقیقه‌ی بامداد گروهی افراد مسلح که خود را وابسته به کمیته ستاد میثم منطقه‌ی ۶ معرفی نموده و از پشتیبانی کمیته منطقه ۱۲ نیز برخودار بودند ، مسلحانه به انجمن حمله کردند .
در این حمله ابتدا قسمتی از دیوار انجمن تخریب و پس از وارد شدن به ساختمان اعضاء انجمن را به ضرب مشت و لگدو قنداق تفنگ مجروح ودستگیر کردند . لکن موقعی که جمعی ازمردم محل به نشانه اعتراض به این عمل غیر انسانی در اطراف جمع شدند ،مهاجمین که کلیه‌ی اجناس و مواد غذایی آماده‌ی توزیع انجمن را به حیاط ریخته و چندین تخته پتو را نیز برای خود برداشته بودند ، با هدف‌گیری مشخص به سوی افراد انجمن رگبار آتش گشودند.
. در جریان همین تیراندازیها برادر مجاهد ، شهید ناصر محمدی مورد اصابت چندین گلوله ی ژ-۳ قرار می گیرد و مغز سر او کاملاً متلاشی می شود .
خواهر این مجاهد شهید در مراسم با شکوه امجدیه در سخنانی با گرامیداشت یاد و خاطره وی گفت« مرتجعین تاریخ نمی دانند که هر شهادت دریچه ای است که بر روی تباهی ها بسته می شود و خون هر شهید جانی تازه در نهال آزادی می دهد و گواه حقانیت او و لذا باطل کنندهٔ همهٔ افسون ها و نیرنگ های آنان است، و کجا دیده شده است که خون شهیدی پایمال گردد، کدام شهیدی به خاک افتاده است و خونش هدر رفته است؟ مگر آنها توانستند خون حسین و عباس و علی اصغر شش ماهه را پایمال کنند؟
برادرم ناصر نیز در آخرین لحظات پیش از شهادتش گفته بود:
اگر من شهید شدم و این سعادت نصیبم شده به مادرم بگوئید همچنان مادر مهدی رضائی باشد من فرزند فقر و دردم. تاریخ سیر تکاملی خود را طی می کند و معلوم می شود که
ظالم و مظلوم کیست ؟»
پیکر پاک ناصر شهید عصر روز سه شنبه بیستم خرداد ماه طی مراسم با شکوهی با شرکت بیش از ۲۰۰۰۰ تن از مردم آزاده تهران در قطعه ۳۹ بهشت زهرا در کنار مزار شهدای پیشتاز جنبش مسلحانه خلق به خاک سپرده شد .
برادر مجاهد مسعود رجوی در سخنرانی تاریخی امجدیه در باره شهید ناصر محمدی گفت« علمای شریعت، رجال دولت، وکلای مجلس ، اصناف ، بازازی ها ، مطبوعات ، رادیوتلویزیون
گستاخی، خیره سری تا کجا ! و بعد هم آخرین شهید در روز ۱۹خرداد، به به ، عجب شهیدی، یک نوگل محمد دیگر پرپرشد . ناصر محمدی .
سلام بر محمد! یک مهدی رضائی دیگر، درست ۱۸ساله، دانش آموز هنرستان صنعتی، از جنوب شهر.

عجب داستانی بود، ناصر با رفقایش خودش قبل از انقلاب قبل از اینکه به مجاهدین بپیوندد، مبارزه می کرد ، انجمن تشکیل می داد ، در محل آن پمپ بنزین مخروبه در خیابان شیر وخورشید فعالیت صنفی می کرد، اجناس نایاب را مثل گوشت، تخم مرغ، پودر رختشویی به قیمت نازل برای محله شان فراهم می کرد، و این فعالیت حالا با کمک مجاهدین باز هم ادامه داشت .

وقتی حمله کردند، وقتی دیوار را خراب کردند، وقتی دیوار را خراب کردند، می گفتند" التقاطی ها را باید کشت". ناصر گفت: برادر، التقاطی یعنی چه! مردم این جا امرار معاش می کنند از این محل .

و بعد هم اضافه کرد، من هم مثل یک مهدی رضائی دیگر، ای گلوله ها ببارید .

و بعد رو کرد به یکی از برادرانش گفت : اگر شهید شدم، اگر این سعادت نصیبم شد، برو به مادرم بگو که مثل مادر مهدی رضائی باشد. من فرزند فقر و دردم

" تاریخ سیر تکاملی خود را طی می کند و معلوم خواهد شد که ظالم کیست ومظلوم کیست . بعد شلیک گلوله ها شروع شد و خورد به چشمش و مغز از کاسهٔ سرش بیرون آمد.

در این جریان تیرخورده و کتک خورده زیاد داشتیم حتی صبح روز بعد که باز مادران ما به دادخواهی و اعتراض آمده بودند، به مادران شهدا هم رحم نکردند. مادر متحدین آنچنان کتک خورد که دستش شکست، ای وای بر سنگ دلان چطورجرئت کردید دست مادر شهید را بشکنید، وای بر شما ! ولی ولی، ولی، تاریخ سیر تکامل خود را طی خواهد کرد و سرانجام معلوم خواهد شد که ظالم کیست و مظلوم کیست . بله ما تا ابد این کلام ناصر را به یاد خواهیم داشت، حالا گلوله ها، ببارید، ما هم، ما هم سینه هامان را سپر خواهیم کرد کیست که در برابر نسل پایداری و مقاومت، نسل مهدی رضائی ها و ناصر محمدی ها بایستد، و همچون شب تیره مغلوب صبح نشود .

" والليل اذا عسعس و الصبح اذا تنفس"

که این همان چشمهٔ خورشید جهان افروز است. چشمهٔ حقیقت و روشنائ ی. داستان انگیزش انقلابی و مستمر که از ناصر صادق تا ناصر محمدی، از رضا رضائی تا رضا حامدی و از فاطمهٔ امینی تا نسرین ها و پروین ها همچنان خونبار، ولی دست افشان ادامه خواهد داشت.»

منابع استفاده شده نشریه مجاهد شماره‌های ۸۷ -۸۸ – ۸۹ – ۹۰ - ۹۲



مجاهد شهید :مصطفی ذاکری

تاریخ شهادت : ۲۲ / خرداد / ۱۳۵۹

محل شهادت : تهران

نحوه شهادت : بر اثر اصابت گلوله سلاح پاسداران در میتینگ امجدیه

مصطفی ذاکری،نوجوان ۱۵ ساله ای بود که در عنفوان جوانی به تیر شقاوت پاسداران ارتجاع، در حالی که به عنوان نفر انتظامات میتینگ تاریخی امجدیه در مقابل حملات پاسداران و چماقداران به دفاع از آزادی ایستاده بود به شهادت رسید.

وی که متولد ۱۳۴۳ و از فرزندان فقر و کار در جنوب تهران بود علیرغم سن کم، در تظاهراتها و قیام ضد سلطنتی شرکتی فعال داشت تا جایی که به گفته خانواده اش دو بار در همین تظاهراتها تا آستانه شهادت پیش رفت. دراوج قیام ۲۲ بهمن درحمله مسلحانه به پادگان باغشاه وساواک سلطنت آباد و زندان اوین نقش فعالی داشت.

پس از پیروزی انقلاب ضد سلطنتی همچون دهها هزار نوجوان و جوان شیفته آزادی، در کسوت هواداری مجاهدین سر از پای نمی شناخت. از هنگامی که دررابطه با انجمن جوانان موحد (هواداران مجاهدین) قرار گرفت منظم تر و پرشور تر از پیش به فعالیتهای انقلابی خود ادامه داد و همچون هزاران جوان در سراسر این میهن با فروش نشریه مجاهد، ندای آزادی را در جای جای این سرزمین فریاد میکرد.

در روز شهادت در حالی که تنها سه روز از شهادت مجاهد خلق ناصر محمدی به دست چماقداران ارتجاع گذشته بود در میتینگ تاریخی امجدیه به عنوان انتظامات نقش فعالی در مقابل حملات پاسداران و قمه کشان ارتجاع ایفاء کرد و در همین اثنا مورد شلیک یکی از پاسداران قرار گرفت و از ناحیه ران پا بشدت مجروح شد و سرانجام در بیمارستان به شهادت رسید.

سازمان مجاهدین خلق ایران در اطلاعیه ای به تاریخ ۲۳ خرداد در باره شهادت این نوجوان مجاهد نوشت« به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ " قرآن مجید "

مجاهدین خلق ایران شهادت برادر مجاهد مصطفی ذاکری را به اطلاع مردم قهرمان ایران می رسانند .

هنوز ۳ روز از شهادت مظلومانه ی برادر مجاهد ناصر محمدی نگذشته بود که روز پنج شنبه ۵۹/۳/۲۲ درپایان مراسم بزرگداشت شهداء ناصر محمدی ،احد عزیزی ، سیاوش شمس ، جلیل رادپور، احمد گنجی ، شکرالله مشکین فام ،رضا حامدی، عین الله پورعلی وسالگشت شهادت مجاهد قهرمان رضا رضایی ،همرزم جوان ودلیر ما شهید "مصطفی ذاکری " درخون پاکش غلطید و به کاروان شهدای پرافتخار مجاهدین خلق ایران پیوست

برادر مجاهد مصطفی ذاکری که درصفوف انتظامات ،ازمردم شرکت کننده درمراسم درمقابل هجوم مزدوران اوباش و چماقدار حفاظت می کرد از ناحیه ی ران هدف گلوله ی ژ۳ــ قرار گرفت و به شهادت رسید .»

پیکر پاک این مجاهد شهید با بدرقه هزاران تن از مردم آزاده تهران و یارانش که برای گرامیداشت یاد و راهش در قطعه ۳۹ بهشت زهرا تهران گرد آمده بودند تشییع شد .

منابع : نشریه مجاهد شماره های ۶۴-۷۳-۸۷

مجاهد شهید : نسرین رستمی

محل شهادت : شیراز

تاریخ شهادت :۱۲ تیر ۱۳۵۹

نحوه شهادت : در ۳فروردین ۵۹ درجریان به اصطلاح انقلاب فرهنگی ! مورد اصابت گلوله پاسداران واقع شده ودر تاریخ ۱۲ تیرماه به شهادت رسید

مجاهد شهید،نسرین رستمی نوجوان دانش آموزی بود که در کودتای فرهنگی ارتجاع، که در بخون کشیدن دانشگاههای سراسر میهن تجلی یافت مورد اصابت گلوله پاسداران شقاوت قرار گرفت و پس از ماهها تحمل درد و رنج با پیکری که بر اثر جراحات دیگر رمقی در آن نبود در روز ۱۲ تیر به شهادت رسید.

وی که علیرغم سن بسیار کم بر اثر شلیک پاسداران قسمت پایین کلیه‌ی خود را از دست داده و روده‌ی بزرگش سوراخ و ۳ مهره‌ی کمرش نیز شکسته و از ناحیه‌ی هر دو پا فلج شده بود، تا واپسین دم حیات با روحیه ای مثال زدنی در دفاع از آزادی مقاومت کرد.

برادر مجاهد مسعود رجوی در نامه ای به خانواده نسرین که توسط مجاهد خلق فاطمه رضایی به آنان تسلیم شد نوشت« بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران ... ما حقیقت را می خواهیم ! مادر نسرین مادر گرامی و پدر ارجمند خواهر مجروح و فداکارم نسرین رستمی ، دورادور دست هر دوی شما را می بوسم و از خدای بزرگ سلامت هر چه سریع تر خواهرم نسرین را آرزو می کنم . بله ، شما مادر گرامی راست گفته اید که حق و حقیقت را می خواهید ، و راست گفته اید که به هرگونه فداکاری دراین راه ، همچون تمام زنان کربلا و حرم علوی و حسینی رضا داده اید فدیه کردن خورشید های تابانی همچون خواهر من نسرین ، آفتاب های درخشان پاکی و پاکیزگی و حقیقت ، براستی هم که نیازمند مرتبه‌ای عظیم و صبر وتحملی بسیاراست ، منزلت شما هم اکنون نیز در شمار والدین شهداست و خدا کند که تمام فرزندان مجاهد شما درسراسر این کشور، این لیاقت و شایستگی را برای اتمام راه ضد ارتجاعی و ضد استعماری خواهرانی چون نسرین داشته باشند آری ما هم نیل به حق و حقیقت را می خواهیم . پس مادر و پدر عزیزمان از دعا فراموشمان نکنید .»

این مجاهد نوجوان و عاشق آزادی سرانجام پس از ماهها تحمل درد و رنج بر اثر شدت جراحات در روز ۱۲ تیر در بیمارستانی در شیراز به شهادت رسید.

برادر مجاهد مسعود رجوی در سخنرانی تاریخی خود در امجدیه در باره این میلیشیای خونین بال گفت« وای بر سنگ دلان ...

۳۰ فروردین خواهر کوچک ما نسرین رستمی، دقیقاً نمی دانم چند سال دارد شاید ۱۳،۱۴ سال در شیراز به ضرب گلوله از پا افتاد ولی شهید نبود، البته شهادت برایش خیلی راحت تر بود، چرا؟ برای اینکه کمرش سوراخ شد، یک کلیه اش را از دست داد، رودهٔ بزرگش سوراخ شد، سه مهرهٔ کمرش شکست، هر دوتا پایش فلج شد، عفونت گستردهٔ خون پیداکرد و به قول اطباء عفونت غشای مغز، و خلاصه ۱۰ جای بدنش لطمه دید. به طوری که از آن روز تا به حال فقط به یمن زحمات گروهی از اطباء

و پرستاران شریف یکی از بیمارستان های شیراز زنده مانده، ولی چه زنده ماندنی ! وای بر سنگین دلان !

فویل للقاسیه قلوبهم .

گناه نسرین چه بود؟

آخر گناه نسرین چه بود؟ پدر زحمتکش او که ۳۰ سال کارگری شرکت نفت را کرده بود، پرسید : آخر این دیگر چر ا؟ و مادر قهرمانش گفت : من که بهتر از مادر رضائی ها نیستم. همهٔ بچه هایم، هر شش تایشان را به اضافهٔ خودم و شوهرم حاضرم بدهم ! بعد برای سایر مادرها پیام داد : هرکس جوان هایش را در راه حقیقت و دین کشته بدهد غصه نخورد.»

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۰۹ به تاریخ : ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۵۹

مجاهدشهید : قدرت الله زاهدی

تاریخ شهادت : ۱۷ تیر ۱۳۵۹

محل شهادت : آمل

نحوه شهادت : بر اثر شلیک گلوله پاسداران

مجاهد شهید ، قدرت الله زاهدی کارگر زحمتکش از خطه مجاهد پرور مازندران بود که در روز ۱۷ تیر ۵۹ با شلیک پاسداران ارتجاع در خون خود غلطید و به کاروان شهیدان آزادی پیوست.

در روز ۱۷ تیر و بدنبال تحریکات یکی از عوامل چماقدار عضو حزب جمهوری شهر آمل به نام عبدالله فردوسی ، گروهی از چماقداران حکوتی با حمایت پاسداران به مردم بی دفاع روستای «کورک» در آمل حمله کرده و به ضرب و جرح روستاییان بی دفاع پرداختند.در این حمله وحشیانه یکی از پاسداران جنایتکار به نام آقاجان سلیمانی با شلیک گلوله بسوی مجاهد شهید قدرت الله زاهدی که در میان روستاییان مظلوم در دفاع از زنان و کودکان بود وی را به شهادت رساند.

پیکر پاک این مجاهد شهید با حضور اهالی روستا و جمع کثیری از مردم آزاده آمل تشییع به خاک سپرده شد.

منبع نشریه مجاهد شماره ۱۰۹ به تاریخ : ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۵۹

مجاهد شهید :نادعلی فلاح

تاریخ شهادت : ۱۷ مرداد ۱۳۵۹

محل شهادت : قائم شهر

نحوه شهادت : در۱۷ مرداد ۵۹ با ایجاد صحنه ی ساختگی تصادف با ماشین ترور شده است .

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۰۹ ، به تاریخ : ۲۳ / ۱۱/ ۱۳۵۹

مجاهد شهید: جاسم بنی رشید

تاریخ شهادت : ۳۰ مرداد ۱۳۵۹

محل شهادت : آبادان

نحوه شهادت : بر اثر ضربات چماق بر سر

مجاهد شهید، جاسم بنی رشید، در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ ،هنگامی که چادر تعاونی هواداران مجاهدین در آبادان ،که مایحتاج مردم فقیر و بی بضاعت منطقه را تامین میکرد مورد هجوم وحشیانه چماقداران حکومتی و با حمایت پاسداران قرار گرفت به دفاع از آزادی و مردم محروم پرداخت.

چماقداران حکومتی که خود را در مقابل دفاع جانانه مردم، مستاصل یافتن با ضربات چماق به جان مردم افتادند و جاسم را که در صفوف مقدم این دفاع بود مورد تهاجم قرار دادند.

جاسم در این حمله وحشیانه بر اثر اصابت ضربات پیاپی چماقداران بر سرش بشدت مجروح شد و در بیمارستان به شهادت رسید.
پیکر پاک این مجاهد با حضور هزاران تن از مردم محروم منطقه تشییع و به خاک سپرده شد.

منبع نشریه مجاهد شماره ۱۰۹ به تاریخ : ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۵۹

مجاهد شهید :محمد گل عمو زاده

تاریخ شهادت : ۸ شهریور۱۳۵۹

محل شهادت : قائم شهر

نحوه شهادت : به وسیله ضربات چاقوی عوامل حکومتی

منبع نشریه مجاهد شماره‌های ۱۰۱ و ۱۰۹ به تاریخ : ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۵۹

مجاهد شهید: اردشیرخانی

تاریخ شهادت : ۱۲ / آذر/ ۱۳۵۹

محل شهادت : روستای خلیفه محله رودسر

نحوه ی شهادت : بر اثر شلیک گلوله پاسداران



روز جمعه ۱۴ آذر روستای «خلیفه محله» رودسر مورد تهاجم وحشیانه پاسداران تا دندان مسلح که برای دستگیری تعدادی از جوانان این روستا آمده بودند قرار میگیرد.
پاسداران ارتجاع که بدون داشتن هر گونه مدرک و اعلام جرمی از قبل قصد دستگیری جوانان روستا را دارند با مقاومت اهالی روستا بالاخص تعدادی زیادی از مادران قرار میگیرند.
پاسداران که خود را در مقابل اهالی روستا و بخصوص مادران دلیر ساکن روستا میبینند شروع به تیراندازی کرده و در نتیجه دو تن از جوانان روستا و شش تن از مادران و دختران روستا بشدت زخمی میشوند.
این مجروحین که دچار خونریزی شدید بودند توسط اهالی به رودسر انتقال داده شدند ، ولی پاسداران مسلح مانع پذیرفتن مجروحین دربیمارستان رودسر شده و به ناچار مجروحین به لاهیجان انتقال می یابند .
ازآنجا که مجروحین احتیاج شدید به خون داشتند عده ای از هواداران سازمان مجاهدین و جوانان شهر درمقابل بیمارستان به منظور خون رسانی فوری به مجروحین اجتماع می کنند اما افراد مسلح نه تنها از رساندن خون به مجروحین جلوگری کرده بلکه چند نفر را نیز درهمین رابطه دستگیر می نمایند.
سرانجام دراثر دیر رسیدن مجروحین به بیمارستان و جلوگیری از خون رسانی فوری برادرمجاهد اردشیر خانی به شهادت می رسد .

کارگزاران حکومتی در وحشت از بازتاب این جنایت، از تحویل پیکر پاک شهید به خانواده جلوگیری کرده و مدعی میشوند که وی بر اثر شلیک سلاح هواداران مسلح سازمان مجاهدین به شهادت رسیده که با افشاگری برنده و قاطع خانواده و بالاخص مادر این مجاهد شهید مواجه گردیده و مجبور به عقب نشینی میشوند.

مراسم خاک سپاری پیکر این مجاهد شهید، علیرغم ممانعت پاسداران و بستن جاده ها و جلوگیری از حضور مردم شریف روستاهای مجاور و شهر رودسر با حضور هزاران تن تشییع شده و به خاک سپرده میشود.

سازمان مجاهدین خلق ایران در اطلاعیه ای به تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۵۹ با گرامیداشت این مجاهد شهید و محکومیت تهاجم وحشیانه پاسداران و تلاشهای مذبوحانه کارگزاران حکومتی در مخدوش کردن این جنایت نوشت«"مجاهدین خلق ایران" همچنین از صمیم قلب شهادت برادران مجاهد ،حسین سالار محمد ی و ارشیر خانی را به خانواده های داغدار این شهدا و مردم آزاده و رزمنده‌ی خطه‌ی شمال تسلیت و تبریک گفته و بار دیگر یادآوری می‌کنیم که هرگز اجازه نخواهیم داد که خون پاک این عزیزان شهید به هدر رفته ، مرتجعین و انحصار طلبان با پاگذاشتن به روی اجساد مطهر این شهیدان مظلوم به اهداف ارتجاعی خود جامه ی عمل بپوشانند .

"مجاهدین خلق ایران" علیرغم تحمل این فشارها و اهدای این شهدا به پیشگاه خلق قهرمان ایران با تمام خلق قهرمان ایران با تمام توان و عزم جزم لحظه‌ای از پیمودن ره آنها و دنبال نمودن آرمان های توحیدی و انقلابی شان از پای نخواهند نشست .»

منبع نشریه مجاهد شماره ۱۰۰ به تاریخ : ۱۸ / ۹ / ۱۳۵۹

مجاهد شهید :حسین سالار محمدی

تاریخ شهادت : ۱۳ آذر ۱۳۵۹

محل شهادت : آمل

نحوه شهادت :بر اثر شلیک پاسداران

روز چهارشنبه ۱۲ آذر شهر آمل شاهد حملات وحشیانه چماقداران حکومتی با حمایت پاسداران مسلح به چندین کتابخانه و فروشندگان نشریه مجاهد در سطح شهر بود.حملاتی که با ضرب و جرح جوانان و مردم آزاده این شهر که به دفاع از آزادی پرداخته بودند توام گشت.

چماقداران که تحت حمایت پاسداران مسلح خود را در امنیت کامل میدند حملات خود را تا «قادی محله» شهر ادامه دادند.محله ای که بسیاری از ساکنان آن از هواداران مجاهدین بودند.مردم محله در دفاع از آزادی با روشن کردن آتش سعی در مقابله با انبوه گاز اشک آور پرتاب شده توسط پاسداران کردند.و در این میان دهها تن از جوانان و ساکنان محله مجروح و دستگیر گردیدند.

چماقداران و پاسداران که نتوانسته بودند به اهداف خود یعنی سرکوب تمام عیار شهر و «قادی محله»دست یابند، حملات خود را در روز پنجشنبه با شدت بیشتر همراه با شلیک مستقیم سلاح ژـ ۳ بسوی مردم بی دفاع ادامه دادند و در این میان مجاهد شهید حسین سالار محمدی بر اثر شلیک گلوله به قلبش به شهادت رسید.

ساکنان محل پیکر مجاهد شهید را به منزلش منتقل کردند، اما پاسداران که هنوز از خونهای ریخته سیراب نشده بودند با پرتاب گاز اشک آور و شلیک گلوله به منزل شهید یورش برده و پیکر وی را با خود بردند و با سردمداری آخوندی به نام دشتی ، آنرا بدون اطلاع خانواده در گورستان دفن کردند.

خانواده ی مجاهد شهیدسالار محمدی نیز طی اعلام جرمی به دادستان کل کشور اوباش و برخی از پاسداران و شخصی به نام دشتی را مسئول قتل فرزندشان دانسته و خواستار دستگیری و مجازات قاتل وهمه دست اندرکاران این جنایت شده اند.

سازمان مجاهدین خلق ایران در ۲۰ آذر با صدور اطلاعیه ای در باره وقایع اسفناک آمل و جنایت شهادت کارگر مجاهد شهید حسین سالار محمدی نوشت« مجاهدین خلق ایران همچنین از صمیم قلب شهادت برادران مجاهد ،حسین سالار محمدی و اردشیر خانی را به خانواده های داغدار این شهدا و مردم آزاده و رزمنده ی خطه ی شمال تسلیت و تبریک گفته و بار دیگر یاد آوری می کنیم که هرگز اجازه نخواهیم داد که خون پاک این عزیزان شهید به هدر رفته ،مرتجعین و انحصار طلبان با پاگذاشتن به روی اجساد مطهر این شهیدان مظلوم به اهداف ارتجاعی خود جامه ی عمل بپوشانند .

"مجاهدین خلق ایران" علیرغم تحمل این فشارها و اهدای این شهدا به پیشگاه خلق قهرمان ایران با تمام خلق قهرمان ایران با تمام توان و عزم جزم لحظه ای ا ز پیمودن ره آنها و دنبال نمودن آرمان های توحیدی و انقلابی شان از پای نخواهند نشست .»

منبع نشریه مجاهد شماره‌های ۱۰۲ و ۱۰۹ به تاریخ : ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۵۹

مجاهد شهید :فرمانده ی میلیشیا داود سلیمانی

تاریخ شهادت : ۲۶ / آذر / ۱۳۵۹

محل شهادت : ساری

نحوه‌ی شهادت : بر اثر ضربه دشنه چماقداران حکومتی

مجاهد شیهد داود سلیمانی یکی از جوانان ارزنده و فعال انجمن جوانان مسلمان محله «راه بند» ساری و دانشجوی سال دوم مدرسه عالی سمنان بود. وی که فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود در جهت

حمایت از محرومین و زحمتکشان را از سالها پیش و در نظام ستم شاهی آغاز کرده بود، در میان جوانان و مردم محروم آمل بسیار محبوب و مورد احترام بود. و از همین رو مورد خشم و نفرت چماقداران و پاسدارانی بود که وظیفه ای جز چپاول و سرکوب برای خود نمی شناختند.

در روز چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۵۹ شماری از چماقداران حکومتی با حمایت پاسداران مسلح با حمله به دکه های فروش کتاب و نشریات سازمان مجاهدین در ساری شروع به ضرب و جرح جوانان و هواداران سازمان کردند و در این میان فردی به نام مهران جواهریان از سردسته های چماقدار با فرو کردن دشنه خود به قلب داود وی را به شهادت رساند.

شهاد داود سلیمانی که پس از پیروزی انقلاب ضد سلطنتی با تمام توان خدمت به محرومان را پیشه خود کرده بود و مایحتاج اولیه آنها را به در خانه اشان میبرد و در انجمن جوانان مسلمان محله «راه بند»از هیچگونه فعالیت در جهت محرومان دریغ نداشت موجی از غم و اندوه را برای ساکنان محله « راه بند» و دیگر مردم آگاه و آزاده ساری بدنبال داشت.

هم از اینرو پیکر پاکش توسط هزاران تن از همین مردم تشییع و به خاک سپرده شد.

سازمان مجاهدین خلق ایران در اطلاعیه ای به تاریخ ۲۷ آبان ضمن محکوم کردن این جنایت وحشیانه نوشت« مجاهدین خلق ایران شاخه‌ی مازنداران شهادت این فرزند راستین و فداکار خلق را به پدر و مادر داغدار و شهیدپرورش و مردم ساری به ویژه اهالی شریف محله ی راه بندان تبریک و تهنیت می گویند.

مجاهد شهید و میلیشیای قهرمان داود سلیمانی نیز همچون سایر شهدای پر افتخار مجاهد خلق در راه دفاع از مردم ستمدیده ایران ترویج حقیقت و اسلام راستین به شهادت رسید وبدون شک خون پاکش با اضمحلال و نابودی ستمگران و پیروزی کامل خلق به بار خواهد نشست .»

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۰۳ ـ ۱۰۴ به تاریخ : ۳ / ۱۰ / ۱۳۵۹

مجاهد شهید: حمید رضا رضایی
تاریخ شهادت : ۳ دی ماه ۱۳۵۹
محل شهادت : تهران
نحوه ی شهادت :بر اثر اصابت گلوله پاسداران

روز سوم دی ماه ۱۳۵۹ خیابان مبارزان در تهران شاهد حمله وحشیانه اراذل و اوباش حکومتی با حمایت پاسداران به دفتر «انجمن کارکنان مسلمان» هوادار سازمان مجاهدین خلق بود.در این روز و در این حمله وحشیان دهها تن از هواداران سازمان مجاهدین که در دفاع از دفتر انجمن به گرد آن جمع شده بودند بر اثر ضربات چماق و دشنه و اصابت گلوله های پاسداران مجروح و برادر مجاهد حمید رضا رضایی به شهادت رسید.
سازمان مجاهدین خلق ایران با صدور اطلاعیه ای به تاریخ ۵ دی ماه پیرامون این جنایت وحشیانه نوشت« مجاهد شهید "حمیدرضا رضایی" که در جریان این تهاجم مسلحانه به خون پاکش در غلتید،۶ ماه قبل ازدواج‌کرده بود . او اگرچه فرزند یک خانواده مرفه بود اما گام‌های زندگی‌اش را آگاهانه برمی‌داشت، ازدواجش را به‌سادگی و بی آلایش برگزار کرده بود و درگذران روزمره نیز به خودش سخت می‌گرفت .
لباس ساده می‌پوشید و از زمانی که به هواداری مجاهدین برخاسته بود با تمام وجودش در این راه تلاش می‌کرد، بخش زیادی از وقتش را صرف توزیع نشریه مجاهد می‌کرد، به هر جا که می‌رفت فکرش را می‌گفت و عقیده داشت حقیقت را باید همه بدانند و بفهمند هرچه پول داشت صرف خرید کتاب‌های مجاهدین می‌کرد و اگر نداشت قرض می‌کرد و آن‌ها را می‌خرید و...
آری زندگی او اثبات می‌کند که یک انسان انقلابی و جویای حقیقت بود و درست در همین مسیر، به راه مجاهدین ایمان آورده بود، کما اینکه شهادتش نیز اثبات می‌کند که قاتلینش نه به قتل او، بلکه به کشتن حقیقت و آزادگی و رهایی انسان کمر بسته‌اند .»

منبع نشریه مجاهد شماره‌های ۱۰۵ – ۱۰۸ و ۱۰۹ به تاریخ : ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۵۹



مجاهد شهید: حسن (بهرام) فرحناک

تاریخ شهادت : ۱۳ دی ۱۳۵۹

محل شهادت : رشت

نحوه شهادت : بر اثر ضربه دشنه چماقداران حکومتی

××××××

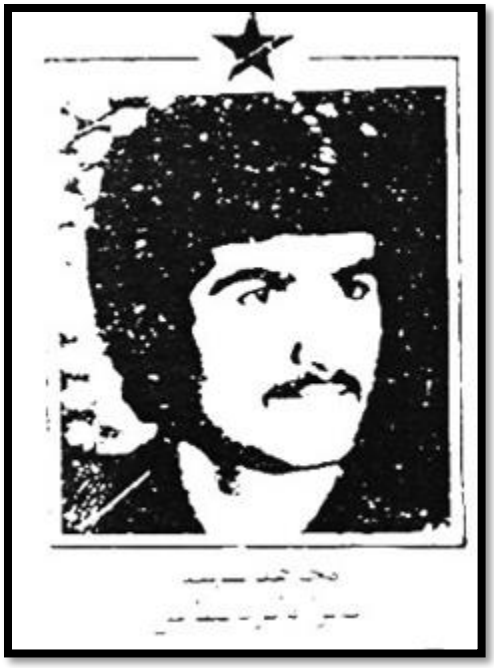
در روز ۱۳ دی ۱۳۵۹ خیابان تختی رشت، شاهد جنایتی دیگر بود.چماقداران حکومتی که با حمایت پاسداران مسلح در شهر جولان میداند با حمله به جمعیتی که در حال خواندن اعلامیه های نصب شده به دیوار شهر بودند به ضرب و شتم مردم پرداختند، در این میان جوانی پرشور به دفاع از مردم بی دفاع سینه سپر کرد ، دژخیمان چماقدار که در برابر عزم این جوان و مردمی که به حمایت از وی برخاسته بودند مستاصل شده بودند، در اقدامی جنایتکارانه با فرو کردن دشنه کینه و شقاوت خود به قلب وی، او را به شهادت رساندند.

در این روز مجاهد شهید حسن(بهرام) فرحناک، متولد ۱۳۳۶ از جوانان پرشور رشت که مبارزه برای آزادی را از شرکت فعال در انقلاب ضد سلطنتی آغاز کرده بود و پس از پیروزی انقلاب بعنوان یک هوادار سازمان مجاهدین در راه آزادی مردم و میهن سر از پای نمی شناخت در خون خود غلطید.

وی پیشتر، باره و بارها از طرف مرتجعین چماقدار مورد آزار و اذیت واقع شده بود و یکبار نیز دستگیر و بشدت شکنجه شده بود بگونه ای که آثار شکنجه تا لحظه شهادت بر پیکر پاکش باقی مانده بود.

مردم آگاه و جوانان رشت که از جنایت انجام شده بشدت غمگین و خشمگین بودند با شرکت گسترده در مراسم تشییع پیکر پاکش یاد او را گرامی داشتند.
تشییع پیکر پاک این میلیشیای شهید با شرکت جمعیتی بالغ بر ۲۰ هزار نفر انجام شد.چماقداران مرتجع که از گستردگی جمعیت و نفرت از این جنایت سراسیمه شده بودند با حمله به تشییع کنندگان تلاش مذبوحانه ای کردند تا شاید مراسم را بهم بزنند . از این رو با پرتاب گاز اشک آور و شلیک هوایی اقدام به پراکندن جمعیت نمودند اما ایستادگی مردم رشت آنان را به عقب راند و پیکر پاک شهید به خاک سپرده شد.
سازمان مجاهدین خلق ایران با صدور اطلاعیه ای به تاریخ ۱۸ دی ماه ضمن گرامیداشت یاد و خاطره این مجاهد شهید نوشت« مجاهد شهید بهرام که چندی پیش توسط مزدوران ارتجاع دستگیر و مورد ایذا و شکنجه قرار گرفته بود ، روز شنبه ۱۳دی در جریان اعتراض به پاره کردن اعلامیه‌ی دیواری مجاهدین در خیابان تختی رشت مورد تهاجم چماقداران قرار گرفت و در راه دفاع از آزادی و ترویج حقیقت جان پاکش را از دست داد.
ضمن تبریک وتسلیت به مردم قهرمان رشت و بویژه خانواده‌ی داغدار شهید، به طراحان این جنایت وحشیانه خاطرنشان می‌کنیم که اعمال این روشهای ضدانقلابی در اراده آهنین "مجاهد خلق" برای تحقق آرمانهای توحیدی و انقلابیش هیچ خللی ایجاد نخواهد کرد بلکه خو ن هر برادر وخواهر رزمنده ای ،میثاق ما را در راه انجام رسالت خدائی و مردمیمان محکم تر وعزممان را استوارتر خواهد ساخت .
"وسیعلم الذین ضلموا ای منقلب ینقلبون "

منبع نشریه مجاهد شماره ۱۰۱ و ۱۰۹ به تاریخ : ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۵۹



شهادت مجاهد شهید بهرام کردستانی

تاریخ شهادت : ۱ بهمن ۱۳۵۹

محل شهادت : خرم آباد

نحوه شهادت : ظهر روز چهارشنبه ۱بهمن ۵۹ موردتهاجم سه تن از سرنشینان پیکار استیشن کرم رنگ به شماره ۷۶۶۶۱ –تهران که قصد ربودن بهرام راداشته اند قرار می گیرد فرماندهی مهاجمین مسلح فردی به نام سلطانعلی مرادی معروف به عظیم مرادی که از اوباش وچماقداران شناخته شده ی خرم آباد است به عهده داشته است .

هنگامی که مهاجمین با مقاومت بهرام روبرو می شوند سلطانعلی مرادی دربرابر چشمان مردم با شلیک چند گلوله پی درپی بهرام را به شهادت می رساند وسپس با استفاده از تیراندازی وارعاب مردم مهاجمین فرار می کنند .

××××××

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره شهادت برادر مجاهد بهرام کردستانی

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز! مردم دلیر ورزمنده ی لرستان !

هنوز مردم قهرمان ایران ومجاهدین خلق از سوگ شهدا حسین سالار محمدی و اردشیر خانی و داود سلیمانی، حمیدرضا رضایی، بهرام فرحناک که درشهرهای آمل، رودسر، ساری، تهران و رشت به دست عمال جنایتکار انحصار طلبان به شهادت رسیدند فراغت نیافته‌اند خون پاک این شهیدان که به گواهی

زندگی وسوابق انقلابی ودرخشانشان هر یک تجسمی تابناک از آگاهی، فداکاری و اراده‌ی حق طلبانه ی نسل انقلابی این میهن خونبار بودند، نخشکیده است که دست مزدوران و مرتجعین به جنایت وحشیانه و ضد انقلابی دیگری درگوشه ای دیگر از میهن مان آلوده گشت .

این بار مرتجعین انحطار طلب درخطه‌ی قهرمان پرور لرستان حادثه آفریدند و یکی از هواداران دلیر و آگاه مجاهدین به نام "بهرام کرستانی " را در خیابان‌های خرم آباد به ضرب گلوله ازپای درآوردند .

مجاهد شیهد بهرام کردستانی ظهر روز چهارشنبه ۵۹/۱۱/۱ مورد تهاجم سه تن سرنشینان پیکان استیشن کرم رنگ به شماره‌ی ۷۶۶۶۱-تهران –که قصد ربودن وی را داشتند قرارگرفت ، فرماندهی مهاجمین مسلح را "سلطان علی مرادی" معروف به "عظیم" که از چماقداران معروف خرم آباد است به عهده داشت .

مهاجمین وقتی با مقاومت "بهرام" روبرو می‌شوند به قتل او کمر می‌بندند و"سلطانعلی مرادی " دربرابر چشمان بهت زده‌ی مردم با شلیک چند گلوله پی در پی وی را به خاک و خون کشیده و به شهادت می‌رساند و سپس خود با استفاده از سلاح و مبادرت به تیر اندازی از برابر مردم خشمگین حاضر درصحنه می‌گریزد .

مجاهد شهید بهرام کردستانی هنرجوی سال چهارم رشته‌ی ساختمان هنرستان خرم آباد بود، او پیوسته درگسترش و ترویج آرمان‌های توحیدی و انقلابی مجاهدین خلق وبا شور وپشتگار فراوان تلاش می‌کردو دربرابر حملات چماقداران به فروشندگان وتوزیع کنندگان نشریات مجاهدین، قهرمانانه مقاومت می‌ورزید و دراعتلای فعالیت‌های انقلابی هنرجویان نقشی چشمگیر وموثر داشت و درست به دلیل همین مجاهدت‌های انقلابی بود که درمعرض تعقیب و سرانجام توطئه‌ی ربودن و ترور عمال ارتجاع قرار گرفت .

در واقع انحصار طلبان که ازتصفیه و اخراج و حتی تعطیل کامل محیط آموزشی لرستان طرفی نبسته بودند و دربرابر رشد آگاهی‌های انقلابی دانش آموزان و هنر جویان لرستان چاره ای نمی‌دیدند، سرانجام به سلاح چماق و توطئه ی ترور روی آورشدند و به قتل امثال بهرام کمر بستند .

اما مرتجعین باید بدانند که اگر چماق وترور آخرین حربه‌ی آنان است متقابلاً آمادگی برای ایثار و شهادت در راه آرمان‌های انقلابی وتوحیدی نیز آغاز راه هر مجاهد خلق است و دراین میان بنا به سنت تاریخ و به حکم اراده‌ی الهی این ظالمان وجنایتکاران هستند که محکوم به شکست و زوال خواهند بود .

"مجاهدین خلق ایران" این جنایت وحشیانه‌ی ضد انقلابی راکه تنها حلقه‌ای از سلسله جنایات چماق داران و قداره بندان شناخته شده درگوشه وکنار کشور است شدیداً محکوم می‌نمایند و به مسئولین

سیاسی و قضایی کشور برای چندمین بار یادآور می‌شوند که آنان باید مسئولیت‌های خویش را در تداوم وگسترش این روش‌های ضد مردمی، ضد اسلامی و ضد انقلابی به یاد داشته باشند .
این اولین بار نیست که جنایتی از این دست اتفاق می‌افتد و هم چنین اولین بار نیست که قاتل و قاتلین شناخته شده به راه خویش می‌روند و فردا درکمال آزادی جنایتی دیگر می‌آفرینند، مسئولین قضایی وسیاسی کشور دربرابر این واقعیت‌های شوم چه پاسخی دارند؟ و تا کی می‌خواهند مردم را با نثار افترا و تهمت به مجاهدین ونیروهای انقلابی فریب دهند؟ آیا تجارب تاریخ وسرنوشت بهتان ورزان وظالمان را ندیده‌اند و نمی دانند؟
درپایان شهادت این مجاهد راه خداو خلق را به مردم دلیر لرستان و خانواده‌ی داغدیده‌اش تبریک وتسلیت گفته و برای آنان پایداری و صبر انقلابی آرزو می‌کنیم. یقین داریم که از هر قطره خون بهرام شیهد، صدها مجاهد برخواهد خاست و عاملین و سردمداران این جنایت‌ها نیز سرانجام به سزای دردناک خویش خواهند رسید .

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران

۳/بهمن/۵۹

××××××

روز چهارشنبه بعد ازظهر اول بهمن ماه، خون گرم هنرجوی رزمنده "بهرام کرستانی" سنگفرش خیابان‌های خرم آباد را رنگین نمود شهید "بهرام کردستانی" هنرجوی سال چهارم هنرستان خرم آباد از دانش آموزان انقلابی و پرخروش این شهر درمبارزه علیه انحصار طلبی‌ها و آزادی کشی‌های مرتجعین واپسگرا پیشاهنگ دانش آموزان انقلابی مرتجعین کینه‌ی او را به دل گرفته بودند .
آنها از مدت‌ها قبل برایش خط و نشان کشیده بودند و بالاخره نیز طبق نقشه‌ی قبلی دستهای سیاه وکثیف خود را به خون پاک او آلودند . آن‌ها از دو روز قبل بهرام را تحت نظر داشتند و در روز جنایت، قبل از تعطیل هنرستان منتظر او بودند.
درساعت ۱۲/۴۵ دقیقه‌ی بعد ازظهر اول بهمن ماه ۳ تن سرنشینان پیکان استیشن کرم رنگ به شماره‌ی ۷۶۶۶۶۱ تهران به فرماندهی سلطانعلی مرادی معروف به عظیم و دوتن دیگر جمعی سپاه پاسداران خرم آباد که قصد ربودن بهرام را داشتند با مقاومت او روبرو می‌شوند مهاجمین او را تهدید می‌کنند، اما موثر واقع نمی‌شود و دراین لحظه سلطانعلی مرادی اسلحه رولور ۳۸ خود را بیرون آورده ابتدا دوتیر به پای بهرام شلیک می‌کند او به زمین می‌افتد و دو تیر پی‌درپی دیگر ستون فقراتش را از

هم می‌پاشد و بدین ترتیب فاشیست‌های مرتجع و " اسلام پناه" ! عمق کینه و حقد خود را نسبت به او نشان داده واین بار مغز بهرام راکه درخون خود می غلطید هدف قرارداده و آن را متلاشی می‌کنند، این جنایت هولناک درمقابل چشم حیرت زده‌ی مردم انجام گرفت .

قاتلین جنایتکار با تهدید اسلحه از چنگ مردم متواری می‌شوند اما تمامی آن‌ها و اتومبیلشان توسط مردم شناسایی می‌شوند .

تشیع جنازه باشکوه شهید ساعت ۱۰ صبح پنج شنبه باشرکت بیش از دو هزار نفر درمیان اندوه مردم خرم آباد انجام می‌گیرد، مردم خشمگین شعار می‌دادند "لااله الاالله ، الله اکبر"، خون بهرام می‌جوشد، مجاهد می‌خروشد "،"رفت به راه خدا شهید بهرام ما " " خون مجاهد ما مشعل پیکار ما" درمسیر تشیع جنازه اغلب مردم با چشمان اشکبار ابراز همدردی می‌نمودند .

درهنگام خاک سپاری شهید مردم یکصدا شعار " مرگ بر آمریکا " می‌دادند، درپایان مراسم مشتی اوباش و همدستان قاتلین جنایتکار با شعار " اول هشدار بعداً کشتار" به مردم حمله کرده و چهار نفر را با چاقو مجروح می‌کنند ، از جمله برادر شهید از ناحیه کمر چاقو خورده که با ده بخیه پانسمان می‌گردد .

گفته می‌شود دانش آموز شهید مژگان اسدی نیز درتاریخ ۵۹/۹/۳۰ دراجتماع مادران دانش آموز توسط همین قاتل و همین اسلحه به شهادت رسیده است . دراینجا باید قاطعانه گفت این جنایت‌های وکشتار دانش آموزان انقلابی دررابطه ی مستقیم با مسائلی است که درآموزش و پرورش این شهر به ریاست مشکینی رئیس وابسته به حزب آن می‌گذرد. اخراج دانش آموزان انقلابی و غیر وابسته ایجا د خفقان وسرکوب آزادی‌ها درمدارس فشار وتضیقات روز افزون بر دانش آموزان وشکستن هر گونه فریاد اعتراض درگلوی انقلابیون گوشه‌ای از وضعیت حاکم برمدارس این شهر است تا جایی که نماینده‌ی یکی از شهرهای استان لرستان درمجلس هشدار می‌دهد که اگر به انحصار طلبی‌های گروهی دراین استان خاتمه داده نشود، لرستان به کردستان دیگری تبدیل خواهد شد .

اگر روز (۱۰/۳) حمله حساب شده‌ی افراد مسلح به تحصن مادران دانش آموزان اخراجی از طرف مقامات پی گیری می‌شد ! اگر قاتل جانی مژگان اسدی ومحرکین او به دست عدالت سپرده می‌شدند امروز خون مظلومی دیگر برزمین ریخته نمی‌شد. این آخرین شهید دانش آموزان رزمنده برای حفظ آزادی درمدارس نبوده و نخواهد بود.

اگر انحصار طلبان وابسته به حزب همه‌ی دانش آموزان را نیزکشتار کنند، حتی اگر یک روز تنها یک دانش آموز بماند باز برای مبارزه با امپریالیسم و اختناق و ارتجاع فریاد خواهد کرد، همانگونه که بهرام

فریاد کرد او سال گذشته اعتراضات هنرجویان هنرستان را علیه رئیس سابق آن که فردی وابسته به حزب و از سردمداران حرکات چماق داری بود رهبری می‌کرد که به اخراج رئیس مزبور انجامید.
اووهمرزمانش بارها توسط همین مرتجعین مورد ضرب و شتم قرار گرفتند او صمیمانه و فعالانه درتبلیغات انتخاباتی کاندیداتوری برادرمجاهد مسعود رجوی شرکت داشت و با شوری انقلابی همیشه دردفاع از فروشندگان نشریه‌ی مجاهد درقبال تهاجمات اوباش حاضر بود، ما شهادت این هنرجوی رزمنده را به خانواده‌ی شهید و به کلیه‌ی همرزمانش و دانش آموزان انقلابی تبریک وتسلیت می‌گوییم ، باشد که خون پاک او درخت آزادی درمدارس را هر چه بیشتر بارور کند.

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۰۸ ـ به تاریخ ۱۶ / ۱۱ / ۱۳۵۹

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره

شهادت دوتن از شرکت کنندگان درمراسم بزرگداشت مجاهد شهید بهرام کردستانی دراثر هجوم مسلحانه چماقداران به این مراسم .

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

هموطنان آگاه ومبارز !مردم قهرمان پرور لرستان !

هنوز چند روز از شهادت مظلومانه ی برادر مجاهد بهرام کردستانی نگذشته است و هنوز خون پاک این فرزند آگاه و دلیر لرستان بر سنگفرش خیابان های خرم آباد نخشکیده است که بار دیگر عمال جنایتکار ارتجاع دراین خطه‌ی قهرمان پرور فاجعه‌ای دیگر آفریدند .

اینبار در بعد از ظهر روز پنج شنبه ۵۹/۱۱/۹ مراسم هفتمین روز شهادت برادر مجاهد بهرام کردستانی مورد حمله‌ی چماقداران مسلح ارتجاع قرار گرفت.آ نان ابتدا با سنگ و چماق و چاقو و سپس با استفاده از سلاح گرم وتفنگ ژ۳ـ به مردم شرکت کننده دراین مراسم که به دعوت خانواده ی مجاهد شهید بهرام کردستانی برپا شده بود حمله ور شدند درنتیجه‌ی این تهاجمات وحشیانه وگشودن رگبار گلوله به روی مردم بی دفاع ،یکی از خواهران هوادار مجاهدین به نام "مهری صارمی" و یکی از خانم های شرکت کننده دراین مراسم به شهادت رسیده اند وتعداد زیادی مجروح و مصدوم برجای مانده است .

درجریان این تهاجم ضد انقلابی "سلطانعلی مرادی" معروف به "عظیم" که قاتل مستقیم و معرفی شده ی مجاهد شهید بهرام کردستانی بود و چند تن دیگر از سردمداران شناخته شده‌ی چماقداران خرم آباد که بعضاً درآموزش و پرورش و یا برخی از نهادهای به اصطلاح انقلابی این شهر واجد سمت هایی

نیز هستند مشارکت داشته اند که طبیعتاً مشخصات کامل آنان از سوی خانواده های شهدا و جوانان مسلمان خرم آباد به مقامات مسئول ارائه شده و به اطلاع مردم نیزخواهد رسید .

هموطنان عزیز! مردم آزاده‌ی لرستان!

شرکت قاتل مجاهد شهید" بهرام کردستانی" دراین جنایت فجیع و همدستی و همکاری برخی مسئولین نهاد های رسمی به خوبی نشان می دهدکه پدیده ی شوم چماقداری و همه‌ی جنایات و فجایع ناشی از آن، نه تنها با مسامحه و مماشات چشمگیر انحصار طلبان حاکم روبرو است بلکه اساساً به مدد این جریان ارتجاعی و قدرت طلب و وابستگان آن به تاخت و تازخود ادامه داده و حتی به تعرضات مسلحانه نیز مبادرت می ورزد .و

این جنایات به خوبی اثبات می کند که درواقع این قدرت پرستان انحصار طلب هستند که برای حفظ سلطه‌ی خود به سرکوب آگاهی‌ها و نیروهای انقلاب و چماقداری وگشودن آتش به روی مردم بی گناه وبی دفاع روی آورده اند .

مجاهدین خلق ایران این فاجعه‌ی دردناک راکه دو شهید و چندین مجروح و مصدوم برجای گذارده است به مردم لرستان و خرم آباد و به خانواده‌های داغدیده تسلیت می‌گویند و برای آنان صبر وپایداری انقلابی آرزو می نمایند .

همچنین لازم می دانیم که باز هم به مقامات مسئول قضایی وسیاسی کشور یاد آور شویم که رهاکردن قاتلان وآدمکشان و تعلل و مسامحه در برابر چنین فجایعی طبیعتاً پیامدهای قانونمندانه‌ی خودرا بر اساس سنن خدشه ناپذیر هستی به دنبال خواهد داشت ،توسل به عوامفریبی و مجاز شمردن این همه جنایت وآدمکشی آشکار مسئولیت های شدید آنان را تغییر نخواهد داد .

آنان که به این سرعت وبا این سادگی آخرین شیوه ها و شگردهای رژیم شاه جلاد را پیشه ساخته اند و مردم بی دفاع را در مراسم ترحیم یک شهید به رگبار گلوله می بندند درصورت ادامه‌ی این راه جز سرنوشت و سرنجام طاغوت در پیش روی نخواهند داشت .

وسیعلم الدین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران

۱۱/ بهمن /۵۹

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۰۸ ـ به تاریخ : ۱۶ / ۱۱ / ۱۳۵۹

گزارش قتل ناجوانمردانه دوتن از زنان شرکت کننده ، درمراسم بزرگداشت مجاهد شهید بهرام کردستانی در خرم آباد بدست مزدوران مسلح ارتجاع .

روز پنجشنبه (۱۱/۹) مراسم هفتمین روز شهادت مجاهد شهید بهرام کردستانی توسط اوباش به خاک و خون کشیده شد ودو شهید دیگر برجای گذاشت (هنرجوی قهرمان بهرام کردستانی روز اول بهمن ماه درخرم آباد به دست عظیم مرادی از سران اوباش وهمدستان پاسدارش به ضرب ۵ گلوله به شهادت رسیده بو د).

مراسم شب هفت این شهید طبق اطلاعیه ای که قبلا خانواده اش داده بودند ازساعت ۱ تا ۳ بعد ازظهر درمسجد امام حسین خرم آباد و مراسم زنانه درهمین ساعت درخانه‌ی شهید برگذار شد، بعد از اجرای مراسم درمسجد جمعیت به طرف خانه‌ی شهید به راه افتادند .آن ها به نفرت وکینه ی عمیق از ارتجاع فریاد می زدند "پیام خون بهرام نبرد با آمریکا " هم چنین بعد از پایان مراسم زنانه جمعیت حاضر در خانه‌ی شهید نیز به این عده پیوسته و به طرف گورستان شهر راه پیمایی نمودند .

البته درهر دو مراسم چماقداران سعی داشتند جلسه را به هم زده و اغتشاش ایجاد کنند که با برخورد هشیارانه‌ی مردم خاموش شدند . درگورستان جمعیت برسر مزاررفته و بعد از اعلام سکوت مراسمی رابه مناسبت هفتم شهید برگزار نمودند درتمام این مدت عده ای اوباش مسلح به کلت و ژ-۳ دراطراف جمعیت پرسه می‌زدند که درمیان آنها عظیم مرادی (قاتل مجاهد شهید بهرام کردستانی) بهرام بهرامی و غلام زرنیا از سردسته های معروف اوباش و متاسفانه برخی افراد نهادها و ادارات شهر ازجمله آموزش وپرورش دیده می‌شدند

چماقداران ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه دراواسط برنامه به طرف جمعیت حمله می کنند آنها ابتدا بیرحمانه شروع به پرتاب سنگ می‌کنند تا بلکه بتوانند جمعیت را متفرق و پراکنده سازند ولی با وجودی که عده‌ی زیادی با سنگ مجروح شده بودند، جمعیت باخشم وکینه و با صدای بلند فریاد می زدند : عامل قتل بهرام اعدام باید گردد، این سند جنایت ارتجاع است .

اوباش که با سنگ اندازی به نتیجه مطلوب نمی رسند شروع به تیراندازی می کنند که در اثر اصابت گلوله ،خواهر دانش آموزی به نام مهری صارمی هوادار سازمان و مادری به نام کبری ایاری همسایه‌ی بهرام شهید که برسر مزارش آمده بود به شهادت می رسند مردم گرداگرد این دو شهید جمع شده و خشمگین فریاد می زدند : این سند جنایت ارتجاع است .

(تعداد جمعیت در این موقع به ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر می رسید) اوباش که هنوز تشنه به خون بودند بربالای بلندی های مشرف به گورستان رفته و از آنجا جمعیت را با رگبار می بندند که دراثر آن عده ی زیادی مجروح شده که به زمین می افتند .

بوی باروت وخون برآسمان گورستان بلند بود. اوباش‌دراین فاصله بیش از ۴۰ نفر را دستگیر می‌کنند، به دنبال این جنایت فجیع همان شب درسرتاسر شهر خرم آباد وضعیتی شبیه حکومت نظامی بوجود می آید وکس جرات بیرون آمدن ندارد !

دراین شرایط شب هنگام چماقداران برای عوام فریبی وسرپوش گذشتن برجنایات خود کتابفروشی الفتح (پاتوق اوباش شناخته شده شهر) و هم چنین چادر حزب اللهی ها را به آتش می کشند .

گفته می شوددراین حادثه پاسبانی نیز ازناحیه گردن تیر خورده است .

اسامی چند تن از مجروحین این حادثه به شرح زیر است :

۱ ــ منصوره کاکاوند ، ۲ ــ مجید وثوق ، ۳ ــ شاهرخ حسامی ، ۴ ــ زهرا بهادری ، ۵ ــ حجت بیرانوند ، ۶ ــ محمود سگوند ، ۷ــ احمد سپهوند ، ۸ ــ ذبیح فلاح ، ۹ ــ مهدی مرعشی ، ۱۰ ــ امید امینی ، ۱۱ ــ محمد بیرانوند .

تهاجمات چماقداران در خرم آباد تاکنون ۴ شهید داده است " مژگان اسدی" ، "بهرام کردستانی" ، مهری صارمی" و کبری ایازی" .

قاتلین آنها را تمام مردم شهر می شناسند و همه از دخالت عظیم مرادی در جریان هر ۴ قتل اطلاع دارند . جالب آنکه از طرف مقامات قضایی هیچ گونه اقدامی درجهت دستگیری وی انجام نگرفته است و او آزادانه با ژ-۳ از تپه های گورستان بر روی مردم رگبار گشوده است .

وقتی حزب ارتجاعی با تمام قدرت برکلیه‌ی ارگان‌های شهر دست می اندازد و این نهادهای تحت فرمان او رابط وهماهنگی لازم ایجاد می شود دیگر چه مقامی درشهر باقی می ماند با کوچکترین اعتراضی به این وحشی گری ها نمایند؟

مقامات مسئول چه جوابی دارند به مردم قهرمان خرم آباد بدهند که تعدادی چماقدار مسلحانه درکنارچند مقام اداری وآموزش و پرورش بر روی مردم بی دفاع آتش می‌گشایند و آن ها را به خاک و خون می کشند ؟ آیا حزب حاکم وایادی آن قصد دارند با این اعمال رژیم منفور پهلوی را نیز روسفید کنند؟ ما هشدار می دهیم نگذارید کاسه ی صبر خلق لبریز شود .

انجمن جوانان موحد خرم آباد دررابطه با حوادث اخیر شهراطلاعیه‌ای صادرکرده و ازمقامات خواسته موضع روشنی در قبال حوادث فوق بگیرند .

منبع نشریه مجاهد شماره ۱۰۹ به تاریخ : ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۵۹

شهادت مجاهد شهید مهری صارمی

تاریخ شهادت : ۹ بهمن ۱۳۵۹

محل شهادت : خرم آباد

نحوه شهادت :

هنگام برگزاری مراسم شب هفت مجاهد شهید بهرام کردستانی چماقداران که در بین آنها افرادی از نهادهای به اصطلاح انقلابی نظیر جهاد و نیز معاون آموزش وپرورش دیده می‌شدند به مراسم حمله می‌کنند .

مهاجمین درابتدا با پرتاب سنگ سعی در بهم زدن مراسم داشته‌اند که موفق نشده و سرانجام با رگبار گلوله های زمینی و هوایی به شرکت کنندگان در مراسم حمله می‌کند دراین تهاجم وحشیانه خواهر مجاهد مهری صارمی و یکی ازبانوان شرکت کننده در مراسم به نام کبری ایازی براثر اصابت گلوله شهید می شوند و تعداد زیادی نیز زخمی می شوند

قاتل بهرام کردستانی به نام عظیم مرادی نیز درمیان افراد مسلح مهاجم بوده و آشکارا دراین حمله ی وحشیانه شرکت فعال داشته است .

منبع : نشریه مجاهد شماره‌های ۱۱۳ و ۱۱۷ به تاریخ (۲۱ / ۱۲/ ۱۳۵۹)

مجاهد شهید سیما صباغ خوشکار

تاریخ شهادت : ۱۵ اسفند ۱۳۵۹

محل شهادت : اشاره‌ای نشده است .

نحوه شهادت : اشاره‌ای دقیق نشده است .

××××××

زندگی مجاهد شهید سیما صباغ خوشکار

مجاهد شهید سیما صباغ درسال ۱۳۴۴ در یک خانواده متوسط درلاهیجان دیده به جهان گشود. ازهمان اوان کودکی علاقه‌ی زیادی به مردم مخصوصاً بچه‌های هم سن و سال خود داشت و تأثیرزیادی به روی افراد خانواده و فامیل می‌گذاشت .

درجریان انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ در راهپیمایی‌های شهر شرکت فعالانه داشت ، سیما بعد از پیروزی قیام با کتاب‌ها و نشریات مجاهدین آشنایی پیدا کرد ، او طبق معمول هر روز با خواهرش برای درجریان قرارگرفتن اخبار به خیابان می‌رفت، همیشه این باعث افتخارش بود که هوادار یک سازمان انقلابی است .

علاقه‌ی زیادی به سازمان داشت، بیشتر اوقات دردفترها وکتاب های خود، نام شهدای پرافتخارمجاهدین و نفرت خود را از امپریالیسم و جیره خوارانش منعکس می‌نمود . پدر و مادر و تمام فامیل او را دوست می‌داشتند، او همیشه می‌گفت :

خدایا یعنی من هم می‌توانم یک فاطمه امینی یا یک نسرین رستمی بشوم و خلاصه به آرزویش یعنی شهادت که آرزوی هر مجاهدی می‌باشد رسید . او درسال اول نظری در رشته‌ی علوم انسانی در دبیرستان تربیت لاهیجان تحصیل می‌کرد و همیشه نمونه‌ی یک میلیشیای واقعی درمدرسه بود .

دراین اواخر انشاء بسیار جالبی در رابطه با انتقاد از مدرسه نوشت و حتی تذکر دادکه اگرهم اخراج شود مهم نیست چون معتقد بودکه باید انتقاد را صریحا گفت و حقیقت راپنهان نکرد.

درسراسر زندگی، کوتاه اما پربارش او نمونه ای نه تنها برای خانواده، بلکه برای تمام مردم محله‌ی خودبود. همیشه احساس مسئولیت اورا وا می‌داشت که هرقدمی را درراه خلق، حتی اگر به شهادت او منجر شود، بردارد و بالاخره هم دراین راه به درجه‌ی شهادت نائل گردید .

مادرمجاهد شهید سمیاصباغ می‌گوید : من نوگل ۱۵ ساله‌ام و افتخاری راکه خدا به من داده است با دودستم تقدیمش کردم، باشدکه خدا این نوگل پرپرشده‌ام را بپذیرد به امید پیروزی خلق، و سرنگونی امپریالیسم وجیره خوارانش .

××××××

وصیت نامه‌ی مجاهد شهید سیما صباغ

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

من سیما صباغ خوشکار دارنده‌ی شماره شناسنامه ۲۲۰۸ فرزند عباس خوشکار، از روی شناختی‌که از سازمان مجاهدین خلق دارم حاضرم جانم را در این راه تا آخرین قطره‌ی خون ازدست بدهم و من ازتهدید نمی‌ترسم و می‌دانم که باید این جانم را در راه خدا و خلق ازدست بدهم و به جامعه‌ی بی طبقه توحیدی برسم . اگر با ریختن خون من آزادی را بدست می‌آوریم، بگذار خون فرزندان خلق در این سرزمین بریزند .

این وصیت رادرساعت ۱۱ شب موقعی که به فکرشهادت افتادم نوشتم .

سیماصباغ ــ ۵۹/۱۲/۴

درود برفاطمه ی امینی ، درودبرنسرین رستمی

درودبرمجاهدین خلق ایران

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۹۹ به تاریخ : ۱۱ آذر / ۱۳۵۹

همدستی پزشک قانونی! رشت با قاتلین مجاهد شهید سیما صباغ

چه بگویم که دیکر حتی کلام نیز از بیان این همه رذالت و جنایت عاجز است. به عکس و پروانه‌ی دفن مجاهد شهید سیما صباغ نگاه کنید تا ببینید چگونه مرتجعین حرفه‌ی مقدس پزشکی را نیز به لوث وجود آلوده‌اند. و ببینید که مرتجعین چگونه خاطره‌ی پزشک احمدی، جلاد معروف رضاخان را زنده کرده‌اند .

عکس، جسد خواهر مجاهد میلیشیای قهرمان سیماصباغ راکه درتاریخ ۱۵/اسفند/۵۹ توسط پاسداران شب و به ضرب گلوله ای ازپشت گردن به شهادت رسیده است، نشان می‌دهد. محل خروج گلوله‌ای که ازپشت گردن وارد شده و پارگی ناشی از آن در جلوی گردن به وضوح درعکس پیداست .

اما در پروانه‌ی فنی که توسط پزشک ضدانقلابی و همدست باقاتلین صادرشده ،علت فوت پارگی جلوگردن و عروق آن توسط دشنه ؟! ذکرشده است . مرتجعین تا کجا که پیش نرفته‌اند، و الحق که دربسیاری زمینه‌ها گوی سبقت را ازجلادان ساواک هم ربوده‌اند !

ما ازتمامی پرشکان متعهد و مسئول درسراسرکشور و به خصوص ازسازمان نظام پزشکی می‌خواهیم که درمقابل این جنایت که همدستی و همکاری با قاتلین مجاهد شهید سیما صباغ می‌باشد سکوت نکرده واعتراض خود را به هر نحوی که می‌توانند ابراز دارند.

چماقداران و حامیان مرتجع آنان تا کی می‌خواهند به ریختن خون پاک‌ترین وشجاع ترین فرزندان خلق ادامه دهند؟ و تا کی می‌توان شاهد این همه جنایت و قتل بود و باز هم سکوت کرد؟

خون شهیدان دینی است برگردن ما که هرگز فراموش نخواهد شد و بدون شک مردم آگاه وقهرمان نیز هرگز این خون‌های به ناحق ریخته وعاملین وآمرین جنایتکار آن را تحت هرنام و در هر کسوتی که باشند فراموش نخواهند کرد.

××××××

منبع نشریه مجاهد ۱۱۵ و ۱۱۷ به تاریخ : ۳ / ۲ / ۱۳۶۰

به شقایق در خون خفته پایان زمستان ، سیما صباغ خوش‌کام

واپسین زمستان هرچند باد سرد زمستانی بیداد می‌کند

بانگ دل‌خراش کلاغان، آذین هر گذر و

اما بی‌شک بهار می رسد ازراه
آنک ببین صدها شقایق عاصی را
کزتنگنای خاک سر برکشیده‌اند
گلبرگ‌های سرخ و جوانشان
گراوفتاد به خاک و پژمرد
اما نوید داد بهاران را
خون شقایقان پریشیده هرکجا ریخت گرم
از هم شکفت خاک سیاه و سرد
و شعله زد بهار
این دیو باد زمستانی در واپسین زمستان
در این پگاه بهاران
بگذار دیو گونه بتوفد تا دشت منتظر
بی‌رحمی و خشونتشان را عریان وتیزحس کند
بی‌شک ، بی‌شک زمین شخم‌خورده صحرا
احساس داغ و تند بهاران را
درجان خویش عاصی سرکش حس می‌کند
بگذار دیو گونه بتوفد
بی‌شک بهار پگاه عید
این دشت پرشقایق و لاله است .

نشریه مجاهد ۱۱۷ بتاریخ ۳ اردیبهشت ۶۰



از سرویس خبری مجاهد

در شهرستانها چه میگذرد...!

لاهیجان:

مراسم چهلمین روز شهادت مجاهد شهید سیما صباغ خوشکار

روز سه شنبه (۱/۲۵)، مراسم چهلم شهادت مسلیشیای قهرمان سیما صباغ با شرکت بیش از ۱۰۰۰ نفر از مردم و با حضور خانواده‌ی مجاهد شهید "خیرالله اقبالی نژاد" در منزل شهید برگزار گردید، مراسم با تلاوت آیاتی از قرآن مجید و سرود شهادت آغاز شد پس از قرائت مقاله‌ای توسط خواهر شهید، مادر قهرمان پرور سیما درقسمت‌هایی از سخنان خود چنین گفت: "... من نمی‌توانم باورکنم که فرزندم شهید شده است چون از هر قطره‌ی خون سیمای پاک، هزاران مجاهد برخواهد خاست مرتجعین در مسیر مطامع خود سیماهای دیگری را به شهادت خواهند رساند ولی ما مطمئنیم که سرانجام خواری و ذلت از آن مرتجعین خواهد بود..." سپس مادر شهید "خیرالله اقبالی نژاد

بقیه‌درصفحه‌ی ۳۲



از سرویس خبری مجا

در شهرستانها چه میگذرد

سخنرانی کرد وی در قسمتی از سخنانش گفت: "خون سیما و خیرالله با هم جوش خواهند خورد، شما راه شهیدان را ادامه دهید" پس ازآن پدر مجاهد شهید خیرالله ضمن سخنان پرشور و آتشین خود گفت: "ما جمع شده‌ایم که در رابطه با شهادت سیمور وسیما و خیرالله با هم آشنا شویم ما انقلاب کردیم که استقلال آزادی، جمهوری اسلامی بحقق پیدا کند. ما انقلاب نکردیم که حزب ارتجاعی قدرت‌را در دست بگیرد."

لحظه‌ی پرشکوهی که مادر مجاهد شهید "سیما صباغ" بر چهره‌ی دردمند و پرامید مادر شهید خیرالله بوسه می‌زد و دست او را بالا گرفته بود جمعیت شرکت کننده یک صدا فریاد می‌زد: "حزب جماق بدستان باید بره گورستان ـ تنها ره رهائی راه‌مجاهدین است."

این مراسم نیز همانند سایر مراسم مردمی از گزند حماقداران و افراد مسلح در امان نبود لیکن با حماسه گسترده و هوشیاری مردم بدون درگیری خاتمه یافت.

کرده و با آنها اعلام
می‌نمایند.

اعتصاب تاروز ۵
یافته و درعصرآن رو
به اصطلاح دادستا
به اتفاق "سعیدی"
پاسدار به کارخانه می
وقتی با ایجاد و
مصممانه‌ی کارگران رو
ناکزیر با دو خواس
موافقت کرده و "
قول!! می‌دهد که
در امور مربوط به
دخالتی ننماید و ا
موفقیت به پایان رس

ساری:

استقبال پر
مردم شمال اززن
مجاهد ازبند

در سیمه‌ی اول
ماه جاری ۲۶ تن از
مجاهدین از زندا
آزاد شدند و مورد
پرشور عده‌ی زیادی
شهر قرار می‌گیرند.
روز جمعه ۱۰ بهمن
گذشته هنگام بارگ
توسط اهالی جماقد

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۵ ـ به تاریخ : پنجشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۰



شهادت مجاهد شهید صنم قریشی

تاریخ شهادت : ۲۸ / اسفند/ ۱۳۵۹

محل شهادت : بندرعباس

نحوه ی شهادت : حین پخش نشریه مجاهد ، مورد تعرض پاسداران قرارگرفت و به ضرب گلوله به شهادت رسید .

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۵ ـ به تاریخ : پنجشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۰

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران

درباره‌ی شهادت میلشیای قهرمان صنم قریشی در بندرعباس

به دنبال ترورجنایت کارانه خواهر قهرمان صنم قریشی توسط مزدوران مسلح ارتجاع حاکم در بندر عباس، سازمان مجاهدین طی اطلاعیه‌ای این واقعه را به اطلاع مردم رسانده که در بخش هایی ازآن آمده است :

میلشیای شهید قهرمان مجاهد « صنم قریشی » که یک دانش آموزآگاه و انقلابی و فرزند ۱۹ ساله‌ی یک خانواده‌ی زحمتکش بندرعباس بود، در روز پنجشنبه ۲۸ / ۱۲ / ۵۹درحالی که به پخش نشریه‌ی مجاهد مشغول بود، مورد تعرض و حمله‌ی ناجوانمردانه و غیرقانونی پاسداران گروه ضربت دادگاه مواد مخدر قرارگرفت و به ضرب گلوله‌ی آنان به شهادت رسید . . .

در نوشته ای که از این خواهر شهید به جامانده چنین آمده است :

« . . . مرگ من در مقابل رهایی ملت از بند اسارت، هیچ ارزشی ندارد . ای کاش از جانم چیزی بالاترداشتم، که در اختیار خلقم می‌گذاشتم » و این در حالی است که خواهر

شهیدش سیما صباغ که۱۳ روز قبل از او در لاهیجان به شهادت رسید و در وصیتنامه‌اش

چنین نوشته است ... من ازتهدید نمی‌ترسم و می دانم که باید جانم را در راه خدا و خلق بدهم و به جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی برسم .

به راستی آنان که برای دوام سلطه‌ی انحصارطلبانه و ظالمانه‌ی خود، دستشان را به خون پاکترین فرزندان خلق آغشته میکنند، در برابر این اراده های پولادین چه خواهند کرد ؟

. . . مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن شدید این جنایت ضدخلقی و ضدانقلابی، شهادت این خواهر مجاهد را به عموم هموطنان عزیز به ویژه مردم شریف بندرعباس وخانواده‌ی داغدارش تبریک وتسلیت میگویند . اطمینان داریم که آرمان او بردوش یاران و همرزمان مجاهدش درسراسر کشور بازهم پرشکوه تر وکوبنده ترسینه‌ی جهل و ستم را خواهد شکافت و همین آنان را که برسرراه تکامل

خلق کمین کرده اند و بسختی قاتلان جنایتکار او را به زباله دان تاریخ خواهند افکند و سرانجام باتحقق « رهایی کامل خلق » و « جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی » به بار خواهد نشست .

و سَیَعْلَمُ الَذینَ ظَلَموا ایَ مُنْقَلِبٍ یَنْقَلِبون

مجاهدین خلق ایران - ۲ / فروردین ۱۳۶۰

××××××

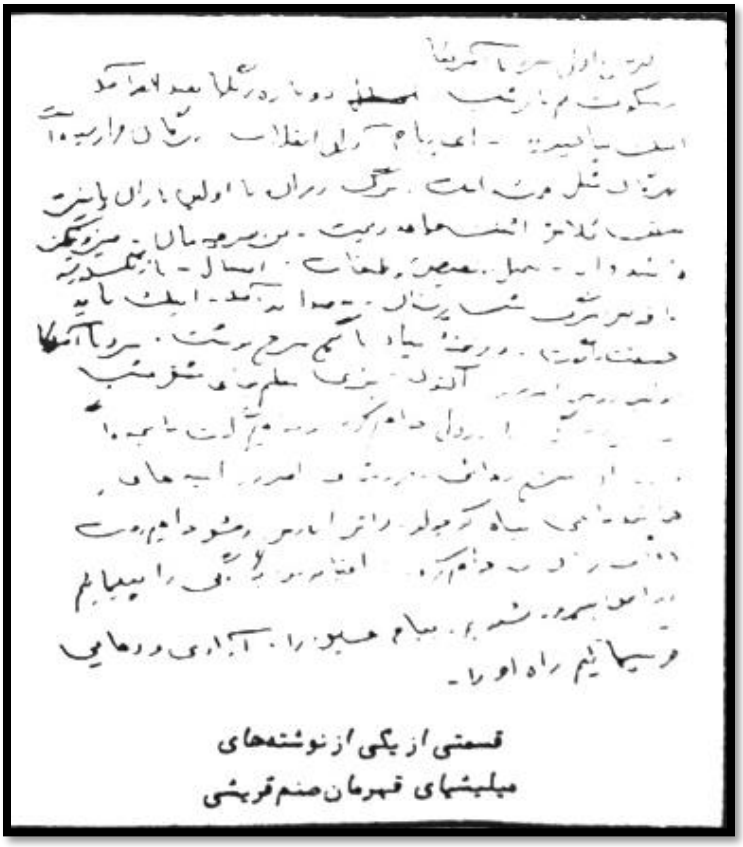
منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۵ ــ به تاریخ : پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۰

شهادت مظلومانه‌ی میلیشیای قهرمان«صنم قریشی» در بندرعباس



روز پنجشنبه ۲۸ اسفند ماه سال گذشته عده‌ای از خواهران فروشنده‌ی نشریه مجاهد درمقابل بازار اوزنها مورد حمله‌ی مامورین گروه ضربت دادگاه مبارزه با مواد مخدر قرار می‌گیرند .

مامورین به کلت و مسلسل یوزی مسلح بودند و قصد دستگیری خواهران را داشتند. خواهران میلیشیا مقاومت کرده و افشاگری می‌کنند . خواهر مجاهد صنم که فعالانه در افشاگری علیه ارتجاع شرکت داشت، با هجوم مسلحانه‌ی مامورین مرتجع گروه ضربت روبرو می‌شود . فرد پاسداری به نام عبدالصمد شمشیری اعزامی از اصفهان تیری در گیج‌گاه او شلیک می‌کند و سپس پیکرنیمه‌جانش را سوارماشین تویوتای قهوه‌ای رنگ کرده به سمت بیمارستان « شهید محمدی» حرکت می‌کنند، اما صنم قبل از رسیدن به بیمارستان در بین راه به شهادت می‌رسد . با پخش خبر شهادت صنم، عده‌ی زیادی از مردم در محل حادثه اجتماع کرده و با شعارهای « این سند جنایت ارتجاع است و . . . » در شهر حرکت می‌کنند . عده‌ای از همشهریان صنم به خون شهید پنجه می‌زنند و نشریه‌ی مجاهد را با دست خود، به خون صنم زینت می‌دهند . و به این ترتیب یک بار دیگر ایادی خونخوار حزب حاکم با شهادت یک مجاهد خلق، ماهیت ضد انقلابی خود را به مردم نشان می‌دهند .



قسمتی از یکی از نوشته‌های
میلیشیای قهرمان صنم قریشی

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۵ ـ به تاریخ : پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۰

پیام مادر میلیشیای شهید صنم قریشی به مردم بندرعباس

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ

(سورهٔ تکویر آیه ۸ و۹)

مردم دلیر و قهرمان پرور بندرعباس:

در تاریخ ۲۸ / ۱۲ / ۵۹ شب‌پرستان مرتجع، مغز فرزند مجاهدم میلیشیای قهرمان صنم قریشی را که در حال فروش نشریه مجاهد بود با ضرب گلوله‌ی کلت و به دست مزدور خود فروخته به اسم عبدالصمد شمشیری رئیس گروه ضربت مواد مخدر از هم پاشیدند و صفحه‌ای ننگین به عملکرهای دو ساله‌ی خود افزودند و پس از آن وقیحانه جریان شهادت او را ضمن اطلاعیه‌ای از رادیو به درگیری مواد مخدر ربط دادند اما انحصارطلبان غافل‌تر از آن هستند که رشد و آگاهی مردم را ببینند، چنان‌که ندیدند .

پس از شهادت صنم این مردم بودند که چادر او را روی دست حمل کرده و شعار می‌دادند این است سند جنایت ارتجاع و به راستی نمی‌دانند که دیگر با ژ-۳ وکلت و امثالهم نمی‌توان جلوی نشر حقایق

را گرفت، و آیا عملکرد این رژیم پهلوی برای آن‌ها تجربه‌ای نیست ؟ به راستی زهی بی‌شرمی، که خون فرزند مجاهدم را که در راه آرمان‌های توحیدی، و رسیدن به جامعه‌ای بی‌طبقات ریخته شد، خونی که نوید بخش رهائی خلق محروم بود را به مساله‌ی مواد مخدر ربط دادند .

من ضمن محکوم کردن این اعمال مزورانه و دور از انسانیت و شرف مجددا یادآور می‌شوم که فرزند مجاهدم ضمن فروش نشریه‌ی مجاهد و در راه آرمان‌های اصیل توحیدی‌اش شهید شد و من به داشتن چنین فرزندی افتخار می‌کنم که صنم‌ها و نسرین‌ها و فاطمه‌ها باعث افتخار خلق ما هستند و تنها به من تعلق ندارند که به تمام محرومین تعلق دارند. صنم ادامه‌دهنده‌ی راه حنیف بود که می‌گفت تا لحظه‌ای که خلقم رها نشود دست از مبارزه نخواهم داشت .

من از کلیه خواهران و برادران او می‌خواهم که استوارتر از قبل راهش را ادامه دهند که همانا وعده‌ی خداوند حق است .

وَنُرِيدَ أَن نَّمَنَ عَلَي الَّذيَنَ اسْتُضْعِفُوا فى الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهَمْ أَئمِةً وَنَجْعَلَهَمَ الْوَارِثيَنَ .

آیه ۵ سوره قصص

و از همه‌ی مردم دلیر و قهرمان‌پرور ایران می‌خواهم که در مقابل ریختن چنین خون‌های پاکی ساکت ننشینند و از مقامات قضائی می‌خواهم اگر به راستی جای اسلام و قرآن هستید با دستگیری و محاکمه‌ی سایر مزدورانی که این جریانات را رهبری می‌کنند گامی در راه خدا و خلق بردارید که تاریخ روزی به قضاوت خواهد نشست و به قول فرزند شهیدم ناصر محمدی تاریخ سیر تکاملی خود را طی خواهد کرد و مشخص خواهد شد که ظالم کیست و مظلوم کیست ؟

درود به شهدای پرافتخار سازمان مجاهدین خلق

درود بر فرزند شهیدم میلیشیای قهرمان مجاهدشهید صنم قریشی

عضو انجمن دانش آموزان مسلمان بندرعباس

گلی قریشی

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۵ ـ به تاریخ : پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۰

شهادت ۵ مجاهد خلق در طلیعه بهار بدست ایادی مسلح ارتجاع



شهدای مجاهدخلق بترتیب عبارتند از :

مجاهد شهید صنم قریشی ـ مجاهد شهید اصغر فلاحی ـ مجاهد شهید اصغر اخوان قدس مجاهد شهید خیرالله اقبالی نژاد ـ مجاهد شهید تیمور طالش شریفی .

در طلیعه‌ی سال جدید و در نخستین هفته‌های آغاز بهار باز هم چماقداران و مزدوران حزب ارتجاعی حاکم جنایاتی تازه آفریدند . ۵ فرزند برومند، دلیر و صدیق خلق، ۵ نوگل سرخ محمدی، ۵ مجاهد خلق که جز اعتقاد به اسلام راستین و جز وفاداری به آرمان زحمتکشان گناهی نداشتند، به ضرب گلوله و دشنه‌ی مزدوران مسلح و حلقه به گوش ارتجاع حاکم به شهادت رسیدند .

این جنایات ضد انقلابی درست در شرایطی صورت گرفته است که تا دیروز مرتجعین حاکم با تمام بوق و کرنای تبلیغاتی خود، پی در پی از حاکمیت قانون و عدل اسلامی دم می‌زدند. کسانی که به خاطر حمایت از مشتی چماقدار و در واقع به منظور جلوگیری از افشای دست های جنایتکار و به خون آغشته خود و حزبشان، پی‌درپی آن همه مصاحبه‌های رنگارنگ ترتیب می‌دادند، اکنون کجایند ؟ گوئی همگی خفقان گرفته‌اند ! این جنایات در پایان سالی که « سال امنیت » لقب گرفته بود و در آغاز سالی که « سال رحمت، عطوفت و حکومت قانون » نامیده شده است، صورت گرفت .

نتیجه‌ی « امنیت » پارسال هزاران مجروح، صدها زندانی و شکنجه شده و دهها شهید به دست چماقداران بود. « عطوفت »، « رحمت »، « برادری » و « حکومت قانون » مطرح شده در امسال نیز، در بهاران شکوفه‌های سرخ و نوشکفته‌ی حیات انقلابی ۵ مجاهد خلق را پر پر کرد و « نوروز » خانواده‌هائی را به « عزا » تبدیل کرد . و تازه هنوز در ابتدای بهاریم و « سالی که نکوست از بهارش پیداست » ؟!

اما اکنون کیست که دیگر نداند آن خیمه‌شب‌بازیها و آن هیئت‌های بررسی گوناگون ترتیب دادن، جز برای عوام‌فریبی و سرپوش گذاشتن بر جنایات چماقداران و ایادی مسلح ارتجاع حاکم نبوده است .

به راستی در حالی که میلیشیای قهرمان صنم قریشی به ضرب گلوله‌ی سفاکانه‌ی ایادی رسمی و مسلح ارتجاع که روز روشن و در برابر دیدگان مردم به مغز وی شلیک شده، به خون درمی‌غلطد و درحالی که مجاهد شهیداصغر قدس در اسارت سپاه پاسداران
قزوین و به ضرب گلوله‌ی آنان در سلول به شهادت می‌رسد و باز در حالی‌که مجاهد شهید خیرالله اقبالی نژاد به ضرب گلوله‌های مسلسل دو پاسدار که به قلب و کمر او شلیک کرده‌اند به شهادت می‌رسد و یا در حالیکه مجاهد شهید اصغر فلاحی توسط چماق‌داران و قمه‌کشان شناخته شده که توسط بسیج و انجمن به اصطلاح اسلامی حمایت شده‌اند، به شهادت می‌رسد و سرانجام در حالی که برادر تیمور طالش شریفی را صرفا به خاطر نصب تراکت و اعلامیه به گلوله می‌بندند .

آیا صحبت از قانون توسط سردمداران این جنایتکاران، اراجیف مسخره‌ای نخواهد بود که علیرغم میل آنان کسی را نخواهد فریفت؟ و به راستی آیا مرتجعین حاکم نمی‌خواهند از اسلاف جنایتکار خود و سرنوشت آنان پند بگیرند؟

مطمئنا همرزمان این مجاهدان شهید باز هم استوارتر و مصمم‌تر از پیش در جهت تحقق آرمان انقلابی، اسلامی و حق‌طلبانه‌ی آنان گام برخواهند داشت و این جنایات جز روسیاهی بیشتر و جز تسریع در سرنگونی و سقوط در زباله‌دان تاریخ برای عاملین و آمرین آن ثمری نخواهد داشت .

هر چند که اکنون این جنایتکاران بتوانند چند صباحی تحت حمایت مقامات به اصطلاح عالیه ! و مسئول ! به زندگی ننگین خویش ادامه دهند، اما سرانجام دست انتقام خلق آنان را هم چون جلادان شاه خائن به سزای جنایاتشان خواهد رساند . و آن روز دور نیست .

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۵ ـ به تاریخ : پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۰

از زندگی انقلابی مجاهد شهید صنم قریشی بیاموزیم

میلیشیای قهرمان مجاهد شهید «صنم قریشی» ، در سال ۱۳۴۱ در یکی ازروستاهای بندر عباس به نام قلعه قاضی در خانواده‌ای محروم و زحمتکش متولد شد. پدر صنم که کارگر ساختمانی بود با تحمل سختی بسیاری «صنم» را به مدرسه فرستاد.

پس از تحصیلات ابتدائی، تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی ناصرخسرو گذراند. و هنگام شهادت سال چهارم نظری بود. صنم بر اثر ستم طبقاتی وارد بر خانواه‌اش، مشکلات و رنج‌های مردم را به خوبی لمس می‌کرد و ازکمک به محرومان و ستم دیدگان دریغ نمی‌ورزید. او درجریان قیام همراه با سایر دانش‌آموزان انقلابی فعالانه شرکت داشت و پس از پیروزی انقلاب از طریق کتاب و اعلامیه، با دیدگاه‌های مجاهدین خلق آشنا شد و راه رهائی خلق و استمرار مبارزه‌ی ضد امپریالیستی را درآرمان

مجاهدین یافت. از این رو به انجمن «دانش‌آموزان مسلمان بندرعباس» پیوست و در این راه تا تمام قوا می‌کوشید. به نحوی که با جرأت می‌توان گفت که از سلامت و حیاتش مایه می‌گذاشت. در یکی ازنوشته‌هایش چنین می‌گوید :

... ای کاش از جانم چیزی بالاتر داشتم که در اختیار خلقم می‌گذاشتم ولی او را این چنین در میان انگشتان استبداد نمی‌دیدم، کاش می‌توانستم فریاد بزم و اعتراض کنم و دست در دست‌های خلق‌های فلسطینی، شیلی و . . . همه با هم علیه استبداد فریاد زنیم و فریادهای ما یکی شود و پایه‌های زور و استبداد را بلرزاند، او را نقش بر زمین سازد . . .

قلم روان صنم و نوشته‌هایش حاکی از فقر و محرومیتی بودکه همیشه گریبان‌گیر او بود:

« هنوز خود را نشناخته با رنج آشنا شدم. وقتی که کودکی بودم و در آغوش مادرم، در نگاه‌های محبت‌آمیز و در چشم‌های پرفروغش، وقتی که مادرم مجبورشد برای سیر کردن شکم خالی ما کار کند، وقتی که خواهرم درسش را نیمه تمام گذاشت و در آخرین نگاه‌های پدرم . . . »

و سرانجام خون پاک صنم در راه رساندن پیام خونین مجاهدین به توده‌ها در غروب پنجشنبه ۲۸ / ۱۲ / ۵۹ به دست ایادی مزدور ارتجاع به زمین ریخته شد، تا سپیده دم جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی که در آن اثری از ظلم و استثمار نیست زودتر بدمد. ما شهادت میلیشیای قهرمان و پیک رهائی بخش« صنم قریشی » را به خانواده‌ی قهرمان پرورش و به تمامی مردم شریف بندرعباس تبریک و تسلیت می‌گوئیم . باشد که خون این عزیزان، طومار امپریالیستها و همه‌ی مرتجعین را درهم بپیچد.

«یوم المظلوم علی الظالم اشد من یوم الظالم علی المظلوم»

روزحاکمیت ستمدیدگان بر ظالمان بسی دردناک‌تر از روز حاکمیت ظالمین بر ستمدیدگان است . به امید آن روز .

فصل اول

بخش چهارم:

(شهدای سال ۶۰)

« سازمان مجاهدین خلق ایران »



منبع : نشریه مجاهد ۱۱۵ به تاریخ ۲۰ فروردین ۶۰



شهادت مجاهد شهید : اصغر فلاحی

تاریخ شهادت : ۶ / ۱ / ۱۳۶۰

محل شهادت : قادیکلای قائم شهر

نحوه‌ی شهادت : به ضرب دشنه ، توسط یک چماقدار .

اطلاعیه مجاهدین خلق در باره شهادت برادران مجاهد اصغر فلاحی و اصغر قدس به دست عمال چماقدار و ایادی مسلح انحصارطلبان درقائم شهر و قزوین در قسمت هایی ازاطلاعیه چنین آمده است ؟

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

ازآنان انتقام نمی گیرند مگربه خاطر آن که به خدای عزیز و منزه ایمان آورده اند-

هموطنان مبارزمردم آگاه و قهرمان قائمشهر و قزوین !

اینک خبر می رسد که در روزهای ششم و هفتم فروردین دست های جنایتکار عمال انحصار طلبان، دو میلیشیای قهرمان و فداکار برادران مجاهد " اصغر فلاحی" در قائمشهر و "ا صغر قدس " در قزوین را به جرم دفاع از اسلام راستین و آرمان های انقلابی و توحیدی ازپای درآورده اند !

مردم آگاه وانقلابی ایران !

میلیشیای قهرمان , برادر مجاهد اصغر فلاحی که صبح روز ششم فروردین در قائمشهر به شهادت رسید فرزند محبوب آگاه و انقلابی روستای قادی کلاه بزرگ و از کشاورزان زحمتکش این روستا

بودکه چماقداران حزب حاکم به قتل او کمر بستن دو پس از چند روز زمینه سازی طی یورش وحشیانه‌ی چماقداران به" قادی کلاه بزرگ !یکی ازچهره های‌معروف و شناخته شده‌ی چماقداران این سیاه‌دلان جنایتکار به ضرب دشنه او را از پای درآورد .

میلیشیای قهرمان برادر مجاهد اصغر قدس فرزند انقلابی و شهید مردم دلیر و آگاه قزوین ، دانش آموز و از هواداران فعال و فداکار مجاهدین خلق بود که در روز پنجم فروردین به جرم توزیع نشریه ی مجاهد به اسارت مامورین سپاه پاسداران قزوین در آمد و در نیمه شب روز ششم فروردین در حال اسارت هدف گلوله ای ناجوانمردانه قرار گرفت و صبح روز هفتم فروردین در راه آرمان های انقلابی و توحیدیش به شهادت رسید

مرتجعین و ستمکاران جز زوال و اضمحلال تاریخی سرانجامی نخواهند یافت .... و سرانجام دست انتقام خلق آنان را همچون جلادان ساواک شاه خائن به سزای جنایاتشان خواهد رساند .

" وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون "

مجاهدین خلق ایران

۸/فروردین /۶۰

شهادت ۵ مجاهد خلق در طلیعه بهار بدست ایادی مسلح ارتجاع

در طلیعه‌ی سال جدید و در نخستین هفته‌های آغاز بهار باز هم چماقداران و مزدوران حزب ارتجاعی حاکم جنایاتی تازه آفریدند . ۵ فرزند برومند ، دلیر و صدیق خلق ، ۵ نوگل سرخ محمدی ، ۵ مجاهد خلق که جز اعتقاد به اسلام راستین و جز وفاداری به آرما ن زحمتکشان گناهی نداشتند به ضرب گلوله و دشنه‌ی مزدوران مسلح و حلقه به گوش ارتجاع حاکم به شهادت رسیدند .

این جنایات ضد انقلابی درست در شرایطی صورت گرفته است که تا دیروز مرتجعین حاکم با تمام بوق وکرنای تبلیغاتی خود پی در پی از حاکمیت قانون و عدل اسلامی دم می‌زدند. کسانی که به خاطر حمایت از مشتی چماقدار و در واقع به منظور جلوگیری از افشای دست‌های جنایتکار و به خون آغشته خود و حزبشان پی‌درپی آن همه مصاحبه‌های رنگارنگ ترتیب می‌دادند اکنون کجایند؟ گوئی همگی خفقان گرفته‌اند ! این جنایات در پایان سالی که " سال امنیت" لقب گرفته بود و در آغاز سالی که " سال رحمت ، عطوفت و حکومت قانون " نامیده شده است ، صورت گرفت .

نتیجه‌ی " امنیت" پارسال هزاران مجروح ، صدها زندانی و شکنجه شده و دهها شهید به دست چماقداران بود . " عطوفت "،" رحمت"، "برادری " و " حکومت قانون" مطرح شده در امسال نیز در بهاران شکوفه‌های سرخ و نوشکفته‌ی حیات انقلابی ۵ مجاهد خلق را پرپر کرد و " نوروز "

خانواده‌هائی را به "عزا" تبدیل کرد . و تازه هنوز در ابتدای بهاریم و " سالی که نکوست از بهارش پیداست " !؟

اما اکنون کیست که دیگر نداند آن خیمه‌شب‌بازیها و آن هیئت‌های بررسی گوناگون ترتیب دادن جز برای عوام‌فریبی و سرپوش گذاشتن چماقداران و ایادی مسلح ارتجاع حاکم نبوده است .

به راستی در حالیکه میلیشیای قهرمان صنم قریشی به ضرب گلوله‌ی سفاکانه‌ی ایادی رسمی و مسلح ارتجاع که روز روشن و در برابر دیدگان مردم به مغز وی شلیک شده به خون در می‌غلطد و در حالی که مجاهد شهید اصغر قدس در اسارت سپاه پاسداران قزوین و به ضرب گلوله‌ی آنان در سلول به شهادت می‌رسد و باز در حالی‌که مجاهد شهید خیرالله اقبالی نژاد به ضرب گلوله‌های مسلسل دو پاسدار که به قلب و کمر او شلیک کرده‌اند به شهادت می‌رسد و یا در حالیکه مجاهد شهید اصغر فلاحی توسط چماق‌داران و قمه‌کشان شناخته شده که توسط بسیج و انجمن به اصطلاح اسلامی حمایت شده‌اند به شهادت می‌رسد .

و سرانجام در حالی که برادر تیمور طالش شریفی را صرفا به خاطر نصب تراکت و اعلامیه به گلوله می‌بندند .

آیا صحبت ازقانون توسط سردمداران این جنایتکاران ، اراجیف مسخره‌ای نخواهد بود که علیرغم میل آنان کسی را نخواهد فریفت؟ و به راستی آیا مرتجعین حاکم نمی‌خواهند از اسلاف جنایتکار خود و سرنوشت آنان پند بگیرند ؟

مطمئنا همرزمان این مجاهدان شهید باز هم استوارتر و مصمم‌تر از پیش درجهت تحقق آرمان‌های انقلابی ، اسلامی و حق‌طلبانه‌ی آنان گام برخواهند داشت و این جنایات جز روسیاهی بیشتر و جز تسریع در سرنگونی و سقوط در زباله‌دان تاریخ برای عاملین و آمرین آن ثمری نخواهد داشت .

هر چند که اکنون این جنایتکاران بتواتند چند صباحی تحت حمایت مقامات به اصطلاح عالیه ! و مسئول ! به زندگی ننگین خویش ادامه دهند اما سرانجام دست انتقام خلق آنان را هم‌چون جلادان شاه خائن به سزای جنایاتشان خواهد رساند . و آن روز دور نیست.

××××××

شهادت ۵مجاهد خلق در طلیعه بهار بدست ایادی ارتجاع

شهادت میلیشیای قهرمان اصغر فلاحی

ازچند روزمانده به پایان سال ۵۹ مرتجعین به وسیله ی ایادی چماق دار خود هواداران مجاهدین را در روستای قادیکلای قائمشهر مورد تهدید و ارعاب قرارمی دادند .

آن ها تهدید می کردند که درصورت ادامه ی فعالیت اهالی پایین محله (محله‌ی سکونت هواداران) را به خاک و خون می‌کشند !

یکی ازهمین شبها محمدعلی نوریان , حسین مظفری و کیومرث یدالهی ازاعضای فعال انجمن اسلامی روستای قادیکلا و شیروان حیدری عضو بسیج قائمشهر طی جلسه‌ای باحضور عده‌ای ازاهالی ازآن ها می خواهند که ازفعالیت های هواداران جلوگیری کنند .

اهالی زیر بار نمی روند (نامفهوم) جلسه نیز می گویند در این صورت ما خودمان جلوی آن‌ها را می گیریم . متعاقب این جلسه در روز جمعه ۱۲/۲۹, که شعارهای خلع‌ید ازحزب چماقداران روی دیوارهای روستا به چشم می خورد .

شب هنگام شیروان حیدری و چماق داران دیگر شعارها را پاک می کنند و روز شنبه ۱/۱ در روستا به راه افتاده وهواداران را تهدید می کنند و منجمله حیدری می‌گوید من چهار جنازه را به دست مادرتان باید بدهم .

پس ازآن حملات گسترده به بساط هوادران شروع میشود . حیدری افراد بسیج را به دسته های منظم تقسیم کرده و در پایین محله به مانور می پردازد .

روز بعد از آن (۱/۲) نیز آن ها به مسجد چالاکی خیل رفته و در آن حوالی برای آمادگی تمرینات مختلف رژه همراه با ژ- ۳ و کلت و سلاح های سر ازقبیل قمه ، داس ، کابل ، کارد ، پنجه بکس و ... را انجام می دهند .

روزچهار شنبه (۱/۵) ۶۰ نفر از همین چماق داران در " تکیه بالامحله " که مقر اصلی آنهاست جمع شده و حیدری آنان را دردسته های مختلف تقسیم بندی می کند به ترتیب زیر :

۱۰ نفر مسلح به چاقو و قمه ازجمله احمد اسلام پناه (مسلم) پرویز اولادی (دیپلم بیکار) نورالله فتحی (ازبسیج) و اصغرشیرمحمدی (لمپن و دائم الخمر) حدود ۲۰ نفر مجهز به کابل و عده ای نیز به سردمداری حسن مظفری , بهرام چالاکی با گروه سنگ پرانان، عده ای به فرماندهی شیروان حیدری مسلح به سلاح گرم که اوباشی نظیر چالاکی و جمشید حسن پور جزء این دسته بودند .

ساعت ۴/۵ بعد ازظهر حمله آنان به بساط هوادران شروع می‌شود. هواداران را ازهمه طرف محاصره می کنند . پلاکاردها را کنده و بساط ها را بهم می پاشند و عده زیادی از هواداران را زخمی می کنند .

اصغر فلاحی که در این درگیری درحال دفاع از برادران خویش بوده ، درمحاصره‌ی عده ی زیادی از چماق داران قرار می گیرد . اصغر شیر محمدی باکارد بزرگی که در دست داشت به سوی او حمله ور شده و آن را در ران راست او فرو برده و می شکافد. خون به شدت از پای اصغر

فوران می کند و او به دیوار تکیه کرده و بی حس می شود اما ضارب مزدور همچنان ضربات کارد را بر اصغر فرو می کرد که مردم وی را از چنگ قاتل بیرون می آورند و به حمایت از هوادران برمی خیزند . اوباش که عرصه را تنگ می بینند اقدام به تیراندازی کرده و چند مضروب و مجروح دیگر به جامی گذارند .

مردم اصغررا در حالی که غرق در خون بود به بیمارستان هلال احمر قائم شهر می رسانند . در بیمارستان مدام به او خون تزریق می شود ، ولی اصغر در حالی که ازشدت درد به خود می پیچید و زرد و بی حس شده بود ، در صبح روز بعد در حالی که معالجات به نتیجه‌ای نمی رسد به شهادت می‌رسد در این درگیری دو نفرازاهالی روستا زخمی می شوند .

مختصری از زندگی انقلابی مجاهد شهید اصغر فلاحی

مجاهد شهید اصغر فلاحی قادیکلایی در سال ۱۳۳۹در خانواده ای زحمتکش به دنیا آمد. پدرومادرش ازطریق پرورش کرم ابریشم او و ۸ فرزند دیگرشان را بزرگ کردند اصغر تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان هنر و دوره ی راهنمایی را در دبیرستان "رباب" قادیکلا گذراند .

سپس به قائم شهر رفته و در رشته ی خدمات در دبیرستان لارینی به تحصیل خود ادامه داد . اصغر دردوره‌ی انقلاب فعالانه درتظاهرات و سایر فعالیت های مردمی شرکت می‌جست و پس ازانقلاب نیز از آنجا که تحقق آرمان های خود را دراسلام انقلابی مجاهدین خلق یافت ، فعالیت های خود را دراین جهت سمت داد .

در مدرسه در پخش اعلامیه و نصب تراکت و پلاکارد سخت کوشا بود. و در سهمیه‌ی کمک مالی به سازمان فعال بود . در مخالفت با فعالیت های او و خانواده اش یک بار پس ازعاشورای سال گذشته چماق داران به قصد دستگیری او و برادرش به خانه ی آن ها هجوم برده ،کلیه ی نشریات وکتب سازمان را به غارت بردند ولی موفق به دستگیری آن دو نشدند

در روزهای اول فروردین ماه جاری چماق داران مزدور اتجاع به بهانه ی پاک کردن دیوارهای روستا از شعارهای انقلابی به بساط هواداران یورش می برند . در این جریان باردیگر دست حزب ارتجاعی حاکم از آستین چماق داران اجیر شده اش بیرون آمده و خون پاک فرزند دلاور روستا اصغر فلاحی ر ابه زمین می ریزند .

مازندران دیاردلیران و سرزمین تشنه ی آزادی ازخون این شهید گل رنگ ترمی شود یادش گرامی وراهش پایدارباد .

پیام خانواده مجاهد شهید اصغر فلاحی به مردم قائم شهر

این پیام توسط برادرشهید برمزار او برای مردمی که در مراسم تشییع جناز ه و تدفین شرکت کرده بودند قرائت شده است :

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

مردم قهرمان و آزاده ی قائم شهر ، خواهران و برادران این شهید نه فقط به خانوادهی ما بلکه به همهی خلق تعلق دارد و بی شک سالار شهیدان امام حسین از این همه تجلیل شما ازمقام شهید خرسند خواهند بود .

شهادت اصغر شهادت یک نسل انقلابی است شهادت همه ی زحمتکشان است . پیام مظلومیت همهی زندانیان انقلابی مجاهد است .

شهادت اصغر رسوایی دیگری است ک بر پرونده ی سیاه حزب چماق داران افزود مردم قهرمان شهادت اصغر را به همهی شما بتریک میگویم و ما می دانیم که شما پویندگان راه اوهستید .

حزب چماقداران و ایادی معلوم الحال آن ها گمان نکنند که با شهادت اصغر راه او به پایان رسید .

شهادت اصغر برگ زرینی است برشهادت طلبی مجاهدین . گام دیگری است درجهت حاکمیت کارگران و دهقانان ، درجهت برگزاری جامعهی بی طبقه توحیدی است .

و بی دلیل نیست که شما مردم خواهان برکناری حزب چماق دار جمهوری هستید مگرهمین یک هفته پیش نبود که تعلمی به اصطلاح دادستان قائم شهر ازشما مردم آزادهی قادیکلا می خواست که فرزندان مجاهدتان را به چماق داران و ژ-۳ بدستان تسلیم کنید . وشمامردم (نامفهوم) و رنجدیده با حمایت ازفرزندانتان چه مشت محکمی بر دهان یاوه گویان کوبیدید .

آقای دادستان چه کسی را فریب می دهید ؟ شما در مقابل این همه چماق داری و شهادت فرزندان ستم کشیدهی خلق تاکنون چه کردهاید ؟ که اکنون قول دستگیری قاتل برادر شهیدم را می دهید .

همهی مردم شما وایادی ژ -۳ بدست و چماق دارتان را به خوبی می شناسند تنها راه حل را برکناری حزبتان از مواضع قدرت می دانند . و پاسخ همهی دردها و گرفتاری های را در راه حل های انقلابیون (نامفهوم) یعنی مجاهدین خلق می بینند

به همین دلیل است که این همه ازپیشتازان رهایی یعنی مجاهدین خلق حمایت میکنند . راه اصغر , راه عین الله پورعلی است راه نادعلی فلاح پور یعنی راه حنیف نژاد ، امام حسین و همه آزادگان تاریخ است .

پیروزباد انقلاب رهایی بخش زحمتکشان

بر قرارباد پرچم خونبار مجاهدین درادامه رسالت پیامبران

ازطرف خانواده شهید

منبع : نشریه مجاهد ۱۱۵ ـ به تاریخ ۲۰ فروردین ۶۰



شهادت مجاهد شهید : اصغر اخوان قدس

تاریخ شهادت : ۷ / ۱ / ۱۳۶۰

محل شهادت : قزوین

نحوه‌ی شهادت : شهادت یک اسیر مجاهد به ضرب گلوله توسط سپاه پاسداران قزوین .

اطلاعیه مجاهدین خلق در باره شهادت برادران مجاهد اصغر فلاحی و اصغر قدس به دست عمال چماقدار و ایادی مسلح انحصارطلبان درقائم شهر و قزوین در قسمت هایی ازاطلاعیه چنین آمده است ؟

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيد

ازآنان انتقام نمی گیرند مگربه خاطر آن که به خدای عزیز و منزه ایمان آورده اند.

هموطنان مبارزمردم آگاه و قهرمان قائمشهر و قزوین !

اینک خبر می رسد که در روزهای ششم و هفتم فروردین دست های جنایتکار عمال انحصار طلبان , دو میلیشیای قهرمان و فداکار برادران مجاهد "اصغر فلاحی " در قائمشهر و " اصغر قدس" در قزوین را به جرم دفاع از اسلام راستین و آرمان های انقلابی و توحیدی ازپای درآورده اند .

مردم آگاه وانقلابی ایران !

میلیشیای قهرمان برادر مجاهد اصغر فلاحی که صبح روز ششم فروردین در قائمشهر به شهادت رسید فرزند محبوب آگاه و انقلابی روستای قادی کلاه بزرگ و از کشاورزان زحمتکش این روستا بود که چماقداران حزب حاکم به قتل او کمر بستند و پس از چند روز زمینه سازی طی یورش وحشیانه‌ی چماقداران به قادی کلاه بزرگ، یکی ازچهره های معروف و شناخته شده‌ی چماقداران این سیاه دلان جنایتکار به ضرب دشنه او را ازپای درآورد .

میلیشیای قهرمان برادر مجاهد اصغر قدس فرزند انقلابی و شهید مردم دلیر و آگاه قزوین ، دانش آموز و از هواداران فعال و فداکار مجاهدین خلق بود که در روز پنجم فروردین به جرم توزیع نشریه‌ی مجاهد به اسارت مامورین سپاه پاسداران قزوین در آمد و در نیمه شب روز ششم فروردین در حال اسارت هدف گلوله ای ناجوانمردانه قرار گرفت و صبح روز هفتم فروردین در راه آرمان های انقلابی و توحیدیش به شهادت رسید، مرتجعین و ستمکاران جز زوال و اضمحلال تاریخی سرانجامی نخواهند یافت و سرانجام دست انتقام خلق آنان را همچون جلادان ساواک شاه خائن به سزای جنایاتشان خواهد رساند .

" وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون "

مجاهدین خلق ایران

۸ / فروردین / ۶۰

××××××

شهادت یک اسیر مجاهد بدست سپاه پاسداران قزوین

روز ۴شنبه ۶۰/۱/۵ ساعت ۱۱صبح ۲۰ پاسدار همراه یک مینی بوس و یک وانت آبی رنگ بی شماره به محل بساط هواداران و سایر گروهها واقع در خیابان حمام قزوین و سه راه شهرداری حمله کرده و پس از بهم ریختن بساط‌ها و پاره کردن تراکت و عکس ها، ۵ نفر از هواداران را با ضرب و شتم بسیار دستگیر کرده و به مرکز سپاه می برند .

در بعداز ظهر همین روز و به دنبال افشاگری میلیشیا ، افراد سپاه باردیگر به هواداران حمله کرده و ۱۶ نفر ازآن ها را که اصغر اخوان قدس هم در میان آنها بوده را دستگیر می کنند .

اصغرهمراه برادر دیگری در مقابل داروخانه‌ی شایگان واقع در سبزه میدان دستگیر شده و توسط همان مینی بوس به محل سپاه برده می شود . پس از یک روز زندانی شدن در سپاه ساعت ۱۲شب روزبعد (۵شنبه ۶۰/۱/۶) پاسداران قصد داشتند اصغر را به محل نامعلومی انتقال دهند, که با مقاومت و ایستادگی اومواجه می شوند مزدوران برای به راه در آوردن اصغر به شیوه متداول شکنجه در زندان، یعنی ترتیب دادن صحنه های اعدام (که ازاسلاف ساواکی خوب به ارث برده اند) متوسل می‌شوند .

لیکن این بار این صحنه به واقعیت پیوسته وتیری از جانب یکی از پاسداران به طرف اصغر شلیک می شود که به پهلوی وی اصابت می کند .

در حدود ساعت ۲ نیمه شب پیکر غرق خون اصغر توسط پاسداران به بیمارستان امام صادق منتقل شده و تحت عمل جراحی قرارمی گیرد، لیکن به دلیل خونریزی شدید و جراحات عمیق در ناحیه‌ی

کبد و روده و معده‌ی او معالجات موثر واقع نشده و اصغر قهرمان درساعت ۶/۵ صبح روزجمعه ۷/فروردین به شهادت می رسد

شهادت ۵ مجاهد خلق در طلیعه بهار بدست ایادی مسلح ارتجاع :

در طلیعه‌ی سال جدید و در نخستین هفته‌های آغاز بهار باز هم چماقداران و مزدوران حزب ارتجاعی حاکم جنایاتی تازه آفریدند . ۵ فرزند برومند ، دلیر و صدیق خلق ، ۵ نوگل سرخ محمدی ، ۵ مجاهد خلق که جز اعتقاد به اسلام راستین و جز وفاداری به آرما ن زحمتکشان گناهی نداشتند به ضرب گلوله و دشنه‌ی مزدوران مسلح و حلقه به گوش ارتجاع حاکم به شهادت رسیدند .

این جنایات ضد انقلابی درست در شرایطی صورت گرفته است که تا دیروز مرتجعین حاکم با تمام بوق وکرنای تبلیغاتی خود پی در پی از حاکمیت قانون و عدل اسلامی دم می‌زدند. کسانی که به خاطر حمایت از مشتی چماقدار و در واقع به منظور جلوگیری از افشای دستهای جنایتکار و به خون آغشته خود و حزبشان پی در پی، آن همه مصاحبه های رنگارنگ ترتیب می‌دادند! اکنون کجایند ؟ گویی همگی خفقان گرفته‌اند ! این جنایات در پایان سالی که " سال امنیت" لقب گرفته بود و در آغاز سالی که " سال رحمت ، عطوفت و حکومت قانون " نامیده شده است ، صورت گرفت .

نتیجه‌ی " امنیت" پارسال هزاران مجروح ، صدها زندانی و شکنجه شده و دهها شهید به دست چماقداران بود . " عطوفت " ،" رحمت" ، " برادری " و " حکومت قانون" مطرح شده در امسال نیز در بهاران شکوفه‌های سرخ و نوشکفته‌ی حیات انقلابی ۵ مجاهد خلق را پرپر کرد و " نوروز " خانواده‌هائی را به "عزا" تبدیل کرد . و تازه هنوز در ابتدای بهاریم و " سالی که نکوست از بهارش پیداست " ؟!

اما اکنون کیست که دیگر نداند آن خیمه‌شب‌بازیها و آن هیئت‌های بررسی گوناگون ترتیب دادن جز برای عوام‌فریبی و سرپوش گذاشتن چماقداران و ایادی مسلح ارتجاع

حاکم نبوده است . به راستی در حالیکه میلیشیای قهرمان صنم قریشی به ضرب گلوله‌ی سفاکانه‌ی ایادی رسمی و مسلح ارتجاع که روز روشن و در برابر دیدگان مردم به مغز وی شلیک شده به خون در می‌غلطد !

... و در حالی که مجاهد شهید اصغر قدس در اسارت سپاه پاسداران قزوین و به ضرب گلوله‌ی آنان در سلول به شهادت می‌رسد !

... و باز در حالی‌که مجاهد شهید خیرالله اقبالی نژاد به ضرب گلوله‌های مسلسل دو پاسدار که به قلب و کمر او شلیک کرده‌اند به شهادت می‌رسد !

... و یا در حالیکه مجاهد شهید اصغر فلاحی توسط چماق‌داران و قمه‌کشان شناخته شده که توسط بسیج و انجمن به اصطلاح اسلامی حمایت شده‌اند به شهادت می‌رسد ... و سرانجام در حالی که برادر تیمور طالش شریفی را صرفا به خاطر نصب تراکت و اعلامیه به گلوله می‌بندند !

آیا صحبت ازقانون توسط سردمداران این جنایتکاران ، اراجیف مسخره‌ای نخواهد بود که علیرغم میل آنان کسی را نخواهد فریفت؟ و به راستی آیا مرتجعین حاکم نمی‌خواهند از اسلاف جنایتکار خود و سرنوشت آنان پند بگیرند ؟ مطمئنا همرزمان این مجاهدان شهید باز هم استوارتر و مصمم‌تر از پیش درجهت تحقق آرمان‌های انقلابی ، اسلامی و حق‌طلبانه‌ی آنان گام برخواهند داشت و این جنایات جز روسیاهی بیشتر و جز تسریع در سرنگونی و سقوط در زباله‌دان تاریخ برای عاملین و آمرین آن ثمری نخواهد داشت .

هر چند که اکنون این جنایتکاران بتواتند چند صباحی تحت حمایت مقامات به اصطلاح عالیه ! و مسئول ! به زندگی ننگین خویش ادامه دهند اما سرانجام دست انتقام خلق آنان را هم‌چون جلادان شاه خائن به سزای جنایاتشان خواهد رساند . و آن روز دور نیست.

××××××

مختصری از زندگی مجاهد شهید اصغر اخوان قدس

مجاهد شهید اصغر اخوان قدس در سال ۱۳۴۱ درشهر قزوین درخانواده‌ی کارگری به دنیا آمد . و ازهمان کودکی به علت فقر مالی حاکم برخانواده اش بارنج محرومین و زحمتکشان آشناشد . ازسال ۵۷ مبارزات سیاسی اجتماعی خود را شروع نمود و در فعالانه همراه خلق در قیام شرکت نمود به ویژه دردوران اوج گیری انقلاب توده های محروم خلق علیه رژیم منفورشاه فعالانه کوشش می کردبه همین جهت چندین بار در هنگام حکومت نظامی توسط فرماندار نظامی مزدور قزوین دستگیر شد . و هر بار پس ازآزادی باشور انقلابی بیشتری به فعالیت های ضد دیکتاتوری خود ادامه می داد . در پی همین مبارزات پی گیر و انقلابی و عشق به خدا و خلق بود که

با سازمان انقلابی مجاهدین خلق آشنا شد .

اصغر در جریان کاندیداتوری ریاست جمهوری برادر مجاهد مسعود رجوی و انتخابات مجلس فعالانه شرکت داشت و در همین مدت چندین بار توسط اوباش و چماق داران مضروب و مجروح شده بود .

ازویژگی های بارز اصغر آمادگی همیشگی او برای کارهای سخت بود او با عشقی که به خداوخلق داشت همیشه می گفت :

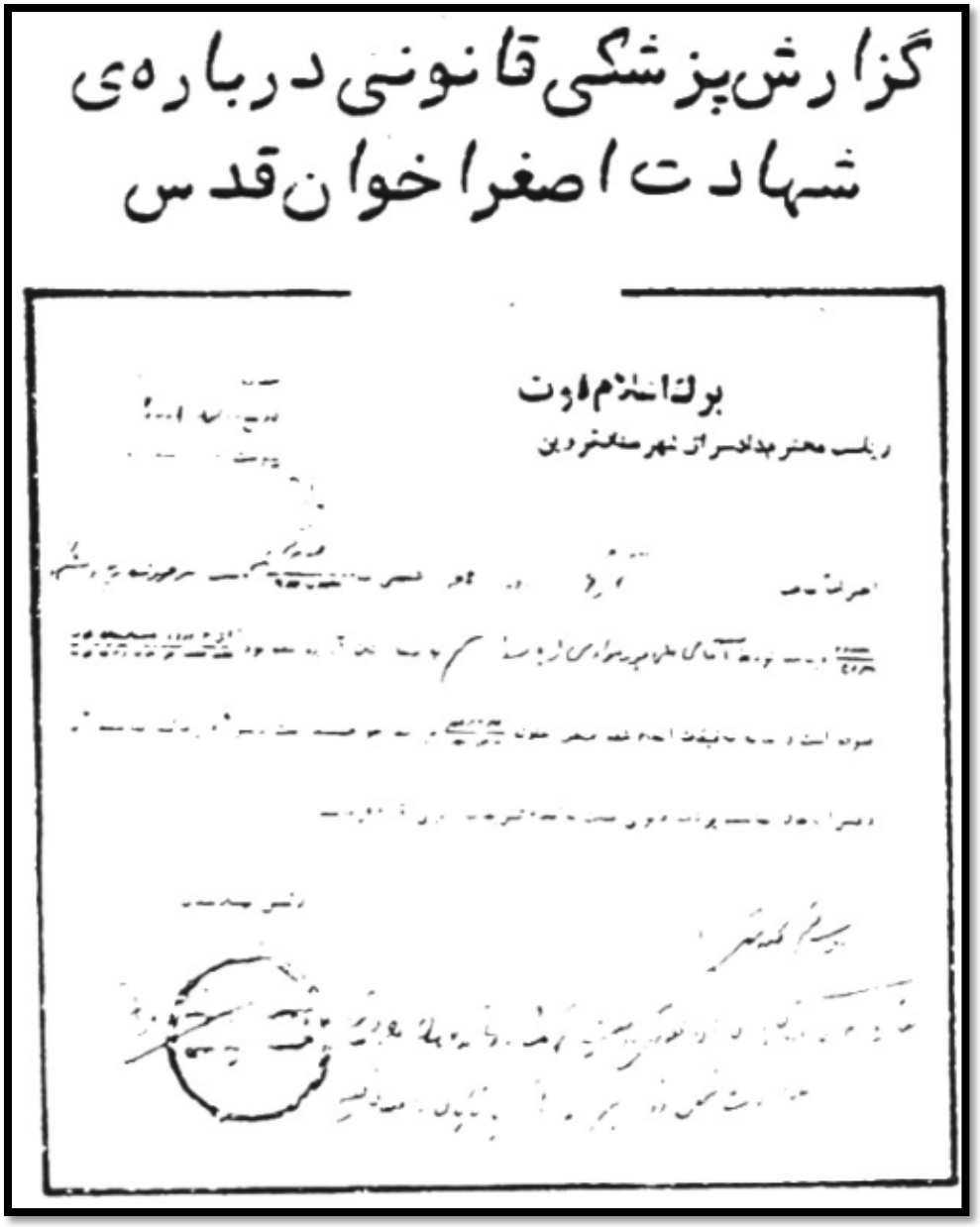
کی میشود نشریه ی مجاهد را آزادنه بفروشیم، کی می تونیم آزادانه حرف هایمان را به گوش خلق برسانیم . من می خواهم با خون خود شعار" مرگ بر آمریکا " را بنویسم و این گونه شهادت را پذیرا شوم .

برخوردهای قاطع ومصمم اصغردرکارهایش همیشه مورد توجه سایر دوستانش بود و سرانجام نیز در اثر همین پی گیری و تسلیم ناپذیری اش در نیمه شب چهارشنبه ۵/فروردین درسلول زندان سپاه پاسداران قزوین به دست ایادی مزدورو مسلح ارتجاع به شهادت رسید و بدین گونه با خون سرخ خویش پرچم خونبار مبارزه ی انقلابی مجاهدین را گلگون ترساخت .

با شهادت این میلیشیای رزمنده را که چه در زندان و چه در قبل ازآن هیچگاه تسلیم زورگویان و ایادی ارتجاع حاکم نشد ، به خلق قهرمان ایران و همرزمان جان برکف وی و به ویژه خانواده ای داغدارش تبریک وتسلیت می گوئیم .

باشد تا خون پاک و قدسی او شعله های آتشی راکه ازدل خلق برافروختندو می رود تا بساط حزب ارتجاعی وانحصارطلب حاکم را بر چیندشعله ور تر ساخته و مشعلی فرراه رهایی خلق ازچنگال امپریالیسم و ارتجاع باشد ... چنین باد !

گزارش پزشکی قانونی درباره‌ی شهادت اصغر اخوان قدس



برگ اسلام اوت

ریاست محترم بیدادسرای شهر صنعتگردین

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۵ به تاریخ ۲۰ فروردین ۶۰



مجاهد شهید : خیرالله اقبالی نژاد

تاریخ شهادت : ۸ فروردین ۱۳۶۰

محل شهادت : رامسر

نحوه شهادت : به ضرب گلوله پاسداران

اطلاعیه مجاهدین در باره تهاجم چماقداران و حامیان آنان در رامسر و شهادت کارگر مجاهد خیرالله اقبالی نژاد

در قسمت هایی از اطلاعیه چنین آمده است :

هموطنان عزیز مر دم آگاه ومبارز مازندران !

در طلیعه‌ی سال جدید تهاجامات و جنایات ضد مردمی پدیده‌ی منحوس چماقداری همچنان ادامه دارد و صدمات و لطمات ناشی ازآن همچنان قلب خلق را جریحه دار کرده و در صفوف مردم به نفع امپریالیسم جهانخوار امریکا باز هم تفرقه و خصومت می‌آفریند .

این تاخت وتازها و جنایات ضد انقلابی چماقداران و حامیان مسلحشان در حالی صورت می گیرد که ملت ایران چهره های پشت پرده و سردمداران اصلی پدیده ی منحوس آریامهری چماقداری را به خوبی شناخته اند .

برادر مجاهد " خیرالله اقبالی نژاد " که به ضرب گلوله ی حامیان مسلح چماقداران در سپاه پاسداران رامسر به خون پاکش درغلطید ، یک کارگر زحمتکش و ازهواداران فعال مجاهدین خلق بودکه درراه آرمان های انقلابی وتوحیدیش ودر راه تداوم مسیر راستین انقلاب و به ویژه در افشای چماقداران وسردمداران و مقابله با آنان مجدانه مجاهدت می کرد .

مردم رامسر سوابق مبارزاتی و انقلابی این کارگر آگاه وم جاهد را درجریان قیام خلق برای سرنگونی رژیم شاه خائن و نقش فعالش در تسخیر مراکزنظامی رامسر به هنگام پیروزی انقلاب رابه خوبی می دانند و انزجار و نفرت خود را نثار جنایتکارانی خواهند کرد که دستشان را به خون این فرزند مبارز و زحمتکش خلق آغشته ساخته اند .

مجاهدین خلق ایران شهادت این کارگر رزمنده و آگاه رابه عموم هموطنان عزیز به ویژه مردم شریف و قهرمان رامسر و خانواده‌ی داغدارش تبریک و تسلیت می گویند اطمینان می‌دهند که در پیگیری آرمان انقلابی و توحیدی او لحظه ای از پای نخواهند نشست .

سردمداران این جنایات ضد خلقی باید بدانند که این شهیدان پر افتخار مجاهد خلق بزرگترین گواه بر اراده‌ی قاطع مردمی است که مصممند تا با مقاومت انقلابی هرمانعی را ازسر راه پیشرفت و پیروزی انقلاب بردارند و دست انحصارطلبان و چماقداران را از مقدرات این انقلاب کوتاه سازند .

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران

××××××

شهادت ۵ مجاهد خلق در طلیعه بهار بدست ایادی مسلح ارتجاع

در طلیعه‌ی سال جدید و در نخستین هفته‌های آغاز بهار باز هم چماقداران و مزدوران حزب ارتجاعی حاکم جنایاتی تازه آفریدند . ۵ فرزند برومند ، دلیر و صدیق خلق ، ۵ نوگل سرخ محمدی ، ۵ مجاهد خلق که جز اعتقاد به اسلام راستین و جز وفاداری به آرما ن زحمتکشان گناهی نداشتند به ضرب گلوله و دشنه‌ی مزدوران مسلح و حلقه به گوش ارتجاع حاکم به شهادت رسیدند .

این جنایات ضد انقلابی درست در شرایطی صورت گرفته است که تا دیروز مرتجعین حاکم با تمام بوق وکرنای تبلیغاتی خود پی در پی از حاکمیت قانون و عدل اسلامی دم می‌زدند. کسانی که به خاطر حمایت از مشتی چماقدار و در واقع به منظور جلوگیری از افشای دست‌های جنایتکار و به خون آغشته خود و حزبشان پی‌درپی آن همه مصاحبه‌های رنگارنگ ترتیب می‌دادند اکنون کجایند؟ گوئی همگی خفقان گرفته‌اند ! این جنایات در پایان سالی که سال امنیت لقب گرفته بود و درآغاز سالی که سال رحمت ، عطوفت و حکومت قانون نامیده شده است ، صورت گرفت .

نتیجه‌ی امنیت پارسال هزاران مجروح ، صدها زندانی و شکنجه شده و دهها شهید به دست چماقداران بود . " عطوفت "، " رحمت"، "برادری " و " حکومت قانون مطرح شده در امسال نیز در بهاران شکوفه‌های سرخ و نوشکفته‌ی حیات انقلابی ۵ مجاهد خلق را پرپر کرد و " نوروز " خانواده‌هائی را به "عزا " تبدیل کرد . و تازه هنوز در ابتدای بهاریم و " سالی که نکوست از بهارش پیداست !؟

اما اکنون کیست که دیگر نداند آن خیمه‌شب‌بازیها و آن هیئت‌های بررسی گوناگون ترتیب دادن جز برای عوام‌فریبی و سرپوش گذاشتن چماقداران و ایادی مسلح ارتجاع حاکم نبوده است .

به راستی در حالیکه میلیشیای قهرمان صنم قریشی به ضرب گلوله‌ی سفاکانه‌ی ایادی رسمی و مسلح ارتجاع که روز روشن و در برابر دیدگان مردم به مغز وی شلیک شده به خون در می‌غلطد و در حالی که مجاهد شهید اصغر قدس در اسارت سپاه پاسداران قزوین و به ضرب گلوله‌ی آنان در سلول به شهادت می‌رسد و باز در حالی‌که مجاهد شهید خیرالله اقبالی نژاد به ضرب گلوله‌های مسلسل دو پاسدار که به قلب و کمر او شلیک کرده‌اند به شهادت می‌رسد و یا در حالیکه مجاهد شهید اصغر فلاحی توسط چماق‌داران و قمه‌کشان شناخته شده که توسط بسیج و انجمن به اصطلاح اسلامی حمایت شده‌اند به شهادت می‌رسد و سرانجام در حالی که برادر تیمور طالش شریفی را صرفا به خاطر نصب تراکت و اعلامیه به گلوله می‌بندند آیا صحبت ازقانون توسط سردمداران این جنایتکاران ، اراجیف مسخره‌ای نخواهد بود که علیرغم میل آنان کسی را نخواهد فریفت؟ و به راستی آیا مرتجعین حاکم نمی‌خواهند از اسلاف جنایتکار خود و سرنوشت آنان پند بگیرند ؟

مطمئنا همرزمان این مجاهدان شهید باز هم استوارتر و مصمم‌تر از پیش د رجهت تحقق آرمان‌های انقلابی ، اسلامی و حق‌طلبانه‌ی آنان گام برخواهند داشت و این جنایات جز رو سیاهی بیشتر و جز تسریع در سرنگونی و سقوط در زباله‌دان تاریخ برای عاملین و آمرین آن ثمری نخواهد داشت .
هر چند که اکنون این جنایتکاران بتواتند چند صباحی تحت حمایت مقامات به اصطلاح عالیه ! و مسئول ! به زندگی ننگین خویش ادامه دهند اما سرانجام دست انتقام خلق آنان را هم‌چون جلادان شاه خائن به سزای جنایاتشان خواهد رساند . و آن روز دور نیست.

شهادت کارگر شهید خیرالله اقبالی نژاد

به دست عناصر مسلح در سپاه پاسداران رامسر

نمیه شب هفتم فروردین عده ای پاسدار مسلح به خانه های گروهی ازاهالی رامسروروستاهایا طراف آن حمله کرده وباایجادرعب ووحشت ,قصد دستگیری عده ای ازاهالی " لاب محله" راداشتند . اما مردم ازخانه هایشان بیرون ریخته و با مقاومت خود پاسداران را مجبور به ترک محل می کنند .
صبح شنبه ۶۰/۱/۸ چماق داران در شهر گشت می دهند و درمحله های مختلف اقدام به دستگیری مردم میکنند . آن ها درحمله به کتابفروشی مجاهد در حالی که به " قمه " مسلح بودند ازطرف مردم تنبیه می شوند .
بازاریان نیز به عنوان اعتراض به ناامنی عمومی که شهر را فرا گرفته بود مغازه ها را تعطیل میکنند .
حدود ۲۰۰۰ نفر ازمردم با شعار هایی چون مسلما ن بپاخیز حزب شده رستاخیز پس از یک راه پیمایی در میدان شهر اجتماع می کنند ، اما افراد مسلح سپاه با شلیک رگبارهوایی به اجتماع مردم حمله میکنند و مردم نگران ازحادثه‌ای خونین به کوچه‌های اطراف پناهنده می‌شوند.
برادر مجاهد خیرالله اقبالی بنژاد نیز که درحال عبور ازی کی ازکوچه های اطراف بازار بود برای نجات خود ازتهاجم مسلحانه‌ی دو پاسدار به داخل مغازهای خیاطی پناه می‌برد ، ولی مزدوران سپاه به داخل مغازه یورش می برند و بامسلسل یوزی دو تیر به قلب وکمر او شلیک می کنند و" خیرالله" در همان لحظه به شهادت می رسد ، قاتلین وی در مغازه را بسته و جسد شهید را با خود به نقطه‌ی نامعلومی می برند .
پس از این جریان عده ای از پاسداران شهرهای تنکابن و لنگرود به رامسر اعزام شده و درسرتاسر شهر مستقر می‌شوند و بنابه تقاضای سپاه رامسر دو هواپیما حامل پاسدار ازمرکز استان به فرودگاه شهر وارد می‌شود ، وحشت در شهر حاکم می شود ، عده ی زیادی از مردم نیز دستگیر و مجروح می‌شوند حدودساعت ۳ به کتابفروشی حنیف و مغازه های مردم حمله می کنند و اجناس و وسایل مغازه ها و کتاب های کتابفروشی را به سرقت می برند .

پدر شهید که مدت ها در پی جنازه‌ی فرزندش بود ،عاقبت متوجه می شود که جنازه را به رشت برده‌اند . وی پس از مراجعه برای تحویل گرفتن جسد ، با امام جمعه‌ی رشت روبرو می‌شود امام جمعه به اومی‌گوید: درصورتی جسد را می‌دهیم که شبانه وتوسط پاسداران آن را دفن کنید .
تااین تاریخ ۱۲ / فروردین /۶۰ جنازه‌ی شهید دراختیار پاسداران است .
و این باردیگر نشان می‌دهد که مرتجعین حتی ازجنازه‌ی شهدای مجاهد خلق نیز وحشت دارند .

××××××

مختصری از زندگی و سوابق انقلابی مجاهد شهید خیرالله اقبالی نژاد

مجاهد شهید خیرالله اقبالی نژاد در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد و در تمام دوران زندگیش سعی بر آن داشت تا از مشکلات و دردهای مردم آگاه شده و تا آنجا که در توان دارد در حل آنها کوشش نماید و به همین جهت خیرخواهی و انسان دوستی او در خانواده معروف بود و مسلما مردم شهر و دیگر دوستان و یارانش نیز هیچ گاه خصلت های مردمی وگذشت را و ایثارهای او را فراموش نخواهند کرد .

سابقه ی مبارزات خیرالله بر کسی پوشیده نیست در زمانی که چماقداران آریامهری به روستاهای گیلان و بخصوص سیاهکل حمله می کردند، او در پیشاپیش صفوف متحد مردم به مقابله با چماقداران مزدور و خنثی کردن توطئه ی دژخیمان شاه برخاست .

در زمان قیام نیز در کنار مردم و با ایمانی راسخ به مبارزه علیه دیکتاتوری شاه پرداخت و منجمله در جریان تسخیر ژاندارمری رامسر در روز ۲۱ بهمن ۵۷ فعالانه شرکت داشت بدین امید و اعتقاد که با سرنگونی رژیم دیکتاتوری و حصول آزادی مردم محروم و تحت ستم میهن مان بتوانند حقوق از دست رفته ی خویش را دریابند .

بعد از پیروزی انقلاب او که راننده ای زحمتکش بود بعنوان هوادار مجاهدین همواره تلاش میکرد با دیگر همکارانش را نیز با آرمان توحیدی مجاهدین آشنا سازد .

زمانیکه چماقداران حزب حاکم به بهانه ی اعزام نیرو به جبهه ی جنگ اوباش و غداره بندان را جمع کرده و به نمایشگاه مجاهدین حمله کردند، همراه مادر دلیرش در کنار سایر مردم به دفاع از میلیشیا و حفظ حریم آزادی برخاست و سرانجام در تاریخ ۶۰/۱/۸ در اولین روزهای سال نو و آغاز بهار به وسیله ی گلوله های ایادی ارتجاع به شهادت رسید و با اهدای خون خویش درراه خدا و خلق عزم قاطع خلق خود را برای دفاع از آزادی و آرمانهای انقلابی به اثبات رساند و مسلما این شهادتها هر چه بیشتر جنایت های حزب حاکم را افشا کرده و خلع ید از آنها را نوید می دهد .
باشد با شهادتش گامی در جهت افشای هر چه بیشتر چماقداران و حامیانشان باشد .

××××××

اطلاعیه بازاریان مسلمان تنکابن در رابطه با وقایع اخیررامسر

بنام خدا ، همشهریان مبارز , مردم دلیررامسر

دربین حمله وهجوم عده ای اوباش ژ-۳ بدست به این شهر که منجر به شهادت برادرمجاهدمان خیرالله اقبالی گردیده است و حتی مرتجعین ازشهادت برادرمان نیز بوحشت افتاده و جسد وی را به سرقت برده اند .

بگو تلاش مذبوحانه کنند , بگو ار بگیرند و ببندند وبکشند

بگو ازخون ما نهرها رنگین شوند : بگو از شهیدانمان برسنگفرش خیانها نقش ببندند ولی ما بازاریان تنکابن مصمم و مومن به راه شهیدانمان تا خلع ید ازحزب حاکم ازپای نمی نشینیم .

" وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون "

بازاریان مسلمان تنکابن

هوادا ران مجاهدین خلق ایران

۱۴/فروردین /۶۰



اطلاعیه
بازاریان مسلمان تنکابن
در رابطه با وقایع اخیر رامسر

بازجویی از چماقدار دستگیر شده

یکی از چماقداران به نام سیدحسن منافی عضوستاد بسیج اقتصادی مبارزه با گرانفروشی درتهاجم اخیر رامسرکه به شهادت خیرالله اقبالی نژاد منجر شد توسط مردم دستگیرمی‌شود .

به متن زیرکه اعتراف او در حضورمردم است توجه کنید :

۱- نام و شهرت و شغل ؟

سیدحسن منافی - ستاد بسیج اقتصادی مبارزه با گرانفروشی رشت .

۲ - ازکجا آمدی و چه نهادی شما را آورد سپاه رامسر یا بسیج رامسر ؟

ازرشت ستاد بسیج اقتصادی و مبارزه با گرانفروشی ما ازطرف بسیج و یک سپاهی همراه ما بود و مارا ازطرف بسیج مستضعفان رامسر آوردند و سپس در بسیج رامسر ماندیم .

۳- برای چه هدفی آمدید و چرا برای مردم و نیروهای انقلابی و هواداران مجاهدین خلق چماق کشی کرده و قمه کشیدید ؟

برای اینکه آمدیم که منافقین هوادران مجاهدین خلق را سرکوب نمایم من نمی دانم و برای چه آمدم و به خاطر چه هواداران را بزنیم و بکشیم

۴- چند نفر هستید و سرپرست شما اسمش چیست ؟

من ابتدا با ۵ نفر آمدم، ماشین های دیگر هم قرار است ازکمیته باقرآباد بیاید . خیلی ۱۰۰نفر !

ازبسیج رامسر تلفن کردند به بسیج رشت و بسیج رشت این ماموریت را به ما دادند .

مسئول عملیات فرشید آبادی همیشه مسلح به کلت لوور مسئول ستاد بسیج اقتصادی محمدر ضا برزگر تماس باسپاه دارندفرشید اباذری در درگیریهای زیادی شرکت داشت

در قتل بهرام فرحناک - در درگیری کوچصفهان - خشک بیجار و در گیری .... و غیره و کلا در تمام درگیرهای رشت شرکت داشت .

۵- شب شنبه به چند جا حمله کردید و چند نفر را زخمی کردید ؟

ما شب در بسیج رامسر ماندیم و روزجمعه به عباس آباد رفتیم .من و مظفر احمدی به خانه‌ی یکی از بستگان رفتیم و بعد به بسیج بازگشتم و روز شنبه به خیابان آمدیم تا حمله کنیم و شخصی ازطرف سپاه یا بسیج رامسر ما را به سلاح گرم و سرد به خیابان روانه کردند تا هواداران مجاهدین خلق را سرکوب کنیم .

۶- چه افراد بخصوصی را می خواستید دستگیر کنید نام ببرید ؟

ما را دستور دادند که هوادار دستگیر کنیم و تحویل سپاه پاسداران رامسر بدهم . هرکس که مقاومت کرد باقمه آن‌ها را بزنیم و شخصی از رامسر هواداران مجاهدین خلق را شناسایی می‌کرد و ما می زدیم .

۷- دیشب در رامسرکدام یک ازمسئولین سپاه یا بسیج رامسر باشماصحبت کردند ؟

شخصی از خود بسیج رامسر مسلح به یوزی ما را ساعت ۸ صبح به بازار روانه کردند . این شخص با شلوار سپاه و اورکت با ریش بلند صبح ۴شنبه شخصی روحانی که می گفت من مسئول بسیج رامسر هستم (کرمانی)

۸- چه توطئه ای برای آینده در رامسر دارید ؟

در آینده چیزی به ما نمی گویند . فقط برای ماموریت های فوری ما را روانه می کنند و من چهار ماه در بسیج بودم تا حال ۲ماموریت به من دادند یکی در میدان شهرداری رشت و دومی در رامسرحمله

به بچه های مجاهدین خلق و کارت شناسایی ما را بسیج رامسر ازدست ما گرفت وگفتند لباس هایتان را عوض کنید !

- نام ونشانی همراهان مظفر احمدی ، محمود شهرت نمی دانم ، علی مهربان ، ملک زاده ، شخصی هست که اسم او را نمی دانم .

موارد بالا مورد تایید است : سیدحسن منافی

نام سرپرست : محمدرضا برزگر

شماره کارت : ۷۶۷

شماره تلفن : ۳۶۰۰۱

بنده حسن منافی مسلح باقمه بودم .

منبع : نشریه مجاهد به شماره ۱۱۵ و ۱۱۶



مجاهد شهید : تیمور تالش شریفی

تاریخ شهادت : ۱۱ فروردین ۱۳۶۰

محل شهادت : روستای کتالم رامسر

نحوه شهادت : به ضرب گلوله‌ی پاسداران

اطلاعیه مجاهدین در باره شهادت تیمور طالش در روستای کتالم رامسر به ضرب گلوله‌ی پاسداران در قسمت هایی ازاطلاعیه چنین آمده است ؟

هموطنان عزیز !

مردم دلیروآگاه گیلان !

درحالی که هنوزخون برادر مجاهد خیرالله اقبالی که دروز ۶۰/۱/۸ در جریان تهاجم چماق داران به رامسر و به ضرب گلوله‌ی حامیان مسلح آنان به شهادت رسید نخشکیده است و هنوز پیکر پاک این مجاهد شهید به خانواده‌ی داغدارش تحویل نشده ، غروب روز ۶۰/۱/۱۱ درروستای کتالم رامسر ، میلشیای قهرمان برادرمجاهد تیمور طالش شریفی هدف تهاجم مسلحانه‌ی چماق‌داران و چندتن ازاعضاء سپاه پاسداران رامسر واقع گردید و به ضرب گلوله ی ناجوانمردانه آنان به شهادت رسید!

او مثل همه‌ی فرزندان زحمتکشان درکناردرس و تحصیل درکنارخانواده اش به کارهای کشاورزی و بنائی می‌پرداخت و واقعیات زندگی کارگران وزحمتکاشان را با پوست و گوشت خویش لمس می‌کرد. آگاهی های انقلابی و زندگی درخانواده‌ای شریف و زحمتکش از او عنصری مبارز و استوار ساخته بود.

قبل از پیروزی انقلاب برای براندازی رژیم منفورشاه باهمه ی وجودش مجاهدت میکرد و همه ی آشنایانش تلاش و فعالیت های او رادر این راه به خاطر دارند او پس ازسرنگونی رژیم شاه جلاد ازادامه ی راه انقلابیش باز نایستاد وبه حمایت و هواداری ازمجاهدین خلق برخاست .

مجاهدین خلق ایران شهادت این فرزند راستین خلق را به عموم هموطنان عزیز به ویژه مردم آگاه و مبارز ورامسروخانواده ی داغدارش تبریک وتسلیت می گویند .

هنوز دوهفته ازسال جدید سالی که گویا سال حکومت قانون ! واجرای عدالت !! است نگذشته پنج فرزند رشیدو مجاهد خلق به دست عمال جنایتکار ارتجاع به شهادت رسیدند وهم چون همیشه نهادهاومقامات وابسته به حزب حاکم و بلند گوهای تبلیغاتی آنان به تاییدو حمایت صریح و غیر صریح ازجنایتکاران برخاستندوبازهم آمران و عاملان این کشتارهای وحشیانه – درحالی که چهره ی همگی آنان شناخته شده است آزادانه به راه خود می روند.

وسیعلم الذین ظلمو ا ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران

۶۰/۱/۱۵

××××××

شهادت ۵ مجاهد خلق در طلیعه بهار بدست ایادی ارتجاع

ترور جنایتکارانه مجاهد شهید تیمور طالش شریفی

توسط عناصر مسلح در سپاه رامسر

به دنبال تهاجمات مسلحانه ی سپاه پاسداران که منجر به شهادت برادرمجاهد "خیرالله اقبالی‌نژاد" دررامسرگردید. مرتجعین باگسیل عده‌ی زیادی پاسدار از شهرهای مختلف به این منطقه سعی

کردندکه با ایجاد محیط رعب و وحشت منع پی‌گیری و رسیدگی به جنایتشان شوند و به همین جهت بارها خانه ی اهالی را مورد هجوم قرار داده و یا در
کوچه وخیابان به آن ها حمله کرده و دستگیرشان می ساختند .
متعاقب این حملات , روز پنجشنبه ۱۳/ فروردین ساعت ۲ بعدازظهر هنگامی که ۳ تن ازهواداران مشغول نصب بزرگ نویسی های مربوط به شهادت مجاهد خلق "خیرالله اقبالی نژاد" در روستای کتالم ازتواقع رامسر بودند , مورد حمله ی عده ای پاسدار مسلح واقع می شوند . مردم به محض اطلاع ازجریان برای حمایت و دفاع از میلیشیای جان برکف جمع می شوند، ولی مزدوران ارتجاع بی رحمانه سلاح هائی را که در نتیجه‌ی مبارزات و جانفشانی های همین مردم به دست آنان رسیده به جانب هوادران گرفته و شلیک می کنند .
یکی از تیرها به مغز میلشیای قهرمان تیمور طالش شریفی اصابت می کند و او درهمان لحظه به شهادت می رسد و باخون خود آتش کینه ی خلق های تحت ستم را نسبت به امپریالیست ها و مرتجعین شعله ورتر می سازد.
هم چنین در اثرتیراندازی پاسداران دونفر دیگرازبرادران همراه تیمور نیزمورداصابت گلوله واقع شده وزخمی می شوند . برادر " ابراهیم خانکردی " که ازناحیه ی شکم مورد اصابت گلوله قرارگرفته روده ومثانه اش پاره شد. وبه خونریزی شدید منجر گشته است برادر دیگری به نام " ابراهیم کریمی " نیز ازناحیه‌ی ران و ساق پامورد اصابت گلوله قرارمی گیرد .
پیکر بی جان مجاهد شهید تیمور طالش شریفی ,قبل ازآن که مورد دستبرد پاسداران قرارگیرد توسط مردم به خانه ی یکی ازهواداران منتقل می شود . مردم شهر که ازمحل نگهداری جسد شهید باخبر می شوند دراطراف خانه ی مزبور اجتماع کرده وجنازه‌ی شهید درا در ساعت ۵/۵ بعد ازظهر به سمت گورستان تشییع می کنند .

××××××

زندگی نامۀ مجاهدشهید تیمور طالش شریفی

مجاهد شهید تمیور طالش شریفی در سال ۱۳۳۶ در روستای کتالم ازتوابع رامسر دریک خانواده ی کارگرو زحمتکش متولدشدوپس ازطی دوره ی ابتدایی تحصیلات خود را در دبیرستان شریعتی ادامه داد وپ س ازآن موفق به اخذدیپلم فنی خود ازیکی ازدبیرستان های شهسوارگردید .
اوکه دیپلمه‌ی بی کار بود مدتی درمغاز ای مشغول به کارشد و به تازگی ماشینی تهیه کرده بود و قراربود باآن کارکند، شهید تیمور هم چون سایر فرزندان زحمتکش همواره در کناردرس وتحصیلات

خودکمک و یاوری برای خانواده بودو همدوش پدرش به کارهای بنایی و کشاورزی می پرداخت و به همین جهت با گوشت و پوست خود ,رنج و محرومیت طبقات محروم را درک کرده بود .
او از سالها پیش مبارزه با ظالمان و جنایتکاران را جهت احقاق حقوق محرومان پیشه‌ی خود ساخته و درراه روشنگری و آگاهی توده ی مردم باتمام وجود تلاش می‌کرد ازجمله در پخش اطلاعیه‌های آگاهی بخش و تظاهرات و افشاگری برعلیه دشمنان خلق شرکتی فعال داشت .
پس ازپیروزی انقلاب , عملکرد هیئت حاکمه را با برداشت های مترقیانه ای که ازاسلام داشت منطبق ندیده و در جستجوی اسلام واقعی و عاری از زنگار طبقاتی به تکاپو پرداخت .
وسرانجام تحقق آرمان های توحیدی خویش را در راه مجاهدین یافته و به آن جذب می شودوبعد از آن باتمام هستی خوددرراه تحقق آرمان ها و بر پایی جامعه ی بی طبقه توحیدی فعالیت میکند.
او هنگامی که در قزوین در شرکتی استخدام شده بود با کارتوضیحی مداوم برای کارگران , آن ها را به حقوق مسلم خویش آشنا و برای بالا بردن دانش سیاسی -اجتماعی کارگران , نشریه ی بازوی انقلاب را در بین آن ها پخش می کرد وبا رهنمودها و همکاری او کارگران شرکت "شورای کارگران" تشکیل داده و او را به عنوان نماینده‌ی کارگرا ن انتخاب می کنند .
تمیوردر شورا همیشه ازحقوق کارگران دفاع می‌کرد، با اینکه بعد ا زدرگیری‌های مداوم با کارفرما ازآنجا اخراج می‌گردد . ولی او باز هم به نشر عقاید مجاهدین و دفاع ازآرمان اسلام انقلابی می پردازد و سرانجام نیز با شهادت خویش آخرین رهنمود وآموزش خود را پیاده کرد و مشعلی شد فرا راه رهایی خلق ، خون تیمور سرانجام دامن مرتجعین حاکم را خواهد گرفت .
یاد وراهش گرامی باد

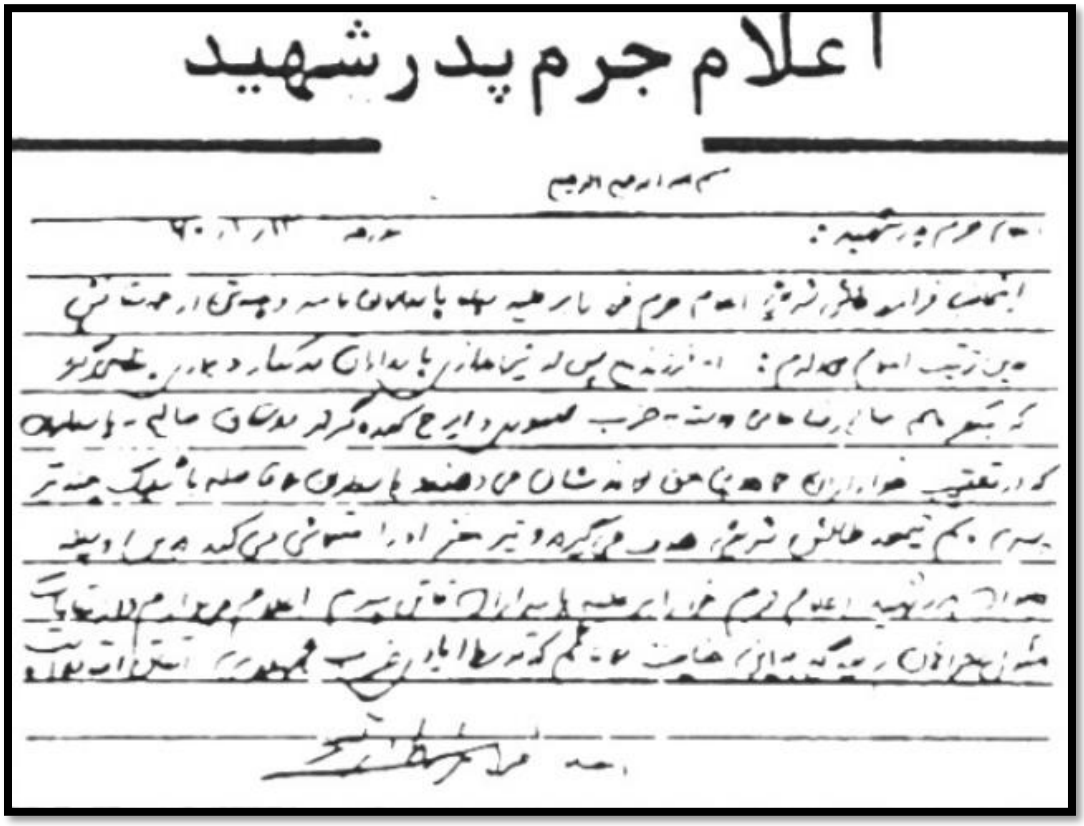
××××××

شهادت ۵ مجاهد خلق در طلیعه بهار بدست ایادی مسلح ارتجاع

در طلیعه‌ی سال جدید و در نخستین هفته‌های آغاز بهار باز هم چماقداران و مزدوران حزب ارتجاعی حاکم جنایاتی تازه آفریدند . ۵ فرزند برومند ، دلیر و صدیق خلق ، ۵ نوگل سرخ محمدی ، ۵ مجاهد خلق که جز اعتقاد به اسلام راستین و جز وفاداری به آرما ن زحمتکشان گناهی نداشتند به ضرب گلوله و دشنه‌ی مزدوران مسلح و حلقه به گوش ارتجاع حاکم به شهادت رسیدند .
این جنایات ضد انقلابی درست در شرایطی صورت گرفته است که تا دیروز مرتجعین حاکم با تمام بوق وکرنای تبلیغاتی خود پی در پی از حاکمیت قانون و عدل اسلامی دم می‌زدند. کسانی که به خاطر حمایت از مشتی چماقدار و در واقع به منظور جلوگیری از افشای دست‌های جنایتکار و به خون آغشته خود و حزبشان پی‌درپی آن همه مصاحبه‌های رنگارنگ ترتیب می‌دادند اکنون کجایند؟ گوئی

همگی خفقان گرفته‌اند ! این جنایات در پایان سالی که " سال امنیت" لقب گرفته بود و در آغاز سالی که " سال رحمت ، عطوفت و حکومت قانون " نامیده شده است ، صورت گرفت .
نتیجه‌ی " امنیت" پارسال هزاران مجروح ، صدها زندانی و شکنجه شده و دهها شهید به دست چماقداران بود . " عطوفت " ،" رحمت" ، "برادری " و " حکومت قانون" مطرح شده در امسال نیز در بهاران شکوفه‌های سرخ و نوشکفته‌ی حیات انقلابی ۵ مجاهد خلق را پرپر کرد و " نوروز " خانواده‌هائی را به "عزا" تبدیل کرد . و تازه هنوز در ابتدای بهاریم و " سالی که نکوست از بهارش پیداست " !؟
اما اکنون کیست که دیگر نداند آن خیمه‌شب‌بازیها و آن هیئت‌های بررسی گوناگون ترتیب دادن جز برای عوام‌فریبی و سرپوش گذاشتن چماقداران و ایادی مسلح ارتجاع حاکم نبوده است .
به راستی در حالیکه میلیشیای قهرمان صنم قریشی به ضرب گلوله‌ی سفاکانه‌ی ایادی رسمی و مسلح ارتجاع که روز روشن و در برابر دیدگان مردم به مغز وی شلیک شده به خون در می‌غلطد و در حالی که مجاهد شهید اصغر قدس در اسارت سپاه پاسداران قزوین و به ضرب گلوله‌ی آنان در سلول به شهادت می‌رسد و باز در حالی‌که مجاهد شهید خیرالله اقبالی نژاد به ضرب گلوله‌های مسلسل دو پاسدار که به قلب و کمر او شلیک کرده‌اند به شهادت می‌رسد و یا در حالیکه مجاهد شهید اصغر فلاحی توسط چماق‌داران و قمه‌کشان شناخته شده که توسط بسیج و انجمن به اصطلاح اسلامی حمایت شده‌اند به شهادت می‌رسد و سرانجام در حالی که برادر تیمور طالش شریفی را صرفا به خاطر نصب تراکت و اعلامیه به گلوله می‌بندند آیا صحبت ازقانون توسط سردمداران این جنایتکاران ، اراجیف مسخره‌ای نخواهد بود که علیرغم میل آنان کسی را نخواهد فریفت؟ و به راستی آیا مرتجعین حاکم نمی‌خواهند از اسلاف جنایتکار خود و سرنوشت آنان پند بگیرند ؟ مطمئنا همرزمان این مجاهدان شهید باز هم استوارتر و مصمم‌تر از پیش د رجهت تحقق آرمان‌های انقلابی ، اسلامی و حق‌طلبانه‌ی آنان گام برخواهند داشت و این جنایات جز روسیاهی بیشتر و جز تسریع در سرنگونی و سقوط در زباله‌دان تاریخ برای عاملین و آمرین آن ثمری نخواهد داشت .
هر چند که اکنون این جنایتکاران بتواتند چند صباحی تحت حمایت مقامات به اصطلاح عالیه ! و مسئول ! به زندگی ننگین خویش ادامه دهند اما سرانجام دست انتقام خلق آنان را هم‌چون جلادان

شاه خائن به سزای جنایاتشان خواهد رساند . و آن روز دور نیست.


اعلام جرم پدر شهید

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۶

کتالم رامسر

مراسم هفتم مجاهد شهید تیمور طالش شریفی

در تاریخ ۶۰/۱/۱۹ مراسم هفت مجاهد شهید تیمور طالش طی استقبال پرشکوهی از طرف مردم در روستای کتالم رامسر برگزار شد . جمعیت که در حدود ۴ هزار نفر بودند شعار می دادند : زحمتکشان محرومان مجاهدین یارتان – خون تیمور ، خیرالله گواه پیکارتان ، در این مراسم پیام مادران مسلمان ونیز پیام روستائیان سادات محله قرائت شد .

به دنبال آن مادر مجاهد شهید خیرالله در مورد تحویل جسد خیرالله از طرف مقامات و مرتجعین به آنها وارد شده بود سخن گفت مراسم شب هفت شهید تیمور با سخنرانی مادر مجاهد شهید احمد احمدی و یکی از برادران مجاهد و با هشیاری مردم بدون درگیری و تشنج به پایان رسید در این مراسم مادرمجاهدشهید علی میهن دوست در اثر استقبال بی نظیر و صمیمانه‌ی مردم کتالم قادر به ادامه ی سخنرانی نبود و از شدت هیجان صحبت هایش نیمه تمام ماند ، ابراز احساسات پرشور و صمیمانه‌ی مردم که حاکی از ایمان راسخ شان به آرمان مجاهد خلق می باشد به مراسم شکوه خاصی بخشیده بود .

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۲۰

شهادت مجاهد شهید : ابوالفضل سلیمانی

شغل : کارگر جوشکاری

تاریخ شهات : ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۰

محل شهادت : دورود ، به ضرب گلوله پاسداران .

عکس ندارد



مراسم بزرگداشت سالگرد شهادت مجاهد شهید
مجید شریف واقفی در منزل رضائیهای شهید

شهادت
یک خلبان هوادار

ماموریت ۲۴ ساعته!
در قائم شهر

بدنبال هجوم چماقداران و حمایت پاسداران از آنها
یکی از کارگران هوادار
در دورود
بضرب گلولهٔ پاسداران شهید شد

بدنبال هجوم چماقداران و حمایت پاسداران از آنها یکی از کارگران هوادار در دورود بضرب گلوله پاسداران شهید شد .

در جریان برگزاری نمایشگاه عکسی از معلمین شهید قبل و بعد از انقلاب (دکتر شریعتی ، فاطمه امینی ، صمد بهرنگی ...) که به ابتکار معلمین اخراجی آماده به خدمت (هواداران چریک های فدایی اقلیت) از چهارشنبه ۲/۱۶ در خیابان شریعتی دورود تشکیل گردیده بود .

در روز دوم عده‌ای به اصطلاح حزب‌اللهی به نمایشگاه حمله‌ور شده و سعی در برچیدن آن کردند، در همین اثنا اتومبیل سپاه پاسداران سر رسیده و اقدام به دستگیری یکی از برگزارکنندگان می نماید، مردم به این دستگیری اعتراض می کنند ولی از آنجا که بارها و بارها شاهد بوده‌ایم مرتجعین انحصارطلب تاب تحمل هیچگونه اعتراض را نداشته و حرکات این چنینی را به سرعت به آشوب و خونریزی بدل می سازند، این بار نیز پاسداری به نام ؟ ساکی که فرزند یکی از فئودالهای دورود است به سمت مردم تیراندازی می نماید و در اثر این تیراندازی ابوالفضل سلیمانی کارگر جوشکار

خوزستانی (هوادار مجاهدین خلق) که در حال گذر بوده است مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شهید می شود و فرد دیگری به نام عباس باقری مجروح گشته و در ادامه‌ی آن عده ای دستگیر می شوند .
صبح روز بعد روابط عمومی سپاه پاسداران درود با پخش اعلامیه ای با مضمون فریبکارانه‌ی معمول ودرجهت‌پوشاندن عمل جنایتکارانه‌ی خود قتل ابوالفضل سلیمانی
را به گروههای سیاسی نسبت داده و برگزاری مراسم تشییع جنازه و مراسم ترحیم شهید را اعلام می نماید .
و اکنون علیرغم اینکه مردم درود به خوبی قاتل ابوالفضل شهید مظلوم را می شناسند گویا جهت پایمال نمودن خون پاک او به انحاء طرق متوسل شده و با تطمیع پدر ستمدیده‌ی شهید موجبات فرار قاتل شناخته شده او را به اصفهان فراهم نموده اند .

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۲۵



شهادت : مجاهد شهید امیر ارگنجی

تاریخ شهادت : ۱۶ / ۲ / ۱۳۶۰

محل شهادت : منجیل !

نحوه‌ی شهادت : شکنجه و ضرب و شتم و انداختن در داخل سد تاریک منجیل .

××××××

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران دربارهٔ فاجعهٔ جنایت بار دستگیری، شکنجه و قتل مخفیانهٔ میلیشیای قهرمان، کارگر مجاهد " امیر ارگنجی" بوسیلهٔ کمیتهٔ مرکزی رشت و دیگر ایادی جنایتکار مرتجعین .

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

همطونان آزاده ورزمنده،م ردم آگاه وانقلابی گیلان :

مرتجعین انحصار طلب حاکم در ادامه‌ی فجایع و جنایات وحشیانه‌شان اخیرا در رشت به یک جنایت هولناک دیگری دست زده‌اند، که به راستی یادآور عملیات باندهای جنایتکار مافیاست .

این جنایات ضد انقلابی و ضد انسانی که علی‌رغم تمام پنهان کاری‌های مرتجعین و تمام تلاش مفتضحانه‌ی آنان برای مخفی نگه‌داشتن آن بالاخره از پرده بیرون افتاده و چهره‌ی جنایتکار ایادی ارتجاع را هرچه بیشتر نشان داده و باعث رسوا شدن هرچه بیشتر آن‌ها در پیشگاه خلق می‌گردد .

جریان دستگیری، شکنجه و قتل و سر به نیست کردن مخفیانه‌ی میلیشیای قهرمان، کارگر مجاهد " امیر ارگنجی" است که به دست کمیته‌ی مرکزی رشت و ایادی چماق‌دار و جنایت پیشه‌ی آن صورت گرفته و در آن مرتجعین جنایت پیشه و مزدوری چون استاندار ضد انقلابی گیلان، " محمد حسن نصیبی" سرپرست جنایتکارکمیته‌ی مرکزی رشت، " محمد علی (فرشید) اباذری" معروف به " فرشید فالانژ" قاتل و چماق‌دار معروف رشت دخالت و مباشرت داشته‌اند .

" امیر ارگنجی" که حدود ۵۰ روز پیش در رشت ناپدید شده بود سرانجام مطابق اطلاعات مستند و قابل اثباتی که پس از بیش از یک ماه ناپدید شدن وی و در ادامه‌ی جستجوها و پی‌گیری‌های خانواده‌اش و سازمان مجاهدین خلق شاخه‌ی گیلان به دست آمد معلوم شده که وی در تاریخ ۶۰/۲/۶ در راه بازگشت از رشت به روستای محل زندگی خود در " بخش سنگر در خیابان خمینی رشت توسط مزدوران چماق‌دار ارتجاع ربوده شده و پس از این که در کمیته‌ی مرکزی رشت به شدت و وحشیانه شکنجه شده " محمد حسن نصیبی" سرپرست ضد انقلابی کمیته‌ی مرکزی رشت وی را به چماق‌دار معروف رشت " فرشید اباذری" و باند وی تحویل داده است .

فرشید اباذری و باند جنایتکار او نیز امیر قهرمان را به بیابان‌های بین امام زاده هاشم رشت و رودبار برده و در حالی که از سرسختی و مقاومت وی دیوانه شده بودند، مجددا او را تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار می‌دهند وآنگاه بدن نیمه جان او را طناب پیچ کرده و چشم و دهانش را بسته و با بستن سنگی به پای وی ! بدن نیمه جان و شکنجه شده‌اش را به داخل آب " سدتاریک " پرتاب می‌کنند .

وب دین ترتیب کارگر مجاهد و میلیشیای قهرمان " امیر ارگنجی" سرفراز چون کوهی استوار و با مقاومتی تحسین برانگیز و انقلابی در راه آرمان‌های توحیدی خود به کاروان شهدای پر افتخار سازمان مجاهدین خلق ایران می‌پیوندد .

ایادی تیره‌دل و جانی مرتجعین گمان می‌کردند که این جنایت ضد انسانی تا ابد پوشیده خواهد ماند، لکن به زودی زمانی که عده‌ای کارگر مشغول لایروبی سد تاریک بودند، با کشف جسد شهید ارگنجی راز جنایت هولناک بر ملا شد و کوس رسوائی آن‌ها به صدا در آمد .

" امیر ارگنجی" انقلابی پاکبازی بود که مقاومت دلیرانه او تا آخرین لحظات حیاتش ادامه داشت. روستا زاده‌ای زحمتکش بود که در خانه‌ی پدری کارگر زندگی می‌کرد و به دلیل تنگدستی خانواده‌اش از همان سنین نوجوانی و به هنگامی که در ارتش بود با جنایات رژیم آریا مهری آشنا شد .

همپای قیام دلاورانه‌ی خلق از ارتش گریخته و به انقلاب پیوست و فعالانه در تظاهرات مردمی و راه‌پیمائی ها شرکت داشت. بعد ازانقلاب با سازمان مجاهدین خلق تماس گرفت و در این رابطه فعال شد .

پس از تعطیلی دفاتر سازمان که به علت تهاجمات گسترده‌ی مرتجعین علیه انقلابیون صورت گرفت مدتی ارتباط او با سازمان قطع شد، و در این مدت خود مجدانه به مطالعه‌ی آثار سازمان و فعالیت‌هائی نظیر پخش اعلامیه وشعار نویسی و ... مشغول بود بعدا " امیر" توانست با برقراری ارتباط مجداد با سازمان سهم به سزائی درآگاهی بخشیدن به زحمتکشان " بخش سنگر" داشته و در ارتقاء مبارزاتی خود بکوشد .

بارها و بارها اتفاق افتاده بود که علی رغم مضیقه‌ی مالی از سنگر به کوچصفهان رفته و برای زحمتکشان سنگر ویارانش نشریه، کتب و رهنمودهای سازمان را می‌آورد. مطابق اطلاعات موثق " امیر" در آخرین ساعات عمر کوتاه ولی پربارش زمانی که مزدوران جلاد او را به قتلگاه می‌بردند سرشار از شوق شهامت انقلابی یک میلیشیا می‌گوید : " کشتن من فایده‌ای ندارد، ازخون من هزاران مجاهد بر می‌خیزد "

مجاهدین خلق ایران ضمن تبریک و تسلیت این شهادت مظلومانه به خلق ایران و مردم مجاهد پرور گیلان و زحمتکشان بخش سنگر به خصوص به خانواده‌ی داغدار " امیرارگنجی" باز هم بر میثاق خونین خود در راه پی‌گیری آرمان‌های انقلابی و توحیدی و دفاع استوار ازحقوص حقه‌ی خلق تاکید نمود و به تمام مرتجعین جنایتکار

و تاریک اندیش و تیره دل یادآور می‌شویم که به قول شهید قهرمان "امیر ارگنجی" از خون هر مجاهد هزاران مجاهد دیگر بر خواهد خاست و جنایتکاران و نیز آن‌هائی که به قیمت خون شهدای این خلق ، مناصب قضائی این مملک را غصب نموده و به تیول انصاری خود تبدیل کرده‌اند و بر این

جنایات نظاره کرده و دم بر نمی‌آورند، باید بدانند که هرگز نخواهند توانست از مکافات این جنایات و یا سکوت و رضا در مقابل آن بگریزند .

و نیز جا دارد عناصر مرتجع و خود فروخته‌ی هیئت بررسی شکنجه که چشم خود را بر این همه جنایات ضد مردمی ایادی ارتجاع بستند و بر فقدان شکنجه حکم نمودند از این به اطلاع بررسی و نتیجه گیری خود ذره‌اش شرم کنند .

بی‌گمان تمام آن‌هائی که بر ضد خلق مرتکب جنایت شده و دست به خون فرزندان خلق آغشته و یا آن را توجیه و پرده پوشی کرده و یا بدان رضا داده باشند سرانجام به خشم جدا و انتقام خلق گرفتار خواهند شد .

و لن تجد لسنه الله تبدیلا و سیعلم الذین ظلمو ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران

۶۰/خرداد/۲۴

××××××

جنایت هولناک مرتجعین در رشت ، ربودن ، شکنجه وحشیانه و سرانجام غرق کردن یک مجاهد خلق توسط مزدوران مسلح ارتجاع



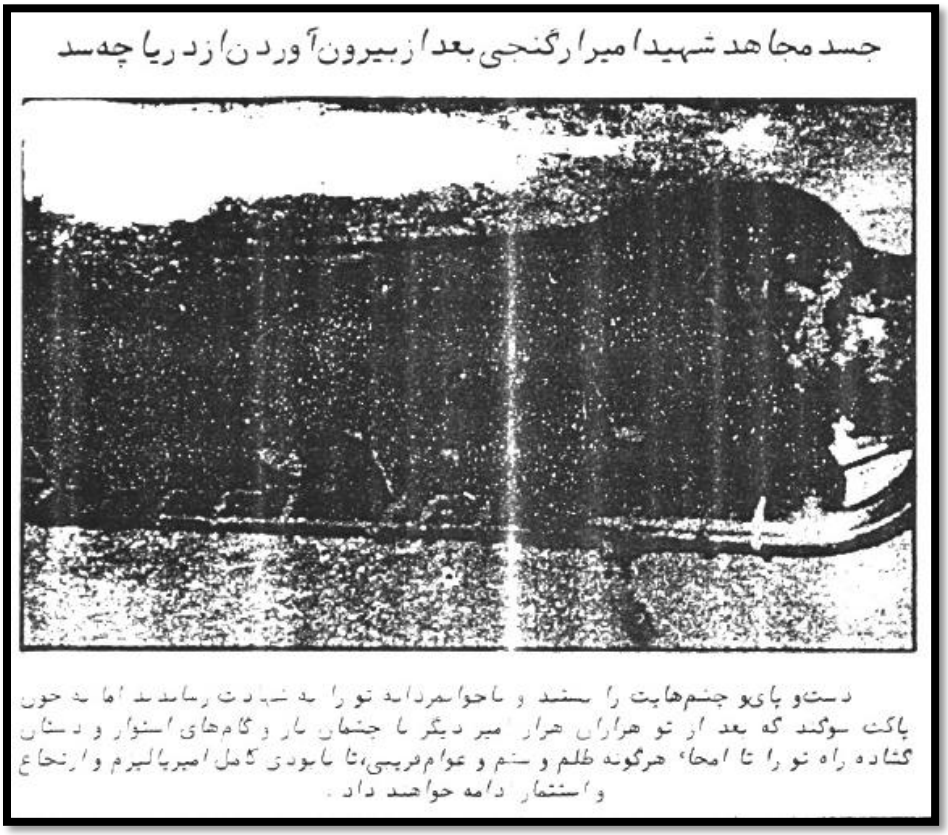
برادر مجاهد امیر ارگنجی هنگام حمل نشریه دستگیر و به کمیته مرکزی رشت برده می‌شود در انجا توسط محمد حسن نصیبی رئیس جنایتکار کمیته مورد ضرب شدید مواقع می‌شود و به دنبال آن محمد علی اباذری (معروف به فرشید فالانژ) همراه چند تن دیگر از مزدوران ارتجاع به نام‌های " فرزاد دشتی زاده" و "حجت عابد مقامی" و ... پیکر نیمه جان امیر را به بیابان‌های بین امامزاده هاشم ورودبار می‌برند . در آنجا ابتدا چشم و دهان امیر را با پارچه سفید و دست و پایش را با طناب نایلونی بسته و بعد از شکنجه‌ی مجدد، سنگی نیز به پای او بسته و او را به درون دریاچه‌ی سد تاریک می‌اندازند.

چندی پیش در هنگام افشای اولین نمونه‌های شکنجه نوشتیم که :

" به دلایل گوناگون و منجمله به خاطر پتانسیل انقلابی جامعه و نیز بافت حاکمیت کنونی، حداقل در کوتاه مدت تکرار تمامی صحنه‌ها و عملکردهای رژیم شاه امکان پذیر نیست . " اما در همانجا بلافاصله گفتیم که : "راه‌های طولانی همیشه با گام‌های کوچک شروع شده است."

اکنون بعد از گذشت ۷ ماه از این سخن به نظر می‌رسد که هیئت حاکمه و مرتجعین حاکم بر ایران اصرار دارند که در زمینه شکنجه و قتل و جنایت نیز همانند سایر زمینه‌ها و منجمله انعقاد قراردادهای اسارت بار و خائنانه‌ی وابستگی آور با امپریالیست ها به جای قدم های کوچک ، گامهای بلند ضد انقلابی بردارند به نحوی که متاسفانه همه رزه خبر جدیدی از جنایات حکام وابستگی آور با امپریالیست ها به جای قدم‌های کوچک،" گام‌های بلند ضد انقلابی" بردارند. به نحوی که متاسفانه

همه روزه خبر جدیدی از جنایات حکام ضد شرع و مزدوران مسلح آنان می‌رسد، و راستش ما گمان نمی‌کردیم مرتجعین حاکم با چنین سرعتی پا جای پای جنایتکاران رژیم آریا مهری بگذارند.



اکنون که اسلام موارد اسلاف آریامهری نیز سفید از ترور خلق ترکمن در زندان‌ها رسم شده و تا ترورهای گوناگون توسط باندهای سپاه در تبریز و قزوین و تهران همه و همه نمونه‌های روشن وانکار ناپذیر چنین جریان ضد انقلابی می‌باشند .

شاهدیم حضرات پناه ! در روی خودرا کرده‌اند، سران

ربودن، شکنجه وسرانجام غرق کردن برادر امیر ارگنجی در رشت از جمله‌ی جدیدترین و فجیع ترین جنایاتی است که در نوع خود کم نظیر است .

این برادر درتاریخ ۶/ اردیبهشت دستگیر شده و به کمیته‌ی مرکزی رشت برده می‌شود. در آنجا مدتی مورد ضرب و شتم رئیس کمیته واقع شده و سپس توسط یکی از جنایتکاران معروف به نام فرشید اباذری به نقطه‌ی نا معلومی برده می‌شود .

۱۰ روز بعد کارگران هنگام لایروبی دریچه‌ی سد تاریک، جسد این برادر را در حالی که دست و پا چشم او را بسته و سنگی نیز به پایش بسته بودند کشف می‌کنندو بدین ترتیب پرده‌ی دیگری از جنایات مرتجعین حاکم بالا می‌رود.

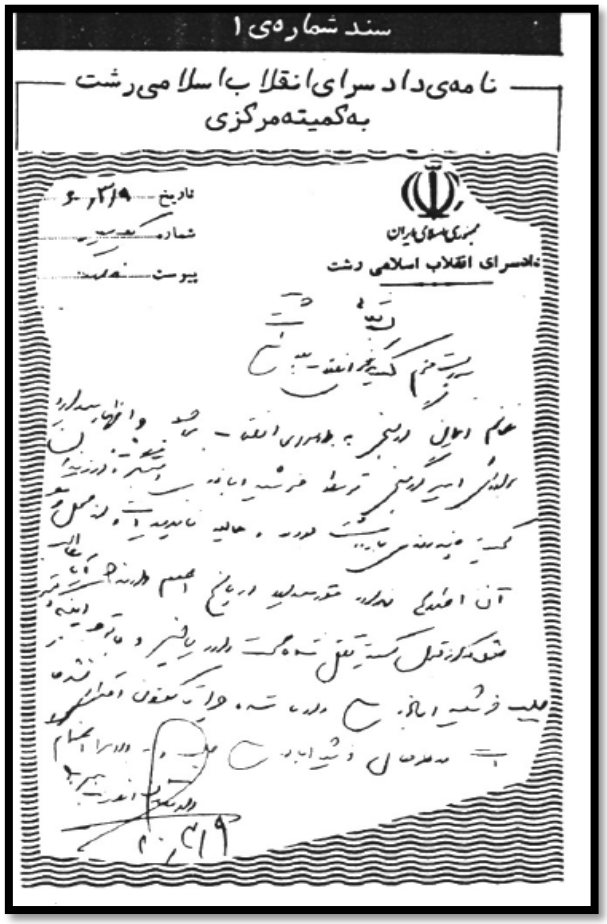
و اینک شرح ماجرا:

در تاریخ ۶/ اردیبهشت/۶۰ برادر " امیر ارگنجی" که از کارگران زحمتکش روستای "سنگر" و از برادرانی بود که به صفوف میلیشا پیوسته بود و در حالی که حامل ساک محتوی تعدادی نشریه برای روستای"سنگر" از توابع کوچصفهان بوده، در حوالی شهرداری رشت مورد سوءظن و تهاجم مزدوران تحت سردستگی فالانژمعروف شهر به نام "فرشید اباذری" واقع می‌شود .

امیر از همانجا شروع به افشاگری می‌کند و چماق‌داران مزدور نیز او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و در همان حال به کمیته‌ی به اصطلاح انقلاب می‌برند . امیر در آنجا نیز مورد ضرب و شتم رئیس کمیته به نام محمد حسن نصیبی واقع می‌شود . نصیبی مزدور با لگد چنان به ....۴ امیر می‌زند که او از درد به خود می‌پیچد و بیحال روی زمین می‌افتد.

پس از آن به دستور نصیبی، اباذری پیکر نیمه جان امیر را به نقطه‌ی نامعلومی می‌برد.

پدر و مادر خانواده‌ی زحمتکش امیر که از غیبت چندروزه‌ی وی نگران شده بودند به مقامات و ارگان‌های رسمی و منجمله دادستانی انقلاب رشت و استان و ستاد و کمیته مراجعه می‌نمایند اما بسیاری از اینان علی رغم اطلاع از جریانات پشت پرده تا به خانواده جواب نمی‌دهند و یا آن‌ها را دست به سر نموده و اظهار بی اطلاعی می‌نمایند.


سند شماره‌ی ۱

نامه‌ی دادسرای انقلاب اسلامی رشت به کمیته مرکزی

جمهوری اسلامی ایران
دادسرای انقلاب اسلامی رشت

تاریخ ۶۰/۲/۱۹
شماره
پیوست

خانواده‌ی امیرکه با سوابق جنایات مرتجعین آشنا بوده‌اند، حساس‌تر می‌شوند و پافشاری بیشتری می‌کنند ... با این که بالاخره دادسرای

[۴] خوانا نیست

انقلاب اسلامی رشت در تاریخ ۶۰/۳/۹ نامه‌ای خطاب به سرپرست کمیته‌ی مرکزی رشت نوشته و خواستار روشن شدن موضوع می‌گردد.

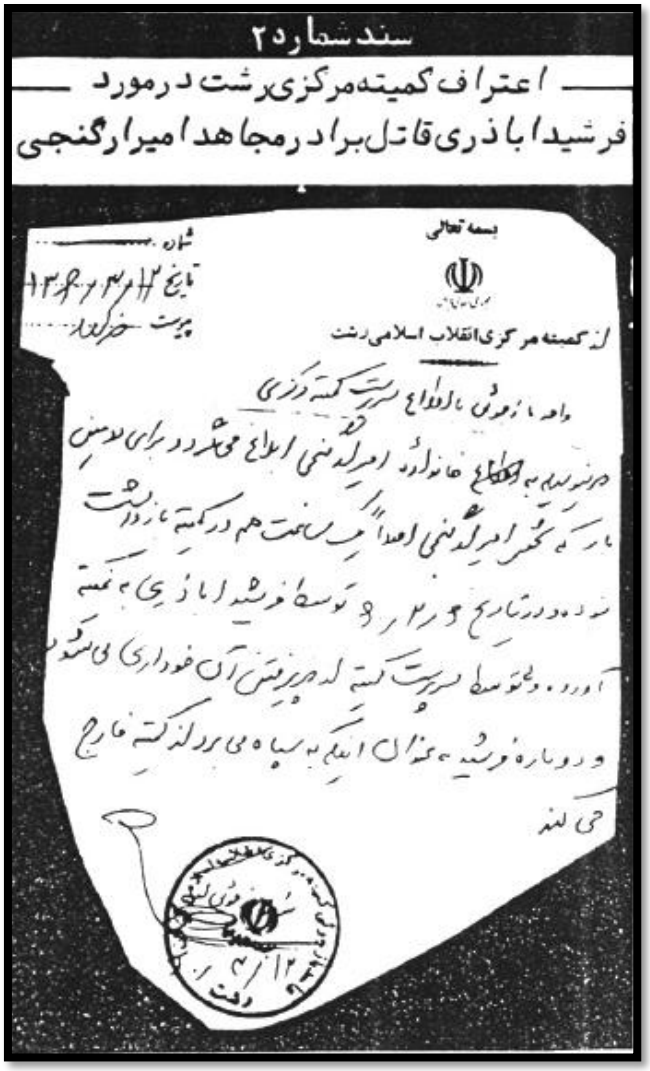
(به سند شماره ۱ در صفحه ۱۸ مراجعه کنید)



برابر پی‌گیری و مراجعه‌ی مکرر خانواده‌ی امیر به کمیته‌ی مرکزی رشت سرپرست کمیته که خود کاملا در جریان ماجرا بوده و و شریک در جنایت، برای تبرئه‌ی خود به دست و پا افتاده و ناخواسته قاتل اصلی را لو می‌دهد .

سرپرست کمیته‌ی مرکزی رشت درنامه‌ای خطاب به خانواده‌ی امیرارگنجی می‌نویسد (به سند شماره ۲ در صحفه ۱۸ مراجعه کنید) :

بدین وسیله به خانواده امیر ارگنجی ابلاغ می‌گردد برای دومین بار که شخص امیر ارگنجی اصلا یک ساعت هم در کمیته بازداشت نبوده و در تاریخ ۶۰/۳/۶ توسط فرشید اباذری به کمیته آورده ولی توسط سرپرست کمیته از پذیرفتن آن خودداری می‌شود و دوباره فرشید به عنوان این که به سپاه می‌برد از کمیته خارج می‌کند .


سند شماره ۲
اعتراف کمیته مرکزی رشت در مورد
فرشید اباذری قاتل برادر مجاهد امیر ارگنجی
بسمه تعالی
شماره .....
تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۴
پیوست .....
از کمیته مرکزی انقلاب اسلامی رشت

جنایت هولناک:

اما دنباله‌ی ماجرا. کنون صورت گرفته بعد از ضرب و شتم کمیته‌ی رشت، معروف به فرشید دیگر از لمپن‌ها و نام‌های فرزاد عابد مقامی" و ... امیر امام زاده هاشم و

طبق تحقیقاتی که تا به شرح زیر است : شدید امیر در محمد علی نادری فالانژ همراه چند تن مزدوران معروف به دشتی‌زاده و "حجت را به بیابان‌های بین رودبار می‌برند .

در آنجا این جلادان قسی القلب ابتدا چشم و دهان امیر را با پارچه‌ی سفید و دست و پای او را با طناب نایلونی می‌بندد و سپس بی‌رحمانه مورد شکنجه قرار می‌دهند .

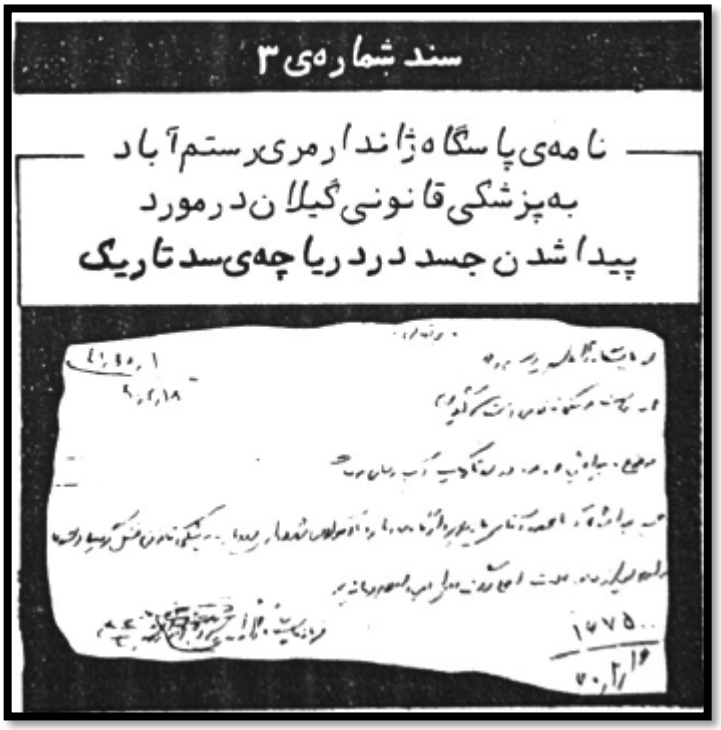
جنایتکاران مزدور برای پوشاندن جنایات خود و فرار از عقوبت ، سنگی به پای امیر بسته و پیکر نیمه جان او را در حالی که چشم، دست، دهان و پاهایش را بسته بودند به دریاچه سد تاریک می‌اندازند.

اما ۱۰ روز بعد هنگامیکه کارگران سد مشغول پاک کردن دریچه‌های سد بوده‌اند، چنگک آنان به جسد برادرمان برخورد کرده و آن را به سطح آب می‌آورد. کارگران زحمتکش بلافاصله موضوع را به پاسگاه ژاندارمری اطلاع می‌دهند و جنازه‌ی امیر که به شدت ورم کرده بود در ساعت ۱ بعد از نیمه شب ۵۶۰/۲/۱۶ به پاسگاه ژاندارمری رستم آباد منتقل می‌گردد و پاسگاه مربوط پس از تشکیل

[۵] احتمالا ماه ۲ اشتباه است و بر اساس روند موضوع باید ۳ یعنی خرداد ماه باشد

پرونده به دادگستری رشت و رودبار اطلاع می‌دهد و در همانجا پس از عکس‌برداری، جسد توسط آمبولانس شهرداری رودبار به پزشکی قانونی استان گیلان دررشت انتقال می‌یابد .

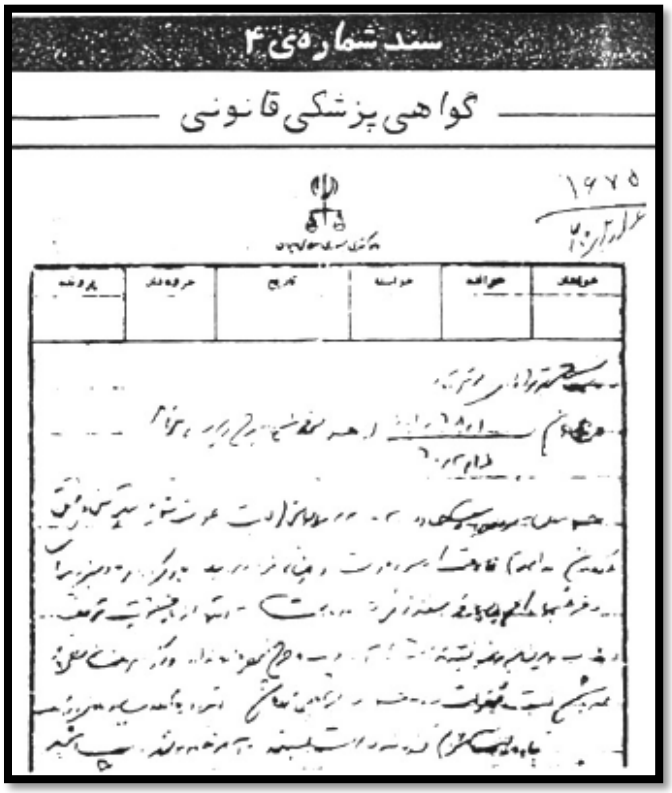
(سند شماره ۳)


سند شماره‌ی ۳

نامه‌ی پاسگاه ژاندارمری رستم‌آباد
به پزشکی قانونی گیلان در مورد
پیدا شدن جسد در دریاچه‌ی سد تاریک

پزشک قانونی جسد ضمن اشاره چشم و دهان با رنگ و پاها نایلونی، علت در آب تشخیص

پس از معاینه‌ی به بسته شدن پارچه‌ی سفید ودست‌ها با طناب شهادت را خفگی می‌دهد.


سند شماره‌ی ۴

گواهی پزشکی قانونی

(سند شماره ۴)

همان گونه که در کلیشه اظهار نظر مسئول پزشکی قانونی رشت، دکتر لادن، ملاحظه می‌کنید، اظهار نظر ایشان با بدترین و ناخواناترین شکل ممکن نوشته شده است که توانستیم به زحمت بخشی از آن را بخوانیم که این شیوه‌ی نگارش با توجه به سابقه‌ای که از ایشان در ماجرای تشخیص علت فوت مجاهد شهید سیما صباغ داریم به نظر ما کمی مبهم و سوال برانگیز است .

این که ایشان بنا به چه دلایلی این گونه بد خط و ناخوانا نوشته‌اند موضوعی است که به نظر ما بهتر است خود ایشان علت آن را روشن کنند. اما دنباله‌ی مجارا:

جسد شهید به سردخانه منتقل و در تاریخ ۶۰/۲/۲۱ [۶]به عنوان فرد مجهول الهویه در گورستان " تازه آباد" رشت تحت شماره ۱۱۳۵۰ به خاک سپرده می‌شود . ضمنا کارگران شریف گورستان را تهدید می‌کنندکه چنانچه کسی درباره‌ی این جسد سوال کرد به دادگاه انقلاب اطلاع دهند !

و بدین سان برگ سیاه دیگری بر کارنامه‌ی ننگین مرتجعین حاکم و ایادی مزدور آنان افزوده گشت .

البته جنایتکاران گمان می‌کردندکه با بستن سنگ به پای مجاهد شهید امیر ارگنجی و غرق کردن وی در دریاچه سد خواهند توانست برای همیشه جنایت هولناک خود را پرده پوشی کنند .

اما ازآنجا که هیچ جنایتی در تاریخ مخفی نمانده این جنایت نیز مخفی نماند، و اکنون معلوم می‌گردد که مرتجعین حاکم دراوج افلاس و درماندگی به چه جنایت هولناکی دست زده‌اند.

[۶] احتمالا ماه ۲ اشتباه است و بر اساس روند موضوع باید ۳ یعنی خرداد ماه باشد

جنایتی که طبق تحقیقات ما تاکنون علاوه بر رئیس کمیته رشت (محمد حسن نصیبی) و فرشید اباذری (سردسته‌ی قاتلان) تعدادی دیگر از به اصطلاح مقامات مسئولین استان و سپاه نیز در آن نقش کارگردان را داشته‌اند ولی آیا به راستی هیئت حاکمه کنونی خواهد توانست این گونه با ضرب وشتم وشکنجه و ترور وقتل جوانان آگاه میهن به حیات خود ادامه دهد؟ و آیا اینان نمی‌خواهند از سرنوشت اسلاف جنایتکار خود پند گیرند؟

××××××

مجاهد فوق العاده درگیری قائمشهر ۶ اردیبهشت ۶۰ و مجاهد ۱۱۸

شهادت مجاهد شهید : فاطمه رحیمی

تاریخ شهادت : ۱ / اردیبهشت / ۱۳۶۰

محل شهادت : قائم شهر

نحوه شهادت : رگبارگلوله توسط مزدوران .



(مجاهد شهید فاطمه رحیمی)

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران در باره تهاجمات وحشیانه چماقداران و حامیان مسلح آنها به قائم شهر

و شهادت ۲ میلیشیای قهرمان

بنام خداو بنام خلق قهرمان ایران

ومانقموامنهم الان یومنوا با لله العزیز الحمید

هموطنان عزیزمردم آگاه انقلابی مازندران هم چنانکه مطلعید ، سال گذشته با وعده‌ی « امنیت » آغازشد اما با تاخت و تاز سراسری چماق داران و با افسار گسیخته ترین هرج ومرج قضایی و به سرکوب وشکنجه و کشتارنیروهای انقلابی و سرانجام با عزم استوار خلق برای مقاومت در برابر زور و چماق وانحصارطلبی به پایان رسید . هم چنین در طلیعه‌ی سالی که با ادعای حکومت قانون و رحمت وعطوفت ! آغار شد ، خون پنج فرزند آگاه و انقلابی خلق ، مجاهدان شهید صنم قریشی ، اصغر قدس ، خیرالله اقبالی نژاد .و تیمورطالشی شریفی به ضرب چماق ها وکلوله عمال وایادی مرتجمین در شهرهای یندرعباس ، قروین ، قائم شهرورامسربرمین ریخت .

اکنون درآغاز دومین سال رحمت و عطوفت و در سالگشت به خون کشیدن دانشگاهها ، هجوم وحشیانه‌ی چماقداران به اصطلاح حزب الله ! وحامیان مسلح آنان درنهادهای رسمی شهر قهرمان پرور قائم شهر را در آتش وخون فروبرد و ده ها مجروح و مصدوم و چند شهید مظلوم برجای گذاشت و بدین سان برگ سیاه ننگین دیگری بر دفتر جنایات ضدخلقی و ضد اسلامی انحصارطلبان افزوده گشت .

تهاجم وحشیانه‌ی چماق داران و پاسداران مسلح حامی آنان به سردمداری ، فرماندار جنایتکار قائم شهر ازصبح روز سه شنبه ۶۰،۲،۱ آغاز شد و درغروب همان روز با حمله آنان به مردم دلیروآگاه « مجاور مجله » به اوج خود رسید .

آنان دراین محل ، مردم بی پناه و بی سلاح را به رگبار گلوله بستند و در همان آغاز ۱۰ تن به خاک افتادند .که ازمیان آنان ، خواهران مجاهد فاطمه (رویا) رحیمی و سمیه (پری) نقره خواجا، دوتن از میلیشیای دلیرقائم شهر به شهادت رسیدند و خبر می‌رسد که حال سایر مجروحین نیز وخیم است . روزچهارشنبه ۶۰،۲،۲ مراسم تشییع جنازه‌ی شهدا فاطمه وسمیه که با شرکت ۱۵ هزارنفر از مردم آگاه و مبارزه قائم شهر جریان داشت ، مورد حمله‌ی چماق داران و حامیان مسلح آنان قرار گرفت .

آنان مشایعین را به رگبار گلوله بستند و به میان آنان نارنجک پرتاب نمودند که در اثراین حملات چند نفربه شدت مجروح و مصدوم شدند . علاوه براین ، طبق اخبار رسیده یکی از بستگان مجروحین در اثر شدت لطمات روحی سکته کرده و به شهادت رسیده است .

خواهر مجاهد سمیه‌ی نقره خواجا یکی از فرماندهان برجسته‌ی میلیشیای قهرمان قائم شهر بود . در سال۱۳۳۸ دریک خانواده ی شریف وزحمتکش کارگری به دنیا آمد و در محله‌ی گونی بافی قائم شهردر میان رنج و زحمت بزرگ شد .

سمیه به زودی به صفوف پرشکوه خلق در مبارزات ضد دیکتاتوری پیوست و نقشی فعال درتظاهرات برضد رژیم شاه به عهده گرفت . شخصیت واخلاق انقلابی سمیه وجه دیگری از سیمای رزمنده و حقیقت جوی او بود. وی ورزشکار بود و علاقه زیادی به کوهنوردی و خواندن سرود داشت و انضباط انقلابی در رفتارش چشمگیر بود شعائر وعبادات را با نظم و شیفته‌گی و معنویت ویژه ای برگزار می‌کرد و به دوستانش همواره، ادای منظم و خالصانه ی نماز و شعائر انقلابی اسلام را یاد آوری می‌کرد .

درزندگی روزمره اش پیوسته برای حفظ و ارتقا روحیه‌ی انقلابیش می کوشید . غذای خاصی راکه پزشک به علت بیماری به اوتوصیه کرده بود باکراهت و ناراحتی مورد استفاده قرار می داد و می خواست که همیشه هم چون زحمتکشان و محرومان زندگی کند. مقاومت قهرمانانه‌ی او در روزهای حمله‌ی اوباش به ستاد مجاهدین در قائم شهر و حضور فعالش برای دفاع از مردم مجاور محله در قبال تهاجمات چماق داران از نقاط درخشان زندگی کوتاه و پربارش بود . این خواهر دلیر بارها و منجمله در روز شهادتش از سوی چماق داران به ترور تهدید شده بود.

سمیه قهرمان دراثر مبارزات پی گیر و صادقانه اش به زودی در صفوف میلیشیای خلق قرار گرفت و پس ازکسب صلاحیت‌های لازم درشمار مسئولین و فرماندهان میلیشیا درآمد .

خواهرمجاهد میلیشیا قهرمان فاطمه رحیمی دومین شهیدی بود که در شامگاه روز سه شنبه۶۰,۲,۱ به دست مزدوران مسلح و انحصار طلبان به خاک افتاد .

فاطمه در سال ۱۳۴۴ درخانواده‌ای زحمتکش در قائم شهر متولد شده و همراه رنج و زحمت رشد کرد و بزرگ شد. او علی رغم سن کمی که داشت در قیام خلق برعلیه رژیم شاه خائن نقش فعالی داشت و با شورو علاقه ی در تظاهرات شرکت می نمود و این درحالی بود که بسیاری از مقامات مرتجع و جنایتکار کنونی قائم شهر در آن زمان علی رغم اصرار انقلابیون جوانی نظیر فاطمه از صحنه ی نبرد می‌گریختند ولی اکنون دستشان را به خون این فرزندان پاک وقهرمان خلق آغشته می کنند ....

مجاهدین خلق ایران با ادای احترام عمیق وانقلابی به مراتب عزم وایمان دو فرزند افتخار آفرین خلق و دو میلیشیای قهرمان قائم شهر خواهران مجاهد فاطمه رحیمی وسمیه نقره خواجا شهادت آنان را به عموم هم وطنان عزیز و مردم آگاه و مبارزقائم شهرو خانواده ی شهید پرور آنان تبریک و تسلیت می کویند و بی تردید آنان دراراده های پولادین همزمان مجاهدشان درسراسر کشور حیات وحضوردارند و راه خونبارشان تا حصول جامعه‌ی بی طبقه ی توحیدی ، پرفروغ و پیروزمند ادامه خواهدیافت .

هم چنین مجاهدین خلق ایران لازم می دانند که به عموم مقامات مسئول کشور هشدار داده و یادآورشوندکه اگر چه مردم و هواداران مجاهدین خلق ایران تاکنون در برابر تعرضات وحشیانه ی چماق داران و حامیان مسلحشان به ویژه در شمال کشور، نهایت خویشن داری و انضباط انقلابی را به مقتضای رعایت مصالح کشورنشان داده اند و حتی ازابرازحداقل واکنش اعتراضی پرهیزوجلوگیری نمودند !

امااگر به این تهاجمات ضد انقلابی خاتمه داده نشود و اگرقاتلان شناخته شده‌ی مجاهدان شهید ومأموران و مقامات خائنی هم چون شاه نوش فرماندارجنایتکار قائم شهر، در برابر خلق محاکمه و به مجارات نرسند و اگرخون فرزندان مجاهد خلق با دشنه‌ی چماق داران و گلول ی پاسداران حامی آنان درنهادهای رسمی هم چنان مظلومانه برزمین وریخته شود و اگرعوام فریبی هاودردروغ پردازی های دستگاه های تبلیغاتی تنها واکنش و رسیدگی انحصارطلبان در قبال تاخت و تازهای وحشیانه‌ی چماق داران باشد ،آنگاه مجاهدین خلق دیگر قادر به جلوگیری ازابراز واکنش های اعتراضی سراسری نبوده و مسئولیت آن مستقیما به عهده‌ی مقامات و مسئولین مملکتی خواهد بود .

البته تردیدی نیست که درهرحال سردمدان ، آمران ، عاملان و زمینه سازان این جنایات ضد خلقی ، هرگز از چنگال قهرخلق و عذاب خداوندگریزگاهی نخواهند یافت و سیعلم الذین ظلموااای منقلب ینقلبون .

و بزودی ستمگران درخواهند یافت که به چه فرجام و منزلگاهی روانند.

مجا هدین خلق ایران ــ ۲ اردیبهشت ۱۳۶۰

××××××

رگبار گلوله های ارتجاع در قائم شهر چندین نفر از خواهران مجاهد را به خاک وخون کشید دراثراین حمله ناخوانمردانه ۲ تن شهید وتعدادی مجروح شدند

سیرحوادث اخیر قائم شهر

روز دوشبنه ۳۱ اردیبهشت در قائم شهر، چند چماق دار به قصد پاره کردن نشریات هوادران مجاهدین درخیابان ساری به سمت خواهران میلیشیا هجوم می آورند. اما میلیشیاهای قهرمان آن‌ها را وادار به عقب نشینی می‌کنند .

دراین موقع نعیمی دادستان ضد انقلابی قائم شهروارد صحنه شده و نشریات یکی از فروشندگان مجاهد را می رباید اماوقتی با مقاومت روبرو می شود ، کلت خود را بیرون کشیده و به سینه‌ی خواهری نشانه می رود که باعکس العمل شدید او مواجه می شود مردم حاضر درصحنه به کمک میلیشیا می روند که در این موقع نعیمی توسط سپاه از آن محل بیرون برده می شود .

بلافاصله پس از این جریان ، یک ماشین از افراد سپاه در خیابان ساری جهت جلوگیری از فروش نشریه دست به تیراندازی می زنند . هوادارن مجاهدین به سمت تونل راه آهن و مجاورمحله می روند. در این هنگام ، حدود ۳۰- ۴۰ نفراوباش مسلح به اسلحه گرم و سرد (کلت و قمه) سر رسید ه و به تیراندازی و ضرب و شتم اهالی می پردازند. آن ها ناجوانمردانه سینه ی خواهری را با قمه می درند .

عصرهمین روزحدود۵۰ نفرازایادی ارتجاع ، در حالی که مختاراسماعیلی ، فرمانده‌ی عملیاتی کمیته،مسلسل به دست درکنارآنها حرکت می‌کرد به بساط هوادارن مجاهدین در خیایان ساری حمله می کنند و سنگ پرتاب می نمایند.

درگیری به مجاورمحله کشیده شده و درآنجا نیز سپاه وکمیته چترآتش حمایتی خود را بر روی چماق داران می گشایند . طی این حمله و هجوم تعداد زیادی از اهالی محل مورد ضرب وشتم قرارگرفته و دستگیر می شوند .

اوباش در اینجا از تفنگ ساچمه ای نیز استفاده می کردند. که درمیان زخمی ها چند نفراز زانو به پائین بدین وسیله زخمی شده اند .اوباش سپس به ترک محله رفته و سرانجام ساعت ۷ و۴۰ آرامش به محلات بازمی گردد .فالانژها درآخرین لحظاتی که محله را ترک می کردند با بلندگو می گویند : « فردا خدمتتان می رسیم » صبح فردا ،اول اردی بهشت ، ساعت ۵ و۳۰ یک ماشین سپاه ۸ نفر پاسدار به خانه ی یکی از هواران رفته ومقداری کتاب را به همراه خود می برند. روز سه شنبه مرتجعین به قصدتعطیلی مدارس بیرون می آیند و دبیرستان های سعید محسن ، رازی ، شریف کاملا تعطیل می شود. تعدادی مدارس نیز به حال نیمه تعطیل درمی آیند . تعداد۱۵۰ نفر ازآن ها با شعارهای جنگ افروزانه به سمت فرمانداری می رون د.

عده ای نیز در انجمن های اصطلاح اسلامی خودجمع شده بالاخره ساعت ۹ درمقابل مرکز تبلیغات اسلامی شهر به هم ملحق می شوند ودر مجموع به ۳۰۰الی ۴۰۰ نفر می رسندو نسبت به «عدم امنیت » در شهراعتراض کرده ودست به تحصن می زنند .

آنها در بین شعارهای خود خواستارآزادی اصغرشیرمحمدی قائل میلیشیا اصغرفلاحی می شوند وتراکت هائی نیز در این مورد پخش می کنند .

آنها سپس قطعنامه‌ای خوانده که در مواردی چون دستگیری ۲۰ تن ازهواران مجاهدین خواسته بود که همراه با اسم ، آدرس دقیق آن ها توسط گوینده اعلام می شود آن ها سپس تهدید می کنند که خودشان اقدام به دستگیری آنان خواهند کرد .

درقطعنامه خواستار تصفیه شهربانی از « جنبشی » و مارکسیست ها می شوند (درحوادث چند روز قائم شهرچندپرسنل شهربانی مقابل چماق داران ایستاده بودند) سپس فرماندارجنایتکار(شاه نوش)

ظاهرا برای دلداری این نورچشمی های حزب حاکم به میان آن ها می آید که تا مرفق دستانش به خون شهدای قائم شهرآلوده است برای خنثی کردن خشم مردم و هم چنین زمینه چینی لازم برای کشتار ،عوام فریبانه پیشنهاد می کند تا ساعت ۴ بعداز ظهرگروه ها برای مناظره به فرمانداری بیایند و به آن ها اولتیماتوم می دهد.

درساعت ۴ بعد از ظهر۳۰۰ ـ ۴۰۰ نفر فالانژ به طور حساب شده درمقابل فرمانداری جمع می شوند فرماندار می گوید تنها نماینده حزب توده آمده است (نماینده حزب توده با خوش رقصی تمام صبح نیز هنگام سخنرانی فرماندار درکنار او حضور داشته است !) .

فالانژها منتظر آخرین تحریکا ت و اتمام حجت فرماندار نشسته و مرتبا شعار می دهند « حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله » شاه نوش فرماندار قائم شهر طی یک سخنرانی به لجن پراکنی پرداخته و هر چه در چنته داشته علیه مجاهدین نثار می کند او آشکارا التیماتورم چند ساعته ی خود را برای مناظره مستمسک قرار داده و برای مجاهدین خلق خط و نشان می کشد و ریشه کن کردن آن ها را وعده می دهد .

او هم چنین آن دسته از پرسنل مردمی شهربانی را که در طی این چماق داری ها باآن ها همکاری نکرده اند تهدید به اخراج وسرکوب می نماید و درپایان نیت واقعی خود را آشکارا و در حضور چماق داران اظهار می دارد : باز هم درحضور شما مردم اعلام می کنم که مسئول هر واقعه ی اسف انگیزی و هر حادثه ای گروههائی خواهند بود که آمادگی استماع حقیقت را ندارند ... فکرمی کنم این حرف مورد تایید شما باشد « و سپس چماق داران با تکبیر حرف های او را تایید می کنند .

ساعت ۳۰و۴ بعد از ظهراوباش دریک دسته ی ۱۵۰ نفره دست به یک راه پیمائی کوتاه زده و پس از سخنرانی « شاه نوش » همان تعداد به سمت خیابان ساری و سپس تونل راه آهن رفته و با سنگ به هواداران مجاهدین حمله می کنند.

درگیری سپس به چهار راه برادران کشیده شده وحدودساعت ۷ عناصرکمیته با یک لندرور و همرا با شلیک تیرهای هوائی و زمینی وارد محله می شوند . درمقابل آن ها میلیشیای قهرمان و اهالی با شعارهای توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد »هم چنان مقاومت می کنند.دود گاز اشک آور و بوی باروت تمامی فضای محله را پوشانده بود، هوادران به سمت مسجد حنیف رفته و در یک حمله ی مجدد عناصر چماق دار و ژ ـ۳ بدست را تا مسافتی به عقب می رانند .

چند دقیقه بعد از سمت پل هوائی (مدخل ورودی مجاور مجله) یک جیپ شهباز آبی با چراغ روشن و آژیر به همراه یک لندرور با سرعت زیاد وشلیک تیرهای هوائی و زمینی به طرف چهارراه می آیند ، تعدای از هواداران در خانه ها پناه گرفته وعده ای دیگردرخیابان سرود به نام خدا سرمی دهند. بار

دیگرحدودساعت ۸ مزدوان مسلح کمیته به سه ماشین لندرور ، رنجرور قرمزنگ وجیپ شهبازآبی رنگ با آژیر و شلیک گلوله‌های هوائی و زمینی به سمت هوادران مجاهدین حمله می‌کنند.
عده ای ازخواهران و مادران به سمت مسجد حنیف عقب می نشینند و در همین هنگام بودکه با گلوله های مزدوران چندتن از آن در خون خویش غوطه ور می شوند ، جریان واقعه بدین صورت بود که در حین رفتن مادران وخواهران به سمت مسجدحنیف سه جنایتکار شهرمختار اسماعیلی مسلح به مسلسل و مسلم محسنی مسلح به کلت سیروس ابوئی درسه راه لشکری پشت باجه ی تلفن و مختاراسماعیلی به زمین نشسته و بر روی آن ها آتش می گشایند .
مسلم محسنی نیز در حالی که مسلح به سلاح گرم بود ،مادران و خواهران را هدف قرار داده و به طورمشخص یکی از خواهران را از پای در می‌آورد. در همین ضمن ماشین جیپ کمیته یکی از برادران را دنبال کرده واو را با دیوارپرس می کند ، تعداد خواهران تیرخورده در این محل ۵ نفرگزارش شده که یکی از آنان به نام فاطمه ی رحیمی درجا به شهادت می رسد .
اسامی چهارخواهر دیگر عبادت است از : انسیه قریشی مهری محمدنیا صدیقه محمدی افسانه عظیمی .هم چنین خواهر شهید سمیه (پری) نقره ای خواجا درمحل دیگر به ضرب گلوله ی این ناجوانمردان از پای درآمده و چندتن دیگر نیز مجروح می شوند که ازآن جمله مریم اولادی ، هما کاظم پورو....هستند .
مهاجمین پس از این اعمال جنایتاکارانه دور زده و قصد ربودن اجساد دوخواهرشهید را داشتند اما خشم و نفرت مردم محل روبرو شده و موفق نمی شوند ، خواهران میلیشیا جنازه‌ی خواهر رحیمی را چون پرچم سرخ حسینی بر دوش کشیده و با شعارهای «مسلمان بیاخیز، مجاهدین راکشتند » « مجاهد خلق ما رفت به نزد خدا » و ... به سمت مسجد حنیف حرکت می کنند ، در بین راه مردم از منازل خود بیرون آمده و با شنیدن خبرشهادت فرزند انقلابی خود بر سر و روی می کوبند، گریه و شیون سرداده وحزب حاکم و فرماندار را به عنوان عاملین این قتل محکوم می کنند از سوی دیگر خواهران‌میلیشیا با شعارهای یا حسین یا حسین و عامل قتل و کشتار ، فرماندار جنایتکار... عامل قتل و کشتار. فرماندار چماق دار .... خبرشهادت فرزندان قهرمان شهر را به اهالی محل می رسانند .
زن ها بر سر و روی خود می کوبیدند خواهران مردم را دعوت به مقاومت می کردند . عده ای بی اختیار با لباس بیژامه به صف تظاهرات می پیوستند . و به این ترتیب پیکر پاک میلیشیای قهرمان رحیمی به مسجد حنیف رسید و تا صبح درآنجا نگاهداری شد. درحالی که خواهران و برادران دیگر در بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم می کردند خواهر قهرمان دیگرمیلیشیای شهید سمیه (پری

) نقره خواجا به سوی خدا می شتابد درحالی که ذرات مغزش که براثرگلوله مرتجعین متلاشی شده بود برسنگفرش خیابان های مجاورمحله هنوز باقی است .

فرمانده میلیشیای قهرمانی که مادرش ناله کنان می گفت با کارگری بزرگش کردم . اوبه دلیل جسارت و گستاخی ، که ویژه گی هر میلیشیا است چهره ای آشنا هم در نزد همرزمان و هم در نز عناصر چماق دار بود یک ساعت قبل از شهادتش نیز به وسیله ی سیروس ابوئی تهدید به مرگ می شود، سرانجام با روی باز به آرزوی دیرین خود رسیده و با ریختن خون پاکش مرگ محتوم ارتجاع را نوید می دهد.

اهالی محله ی حنیف که دیگر از دست این نامردمان کارد به استخوانشان رسیده است و هر روز شاهد ضرب وشتم فرزندان قهرمان خود به دست ایادی ارنجاع هستند. طی نامه ای به رئیس جمهور شاه نوش فرماندار جنایتکار شهر عناصر وگردانند گان کمیته از جمله مختار اسماعیلی. شیخ موحدی و فخرالدین موحدی رابه عنوان چندتن از مسببین این حملات ضد انقلابی معرفی و خواستار رسیدگی به این جریانات شده درانتها نیز قید نموده اند که درصورت عدم جلوگیری از این حملات مردم خود دست به اقدام خواهند زد .

گزارش مراسم تشییع جنازهٔ شهدای مجاهد درقائم شهر

به دنبال اطلاعیه خانواده ی شهدا (رؤیا رحیمی و سمیه(پری) نفره خواجا) که غروب روز۶۰،۲،۱ توسط گلوله کمیته چی های مزدور حزب منفورحاکم در قائم شهر شهید شده بودند و نیز اطلاعیه ی مجاهدین خلق ایران – مرکزقائم شهرمبنی بر شرکت در تشییع جنازه ،از ساعت ۹ صبح به بعد جمعیت در مسجد حنیف مجاورمحله جمع می شوند ودرحدود ساعت ۱۱ ،تشییع جنازه با جمعیتی بیش از۷۰۰ نفراز مسجد آغازمی شود.وقتی جمعیت مجاورمحله راپشت سرگذشته وبه پل هوائی می رسند حدود۲۰۰ نفرازچماق داران روی پل هوایی از حرکت جمعیت جلوگیری می کنند در اثر بر خورد جمعیت با چماق دارن آن ها به عقب رانده می شوند و جمعیت به سمت « فلکه ـ میدان اصلی شهر حرکت می کنند .

در این هنگام افراد مسلح کمیته با شلیک رگبار گلوله و برتاب گازاشک آور به صفوف جمعیت تشییع کننده حمله می کنند . که در اثر تیراندازی آن ها چند نفر به شدت مجروح می شوند و از جمله عباس فرمانبردار (هوادارن مجاهدین خلق) ازناحیه ی گردن و شانه زخمی است . سپس چند سه راهی توسط چماق داران به میان جمعیت پرتاب می شود که در اثر ترکش آن ها عده ای بشدت مجروح و یک نفر به نام فرمان فرمائیان جان خود را از دست می دهد.

جمعیت از فشارگلوله وگاز اشک آور به سمت خیابان ساری حرکت می کند که وقتی به خیابان « ساری می رسند تعداد آن ها به حدود ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود. در اینجا دراثر شدت گاز اشک آور و رگبار پاسداران عده ای از جمعیت متفرق شده و جمعی نیزبه مقاومت در مقابل هجوم چماق داران می پردازند و جنازه ها با جمعیتی در حدود۲۰۰ نفر به گورستان رسیده و شهدا دفن می شوند در طی درگیری هائی که درمسیر تشییع جنازه پیش می آید. مردم به برخی از مراکزی که محل تجمع و بسیج چماق داران و ایادی مسلح ارتجاع حاکم بوده اند هجوم برده که ضمن آن شیشه های این مراکز شکسته می شوند. مراسم تشییح جنازه در ساعت ۲ بعداز ظهربه پایان می رسد.



آخرین وداع پدر با فرزند شهید ش.میلیشیای قهرمان فاطمه رحیمی

اطلاعیه های مجاهدین خلق ایران ـ شاخه مازاندان

در رابطه با جنایات و حامیان مسلح آنها اخیرچماقداران و حامیان آنهادر قائشهر

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

هموطنان آگاه و انقلابی ،مردم قهرمان مازندران اکنون ماههاست که مردم آزاده و زحمتکش مازندان در زیر فشار های وحشیانه و نا مردمی مرتجعین و ایادی چماق دار و مسلح آنها قرار دارند .

چماقداران و ابسته به حزب انحصارطلب حاکم همچنان افسارگسیخته در کمال بی رحمی و شقاوت جان و مال و ناموس این مردم آزاده را مورد تعدی و تجاوز قرارداده فززندانشان را می کشند و اموالشان را به غارت می برند .

به طوریکه تنها در طی دو هفته‌ی گذشته بر اثر این حملات و هجومهای نامردمی حداقل دوتن از خواهران مجاهد فاطمه (رویا) رحیمی و سمیه (پری) نقره خواجا بر اثر رگبار گلوله های آنها در قائم شهر به شهادت رسیده وصدها تن مجروح و دستگیر شده اند. این یورشهای وحشیانه در سطح بیشترشهرها و روستاهای مازندان هنوز هم ادامه دارد به طوریکه حتی به مراسم تشییع جنازه ی این خواهران بخون خفته نیز رحم نکرده و با رگبار گلوله وگاز اشک آوربه مردم بی دفاع حمله کرده و درکمال وقاحت به میان مردم نارنجک پریاب کردند .

براساس اخبار و شواهدی که وجود دارد ، انحصارطلبان و ایادی مسلح چماقدار دیروز عصر به مجاور محمله حمله نموده و با تحریک و فحش و ناسزا به نیروهای انقلابی ، به ویژ مجاهدین ، قصد درگیری داشتند . همچنین آنها با بلندگو کسانی را که شب از خانه خارج شوند تهدید به تیراندازی می نمودند . که تا آخرین ساعات روز با شکیبائی و صبرانقلابی مردم قهرمان قائم شهر توطئه ی آنها خنثی شد .

در شهرهای دیگر استان نیز توطئه ها وتحریکاتی اینچنین وجود داشت که با مقاومت انقلابی مردم در قبال آنها نقش برآب شده است .

مرتجعین وایادی خود فروخته شان گویا قصد دارند تا در روزهای آینده به آتش افروزیها و جنایات خویش دامنه ی بیشتری داده ومردم شهرها وروستاهای این منطقه را به خاک وخون یکشانند .

مجاهدین خلق ایران شاخه‌ی مازندان ضمن هشدار به‌کلیه‌ی دست اندارکاران بخصوص شاه نوش فرماندار ضدخلقی و عامل این هجوم ها از همه ی مردم قهرمان وآزادۀ ایران و همه ی نیروهای انقلابی و شخصیت های مترقی می خواهند که در مقابل این تجاوز آشکار به حریم مردم زحمتکش و آزاده ی مازندان ساکت ننشسته . و به وظایف انقلابی خویش عمل نمایند .

مجاهدین خلق ایران

شاخه ی مازندران

پنجشنبه ,۳ اردیبهشت ,۶۰

××××××


اعترافات صریح
یکی از مهاجمین درمورد
فرماندار و رئیس کمیته قائم شهر

ـ اسم و فامیل؟

من حسین فاضلی با هشت نفر به رهبری ذاکری و احمد رنجبر که با کمیته رابطه دارد برای حمله به مجاهدین به پل هوایی آمدیم .

ـ حمله کنندگان چه کسانی بودند و از کجا آمدند؟

حمله کنندگان از کمیته و تبلیغات و فدائیان اسلام بودند و رهبران حمله مختار اسماعیلی و پنج نفر دیگر از کمیته که لباس ارتشی داشته و پشت حمله کنندگان دستور می داد نه حمله کنندگان تالار پشت و ....(ناخوانا) و همچنین ۸ نفر از گروه پیام خون پشت راه آهن به درگیری آمده بودن حمله کنندگان مختار و چند کمیته چی دیگر دارای گاز اشک آور و قلاب سنگ بودند .

ـ در درگیری چه کسی از پشت پرده دستور می دهد؟

بعد از سخنرانی خود فرماندار توسط کمیته دستور حمله را داد .

ـ قبلا در چند حمله بودی؟

سه حمله بودم (در حمله ۲۸ شهریور به جنبش معلمین و در حمله چند روز قبل به پل هوایی و این حمله به تشییع جنازه)

ـ تیراندازی دیروز را چه کسی نمود و عامل درگیری چه کسی بود ؟

مختار اسماعیلی دیروز در مجاورمحله به مردم تیراندازی نمود که البته دستور حمله بعد از سخنرانی فرماندار و توسط فرماندار داده شد دیگر حمله کنندگان ارسلان حبیب نیا از تبلیغات و مسلم شیر و علی حاجی (از انجمن یاسر) بودن .

حسین فاضلی

وصیت نامهٔ میلیشیای قهرمان؛
مجاهد شهید، فاطمه (رؤیا) رحیمی

بسم الله الرحمن الرحیم



گامهای استوار صفهای فشرده‌تر برندتان بر پیشانی دشمن

فریادتان کوبنده‌تر

اما ستارگان پر

«اللهم انصر المجاهدین فی افغانستان و اللهم انصرهم»

بارخدایا مجاهدین را یاری کن، آنانکه گشنه در برف و

تگرگ بهمن با الله اکبر بسوی این هوس پرستان

حمله ور شدند

سلام برآنان باد

خاطره سالها داشت

نامه شاهدان عینی جنایات اخیر مقامات قائم شهر به رئیس جمهور



نشریه مجاهد ۱۱۸

« روز زن » در « سال قانون» مصادف است با رگبار گلوله بر سینهٔ دختران مجاهد

به مناسبت شهادت ۲ نفر از خواهران مجاهد به دست ایادی مسلح ارتجاع درقائمشهر، انجمن حقوقدانان مسلمان اعلامیه‌ای منتشر نموده است که قسمت‌هایی از آن را نقل می‌کنیم:

یک ماه از جنایت سرا سری عوامل ارتجاع که منجر به شهادت پنج مجاهد شد نمی‌گذرد که بار دیگر عوامل مسلح در مازندران ده‌ها نفر را به خاک و خون کشیدند ابعاد این جنایت جای هرگونه شبهه را در استفاده از نام خالی از محتوای «سال قانون» از بین می‌برد. چراکه نام قانون پوشش کشتار و سبعیت سردمداران ارتجاع است و در حقیقت معنای قانون ازنظر ارتجاع و حزب حاکم را می‌رساند. اما کشتار اخیر دارای ویژگی به خصوصی بود که طی آن چندین دختر مجاهد به خون کشیده شدند و این در حالی است که در دختر مجاهد دیگر در لاهیجان و بندرعباس نیز به فاصلهٔ زمانی کوتاهی به شهادت رسیده‌اند و کشتار دختران مجاهد در شرایطی انجام می‌شود که ارتجاع در سالروز تولد فاطمه (ع) ادعای بزرگداشت مقام زن را دارد.

انجمن حقوق‌دانان مسلمان ضمن محکوم کردن این جنایات بی‌شرمانه و با درود به زنان مجاهد و انقلابی بار دیگر وظیفه و مسئولیت حقوق دانان آگاه را در دفاع از حقوق انسانی و آزادی‌ها متذکر شده و از کلیهٔ حقوق‌دانان متعهد و مردمی می‌خواهد که با اتخاذ مواضع قاطع در مقابل این اعمال ضد قانونی و جنایت‌بار توطئه‌های ارتجاعی برای تهدید آزادی‌ها را افشا نموده و خواستار مجازات مسببین کشتار خائنانهٔ مردم بی‌دفاع گردید.

انجمن حقوق‌دانان مسلمان

۶۰/ ۲ /۶

مجاهد فوق العاده درگیری قائمشهر ۶ اردیبهشت ۶۰ و مجاهد ۱۱۸



شهادت مجاهد شهید : سمیه نقره خواجا

تاریخ شهادت : ۱ / اردیبهشت / ۱۳۶۰

محل شهادت : قائم شهر

نحوه‌ی شهادت : به ضرب گلوله پاسداران تباهی .

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران در باره تهاجمات وحشیانه چماقداران و حامیان مسلح آنها به قائم شهر و شهادت ۲ میلیشیای قهرمان .

بنام خداو بنام خلق قهرمان ایران

ومانقموا منهم الا ان یومنوا بالله العزیز الحمید

هموطنان عزیز مردم آگاه انقلابی مازندران

هم چنان که مطلعید ، سال گذشته با وعده‌ی « امنیت » آغاز شد اما با تاخت و تاز سراسری چماق‌داران و با افسارگسیخته ترین هرج و مرج قضایی و به سرکوب وشکنجه و کشتارنیروهای انقلابی و سرانجام با عزم استوار خلق برای مقاومت در برابر زور و چماق وانحصارطلبی به پایان رسید . هم چنین در طلیعه‌ی سالی که با ادعای حکومت قانون و رحمت وعطوفت آغار شد ، خون پنج فرزند آگاه و انقلابی خلق ، مجاهدان شهید صنم قریشی ، اصغر قدس ، خیرالله اقبالی نژاد .و تیمورطالشی شریفی به ضرب چماق‌ها وگلوله عمال و ایادی مرتجعین در شهرهای بندرعباس، قزوین، قائم شهر و رامسر به زمین ریخت .

اکنون در آغاز دومین سال رحمت و عطوفت ! و در سالگشت به خون کشیدن دانشگاهها هجوم وحشیانه‌ی چماق داران به اصطلاح حزب الله ! وحامیان مسلح آنان درنهادهای رسمی شهر قهرمان پرور قائم شهررا در آتش وخون فروبرد و ده ها مجروح و مصدوم و چند شهید مظلوم برجای گذاشت و بدین سان برگ سیاه ننکین دیگری بر دفترجنایات ضد خلقی وضداسلامی انحصارطلبان افزوده گشت :

تهاجم وحشیانه ی چماق داران و پاسداران مسلح حامی آنان به سردمداری ، فرماندار جنایتکار قائم شهر ازصبح روز سه شنبه ۶۰،۲،۱ آغاز شد و درغروب همان روز با حمله آنان به مردم دلیروآگاه « مجاور مجله » به اوج خودرسید . آنان دراین محل ، مردم بی پناه و بی سلاح را به رگبار گلوله بستند ودر همان آغاز ۱۰ تن به خاک افتادند . که ازمیان آنان ، خواهران مجاهد فاطمه (رویا) رحمیی و سمیه (پری) نقره خواجا، دوتن از میلیشیای دلیرقائم شهر ،به شهادت رسیدند و خبر می رسد که حال سایر مجروحین نیز وخیم است .

روزچهارشنبه ۶۰،۲،۲ مراسم تشییع جنازه‌ی شهدا فاطمه و سمیه که با شرکت ۱۵ هزارنفر از مردم آگاه و مبارزه قائم شهر جریان داشت ، مورد حمله ی چماقداران و حامیان مسلح آنان قرار گرفت . آنان مشایعین را به رگبار گلوله بستند و به میان آنان نارنجک پرتاب نمودند که در اثراین حملات چند نف ربه شدت مجروح و مصدوم شدند . علاوه براین ، طبق اخبار رسیده یکی از بستگان مجروحین در اثر شدت لطمات روحی سکته کرده و به شهادت رسیده است .

خواهر مجاهد سمیه‌ی نقره خواجا یکی از فرماندهان برجسته‌ی میلیشیای قهرمان قائم شهر بود. در سال۱۳۳۸ دریک خانواده ی شریف و زحمتکش کارگری به دنیا آمد ودر محله‌ی گونی بافی قائم شهردر میان رنج و زحمت بزرگ شد .

سمیه به زودی به صفوف پرشکوه خلق در مبارزات ضد دیکتاتوری پیوست و نقشی فعال درتظاهرات برضد رژیم شاه به عهده گرفت . شخصیت واخلاق انقلابی سمیه وجه دیگری از سیمای رزمنده و حقیقت جوی او بود .

وی ورزشکار بود و علاقه زیادی به کوهنوردی و خواندن سرود داشت و انضباط انقلابی در رفتارش چشمگیر بود . شعائر و عبادات را با نظم و شیفته‌گی و معنویت ویژه‌ای برگزار می‌کرد و به دوستانش همواره، ادای منظم و خالصانه‌ی نماز و شعائر انقلابی اسلام را یاد آوری می‌کرد .

در زندگی روزمره اش پیوسته برای حفظ و ارتقا روحیه‌ی انقلابیش می‌کوشید . غذای خاصی را که پزشک به علت بیماری به او توصیه کرده بود باکراهت و ناراحتی مورد استفاده قرار می‌داد و می خواست که همیشه هم چون زحمتکشان و محرومان زندگی کند .

مقاومت قهرمانانه‌ی او در روزهای حمله‌ی اوباش به ستاد مجاهدین در قائم شهر وحضور فعالش برای دفاع از مردم مجاور محله در قبال تهاجمات چماق داران از نقاط درخشان زندگی کوتاه و پربارش بود. این خواهر دلیر بارها و منجمله در روز شهادتش از سوی چماق داران به ترور تهدید شده بود .

سمیه قهرمان دراثر مبارزات پی گیر و صادقانه اش به زودی در صفوف میلیشیای خلق قرارگرفت و پس از کسب صلاحیت‌های لازم در شمار مسئولین و فرماندهان میلیشیا درآمد .

خواهرمجاهد میلیشیا قهرمان فاطمه رحیمی دومین شهیدی بود که در شامگاه روز سه شنبه ۶۰،۲،۱ به دست مزدوران مسلح و انحصار طلبان به خاک افتاد .

فاطمه در سال ۱۳۴۴ درخانواده ای زحمتکش در قائم شهر متولد شده وهمراه رنج و زحمت رشد کرد و بزرگ شد. او علی رغم سن کمی که داشت در قیام خلق برعلیه رژیم شاه خائن نقش فعالی داشت و با شورو علاقه ی در تظاهرات شرکت می نمود و این درحالی بود که بسیاری از مقامات مرتجع و جنایتکار کنونی قائم شهردرآن زمان علی رغم اصرار انقلابیون جوانی نظیر فاطمه از صحنه ی نبرد می‌گریختند ولی اکنون دستشان را به خون این فرزندان پاک وقهرمان خلق آغشته می کنند .

مجاهدین خلق ایران با ادای احترام عمیق وانقلابی به مراتب عزم وایمان دو فرزند افتخار آفرین خلق و دو میلیشیای قهرمان قائم شهر خواهران مجاهد فاطمه رحیمی وسمیه نقره خواجا شهادت آنان را به عموم هم وطنان عزیز و مردم آگاه و مبارز قائم شهر و خانواده ی شهید پرور آنان تبریک و تسلیت می گویند و بی تردید آنان دراراده های پولادین همزمان مجاهدشان درسراسر کشور حیات وحضوردارند و راه خونبارشان تا حصول جامعه ی بی طبقه ی توحیدی ، پرفروغ و پیروزمند ادامه خواهدیافت .

هم چنین مجاهدین خلق ایران لازم می دانند که به عموم مقامات مسئول کشور هشدار داده و یادآور شوند که اگرچه مردم وهواداران مجاهدین خلق ایران ، تاکنون در برابر تعرضات وحشیانه‌ی چماق داران و حامیان مسلحشان به ویژه در شمال کشور، نهایت خویشن داری و انضباط انقلابی را به مقتضای رعایت مصالح کشورنشان داده اند و حتی ازابرازحداقل واکنش اعتراضی پرهیزوجلوگیری نمودند ، اما گر به این تهاجمات ضد انقلابی‌خاتمه داده نشود واگرقاتلان شناخته شده ی مجاهدان شهید و مأموران و مقامات خائنی هم چون شاه نوش فرماندارجنایتکار قائم شهر، در برابر خلق محاکمه و به مجازات نرسند و اگرخون فرزندان مجاهد خلق با دشنه‌ی چماق داران وگلوله‌ی پاسداران حامی آنان درنهادهای رسمی هم چنان مظلومانه برزمین و ریخته شود و اگرعوام فریبی هاودردروغ پردازی های دستگاه های تبلیغاتی تنها واکنش و رسیدگی انحصارطلبان در قبال تاخت و تازهای وحشیانه ی چماق داران باشد ، آنگاه مجاهدین خلق دیگر قادر به جلوگیری از ابراز واکنش های اعتراضی سراسری نبوده و مسئولیت آن مستقیما به عهده‌ی مقامات و مسئولین مملکتی خواهد بود .

البته تردیدی نیست که درهرحال سردمدان ، آمران ، عاملان وزمینه سازان این جنایات ضد خلقی ، هرگز از چنگال قهرخلق و عذاب خداوند گریزگاهی نخواهند یافت .

و سیعلم الذین ظلموااای منقلب ینقلبون

و بزودی ستمگران درخواهند یافت که به چه فرجام و منزلگاهی روانند .

مجاهدین خلق ایران

۲ / اردیبهشت / ۱۳۶۰

رگبار گلوله های ارتجاع در قائم شهر چندین نفر از خواهران مجاهد را به خاک وخون کشید ، دراثراین حمله ناخوانمردانه ۲ تن شهید وتعدادی مجروخ شدند .

سیرحوادث اخیر قائم شهر :

روز دوشبنه ،۳۱ اردبیهشت در قائم شهر، چند چماق دار به قصد پاره کردن نشریات هوادران مجاهدین درخیابان ساری به سمت خواهران میلیشیا هجوم می‌آورند. اما میلیشیاهای قهرمان آنها راوادار به عقب نشینی می کنند .

دراین موقع نعیمی دادستان ضد انقلابی قائم شهر وارد صحنه شده و نشریات یکی از فروشندگان مجاهد را می رباید اما وقتی با مقاومت روبرو می شود ، کلت خود را بیرون کشیده و به سینه‌ی خواهری نشانه می رود که باعکس العمل شدید او مواجه می شود مردم حاضر درصحنه به کمک میلیشیا می روند که در این موقع نعیمی توسط سپاه از آن محل بیرون برده می شود.

بلافاصله پس از این جریان ، یک ماشین از افراد سپاه در خیابان ساری جهت جلوگیری از فروش نشریه دست به تیراندازی می زنند . هوادارن مجاهدین به سمت تونل راه آهن و مجاورمحله می روند. در این هنگام ، حدود ۳۰- ۴۰ نفراوباش مسلح به اسلحه گرم و سرد (کلت و قمه) سر رسیده و به تیراندازی و ضرب و شتم اهالی می پردازند.

آنها ناجوانمردانه‌سینه‌ی خواهری را با قمه می درند. عصرهمین روزحدود ۵۰ نفرازایادی ارتجاع ، در حالی که مختاراسماعیلی ، فرمانده‌ی عملیاتی کمیته ، مسلسل به دست در کنارآن ها حرکت می کرد به بساط هوادارن مجاهدین در خیابان ساری حمله می کنند و سنگ پرتاب می نمایند.

درگیری به مجاورمحله کشیده شده و درآنجا نیز سپاه وکمیته چترآتش حمایتی خود رابر روی چماق‌داران می‌گشایند . طی این حمله و هجوم تعداد زیادی از اهالی محل مورد ضرب وشتم قرارگرفته و دستگیر می شوند . اوباش در اینجا از تفنگ ساچمه ای نیز استفاده می کردند. که درمیان زخمی ها چند نفراز زانو به پائین بدین وسیله زخمی شده اند . اوباش سپس به ترک محله رفته و سرانجام ساعت ۷ و۴۰ آرامش به محلات باز می گردد . فالانژها درآخرین لحظاتی که محله را ترک می کردند با بلندگو می گویند :

« فردا خدمتتان می رسیم » صبح فردا ، اول اردیبهشت ، ساعت ۵ و۳۰ یک ماشین سپاه ۸ نفر پاسدار به خانه ی یکی از هواران رفته و مقداری کتاب را به همراه خود می برند .

روز سه شنبه مرتجعین به قصدتعطیلی مدارس بیرون می آیند و دبیرستان های سعید محسن ، رازی ، شریف کاملا تعطیل می شود. تعدادی مدارس نیز به حال نیمه تعطیل در می آیند . تعداد۱۵۰ نفر ازآن ها با شعارهای جنگ افروزانه به سمت فرمانداری می‌روند .

عده ای نیز در اتجمن های اصطلاح اسلامی خودجمع شده بالاخره ساعت ۹ درمقابل مرکز تبلیغات اسلامی شهر به هم ملحق می شوند و در مجموع به ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر می‌رسند و نسبت به «عدم امنیت » در شهراعتراض کرده و دست به تحصن می زنند آن‌هادر بین شعارهای خود خواستارآزادی اصغرشیرمحمدی قاتل میلیشیا اصغرفلاحی می شوند وتراکت هائی نیز در این مورد پخش می‌کنند .

آن ها سپس قطعنامه‌ای خوانده‌که درمواردی چون دستگیری ۲۰ تن ازهواران مجاهدین خواسته بود که همراه با اسم ، آدرس دقیق آن ها توسط گوینده اعلام می شود آن ها سپس تهدید می کنند که خودشان اقدام به دستگیری آنان خواهند کرد . درقطعنامه خواستار تصفیه شهربانی از «جنبشی » و مارکسیست ها می شوند (درحوادث چند روز قائمشهر چندپرسنل شهربانی مقابل چماق‌داران‌ایستاده بودند) .

سپس فرماندارجنایتکار (شاه نوش) ظاهرا برای دلداری این نورچشمی های حزب حاکم به میان آن ها می آید.که تا مرفق دستانش به خون شهدای قائم شهر آلوده است برای خنثی کردن خشم مردم و هم چنین زمینه چینی لازم برای کشتار ،عوام فریبانه پیشنهاد می کند تا ساعت ۴ بعداز ظهرگروه ها برای مناظره به فرمانداری بیایند و به آن ها اولتیماتوم می دهد .

درساعت ۴ بعد از ظهر۳۰۰ - ۴۰۰ نفر فالانژ به طور حساب شده درمقابل فرمانداری جمع می شوند فرماندار می گوید تنها نماینده حزب توده آمده است (نماینده حزب توده با خوش رقصی تمام صبح نیز هنگام سخنرانی فرماندار در کنارا وحضور داشته است !) .

فالانژها منتظر آخرین تحریکا ت و اتمام حجت فرماندار نشسته و مرتبا شعار می‌دهند « حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله » شاه نوش فرماندار قائم شهر طی یک سخنرانی به لجن پراکنی پرداخته و هر چه در چنته داشته علیه مجاهدین نثار می کند او آشکارا التیماتورم چند ساعته‌ی خود را برای مناظره مستمسک قرار داده و برای مجاهدین خلق خط و نشان می کشد و ریشه کن کردن آن ها را وعده می دهد.

او هم چنین آن دسته از پرسنل مردمی شهربانی را که در طی این چماق داری ها با آن ها همکاری نکرده اند تهدید به اخراج و سرکوب می نماید و درپایان نیت واقعی خود را آشکارا و در حضور چماق داران اظهار می دارد : باز هم درحضور شما مردم اعلام می کنم که مسئول هر واقعه ی اسف انگیزی و هر حادثه ای گروه هائی خواهند بود که آمادگی استماع حقیقت را ندارند ... فکرمی کنم این حرف مورد تایید شما باشد « و سپس چماق داران با تکبیر حرف‌های او را تایید می کنند .

ساعت ۳۰و۴ بعد از ظهراوباش در یک دسته ی ۱۵۰ نفره دست به یک راه پیمائی کوتاه زده و پس از سخنرانی « شاه نوش » همان تعداد به سمت خیابان ساری و سپس تونل راه آهن رفته و با سنگ به هواداران مجاهدین حمله می کنند.

درگیری سپس به چهار راه برادران کشیده شده وحدود ساعت ۷ عناصرکمیته با یک لندرور و همرا با شلیک تیرهای هوائی و زمینی وارد محله می شوند . درمقابل آن ها میلیشیای قهرمان و اهالی با شعارهای « توپ ، تانک ، مسلسل دیگر اثر ندارد » هم چنان مقاومت می کنند .

دود گاز اشک آور و بوی باروت تمامی فضای محله را پوشانده بود، هوادران به سمت مسجد حنیف رفته و در یک حمله ی مجدد عناصر چماق دار و ژ ـ۳ بدست را تا مسافتی به عقب می رانند .

چند دقیقه بعد از سمت پل هوائی (مدخل ورودی مجاور مجله) یک جیپ شهباز آبی با چراغ روشن و آژیر به همراه یک لندرور با سرعت زیاد وشلیک تیرهای هوائی و زمینی به طرف چهارراه می آیند ، تعدای از هواداران در خانه ها پناه گرفته وعده ای دیگردرخیابان سرود به نام خدا سرمی دهند. بار

دیگرحدودساعت ۸ مزدوان مسلح کمیته به سه ماشین لندرور ، رنجرور قرمزنگ وجیپ شهبازآبی رنگ با آژیر و شلیک گلوله های هوائی و زمینی به سمت هوادران مجاهدین حمله می‌کنند.
عده ای ازخواهران و مادران به سمت مسجد حنیف عقب می نشینند و در همین هنگام بودکه با گلوله های مزدوران چندتن از آن در خون خویش غوطه ور می شوند ، جریان واقعه بدین صورت بود که در حین رفتن مادران وخواهران به سمت مسجدحنیف سه جنایتکار شهر مختار اسماعیلی مسلح به مسلسل و مسلم محسنی مسلح به کلت سیروس ابوئی درسه راه لشکری پشت باجه ی تلفن و مختاراسماعیلی به زمین نشسته و بر روی آن ها آتش می گشایند .
مسلم محسنی نیز در حالی که مسلح به سلاح گرم بود ، مادران و خواهران را هدف قرار داده و به طورمشخص یکی از خواهران را از پای در می‌آورد . در همین ضمن ماشین جیپ کمیته یکی از برادران را دنبال کرده واو را با دیوار پرس می کند ، تعداد خواهران تیرخورده در این محل ۵ نفرگزارش شده که یکی از آنان به نام فاطمه‌ی رحیمی درجا به شهادت می رسد .
اسامی چهارخواهر دیگر عبادت است از :
انسیه قریشی مهری محمدنیا صدیقه محمدی افسانه عظیمی .هم چنین خواهر شهید سمیه (پری) نقره ای خواجا درمحل دیگر به ضرب گلوله‌ی این ناجوانمردان از پای
درآمده و چندتن دیگر نیز مجروح می شوند که ازآن جمله مریم اولادی ، هما کاظم پور و ... هستند . مهاجمین پس ازاین اعمال جنایتاکارانه دور زده و قصد ربودن اجساد دوخواهرشهید را داشتند اما خشم و نفرت مردم محل روبرو شده و موفق نمی شوند ، خواهران میلیشیا جنازه ی خواهر رحیمی را چون پرچم سرخ حسینی بر دوش کشیده و با شعارهای « مسلمان بیاخیز، مجاهدین را کشتند » «مجاهد خلق ما رفت به نزد خدا » و ... به سمت مسجد حنیف حرکت می کنند .
در بین راه مردم از منازل خود بیرون آمده و با شنیدن خبرشهادت فرزند انقلابی خود بر سر و روی می کویند، گریه و شیون سرداده و حزب حاکم و فرماندار را به عنوان عاملین این قتل محکوم می کنند .
از سوی دیگر خواهران میلیشیا با شعارهای « یاحسین یا حسین » و عامل قتل وکشتار. فرماندارجنایتکار، عامل قتل و کشتار. فرماندار چماق دار.! ..... خبرشهادت فرزندان قهرمان شهر را به اهالی محل می رسانند .
زن ها بر سر و روی خود می کوبیدند خواهران مردم را دعوت به مقاومت می کردند . عده ای بی اختیار با لباس پیژامه به صف تظاهرات می پیوستند .

و به این ترتیب پیکر پاک میلیشیای قهرمان رحیمی به مسجد حنیف رسید و تا صبح درآنجا نگاهداری شد . درحالی که خواهران و برادران دیگر در بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم می کردند .

خواهر قهرمان دیگرمیلیشیای شهید سمیه (پری) نقره خواجا به سوی خدا می شتابد درحالی که ذرات مغزش که بر اثرگلوله مرتجعین متلاشی شده بود برسنگفرش خیابان های مجاور محله هنوز باقی است، فرمانده میلیشیای قهرمانی که مادرش ناله کنان می گفت با کارگری بزرگش کردم . اوبه دلیل جسارت و گستاخی ، که ویژه گی هر میلیشیا است چهره ای آشنا هم در نزد همرزمان و هم در نزد عناصر چماق دار بود یک ساعت قبل از شهادتش نیز به وسیله ی سیروس ابوئی تهدید به مرگ می شود، سرانجام با روی باز به آرزوی دیرین خود رسیده و با ریختن خون پاکش مرگ محتوم ارتجاع را نوید می دهد .

اهالی محله ی حنیف که دیگر از دست این نامردمان کارد به استخوانشان رسیده است و هر روز شاهد ضرب وشتم فرزندان قهرمان خود به دست ایادی ارتجاع هستند . طی نامه ای به رئیس جمهور ، شاه نوش فرماندار جنایتکار شهر عناصر و گردانند گان کمیته از جمله مختار اسماعیلی. شیخ موحدی و فخرالدین موحدی رابه عنوان چند تن از مسببین این حملات ضد انقلابی معرفی و خواستار رسیدگی به این جریانات شده درانتها نیز قید نموده اند که درصورت عدم جلوگیری از این حملات مردم خود دست به اقدام خواهند زد

گزارش مراسم تشییع جنازهٔ شهدای مجاهد درقائم شهر

به دنبال اطلاعیه خانواده ی شهدا (رویا رحیمی و سمی ه(پری) نفره خواجا) که غروب روز ۶۰،۲،۱ توسط گلوله کمیته چی‌های مزدور حزب منفورحاکم در قائم شهر شهید شده بودند و نیز اطلاعیه ی مجاهدین خلق ایران ـ مرکزقائم شهر مبنی بر شرکت در تشییع جنازه ،از ساعت ۹ صبح به بعد جمعیت در مسجد حنیف مجاورمحله جمع می شوند و درحدود ساعت ۱۱ ،تشییع جنازه با جمعیتی بیش از۷۰۰ نفراز مسجد آغازمی شود. وقتی جمعیت مجاورمحله راپشت سرگذشته و به پل هوائی می رسند حدود۲۰۰ نفرازچماق داران روی پل هوایی از حرکت جمعیت جلوگیری می کنند .

در اثر بر خورد جمعیت با چماق داران آن ها به عقب رانده می شوند و جمعیت به سمت فلکه میدان اصلی شهرحرکت می کنند . در این هنگام افراد مسلح کمیته با شلیک رگبار گلوله و پرتاب گازاشک آور به صفوف جمعیت تشییع کننده حمله می کنند . که در اثر تیراندازی آن ها چند نفر به شدت مجروح می شوند و از جمله عباس فرمانبردار (هوادارن مجاهدین خلق) ازناحیه ی گردن و شانه زخمی است .

سپس چند سه راهی توسط چماق داران به میان جمعیت پرتاب می شود که در اثر ترکش آن ها عده ای بشدت مجروح و یک نفر به نام فرمان فرمائیان جان خود را از دست می دهد .
جمعیت از فشارگلوله و گاز اشک آور به سمت خیابان ساری حرکت می کند که وقتی به خیابان ساری می رسند تعداد آن ها به حدود ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود. در اینجا دراثر شدت گاز اشک آور و رگبار پاسداران عده ای از جمعیت متفرق شده و جمعی نیز به مقاومت در مقابل هجوم چماق داران می پردازند و جنازه ها با جمعیتی در حدود۲۰۰ نفر به گورستان رسیده و شهدا دفن می شوند .
در طی درگیری هائی که درمسیر تشییع جنازه پیش می آید. مردم به برخی از مراکزی که محل تجمع و بسیج چماق داران و ایادی مسلح ارتجاع حاکم بوده اند هجوم برده که ضمن آن شیشه های این مراکز شکسته می شوند. مراسم تشییح جنازه در ساعت ۲ بعداز ظهربه پایان می رسد .

××××××

اطلاعیه ها ی مجاهدین خلق ایران- شاخه مازاندان
در رابط جنایات وحامیان مسلح آنها اخیرچماقدارن و حامیان آنها در قائشهر
به نام خدا به نام خلق قهرمان ایران
هموطنان آگاه و انقلابی ،مردم قهرمان مازندران اکنون ماههاست که مردم آزاده و زحمتکش مازندان در زیر فشار های وحشیانه و نا مردمی مرتجعین و ایادی چماق دار و
مسلح آنها قرار دارند .
چماقداران و ابسته به حزب انحصارطلب حاکم همچنان افسارگسیخته در کمال بی رحمی و شقاوت جان و مال و ناموس این مردم آزاده را مورد تعدی و تجاوز قرارداده فززندانشان را می کشند و اموالشان را به غارت می برند به طوریکه تنها در طی دو هفته ی گذشته بر اثر این حملات و هجومهای نامردمی حداقل دوتن از خواهران مجاهد فاطمه (رویا) رحیمی و سمیه (پری) نقره خواجا بر اثر رگبار گلوله های آنها در قائم شهربه شهادت رسید ه وصدها تن مجروح و دستگیر شده اند.

این یورشهای وحشیانه در سطح بیشتر شهرها و روستاهای مازندان هنوز هم ادامه دارد به طوریکه حتی به مراسم تشییع جنازه ی این خواهران بخون خفته نیز رحم نکرده و با رگبار گلوله وگاز اشک آوربه مردم بی دفاع حمله کرده و درکمال وقاحت به میان مردم نارنجک پریاب کردند .

براساس اخبار و شواهدی که وجود دارد ، انحصارطلبان و ایادی مسلح چماقدار دیروز عصر به مجاور محمله حمله نموده و با تحریک و فحش و ناسزا به نیروهای انقلابی ، به ویژ مجاهدین ، قصد درگیری داشتند همچنین آنها با بلند گو کسانی را که شب از خانه خارج شوند تهدید به تیراندازی می نمودند . که تا آخرین ساعات روز با شکیبائی و صبرانقلابی مردم قهرمان قائم شهر توطئه ی آنها خنثی شد.

در شهرهای دیگر استان نیز توطئه ها وتحریکاتی اینچنین وجود داشت که با مقاومت انقلابی مردم در قبال آنها نقش برآب شده است .

مرتجعین وایادی خود فروخته‌شان گویا قصد دارند تا در روزهای آینده به آتش افروزیها و جنایات خویش دامنه ی بیشتری داده و مردم شهرها وروستاهای این منطقه را به خاک وخون یکشانند .

مجاهدین خلق ایران شاخه ی مازندان ضمن هشدار به کلیه‌ی دست اندارن بخصوص شاه نوش فرماندار ضدخلقی و عامل این هجوم ها از همه ی مردم قهرمان و آزادۀ ایران و همه ی نیروهای انقلابی وشخصیت های مترقی می خواهند که در مقابل این تجاوز آشکار به حریم مردم زحمتکش و آزاده ی مازندان ساکت ننشسته . و به وظایف انقلابی خویش عمل نمایند .

مجاهدین خلق ایران

شاخه ی مازندران

پنجشنبه ,۳ اردیبهشت ,۶۰



ـ اسم وفامیل؟

من حسین فاضلی با هشت نفر به رهبری ذاکری و احمد رنجبر که با کمیته رابطه دارد برای حمله به مجاهدین به پل هوایی آمدیم .

ـ حمله کنندگان چه کسانی بودند و از کجا آمدند؟

حمله کنندگان از کمیته و تبلیغات و فدائیان اسلام بودند و رهبران حمله مختار اسماعیلی و پنج نفر دیگر از کمیته که لباس ارتشی داشته و پشت حمله کنندگان دستور می دادنه حمله کنندگان تالار پشت و ....(ناخوانا) و همچنین ۸ نفر از گروه پیام خون ، پشت راه آهن به درگیری آمده بودند ! حمله کنندگان مختار و چند کمیته چی دیگر دارای گاز اشک آور و قلاب سنگ بودند .

ـ در درگیری چه کسی از پشت پرده دستور می دهد؟

بعد از سخنرانی خود فرماندار توسط کمیته دستور حمله را داد .

ـ قبلا در چند حمله بودی؟

سه حمله بودم (در حمله ۲۸ شهریور به جنبش معلمین و در حمله چند روز قبل به پل هوایی و این حمله به تشییع جنازه)

ـتیراندازی دیروز را چه کسی نمود و عامل درگیری چه کسی بود ؟

مختار اسماعیلی دیروز در مجاورمحله به مردم تیراندازی نمود که البته دستور حمله بعد از سخنرانی فرماندار و توسط فرماندار داده شد .

دیگر حمله کنندگان ارسلان حبیب نیا از تبلیغات و مسلم شیر و علی حاجی (از انجمن یاسر) بودن .

حسین فاضلی



وصیت نامهٔ فرمانده میلیشیای قهرمان ،
مجاهد شهید سمیه (پری) نقره خواجا

بنام خدا و بنام خلق‌ها و رهبر جان بخیر ما خلق شهید پرور ایران

شهید سمیه (پری) متولد ۱۳۴۸ - نام پدر صدیقی - شماره شناسنامه ۱۵۹ کی از اعضاء و طرفداران

سازمان مجاهدین خلق ایران که با تغییر سازمان گام با ایدئولوژی و رهبر آگاه و با ایمان اسلام

مردمی مرد رهایی خلق . راهی که پیش گرفتم آگاهانه و با اختیار بوده

و خواهد بود چرا که با تمام وجود احساس می کنم این فقط سازمان مجاهدین است

که میتواند با ایدئولوژی ناب توحیدی خود تئوری که متکامل با عینی و

سیر تکامل است نیروهای مردم و توده های تحت استثمار را به سمت

جامعه ای بیدریس ببرد که در آن نیروها و قشرها برای تاریخی مستضعفین به امنیت

بدل شود . و هیچ عامل شکننده ای حاکم نیست . اگرچه ما هنوز صدای

تجاوزکارانه امپریالیسم را بر گرده خلقها میشنویم ولی صدای فاتحانه



نامه شاهدان عینی جنایات اخیر مقامات قائم شهر به رئیس جمهور



منبع : نشریه

مجاهد ۱۱۸

«روز زن» در «سال قانون» مصادف است با رگبار گلوله بر سینهٔ دختران مجاهد به مناسبت شهادت ۲ نفر از خواهران مجاهد به دست ایادی مسلح ارتجاع درقائمشهر، انجمن حقوقدانان مسلمان اعلامیه‌ای منتشر نموده است که قسمت‌هایی از آن را نقل می‌کنیم :

یک ماه از جنایت سراسری عوامل ارتجاع که منجر به شهادت پنج مجاهد شد نمی‌گذرد که بار دیگر عوامل مسلح در مازندران ده‌ها نفر را به خاک و خون کشیدند ابعاد این جنایت جای هرگونه شبهه را در استفاده از نام خالی از محتوای « سال قانون از بین می‌برد . چراکه نام» قانون پوشش کشتار و سبعیت سردمداران ارتجاع است و در حقیقت معنای قانون ازنظر ارتجاع و حزب حاکم را می‌رساند.

اما کشتار اخیر دارای ویژگی به خصوصی بود که طی آن چندین دختر مجاهد به خون کشیده شدند و این در حالی است که دو دختر مجاهد دیگر در لاهیجان و بندرعباس نیز به فاصلهٔ زمانی کوتاهی به شهادت رسیده‌اند و کشتار دختران مجاهد در شرایطی انجام می‌شود که ارتجاع در سالروز تولد فاطمه (ع) ادعای بزرگداشت مقام زن را دارد.

... انجمن حقوق‌دانان مسلمان ضمن محکوم کردن این جنایات بی‌شرمانه و با درود به زنان مجاهد و انقلابی بار دیگر وظیفه و مسئولیت حقوق‌دانان آگاه را در دفاع از حقوق انسانی و آزادی‌ها متذکر شده و از کلیهٔ حقوق‌دانان متعهد و مردمی می‌خواهد که با اتخاذ مواضع قاطع در مقابل این اعمال ضد قانونی و جنایت‌بار توطئه‌های ارتجاعی برای تهدید آزادی‌ها را افشا نموده و خواستار مجازات مسببین کشتار خائنانهٔ مردم بی‌دفاع گردید.

انجمن حقوق‌دانان مسلمان

۶۰/ ۲ / ۶

منبع : نشریه مجاهد به شماره ۱۱۸ و ۱۱۹



(مجاهد شهید شهرام اسماعیلی)

شهادت : مجاهد شهید شهرام اسماعیلی

تاریخ شهادت : ۸ / ۲ / ۱۳۶۰

محل شهادت : آمل

نحوه‌ی شهادت : ترور ناجوانمردانه توسط یک پاسدار .

ترور ناجوانمردانهٔ شهرام اسماعیلی یکی از هواداران مجاهدین در آمل

مجاهد شهید شهرام اسماعیلی پس از این که در اثر رگبار ناجوانمردانهٔ پاسدار به زمین می‌افتد، تازه تعدادی از همدستان چماق‌دار آن پاسدار وحشیانه او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند .

به دنبال موج جدید تهاجمات گستردهٔ چماق‌داران و مزدوران مسلح ارتجاع به هواداران و مردم قهرمان قائم‌شهر که منجر به شهادت دو میلیشیای قهرمان خواهران مجاهد فاطمه رحیمی و سمیه نقره خواجا شد، در تاریخ چهارشنبه دوم اردیبهشت نیز مزدوران مسلح ارتجاع با ترور ناجوانمردانهٔ برادر مجاهد میلیشیای قهرمان شهرام اسماعیلی جنایت دیگری آفریدند .

گزارش مختصر ماجرا ازاین‌قرار است :

در تاریخ چهارشنبه ۶۰/۲/۲ نزدیک ظهر در حوالی کوچه‌ی ژاندارمری یک پاسدار مسلح که تعدادی از فالانژها و چماق‌داران نیز حول و حوش او بودند به برادر شهرام اسماعیلی فرمان ایست می‌دهند . شهرام بلافاصله متوقف می‌شود ولی هنگام توقف متوجه می‌شود که پاسدار مزبور قصد شلیک به او را دارد که در این موقع شهرام می‌گوید شلیک نکن، ولی آن پاسدار صریحاً می‌گوید : می‌زنم !

که در این موقع شهرام سعی می‌کند از تیررس او دور شود که موفق نشده و پاسدار جنایتکار، ناجوانمردانه او را به رگبار مسلسل می‌بندد که درنتیجه برادر مجاهد شهرام اسماعیلی مورد اصابت گلوله واقع‌شده و شدیداً مجروح می‌گردد و به زمین می‌افتد که در این هنگام حدود ۲۰ -۲۵ نفر از چماق دارانی که در محل بودند علی‌رغم خون‌ریزی شدید شهرام با وحشی‌گری تمام و با نقض بدیهی‌ترین اصول انسانی بر سر او ریخته و او را درهمان حال مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند تا بالاخره تعدادی از مردم به کمک چند پاسبان شرافتمند، شهرام را از دست چماق داران نجات داده و به بیمارستان می‌رسانند .

اما مرتجعین در بیمارستان هم شهرام را رها نکرده و برگماردن مأمورین مانع انتقال وی به تهران می‌شوند، سرانجام شهرام به شهادت می‌رسد .

و بدین ترتیب مرتجعین برگ سیاه دیگری بر پروندهٔ جنایات ضد خلقی خود افزودند.

برادر شهرام اسماعیلی از هواداران سازمان و دیپلمه بیکار متولد ۱۳۳۶ بود او در جمع‌آوری کمک‌های مالی و نیز تبلیغ آرمان‌های مجاهدین در همه حال کوشا بود .

او مدتی در مغازه قنادی پدرش درجادهٔ هراز مشغول به کار شد ولی در آنجا نیز از طریق پخش اعلامیه و نشریه به تبلیغ اسلام انقلابی و آرمان‌های توحیدی مجاهدین پرداخت و بدین خاطر مرتجعین چندین شیشه‌های مغازه را شکستند اما او هیچ‌گاه تسلیم مرتجعین نشد .

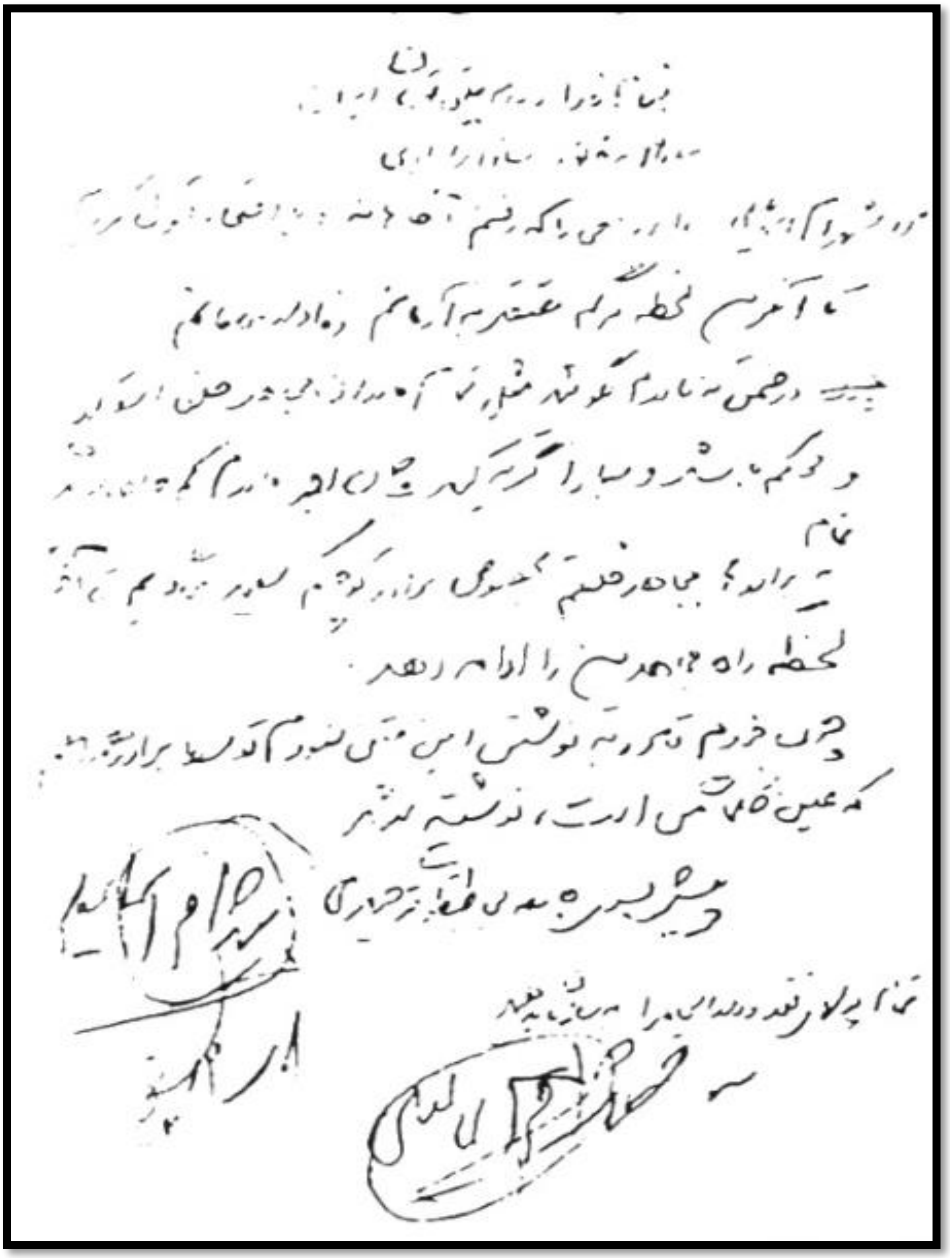
در قسمتی از وصیت‌نامه‌ای که در آخرین لحظات حیاتش در بیمارستان تنظیم کرده، چنین آمده است:

" من شهرام اسماعیلی، این راهی را که رفتم آگاهانه و با افتخار قبول کردم به مادرم بگویید مثل تمام مادران مجاهدی خلق استوار و محکم باشد و مبادا گریه کند . "

و بدین گونه شهرام جانش را در جهت آگاهی و آزادی مردم از چنگال امپریالیست‌ها و مرتجعین جنایتکار نثار کرد .

یادش گرامی و راهش جاودان باد

« وصیت‌نامه مجاهد شهید شهرام اسماعیلی درآستانهٔ شهادت »



اطلاعیه سازمان مجاهدین درنشریه مجاهد ۱۱۹

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران در باره شهادت ۵ ملیلیشیای مجاهد

دیگر در نقاط مختلف کشور بدست چماقداران و ایادی مسلح مرتجعین انحصارطلب

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز

مردم آگاه و شهیدپرور مازندران ، کرج، بندرعباس، و شهرکرد

اخبار رسیده از نقاط مختلف کشور حاکیست که هر روز بر تعداد شهدای مجاهد خلق که در اثر موج اخیر کشتار مجاهدین توسط چماقداران حزب حاکم و حامیان مسلح آنان در نهادهای رسمی به خون پاکشان غلطیده اند افزوده می‌گردد .

شهدای والامقامی که هریک از پاک‌ترین و رشیدترین فرزندان آگاه و انقلابی خلق ستمدیده‌ی ایران بوده و جز وفاداری به اسلام راستین و انقلابی و مخالفت با عملکرد های ارتجاعی که بیشترین ضربه ها را بر پیکر انقلاب و حیثیت اسلام وارد کرده است گناهی نداشته‌اند .

همچنین قابل تأکید است که علیرغم دروغ پردازیهای شرم آور انحصارطلبان تمامی این شهدا با دست های خالی و در حال ابراز مخالفت کاملا مسالمت آمیز و یا در حین توزیع نشریه مجاهد هدف گلوله و چماق ایادی حزب حاکم قرار گرفته اند .

بنابرآخرین گزارشات واصله علاوه بر خواهران شهید سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی در قائمشهر و برادران شهید ودود پیراهنی و خلیل اجاقی در تهران که جریان شهادت آنان طی اطلاعیه های قبلی به اطلاع هموطنان رسیده است تا این لحظه یک خواهر و چهار برادر مجاهد در شهرهای کرج ، آمل ، قائمشهر، شهرکرد و بندرعباس به شرح ذیل به کاروان پرافتخار شهدای مجاهد خلق پیوسته اند .

۱ ـ میلیشیای قهرمان برادر مجاهد شهرام اسماعیلی دیپلمه در شهر قائم شهر وی در جریان حمله ی چماقداران و حامیان مسلح شان در تاریخ ۲ فروردین ۶۰ به محله‌ی آسیه کلا به ضرب گلوله ی یک پاسدار به خاک می افتد .

چماقداران پیکر مجروح اورا نیز با چماق هایی که بر سر آن میخ کوبیده بودند مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند و سپس از برابر چشم مردم می‌گریزند .

پیکر مجروح و مصدوم برادر مجاهد شهرام اسماعیلی توسط مردم به بیمارستان انتقال می یابد ولی معالجات بعمل آمده موثر واقع نشده و وی در تاریخ ۸ اردیبهشت ۶۰ به شهادت می رسد لازم به یادآوری است که مرتجعین مانع انتقال او به بیمارستانهای تهران شده بودند .

۲ ـ میلیشیای قهرمان خواهر مجاهد فاطمه کریمی دانش آموز دبیرستان در شهر کرج او در جریان حمله ی چماقداران به تظاهرات آرام مردم کرج در تاریخ ۸ اردیبهشت ۶۰ به منظور اعتراض به کشتار مجاهدین در قائمشهر ، در اثر اصابت سنگهای پرتاب شده از سوی چماقداران به سرش به جمع شهدای مجاهد خلق می پیوندد .

۳ ـ مجاهد شهید علی فتح کریمی (سرباز انقلابی نیروی هوایی) هوادار مجاهدین خلق ایران در شهرکرد. او در جریان حمله‌ی چماقداران و حامیان مسلح آنان به تظاهرات آرام مردم شهرکرد در تاریخ ۵ اردیبهشت ۶۰ به ضرب گلوله به خاک می افتد پیکر مجروح او جهت معالجه به اصفهان انتقال می یابد اما معالجات موثر واقع نشده و او در روز ۱۰ اردیبهشت ۶۰ در راه آرمانهای انقلابی و توحیدیش به شهادت می رسد .

۴ ـ میلیشیای قهرمان مجاهد شهید منصور سایانی دانش‌آموز سال سوم رشته‌ی ریاضی و فیزیک دبیرستان ابن سینا در بندرعباس که از جوانان فعال و مبارز این شهر در مبارزات انقلابی خلق علیه رژیم دیکتاتوری شاه خائن بود .

او و گروهی از همرزمانش در حالی که در چهلمین روز شهادت میلیشیای شهید صنم قریشی بر مزار او حضور یافته بودند مورد حمله ی چماقداران و پاسداران مسلح حامی آنان قرار می گیرند در جریان این حمله و بر اثر شلیک ناجوانمردانه پاسداری به نام کامران آقاحسینی نائینی از فاصله ی نزدیک ، برادر مجاهد منصور سایانی به خون پاکش در غلتیده و به شهادت می رسد .

۵ ـ مجاهد شهید عباس فرمانبردار از هواداران مجاهدین خلق در قائمشهر . او در جریان مراسم تشییع جنازه خواهران مجاهد سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی که در تاریخ ۲ / ۳ / ۶۰ باشرکت بیش از ده هزار نفر از مردم قائم شهر برگزار شد در اثر ترکش نارنجک پرتاب شده از سوی چماقداران وابسته به کمیته قائم شهر به شدت مجروح گردید . پیکر مجروح او جهت معالجه به تهران انتقال یافت اما معالجات بعمل آمده موثر واقع نگردید و برادر مجاهد عباس فرمانبردار در روز ۱۱ / ۶ / ۶۰ جمع شهدای مجاهد خلق پیوست .

بدین ترتیب با احتساب ۵ شهید مجاهد خلق که در دو هفته ی نخست سال جدید و به ضرب گلوله و یا دشنه ی چماقداران وحامیان مسلح آنان به شهادت رسیده اند ، شمار قربانیان موج کشتار مجاهدین در چهل روزه ی اخیر به چهارده تن بالغ می گردد. البته خبرهایی از شهادت برخی مجروحین نیز رسیده است که در صورت اثبات و تایید متعاقبا به اطلاع مردم آگاه و انقلابی ایران خواهد رسید .

مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن این جنایات وحشیانه و ضدمردمی شهادت این فرزندان آگاه و انقلابی خلق را به عموم هموطنان عزیز به ویژه خانواده های داغدار شهدا تبریک و تسلیت می گویند و اطمینان می دهند که راه پرافتخار و مقدس آنان را که همانا راه اسلام راستین و انقلابی است تاپیروزی نهایی انقلاب و رهایی کامل خلق و تحقق جامعه ی بی طبقه ی توحیدی ادامه خواهد یافت .

هم چنین مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن تبلیغات شرم آور انحصارطلبان مبنی بر متهم نمودن مجاهدین وهواداران آنان به درگیری وایجاد تشنج ، یادآور
می شوند که اگر تبلیغات جنایتکاران ساواک در رابطه با اعتراضات حق طلبانه ی خلق توانست مردم را بفریبد آنان نیز در این نیرنگ های عوامفریبانه توفیق خواهند یافت به راستی چگونه است که مرتجعین و ایادی مسلح آنان پیوسته با انواع سلاح های سرد و گرم بر مجاهدین و مردم حمله ور می شوند ، اما در عین حال کسانی را که در تظاهرات آرام یا درحین توزیع نشریه به خاک و خون می غلطند به ترک مبازه ی مسلحانه دعوت می کنند !!
مگر نه اینست که تمامی این شهدا در حال توزیع نشریه یا در حال راه پیمایی و اعتراض کاملا آرام و مسالمت آمیز به ضرب گلوله‌ی عمال مسلح انحصارطلبان به خاک و خون غلطیده اند؟
پس در واقع این حزب حاکم و ایادی چماق دار آن هستند که باید چماق و اسلحه را در برابر خلق بر زمین گذارند و این همه خون جوانان بی گناه و انقلابی این مرزو بوم را بر خاک نریزند و گرنه بدیهی است که سرانجام از این خونهای پاک سیلاب‌ها برخواهد خاست و آتش خشم مردم بر علیه جنایتکاران و ستمگران برافروخته تر خواهد گردید چرا که مردم مبارز و انقلابی این میهن در جریان سالهای طولانی مبارزه بر علیه یکی از غدارترین و سفاک ترین رژیم های تاریخ آبدیده شده و آگاهی ها و تجارب فراوان اندوخته اند و چنین مردمی را به تهدید و ارعاب به دروغ و دغل و تبلیغات شاهانه از پای ننشانده و قادر به فریب آنان نیز نخواهد بود و بنا به سنن خدشه ناپذیر تاریخ و مشیت محتوم الهی سرانجام تمامی دغلبازان و جنایتکاران جز خسران و تباهی نیست
و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون
مجاهدین خلق ایران
۱۲ اردیبهشت ۶۰

××××××

منبع : نشریه مجاهد به شماره ۱۱۹

در شماره‌ی پیشین (۱۱۸) شمه‌ای از مبارزات و نحوه‌ی شهادت میلیشیای قهرمان شهرام اسماعیلی را همراه با وصیت نامه او که در آخرین لحظات و در آستانه ی شهادت تنظیم کرده بود نقل کردیم . اکنون اطلاعات تکمیلی را به نقل از اطلاعیه ی شاخه‌ی مازندران می‌آوریم ضمنا متذکر می شویم که در شماره ی ۱۱۸ در تیتر گزارش محل شهادت این برادر اشتباها بجای آمل ، قائمشهر ذکر گردیده بود که بدین وسیله ضمن پوزش تصحیح می‌گردد :

در اوایل اردیبهشت بار دیگر شهر آمل مورد هجوم و تاخت و تاز چماقداران و ایادی مسلح ارتجاع حاکم قرار گرفت طی این حمله دهها تن مضروب و مجروح و دستگیر شدند .

در جریان این یورش ضدانقلابی چماقداران و پاسداران مسلح حامی آنان به هارون محله ، اهالی محل دلیرانه به مقاومت پرداخته و در نتیجه پاسداران با شقاوت تمام مردم را به گلوله می‌بندند .

در این تهاجم برادر مجاهد شهرام اسماعیلی که از چهره‌های شناخته شده بود در محاصره‌ی عده‌ای چماقدار و پاسدار مسلح قرار می گیرد . پاسدار مسلح به شهرام فرمان ایست داده و شهرام بلافاصله می ایستد اما متوجه می شود که پاسدار مزبور قصد ترور وی را داشته و به همین دلیل سعی میکند که خود را از تیررس او نجات دهد که موفق نمی شود و بدین ترتیب شهرام از فاصله‌ی چند متری و از ناحیه‌ی پشت مورد اصابت گلوله‌ی کلت پاسدار مزدور قرار می گیرد . گلوله از کمر وی وارد و سه مهره‌ی پشت را از بین برده و در روده ها گیر می کند . شهرام به زمین افتاده و از درد به خود می پیچد . اما در همین حال جنایتکاران چماق دار که منجمله حسین طاهری معروف به حسین آهو و فردی بنام مازیار در میان آنان دیده شده اند وحشیانه بر سر شهرام آمده و با چوب و چماق میخ دار به سر و رویش می کوبند .

این صحنه ی فجیع و ضد خلقی مردم ناظر را به خشم آورده به طوری که چماق داران همراه پاسدار مسلح فرار می کنند ، پیکر غرقه به خون شهرام به کمک یکی از پاسبانان شرافتمند و تعدادی از مردم به بیمارستان رسانده می شود و بعدا هم به تهران منتقل می شود .

علیرغم تلاش شبانه روزی پزشکان شریف چه در آمل و چه در تهران معالجات موثر واقع نشده و در شامگاه سه شنبه ۸ اردیبهشت ۶۰ برادر مجاهد شهرام اسماعیلی به ملکوت اعلی پیوست ، در حالیکه بیش از ۲۲ سال از عمر کوتاه ولی پربارش نگذشته بود.

با شهادت شهرام برگ سیاه دیگری بر پرونده ی جنایات ضدخلقی حزب ارتجاعی حاکم افزوده گشت .

باشد تا روزی که پرونده ها گشوده شود ــ و اذالصحف نشرت .

اعتراضات بین المللی به شهادت ۵ مجاهد خلق در مجاهد ۱۱۹

اعتراض سازمانها و شخصیتهای بین المللی نسبت به شهادت ۵ مجاهد خلق بدست ایادی مسلح حزب جمهوری

در ادامه‌ی اعتراضات گسترده‌ی بین‌المللی بر علیه جنایتکاران حزب جمهوری سازمانها و شخصیتهای دیگری طی تلگرافهائی خطاب به رئیس‌جمهور شهادت ۵ مسلمان قهرمان اعتراض کرده‌اند. در زیر خلاصه‌ای از متن برخی از این اعتراضات را می‌خوانید:

تلگرام چند بین‌گروه مترقی وضدامپریالیست در فرانسه به رئیس‌جمهور

... آقای رئیس جمهوری! ۲۰ سال است که از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی خلق قهرمان ایران بر نظمه ریم دیکتاتور و جنایتکار شاه می‌گذرد و ما میل داشتیم به مناسبت سالگرد فرارسیدن پیروزی انقلاب ایران را به شما تبریک بگوئیم... سرودهای انقلابی و به طور مسلم مجاهدین خلق ایران فریاد می‌زنند وحشیانه و سیستماتیک هستند که این حکومت به وسیله‌ی جنایتکاران فرومایه‌ای که در خدمت حزب جمهوری هستند که قدرت را به طور غیر مشروع به انحصار خود در آورده‌اند انجام می‌گیرد... شما در پی وقایع ۳۰ خرداد گذشته به خوبی مسئولیتی واقعی را می‌شناسید اما سکوت شما با وجود ده‌ها قربانی و هزاران زخمی و زندانی (که این بار فقط در سطح هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باشد) صبح گونه اقدامی تاکنون صورت نگرفته.

... از شما می‌خواهیم به سطور نوشته شده و مکالمه مسئولین این حکومت که در صدر حزب حاکم قرار دارند دخالت کنید. در عصر این صورت می‌توان این سال را سال برقراری قانون نام‌گذاری کرد.

... اتحاد ملی جوانان الجزایر ـ بخش برده، فدراسیون دانشجوئی اضطراری در فرانسه برده، اتحاد ملی دانشجویان مراکشی ـ برده، اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی ـ برده

۲۹ آوریل ۱۹۸۱

* * *

وعده داده شده بود که امسال سال "تطوف"، "مهربانی"، "محبت" و "عدالت" باشد. در حالی که ضرب عضدی ارتجاع جدیدی نگذشته بود و مسلما از طرفداران سازمان مجاهدین خلق ایران شهید شدند. بخصوص‌که این اعلامیون جوان دنیا انتظار دیدن آن‌ها را از طرف رژیم خونآشام السالوادور دارند. ما از نزدیک وجود چنین اعمالی در ایران انقلابی به‌خصوص شوکه شدیم...

کمیته همبستگی با خلق السالوادور | آبوا سیبی |

* * *

مسلما مسائلی مانند سیراندازی به صدر یک دختر میلیشیا به جرم فروختن نشریه مجاهد در خیابان می‌تواند توجیهی به وسیله‌ی حزب جمهوری اسلامی که حمایت کننده وشکل دهنده‌ی سپاهیان نرورپست می‌باشد داشته باشد سیاست‌های انحصارطلبانه‌ی حزب جمهوری اسلامی باعث انزوای ایران در سطح جهانی و بحران‌های وخیم اقتصادی در درون جامعه گردیده است و همین طور باعث تحریک رژیم بحاورگر برای گردید...

ـ پاریان دانشجویان عرب در پاریس

ـ پاریس درخواست حق اقامت ـ کالیفرنیا

* * *

به عنوان مسلمانان صرفی ما از گزارشات اخیر مبنی بر بروز حدود ۵ نفر از مجاهدین ساترسم، ما دولت شما را در عمل به هر گونه اقدام ضروری برای مبارزه از تکرار و گسترش چنین عملکردی های اشکار و مشدد برورسی که به نظر می‌رسد به خصوص علیه مجاهدین برسیت یافته است برعهده می‌گیریم...

سلیب ـ ا ـ وی‌سی

برسیت برنامه‌ی گسترده برای عمل و ارتباط در آمریکا ـ واشنگن

* * *

به عنوان حمایت کنندگان ایران ما نمیخا نگران حوادث اخیر ایران می‌باشیم. بسیدن خبرهائی در رابطه با رجد برورسم باعث برسیابی و نگرانی ما گردیده است. به عنوان نمونه در چند روز گذشته تعدادی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران به طرز وحشیانه به قتل رسیده‌اند...

وکیل حقوقی صرفی در امریکا ـ رشرفورد ـ ماسوری

* * *

... اعمال‌کنان کنده‌ای که حاکی از آنست که به دنبال حملات جنایتکارانه‌ی حزب حاکم ۵ تن از هواداران مجاهدین خلق ایران به شهادت رسیده‌اند... ما برای آینده‌ی انقلاب ضد امپریالیستی خلق ایران نگران بوده و معتقدیم که ادامه‌ی چنین اعمالی بدون این که عاملین آن دستگیر شوند، باعث انفجار و ناخودی حامعه خواهد شد.

ا ـ مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی (سی د ئیم) ـ استراسبورگ ۲ ـ حزب سوسیالیست فرانسه ـ استراسبورگ ۳ ـ فدراسیون وکلای استراسبورگ ۴ ـ وکیل ژان ـ ژاک زیول ۵ ـ جنبش ضد نژادپرستی و دوستی خلق‌ها

بقیه در صفحه‌ی ۲۰

اعتراضات گسترده شخصیتها وگروههای مختلف کشور

ده دنبال حملات وحشیانه‌ی ایادی جنایتکار و مسلح حزب جمهوری در شهرهای مختلف کشور و کشتار بیرحمانه‌ی هواداران مجاهدین خلق ایران، موج گسترده‌ی اعتراض سراسر میهنمان را در بر گرفته است. بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌ها، ضمن محکوم نمودن اقدامات ضدانسانی این عناصر ناخواسته‌ی حاکم، خواستار جلوگیری از ادامه‌ی این جنایات گردیدند. در زیر به قسمت‌هائی از برخی از این اطلاعیه‌ها اشاره می‌نمائیم.

نظر آیت‌الله عالمی

بسمه‌تعالی

درچند روز اخیر شاهد برگزاری مراسمی از سوی بعضی گروههای سیاسی غیر مذهبی با اعضاء رسمی وزارت‌کشور بوده‌ایم که در حین مسالمه‌ای اشکال عاصی دیده می‌شود اما این سوال مطرح است و جای بسی تعجب! که چگونه است که حزبی هم‌چون حزب توده با آن سوابق جنایت‌بار که بر هیچ کس پوشیده نیست بتها به دلیل خاطوشی در برابر جریان انحصارطلب اجازه‌ی رسمی عراسم می‌یابد؟ اما جوانان مسلمان انقلابی که بارها شهادتین خود را سر بر زبان رانده‌اند به جرم ایستادگی در برابر انحرافات، کج روی‌ها و سرکوب آزادی‌ها هرگز علی‌رغم فضاهای مکرر خبس اجازه‌ای نمی‌یابند. این امر به روشنی بیان می‌دهد که دعوای دست اندرکاران نه دعوای مکتب است بلکه دعوای قدرت طلبی است...

قندان محمدتقی عالمی

۶۰/۲/۱۲

اعتراض شدید استادان متعهد دانشگاه‌ها و مدارس عالی

در سالگرد شهادت ارتجاع به سنگر آزادی و در پی تلاش مذبوحانه‌ی مرتجعین حاکم در به تعطیل کشاندن مدارس و گسترش "انقلاب فرهنگی" ۱۴ بهمن‌سال بحرانی فرمانداران عاشقسپر و محرک جنایتکاران و عناصر مسلح وابسته به حزب معلوم‌الحال حاکم، در حمله‌ی جنایتکاران به یکی از مجلسهای سپهر پاسداران و ایادی مسلح ضد مردمی، ده تن از مسلمانان قهرمان، خواهران مجاهد: رویا رحیمی و سرا [illegible] بفرجام‌خواهان را به شهادت رسانده و تعدادی‌دیگر از خواهران را به شدت مجروح ساختند. این خواهران هنگامی که به کمک دیگر خواهران و مادران از خانه و مجلس خونین در تعلیل محبوب عناصر مسلح و جنایتکار دفاع می‌کردند، مورد اصابت رگبار گلوله‌های درماندگی گشته‌ی عاشقسپر واقع شدند و بدین ترتیب، جنایت دیگری بر کارنامه‌ی ننگین انحصارطلبان حاکم اضافه شد.

۱۳۶۰/۲/۷

تلگراف جمعیت اقامه به رئیس‌جمهور

جناب آقای رئیس جمهور

اخباری که از شهرهای شمال کشور می‌رسد حکایت از درگیری و تسلیح شدید در آن حطه از میهنمان دارد. این درگیری‌ها در آمل و قائم‌شهر وسعت بیشتری داشته و به خصوص در قائم‌شهر منجر به کشته و مجروح شدن چندین نفر شده است.

۱۳۶۰/۲/۳

بقیه در صفحه‌ی ۳۰

اعتراض سازمانها و شخصیتهای بین المللی
نسبت به شهادت ۵ مجاهد خلق
بدست ایادی مسلح حزب جمهوری

ف. قدرانیون برنست علی ـ فرانسه:

۲۲ آوریل ۸۱

* * *

... مسئولین دستگاهها برای بسیج افکار عمومی دست به دامن افراد مرموزه و ماجراجوی مسلح شده‌اند. واقعیات که اتفاقاً و خوشبختانه یکی از بی‌گیرترین سازمان‌ها در مبارزه علیه استبداد و سلط طاغوتی، یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران متحمل هدف این خطات می‌باشد. در نقشه‌های گذشته مرکوب وحشیانه‌تر شده و کورکورانه دست به کشتار و ضرب و خرج زده‌اند. این نوع اعمال آینه‌ی خلق ایران و همچنین امیدهای آزادی‌بخش خلق‌های سمومدیده‌ی جهان را به خطر می‌اندازد.

مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی بی‌دنبو پاریس

۲۲ آوریل ۱۹۸۱

* * *

... بالاترکش انتقال خشونت‌بار و کشار مردم که توسط ماشه‌های مسلح شده نظامی چماق‌داران صورت می‌گیرد، ضرورتگران کشنده می‌شود در فضی رابطه جوانب امور قائم‌شهر که منجر به مرگ جمعی زن می‌گیاه گردید، باسف عمیق ما را برانگیخت مسئولین واقعی این کشار یعنی دارید جامعه‌ی ایران را به انفجار بکشانند... فاجعه‌ی این خشونت‌ها کم‌ترین بهانه‌ای برای خدمت اساسی بخلق نام و خدمت زن به خصوص، قائل نیستند....

دفتر دفاع از حقوق بشر فرانسه سازمان مستقل سندیکا فرانسه ۲۲ آوریل ۸۱

* * *

بالغ‌بر نیمی از کشار ۵ تن از هواداران مجاهدین خلق ایران از خطه دختر نادیده مانده "صدای مطلع ستم" و این در حالیست که کمتر از ۲ هفته از کشار آیت‌الله خمینی می‌گذرد. در این که سال جدید سال "رحمت و مغفرت" خواهد بود، یا سال "رحمت و مغفرت!" صورت می‌گیرد... انجمن دانشجویان مسلمان آلمان غربی

* * *

در پیام علنی نامه‌ای ستم که خطوط اساسی مرحله جدید جمهوری اسلامی با مرکوب آزادیخواهی مردمی استبداد مذهبی را در ایران حلل داده‌اند... این بار براساس این حمایت فاشیستی از عناصر مسلمان هوادار حزب جمهوری اسلامی، مرکوب وحشیانه‌ای علیه مجاهدین خلق ایران سازمان داده شده است. در ضربات حزب جمهوری اسلامی که به سیما، بی‌سابقه اقتصادی و اجتماعی موجود را وخیم‌تر کرده، بلکه جامعه را به طرف یک‌هیجان داخلی و کشار خلق ایران سوق می‌دهد، پایان داده شود.

گلودیوده، وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه ـ میشل بوزیلار وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه

۲۵ آوریل ۱۹۸۱

* * *

شهادت دو خواهر مسلمان قهرمان مجاهدین خلق و زخمی شدن چندین نفر توسط مزدوران فاشیست ارتجاع وابسته بدحزب جمهوری سران می‌دهد که مرتجعین حاکم برای کوبیدن خود را در جهت جنگ افروزی و به خاطر به خاک و خون کشیدن تمام کشور به خصوص صفحات شمالی مگار گردانده‌اند....

انجمن دانشجویان مسلمان دانشا انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه

* * *

بر طبق اخبار واصله ... عده اقل دو نفر دیگر از خواهران مسلمان هوادار مجاهدین خلق به دست مرتجعین چماق بدست و پاسداران به شهادت رسیدند.

تلگراف دسته‌ی روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه دکتر بنی صدر در مورد شهادت اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران.

جناب آقای ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری اسلامی ایران تهران ـ ایران

حزب سوسیالیست که سومین از مبارزی خلق ایران علیه دیکتاتوری شاه تحت کرده‌است، نگرانی بی‌حدی را در مورد مرکوب شدیدی که علیه مجاهدین به خصوص در سال کنون و تهدیدی در مظاهرات روز در روز ۲۴ آوریل اعمال گردید، ابراز می‌دارد. از شما می‌خواهیم جهت جلوگیری ماهیت مسئولین این بحارات اقدام فرمائید. خواهشمندیم اعتراضات بسیار ما را بپذیرید.

روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه

۲۸ آوریل ۱۹۸۱

بهادر مظلومانه‌ی این مردان خلق همراه با تندیدا مسئولیت و مصدوم باقی مانده به خودی خود سد رسوائی مرتجعین حاکم بسیاری است که در به اصطلاح "سال رحمت و مغفرت!" صورت می‌گیرد... انجمن دانشجویان مسلمان آلمان غربی

* * *

در پیام علنی نامه‌ای ستم که خطوط اساسی مرحله جدید جمهوری اسلامی با مرکوب آزادیخواهی مردمی استبداد مذهبی را در ایران حلل داده‌اند... این بار براساس این حمایت فاشیستی از عناصر مسلمان هوادار حزب جمهوری اسلامی، مرکوب وحشیانه‌ای علیه مجاهدین خلق ایران سازمان داده شده است. در ضربات حزب جمهوری اسلامی که به سیما، بی‌سابقه اقتصادی و اجتماعی موجود را وخیم‌تر کرده، بلکه جامعه را به طرف یک‌هیجان داخلی و کشار خلق ایران سوق می‌دهد، پایان داده شود.

گلودیوده، وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه ـ میشل بوزیلار وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه

۲۵ آوریل ۱۹۸۱

* * *

شهادت دو خواهر مسلمان قهرمان مجاهدین خلق و زخمی شدن چندین نفر توسط مزدوران فاشیست ارتجاع وابسته بدحزب جمهوری سران می‌دهد که مرتجعین حاکم برای کوبیدن خود را در جهت جنگ افروزی و به خاطر به خاک و خون کشیدن تمام کشور به خصوص صفحات شمالی مگار گردانده‌اند....

انجمن دانشجویان مسلمان دانشا انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه

* * *

بر طبق اخبار واصله ... عده اقل دو نفر دیگر از خواهران مسلمان هوادار مجاهدین خلق به دست مرتجعین چماق بدست و پاسداران به شهادت رسیدند.

ورشکستگی تاریخی فرقه خرده‌بورژوائی از اسلام (۵)

بقیه از صفحه‌ی ۱۹

بررسی یک دیدگاه (۱)
پیرامون جدا کردن فلسفه توحیدی از عنصر عینی جامعه‌شناسانه آن

و ناهنجار از مبارزات مسلحانه و بحران‌سازی که از نوع "تادی" و "بیت" و "عینی بر انگیزه‌ای" "مقصد خواسته" بودند (زیرا معنای "جنگ حق و باطل" نه معنا می‌یابد).

می‌بینیم که از دیدگاه نویسنده مبارزه‌ای "مقدس" و "ارزشمند" است که "ضد امپریالیسم" است و مبارزه‌ای "الله وار" و "ایستادگی بامگذاری" "نبرد حق و باطل" محسوب می‌گردد. که ارتجاعها و مظاهرات طبقاتی فاطمی مسیری گرفته باشد و اصولاً کاری به کار شعارات و استبدار و بهره‌کشی نداشته باشد! که گوئی مظاهری چون "حق و باطل"، "کفر و ایمان" و اصلا مفهوم طبقات استعمارگر حاکم نمی‌بینند! و پیچیدگی‌های آنها به تکلی فاقد اساس عینی بوده و به اصطلاح به گاو و گوسفند نزدیکتر است تا بررسی‌های علمی!

ما در آینده در باره‌ی ماهیت طبقاتی "دوآلیسم" موجود در بطنی نظرات نویسنده، که عین یک دیدگاه بسیره طلبانه‌ی خرده‌بورژوائی نسبت به جامعه و انسان بوده و از برقراری پیوند واقع‌گرایانه با سان ضرورتهای مادی و معنوی در زندگی اجتماعی و فردی انسان عاجز می‌ماند، به طور جداگانه بحث خواهیم کرد. در اینجا فقط روی این سئوال تاکید می‌کنیم که آیا به راستی از این نقطه نظرها می‌توان کتب؟

اینجاست که می‌توان به عمق مفهوم این پیام نهضت سنابادگار "محمد حسنی‌راد" پی برد که در آخرین روزهای حیات خود ضمن دفاع از آرمانهای انقلابی توحیدی مجاهدین در بیداد گاهیای نظامی شاه، متعهد به جوهر و روح عدالتخواهی این تئولوژی توجیه اداره بود، و عدالتی اسلام را از مبارزی طبقاتی در عکس خیانت به اسلام دانست.

اما این که نویسنده در ابتدای اظهارات خود بحث و سیر تاریخ را هنگ طبقاتی و پیروزی استثمار نوشتگان دانسته و

تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان اروپا و آمریکا در اعتراض به کشتار مجاهدین خلق

خلاصه‌ای از قطعنامه‌های راهپیمائی

بدنبال افزایش موج تهاجمات و کشتار سراسری اعضاء و هواداران مجاهدین خلق از ابتدای سال جاری یعنی سالی که توسط سردمداران حاکم "سال قانون"!! نامیده شده است. و بدنبال حملات جنایتکارانه و خائنانه سلط آنها که در فاصله‌ی یک ماه اخیر بالغ بر ۱۴ شهید از مجاهدین برجای گذارده‌است و بخصوص بعد از حملات جنایتکارانه حاکم به مردم آزاده‌ی قائم‌شهر که منجر به شهادت دو جوانشان فهرمان فاطمی رحیمی و حمید مقدم‌جو گردید موج اعتراضات عمومی سراسر ایران را فرا گرفت. تظاهرات با شکوه تهران که به ابتکار "جمعیت دانشجویان مسلمان" در تاریخ دوشنبه ۷/اردیبهشت/ ۶۰ بدون اعلام رسمی برگزار شد نقطه‌ی اوج این اعتراضات عمومی بود.

در حمایت از این راهپیمائی در تاریخ چهارشنبه ۹/اردیبهشت/ سراسر تا ۲۹ آوریل از طرف انجمن‌های دانشجویان مسلمان در اروپا و آمریکا به طور همزمان تظاهرات وسیعی در شهرهای واشنگتن (شرق آمریکا)، لس‌آنجلس (غرب آمریکا)، س. فرانسیسکو و برلن غربی (در آلمان غربی)، لندن، پاریس و استکهلم (سوئد) برگزار شد.

این تظاهرات به دعوت و با شرکت هواداران مجاهدین خلق و به همراهی سایر دانشجویان مبارز عموماً از مرکز شهرها آغاز شده و با یک راهپیمائی در مقابل نمایندگی‌های ایران در شهرهای مربوط ادامه یافت.

در طول راهپیمائی دانشجویان با حمل پلاکاردها و دادن شعار، خواسته‌های عادلانه‌ی خود را نسبی بر اعتراض به کشتار مجاهدین توسط عوامل مسلح ارتجاع در سراسر ایران و به ویژه در نواحی شمالی کشور و نیز پخش بیانیه‌ی از راهپیمائی شکوهمند "جمعیت مادران مسلمان" در روز دوشنبه در تهران به گوش جهانیان رسانده و اعمال فاشیستی حزب‌الرتجاعی حاکم را محکوم نمودند. این تظاهرات با قرائت قطعنامه در مقابل نمایندگی‌های ایران و تسلیم قطعنامه‌ها به نمایندگان دولت ایران در کشورهای فوق الذکر پایان یافت.

در قطعنامه‌ها با اشاره به اوضاع جاری کشور و بخصوص وقایع اخیر، ضمن تائید مفاد قطعنامه راهپیمائی جمعیت مادران مسلمان در تهران، به عنوان تنها راه نجات خواهان خلع ید از حزب فاشیستی ـ ارتجاعی حاکم شده‌اند. حاکمیتی که همچون احمایوس منفور با به‌انحصارکشیدن تمامی ارکان جامعه و همچنین جنایات و کشتارهای سمعانه‌ای که تاکنون بوسیله‌ی آبادی جامدار و مسلح خود مرتکب شده لطمات عمیق نابدیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر جامعه وارد آورده‌است.

در پایان قطعنامه‌ها خواستار قطع آتش‌افروزی‌های ارتجاعی و محاکمه‌ی فاعلین سناحته شده شهدا و عاملین و آمرین کشتارها شده و ستت به ضرب و جرح و کشار خواهران مجاهد به تمامی محاکم شرعی بین‌المللی و سازمان‌های زنان بین‌المللی اعلام دادخواهی و رسیدگی گردیده‌اند.

همکاری مرتجعین انجمن به اصطلاح اسلامی با پلیس فاشیست آمریکا

در خاتمه‌ی راهپیمائی در آمریکا ۲ تن از نمایندگان انجمن دانشجویان مسلمان با در دست داشتن قطعنامه‌ی تظاهرات و همچنین متن بلاکاردهای حمایت نیروهای مترقی و ضدامپریالیست به طرف نمایندگی ایران واقع در مقابل الجزایر رفته و خواستار تحویل آنها به مقامات مسئول نمایندگی و مجازات به ایران شدند. اما به محض ورود نمایندگان دانشجویان، محافظین مسلح نمایندگی به دستور مستولین خود به ضرب و شتم دانشجویان پرداخته و بیزان‌ها را بحویل پلیس فاشیست آمریکا می‌دهند. پلیس آمریکا نیز وحشیانه با باطوم‌های کشنده به آنان حمله می‌کنند. جالب توجه است که اعضاء انجمن‌های به اصطلاح اسلامی همراه با اعضای سفارت عده‌ای را برای عکسبرداری و شناسائی شرکت کنندگان در مراسم تسلیح کرده بودند که کاملا اعمال ساواک و ایادی ریریم منفور شاه را بدامی می‌نمود.

حمایت‌های گسترده‌ی بین‌المللی

نیروها و شخصیت‌های مترقی و ضدامپریالیست بسیاری در کشورهای مختلف با دادن پیام و یا تائید قطعنامه‌ای راهپیمائی انجمن‌های دانشجویان مسلمان در اروپا و آمریکا و هم چنین با ارسال بلاکاردهای اعتراضی به مقامات ایرانی از خواسته‌های عادلانه‌ی راهپیمائان حمایت کردند.

در بیانیه‌های گذشته و نیز همین شماره بخش‌هائی از این حمایت گسترده‌ی بین‌المللی را منعکس کرده‌ایم. و در اینجا بدلیل کمبود جا صرفا به ذکر اسامی برخی از آن بیانیه‌ها و گروهها و شخصیت‌ها اکتفا می‌کنیم.

انگلستان:

- ناحیه‌ی سیاسی لرس
- جمهوریخواه ایرلند (تین ـ فین)
- جنبش چپ انقلابی نپالی در انگلستان (میر)
- طرفداران اتحادیه‌ی کارگران کاپایا در انگلستان
- فرد هالیده‌ی نویسنده‌ی مترقی انگلیسی
- تندنیسی کمونیست انقلابی (ار ـ س ـ ت)
- گروه کمونیست انقلابی (ار ـ س ـ ز)
- انجمن دانشجویان عراقی ضد رژیم بعث عراق در انگلستان
- اتحادیه طلبی عمرنگاران
- اتحادیه عمومی کارگران مهندسی
- جمعیت زنان ضد ـ امپریالیست

اعتراض ۵۸ نفر از قضات، وکلا و اساتید حقوق به کشتار جوانان به جرم فروش نشریه و بحث‌های سیاسی

بنام خدا

در این لحظه‌های حساس و بحرانی که ملت قهرمان و مسلمان ایران در حال جنگ با متجاوزان مارحی‌است و ضد انقلابیون و جهان‌خواران از گونه وکنار جهان در صدد بند تا انقلاب را به انحراف کشانند و به آن ضربه بزنند، و در زمانی که مردم ما باید همه‌ی توان خود را در راه مبارزه با دشمنان مشترک خود بکار گیرند،

و سرانجام در طلیعه‌ی سالی که "سال حاکمیت و اجرای قانون" نامیده شده‌است، هرچند روز یک بار شنیده می‌شود که در گوشه‌ای از کشور جوانان ونوجوانان ما به بهانه‌های نامعقول، از قبیل روزنامه فروشی و بحث‌های سیاسی، قربانی درگیری‌های خیابانی می‌شوند و یا گلوله‌هایی که باید سینه‌ی دشمنان و هوای متجاوز را بشکافد به خاک و خون می‌غلطند. گسترش این گونه برخوردها در بندرعباس و قزوین و تهران و ماربدران این نگرانی را بوجود می‌آورد که اوج برخوردها به جنگ‌های خیابانی و داخلی انجامد و از درون ما را زبون و ضربه‌پذیر سازد. بنابراین ما، قضات ایران نگرانی و تاسف عمیق خود از تکرار این حوادث، به دولت که مسئول حفظ نظم و امنیت قانون و حفظ جان اشخاص است هشدار می‌دهیم که وضعیت اصلی خود را فدای گروه‌گرائی‌ها نسازد و ضمن جلوگیری قاطع از متجاوزان به مرز و آزادی مردم با روحیه‌ی تحمل و ارشاد با مسائل عقیدتی و سیاسی برخورد کند و طرح بعضی مسائل جزئی بهانه‌ی اقدامایی چنین خشن قرار نگیرد. از همه‌ی گروه‌های سیاسی نیز انتظار و تقاضا داریم که به خاطر مصالح ملی همه‌ی توان خود را در پرهیز از برخوردهای خشونت‌آمیز در آینده بکار گیرند. مباد که جنگ با متجاوزان و جهان‌خواران خمیر جهت دهد و آتش در خانه افتد.

۱ـ دکتر ناصر کاتوزیان استاد دانشگاه و وکیل دادگستری ۲ـ دکتر جواد شیخ‌الاسلامی استاد دانشگاه ۳ـ رضا حاکمار وکیل دادگستری ۴ـ سید نظام‌میر محمدی وکیل دادگستری ۵ـ نادر رضوی‌راد وکیل دادگستری ۶ـ دکتر حسنعلی مرودیان استاد دانشگاه ۷ـ محمد بنک نیا وکیل دادگستری ۸ـ دکتر سید عزت‌الله عراقی ۹ـ استاد

بقیه در صفحه‌ی ۲۴

- پروفسور رابرت براوسک از دانشگاه لندن
- دکتر جان کلی از مدرسه اقتصاد لندن
- هواداران پاریان جریکهای فدائی خلق ایران در انگلستان

آلمان:

- نامه‌ای با امضای ۱۵ گروه متخصص سیاسی آلمان

امریکا:

- سربازان سابق (در جنگ ویتنام) بر علیه جنگ
- طرفداران حسن علی لیبان در لوکاهمه‌ا
- کمیته‌ی همبستگی با نیکاراگوئه
- هواداران انقلاب فلسطین در بوستن نگزاس
- کمیته همبستگی با السالوادور ـ ایوانیسی
- اتحادیه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی در نیویورک
- کمیته‌ی متحد همبستگی با السالوادور
- رئیس و معاون کمیته‌ی دانشجویان ضد نظامی‌گری در آمریکا
- رئیس دپارتمان شیمی دانشگاه لیتکلن
- رئیس کمیته‌ی همبستگی با السالوادور در ناحیه غرب میانه آمریکا، ورون مانکل کالوسی
- گروه وکلای ملی خورد آیوانیسی

فرانسه

- حزب سوسیالیست فرانسه (استراسبورگ)
- اتحادیه‌ی دانشجویان العرابری
- مرکز تحقیقات ضدامپریالیستی
- دبیرکل روابط خارجی حزب سوسیالیست فرانسه
- کانون وکلا
- هواداران پاریان جریکهای فدائی خلق ایران در فرانسه

منبع : نشریه مجاهد شماره شماره ــ به تاریخ ۱۱۸ به تاریخ : ۱۰ اردیبهشت۶۰

شهادت مجاهد شهید : خلیل اجاقی قلی زاده

تاریخ شهادت : ۷ اردیبهشت ۱۳۶۰

محل شهادت : تهران

نحوه‌ی شهادت : اصابت گلوله در راهپیمایی

عکس ندارد

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران در بارهٔ حوادث و راهپیمایی‌های اخیر شهرستان‌ها و تهران و جنایات و تبلیغات مرتجعین انحصار طلب

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران بدین‌وسیله در رابطه با راه‌پیمایی‌های اعتراضی سرا سری در شهرستان‌های مختلف کشور به‌خصوص حوادث و راه‌پیمایی‌های روز دوشنبه هفتم اردیبهشت‌ماه تهران که در اثر تهاجم اوباش چماق‌دار و ایادی مسلح مرتجعین به آتش و خون کشیده شده و به زخمی شدن بیش از ۷۰ نفر و شهادت ۲ تن ا ز هواداران مجاهدین خلق انجامید، به اطلاع خلق قهرمانمان در سراسر کشور و مردم دلیر تهران می‌رساند :

۱ ــ این راه‌پیمایی‌ها که از طرف مردم و توده‌های هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران انجام شده و موضوع تبلیغات سراسر دروغ مزورانه‌ی انحصارطلبان حاکم و موجب لجن پراکنی ها و سم‌پاشی‌های بی‌حد آنان علیه مجاهدین خلق ایران گشته است در اعتراض به جنایات ایادی چماق‌دار و مسلح مرتجعین به‌خصوص در صفحات شمالی کشور و بالأخص در قائم‌شهر و مجروح و اسیر و شهید شدن صدها تن از هواداران سازمان و من‌جمله شهادت میلیشیای قهرمان فاطمه رحیمی و سمیه نقره خواجا بوده که توسط خود مردم و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران صورت گرفته است.

۲ــ راه‌پیمایی دوشنبه ۶۰/۲/۷ تهران نیز که به ابتکار مادران مسلمان برگزار شد در رابطه با همین مسئله و در اعتراض به کشتار مجاهدین خلق به‌خصوص کشتار خواهران میلیشیا و بالأخص خواهران مجاهد فاطمه رحیمی و سمیه نقره خواجا بوده و بدون اعلام و دعوت عمومی قبلی برگزارشده است .

۳ــ این راه‌پیمایی که با تعداد چند هزار نفر و در کمال آرامش از میدان فلسطین آغازشده بود در مسیر خود و با پیوستن توده‌های مردمی که از جریان آن مطلع شده و در آن شرکت می‌نمودند در کمتر از یک ساعت به حدود صد هزار نفر و در پایان به بیش از ۱۵۰ هزار نفر بالغ شده و مقصد آن نیز منزل آیت‌الله فقید طالقانی بود .

۴ــ راه‌پیمایان در مسیر خود و با افزوده‌شده بلاوقفه بر جمعیت که در کمال مسالمت و متانت و آرامش به راه خود ادامه و شعارهایی در اعتراض به جنایات مرتجعین و حزب حاکم و کشتار مجاهدین می‌دادند در مقاطع مختلف و سپس به‌طور مستمر با یورش و تهاجم مأموران مسلح کمیته‌ها و دستهٔ معدودی اوباش چماق‌دار قرار گرفتند که با انواع سلاح‌های سرد و گرم وحشیانه به راه‌پیمایان حمله نموده و آن ها را زیر رگبار گلوله ه و شلیک بلا وقفهٔ گاز اشک‌آور قرار می‌دادند این حملات وحشیانه حتی پس از رسیدن راه‌پیمایان به مقصد خود یعنی منزل آیت‌الله فقید پدر طالقانی و قرائت قطعنامه، قطع نشده و در مسیر بازگشت نیز ادامه یافت و به مجروح و مصدوم شدن بیش از ۷۰ نفر و شهادت ۲ تن از هواداران مجاهدین به نام‌های ودود پیراهنی و (دانش‌آموز) و خلیل اجاقی (کارگر) انجامید که مجروحین در اثر سلاح‌های سرد چماق داران و اصابت گلوله‌های عناصر مسلح کمیته‌ها زخمی شده و شهدا نیز در اثر اصابت گلوله به شهادت رسیده‌اند .

تعجب‌آورتر این‌که چماق داران درادامهٔ این جنایات ضد مردمی و در جستجوی قربانیان حادثه و به‌منظور سرپوش گذاشتن بر نتایج اعمال خود، اواخر شب به درمانگاه مجاهد شهید دکتر احمد طباطبایی (که چندی پیش درراه جبهه‌ی جنوب به شهادت رسید) هجوم برده و ضمن اشغال و غارت آنجا کادر پزشکی درمانگاه و من‌جمله دکتر معالج این درمانگاه را دستگیر نمودند .

۵ ــ در تمام طول مسیر مردم و رهگذران و هم‌چنین ساکنان خانه‌های اطراف در برابر حمله و هجوم چماق داران و عناصر مسلح و باران گلوله‌ی گاز اشک‌آور به نحو شورانگیزی از راه‌پیمایان حمایت نمودند به‌طوری‌که این حمایت‌ها و مقاومت و استواری راه‌پیمایان حماسه‌های تظاهرات و مقاومت‌های مردمی دوران انقلاب را در خاطره‌ها زنده می‌نمود .

۶ ــ تبلیغاتی که بلافاصله از طرف نهادها و ارگان‌ها و عناصر حکومتی و محافل انحصارطلب و ارتجاعی شروع شد از قبیل اطلاعیه سراسر کذب و تحریف وزارت کشور و گزارش‌های مسئولین شهرهای شمال و قائم‌شهر یعنی کسانی که خود سردمدار چماق داران بوده دستشان تا مرفق به خود مجاهدین آلوده است و مندرجات مطبوعات ارتجاعی نیز تبلیغات سراسر دروغ و فریبکارانهٔ زمان شاه را به یاد می‌آورد که مکمل اظهارات برخی به‌اصطلاح نمایندگان مجلس در روز یکشنبه گذشته و بعد ازآن بود که درتهمت و افترا حدی نشناخته و به راستی نمایندگان رستاخیزی را تداعی می‌کنند بدیهی است که دیگر دوران این‌گونه تبلیغات دروغ و عوام‌فریبانه سر آمده و مردم ما که خود همه‌روزه از نزدیک شاهد حوادث و مسائل هستند و جنایات چماق داران و مرتجعین را به رأی‌العین مشاهده می‌کنند گول این دغل‌بازی‌ها را نخواهند خورد.

دربارهٔ اظهارات وزیر کشور نیز مجاهدین خلق ضمن نامه‌ای که در هفته‌ی گذشته به ایشان نوشته‌اند درواقع پاسخ این اظهارات را داده‌اند و دیگر لزومی به تکرار آن نمی‌بینم .

۷ ــ مجاهدین خلق ایران ضمن تعظیم و تکریم کلیه‌ی اشخاص و نیروهایی که به حمایت از حق و حقیقت و عدالت برخاسته و در اعتراض به‌حق کشی‌ها و جنایات مرتجعین و انحصارطلبان صدای خود را بلند کردند و ضمن تجلیل از شهدای مظلوم و بی‌گناهی که در این حوادث قربانی جنایات مرتجعین شدند به‌خصوص مجاهدین شهید ودود پیراهنی و خلیل اجاقی و تبریک و تسلیت به خانواده‌های داغدار آنان لازم می‌دانند باز دیگر به‌خصوص به مقامات و مسئولین یادآوری کنند که علی‌رغم تبلیغات سؤ و مغرضانه این قبیل حوادث بازتاب مستقیم حق‌کشی‌ها و ستمگری‌ها و تعدیات و تجاوزت به حقوق و آزادی‌های مردم و سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی است که هم چنان از طرف انحصارطلبان حاکم اعمال می‌شود و بدیهی است تا موقعی که این قبیل تعدیات و سلب حقوق و آزادی‌های مردم ادامه داشته باشد هیچ نیرویی نمی‌تواند مردم را از ابراز نارضایتی‌ها و واکنش‌های اعتراضی در قبال عملکردهای ارتجاعی و انحصارطلبانه بازدارد .

مجاهدین خلق ایران نیز هم چنان‌که قبلاً اعلام کرده‌اند در صورت ادامه‌ی این تجاوزت و در قبال ادامهٔ سرکوب و کشتار مجاهدین قادر به جلوگیری از ابراز واکنش اعتراضی سرا سری مردم و نیروهای هوادار خود نبوده و مسئولیت این قبیل حوادث و پی آمد های احتمالی آن نیز متوجه

مسئولین و مقامات مملکتی و حکومتی خواهد بود که هم چنان بر سلب آزادی‌های اساسی و حقوق مردم اصرار نموده و حاضر به اعادهٔ حقوق اقشار مختلف خلق و رعایت حریم مردم نیستند.

مجاهدین خلق ایران

۸/ اردیبهشت /۶۰

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۸

مختصری از زندگینامه مجاهد شهید خلیل اجاقی قلی زاده

توضیح : زندگی نامهٔ کارگر مجاهد شهید خلیل اجاقی قلی زاده (دومین شهید راهپیمایی عظیم تهران) را که از یکی از افراد خانواده‌اش دریافت داشته‌ایم به طور مختصر در زیر می‌خوانید:

مجاهد شهید خلیل اجاقی قلی زاده اهل اهر ارسباران زنجان بود و در هنگام شهادت ۳۰ سال داشت . وی با مادر و ۲ برادرش در تهران زندگی می‌کرد و حدود ۱۵ سال در تهران به کارگری مشغول بود .

اوایل انقلاب پاسدار پدر طالقانی بود ، ولی بعد از فوت پدر با توجه به شناختی که از سردمداران ارتجاع و عملکردهای آنان من‌جمله در ارگان‌های به‌اصطلاح انقلابی پیداکرده بود استعفا می‌دهد .

آشنایی خلیل با سازمان از زمانی که پاسدار پدر طالقانی گردید شروع می‌شود ، آگاهی و ایمانش به آرمان‌های توحیدی مجاهدین باعث شد که از همان ابتدا به تبلیغ و نشر عقاید و مواضع سازمان پرداخته و نیز تا آنجا که در امکانش بود از کمک به سازمان دریغ نورزد .

در مراسم و تظاهراتی که توسط مجاهدین برگزار می‌شد شرکت فعال داشت و دوستان و آشنایانش را نیز به شرکت در این‌گونه مراسم تشویق می‌کرد به‌خصوص از آن‌ها می‌خواست که در سخنرانی‌های برادر مجاهد مسعود رجوی شرکت کنند و به آن‌ها می‌گفت : « بیایید و حقایق را از زبان او بشنوید تا چشمانتان باز شود و راه حق را بشناسید ... »

در روز راه‌پیمایی بلافاصله پس از اطلاع از این جریان مغازه‌ای که در آن موقع به کف‌پوشی در آن مشغول به کار بود را تعطیل نموده و به‌اتفاق پسرعمویش درراه پیمایی شرکت می‌کنند که درمسیر همین راه‌پیمایی پس از حمله چماق داران و کمیته چی ها این کارگر مجاهد (خلیل اجاقی قلی زاده) مورد اصابت گلوله واقع شده و شهید می‌گردد و بدین ترتیب جان خود را در جهت پاسداری از آزادی و آرمان‌های اسلام انقلابی فدا می کن دو مرتجعین نیز با این جنایت ضدانقلابی برگ دیگری بر کارنامه‌ی سیاه خود می‌افزایند.

کارگر مجاهد شهید خلیل اجاقی قلی زاده به‌تازگی یعنی حدود یک ماه و نیم قبل از شهادتش نامزد کرده و قرار بود در همین روزها مراسم ازدواجش را برگزار کند، ولی در روز راه‌پیمایی به دست مزدوران مسلح ارتجاع به شهادت می‌رسد و ...

خلیل ازجمله کارگران آگاه و فعال بود که درد و رنج سایر کارگران و زحمتکشان محروم را به عینه لمس می‌کرد و به همین خاطر در جهت آگاهی و آزادی از طریق تبلیغ آرمان‌های مجاهدین خلق در بین آن‌ها کوشا بود .

یادش گرامی و راهش جاودان باد

××××××

سرقت جنازهٔ شهدای راهپیمایی توسط قاتلین

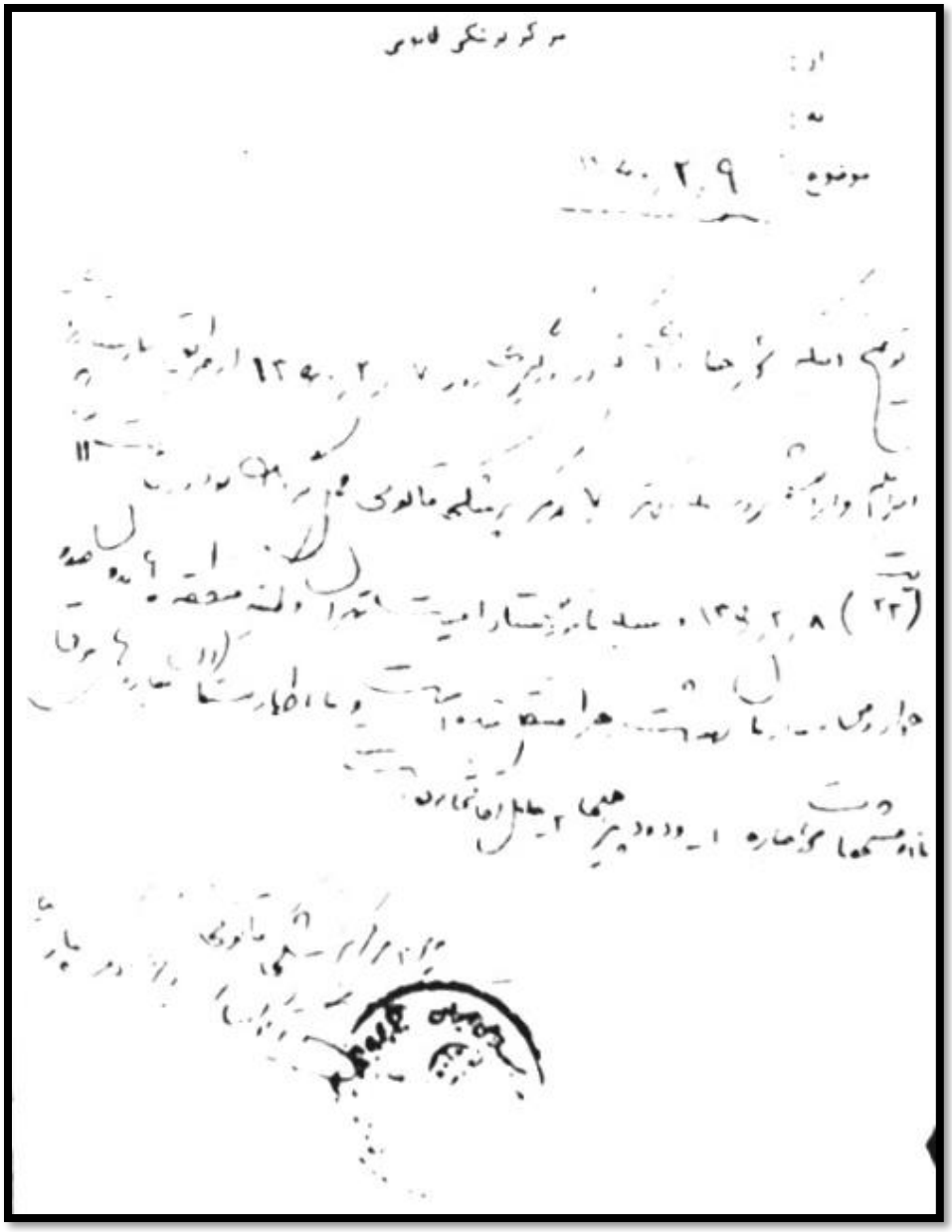
همان‌طور که درسند مقابل ملاحظه می‌کنید اجساد شهدای تهاجم مسلحانهٔ کمیته چی ها به راهپیمایی مسالمت‌آمیز هواداران مجاهدین را نیز تحویل نداده‌اند طبق سند مزبور پیکر پاک شهدا بنا به دستور ستاد امنیت تهران وکمیتهٔ منطقهٔ ۹ و بدون صدور جواز دفن به بهشت‌زهرا منتقل‌شده است .

تا کی می‌توان عوام‌فریبانه کشتار مجاهدین را به مردم نسبت داد مگر غیر از این است که همان‌ها که دستور سرقت شهدای مجاهدین را می‌دهند (و تا آنجا دراین امر عجله دارند که منتظر صدور جواز دفن نمی‌شوند) همان‌هایی هستند که دستور سرکوب و کشتار مجاهدین را می‌دهند؟

(قابل‌توجه آقای مهدوی کنی سرپرست کمیته‌ها و وزارت کشور و عضو هیئت سه نفرهٔ رفع اختلاف و ...)

البته سرقت جنازهٔ شهدا امر تازه‌ای نیست مکر در دوران سرکوب آریامهری شهدا را به خانواده‌هایشان تحویل می‌دادند؟ مگر قابیل به خاطر وحشت از قتل هابیل او را به زیرخاک پنهان نکرد مگر همهٔ قاتل‌ها وحشت‌زده نمی‌شوند ؟

سند فوق را اطباء متعهد پزشکی قانونی به‌عنوان اعتراض به سرقت جنازه‌های شهدا که در دوران انقلاب توسط رژیم منفور شاه نیز اعمال نمی‌شد که به گفتهٔ مسئولین پزشکی قانونی به دستور آقای موسوی اردبیلی صورت گرفته است ارائه کرده‌اند .



نشریه مجاهد ۱۱۸ بتاریخ ۱۰ اردیبهشت۶۰



شهادت : مجاهد شهید ودود پیراهنی

تاریخ شهادت : ۷ / ۲ / ۱۳۶۰

محل شهادت : تهران

نحوه‌ی شهادت : اصابت گلوله توسط مزدوران کمیته چی .

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران در بارهٔ حوادث و راهپیمایی‌های اخیر شهرستان‌ها و تهران و جنایات و تبلیغات مرتجعین انحصار طلب .

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران بدین وسیله در رابطه با راه‌پیمایی‌های اعتراضی سرا سری در شهرستان‌های مختلف کشور به‌خصوص حوادث و راه‌پیمایی‌های روز دوشنبه هفتم اردیبهشت‌ماه تهران که در اثر تهاجم اوباش چماق‌دار و ایادی مسلح مرتجعین به آتش و خون کشیده شده و به زخمی شدن بیش از ۷۰ نفر و شهادت ۲ تن ا ز هواداران مجاهدین خلق انجامید، به اطلاع خلق قهرمانمان در سراسر کشور و مردم دلیر تهران می‌رساند:

۱ ــ این راه‌پیمایی‌ها که آ ز طرف مردم و توده‌های هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران انجام‌شده و موضوع تبلیغات سراسر دروغ مزورانه‌ی انحصارطلبان حاکم و موجب لجن پراکنی ها و سم‌پاشی‌های بی‌حد آنان علیه مجاهدین خلق ایران گشته است در اعتراض به جنایات ایادی چماق‌دار و مسلح مرتجعین به‌خصوص در صفحات شمالی کشور و بالأخص در قائم‌شهر و مجروح و اسیر و شهید شدن صدها تن از هواداران سازمان و من‌جمله شهادت میلیشیای قهرمان فاطمه رحیمی و سمیه نقره خواجا بوده که توسط خود مردم و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران صورت گرفته است.

۲ــ راه‌پیمایی دوشنبه ۶۰/۲/۷ تهران نیز که به ابتکار مادران مسلمان برگزار شد در رابطه با همین مسئله و در اعتراض به کشتار مجاهدین خلق به‌خصوص کشتار خواهران میلیشیا و بالأخص خواهران مجاهد فاطمه رحیمی و سمیه نقره خواجا بوده و بدون اعلام و دعوت عمومی قبلی برگزارشده است .

۳ــ این راه‌پیمایی که با تعداد چند هزار نفر و در کمال آرامش از میدان فلسطین آغازشده بود در مسیر خود و با پیوستن توده‌های مردمی که از جریان آن مطلع شده و در آن شرکت می‌نمودند در کمتر از یک ساعت به حدود صد هزار نفر و در پایان به بیش از ۱۵۰ هزار نفر بالغ شده و مقصدان نیز منزل آیت‌الله فقید طالقانی بود.

۴ــ راه‌پیمایان در مسیر خود و با افزوده‌شده بلا وقفه بر جمعیت که در کمال مسالمت و متانت و آرامش به راه خود ادامه و شعارهایی در اعتراض به جنایات مرتجعین و حزب حاکم و کشتار مجاهدین می‌دادند در مقاطع مختلف و سپس به‌طور مستمر با یورش و تهاجم مأموران مسلح کمیته‌ها و دستهٔ معدودی اوباش چماق‌دار قرار گرفتند که با انواع سلاح‌های سرد و گرم وحشیانه به راه‌پیمایان حمله نموده و آن ها را زیر رگبار گلوله و شلیک بلاوقفهٔ گاز اشک‌آور قرار می‌دادند .

این حملات وحشیانه حتی پس از رسیدن راه‌پیمایان به مقصد خود یعنی منزل آیت‌الله فقید پدر طالقانی و قرائت قطعنامه، قطع نشده و در مسیر بازگشت نیز ادامه یافت و به مجروح و مصدوم شدن بیش از ۷۰ نفر و شهادت ۲ تن از هواداران مجاهدین به نام‌های ودود پیراهنی و (دانش‌آموز) و خلیل اجاقی (کارگر) انجامید که مجروحین در اثر سلاح‌های سرد چماق داران و اصابت گلوله‌های عناصر مسلح کمیته‌ها زخمی شده و شهدا نیز در اثر اصابت گلوله به شهادت رسیده‌اند .

تعجب‌آورتر این‌که چماق داران درادامهٔ این جنایات ضد مردمی و در جستجوی قربانیان حادثه و به‌منظور سرپوش گذاشتن بر نتایج اعمال خود، اواخر شب به درمانگاه مجاهد شهید دکتر احمد طباطبایی (که چندی پیش درراه جبهه‌ی جنوب به شهادت رسید) هجوم برده و ضمن اشغال و غارت آنجا کادر پزشکی درمانگاه و من‌جمله دکتر معالج این درمانگاه را دستگیر نمودند.

۵ــ در تمام طول مسیر مردم و رهگذران و هم‌چنین ساکنان خانه‌های اطراف در برابر حمله و هجوم چماق داران و عناصر مسلح و باران گلوله‌ی گاز اشک‌آور به نحو شورانگیزی از راه‌پیمایان حمایت نمودند به‌طوری‌که این حمایت‌ها و مقاومت و استواری راه‌پیمایان حماسه‌های تظاهرات و مقاومت‌های مردمی دوران انقلاب را در خاطره‌ها زنده می‌نمود.

۶ ــ تبلیغاتی که بلافاصله از طرف نهادها و ارگان‌ها و عناصر حکومتی و محافل انحصارطلب و ارتجاعی شروع شد از قبیل اطلاعیه سراسر کذب و تحریف وزارت کشور و گزارش‌های مسئولین شهرهای شمال و قائم‌شهر یعنی کسانی که خود سردمدار چماق داران بوده دستشان تا موفق به خود مجاهدین آلوده است و مندرجات مطبوعات ارتجاعی نیز تبلیغات سراسر دروغ و فریبکارانهٔ زمان شاه را به یاد می‌آورد که مکمل اظهارات برخی به اصطلاح نمایندگان مجلس در روز یکشنبه گذشته و بعد ازآن بود که درتهمت و افترا حدی نشناخته و به راستی نمایندگان رستاخیزی را تداعی می‌کنند بدیهی است که دیگر دوران این‌گونه تبلیغات دروغ و عوام‌فریبانه سر آمده و مردم ما که خود همه‌روزه از نزدیک شاهد حوادث و مسائل هستند و جنایات چماق داران و مرتجعین را به رأی‌العین مشاهده می‌کنند گول این دغل‌بازی‌ها را نخواهند خورد.

دربارهٔ اظهارات وزیر کشور نیز مجاهدین خلق ضمن نامه‌ای که در هفته‌ی گذشته به ایشان نوشته‌اند درواقع پاسخ این اظهارات را داده‌اند و دیگر لزومی به تکرار آن نمی‌بینم.

۷ــ مجاهدین خلق ایران ضمن تعظیم و تکریم کلیه‌ی اشخاص و نیروهایی که به حمایت از حق و حقیقت و عدالت برخاسته و در اعتراض به‌حق کشی‌ها و جنایات مرتجعین و انحصارطلبان صدای خود را بلند کردند و ضمن تجلیل از شهدای مظلوم و بی‌گناهی که در این حوادث قربانی جنایات مرتجعین شدند به‌خصوص مجاهدین شهید ودود پیراهنی و جلیل اجاقی و تبریک و تسلیت به

خانواده‌های داغدار آنان لازم می‌دانند باز دیگر به‌خصوص به مقامات و مسئولین یادآوری کنند که علی‌رغم تبلیغات سؤ و مغرضانه این قبیل‌حوادث بازتاب مستقیم حق‌کشی‌ها و ستمگری‌ها و تعدیات و تجاوزت به حقوق و آزادی‌های مردم و سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی است که هم چنان از طرف انحصارطلبان حاکم اعمال می‌شود .

و بدیهی است تا موقعی که این قبیل تعدیات و سلب حقوق و آزادی‌های مردم ادامه داشته باشد هیچ نیرویی نمی‌تواند مردم را از ابراز نارضایتی‌ها و واکنش‌های اعتراضی در قبال عملکردهای ارتجاعی و انحصارطلبانه بازدارد .

مجاهدین خلق ایران نیز هم چنان‌که قبلاً اعلام کرده‌اند در صورت ادامه‌ی این تجاوزت و در قبال ادامهٔ سرکوب و کشتار مجاهدین قادر به جلوگیری از ابراز واکنش اعتراضی سرا سری مردم و نیروهای هوادار خود نبوده و مسئولیت این قبیل حوادث و پی آمد های احتمالی آن نیز متوجه مسئولین و مقامات مملکتی و حکومتی خواهد بو دکه هم چنان بر سلب آزادی‌های اساسی و حقوق مردم اصرار نموده و حاضر به اعادهٔ حقوق اقشار مختلف خلق و رعایت حریم مردم نیستند.

مجاهدین خلق ایران

۸/اردیبهشت /۶۰

××××××

زندگینامه مجاهد شهید میلیشیای قهرمان ودود پیراهنی

ودود پیراهنی در دوم مهرماه سال ۱۳۴۴ در خانواده‌ی متوسطی در شهر اردبیل متولد شد کلاس اول دبستان را در اردبیل گذراند و از آن به بعد همراه خانواده‌اش به تهران آمد و دریک خانهٔ اجاره‌ای در جنوب شهر اقامت گزید.

در جریان قیام وی علی‌رغم سن کمش علاقه‌ی زیادی به شرکت در تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها داشت .

ودود در هنگام شهادت هنرجوی سال دوم هنرستان شمارهٔ ۵ تهران بود او بعد از انقلاب از طریق مطالعه‌ی کتاب‌ها و نشریات مجاهدین آشنا شد و طولی نکشید که به حقانیت راه آنان ایمن آورد.

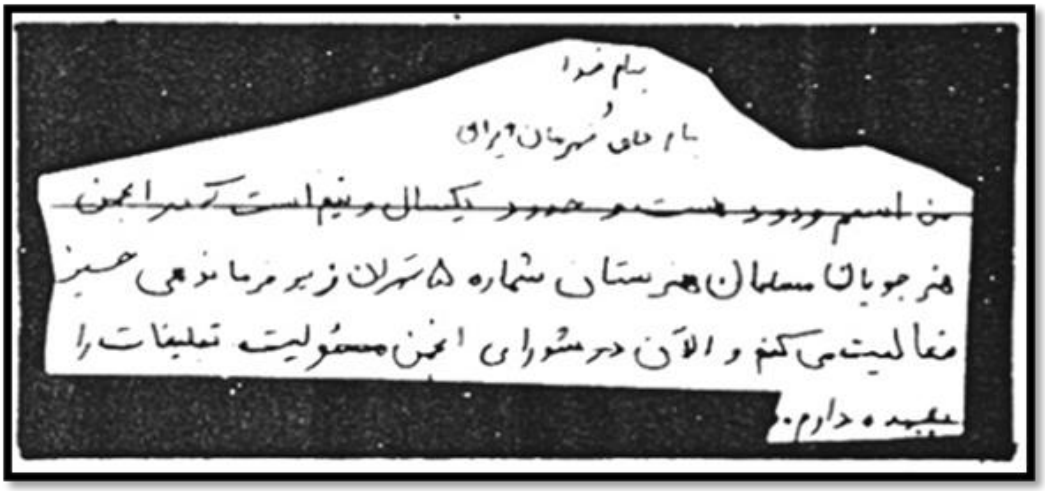
ودود در آخر سال ۱۳۵۸ وارد انجمن هنر جویان مسلمان هنرستان شمارهٔ ۵ شد و فعالانه به کار و کوشش درراه تحقق آرمان‌های انقلابی مجاهدین پرداخت . میلیشیای قهرمان ودود پیراهنی در زمینه‌های پشتیبانی، فروش نشریه و ...عنصر فعالی بود او در تمام طول تابستان ۵۹ در کار دکه

فعالانه شرکت داشت. بعد از باز شدن مدارس درمهرماه ۵۹ فعالیت خودش را با فروش نشریه و پخش اعلامیه‌های سازمان در مدرسه ادامه داد.

مجاهد شهید میلیشیای قهرمان ودود پیراهنی از روحیه‌ای انقلابی و رزمنده برخوردار بود و این روحیه همواره در فعالیت‌های و کارهایش بارز بود، وی چندین بار حین فعالیت‌های تبلیغی در مدرسه مورد توبیخ و تهدید مسئولین حزبی مدرسه قرار گرفت.

چندین بار از طرف مدیر و ناظم تهدید به اخراج از مدرسه شد حتی چند بار مورد ضرب و شتم قرار گرفت ولی هر بار با روحیه‌ای مقاوم و انقلابی در برابر مرتجعین می‌ایستاد و از عقاید خویش قاطعانه دفاع می‌کرد . او وقتی از طرف مدیر یا ناظم مدرسه تهدید به اخراج می‌شد فریاد می‌زد : « ما نسل انقلابیم از اخراج نمی‌هراسیم » او می‌گفت : « اخراج شدن از مدرسه کم‌ترین بهایی است که باید درراه آزادی پرداخت و من حاضرم درراه سازمان مجاهدین خلق ایران جان خود را هم بدهم » .

آخرین مسئولیت وی مسئولیت تبلیغات در شورای انجمن بود . روحیه‌ی جمعی به‌طور بارزی در وی به چشم می‌خورد، او غالباً می‌گفت : پولی که در جیب من است مال تمام بچه‌هاست .



در جریان درگیری که حدود دو هفته پیش براثر تهاجم عناصر وابسته به حزب حاکم به هواداران نیروهای انقلابی افتاد وی به طور فعال در برابر این تهاجمات ایستادگی کرد .

میلیشیای جوان و قهرمان ودود پیراهنی سرانجام در جریان راه‌پیمایی که به دعوت مادران مسلمان و برای اعتراض به تهاجمات وحشیانه‌ی چماق داران و عناصر مسلح به مردم قهرمان و نیروهای انقلابی قائم‌شهر و شهادت دو خواهر میلیشیا برپاشده بود شرکت کرد و در برابر هجوم چماق داران و حامیان مسلح آنان قهرمانانه به مقاومت پرداخت و سرانجام رگبار گلوله‌های پاسداران وی را به خاک

و خون کشید و به این ترتیب در شرایطی که ارتجاع هرروز بیشتر از روز قبل در برابر خلق افشا می‌شود و ماهیت ارتجاعی و روبه‌زوال خو درا به نمایش می‌گذارد با شهادت قهرمانانه‌ی خویش بازهم موجبات رسوایی هر چه بیشتر مدعیان ریایی دین را فراهم آورد .

یاد یادش گرامی و راهش پردوام باد

××××××

نشریه مجاهد ۱۱۸

سرقت جنازهٔ شهدای راهپیمایی توسط قاتلین

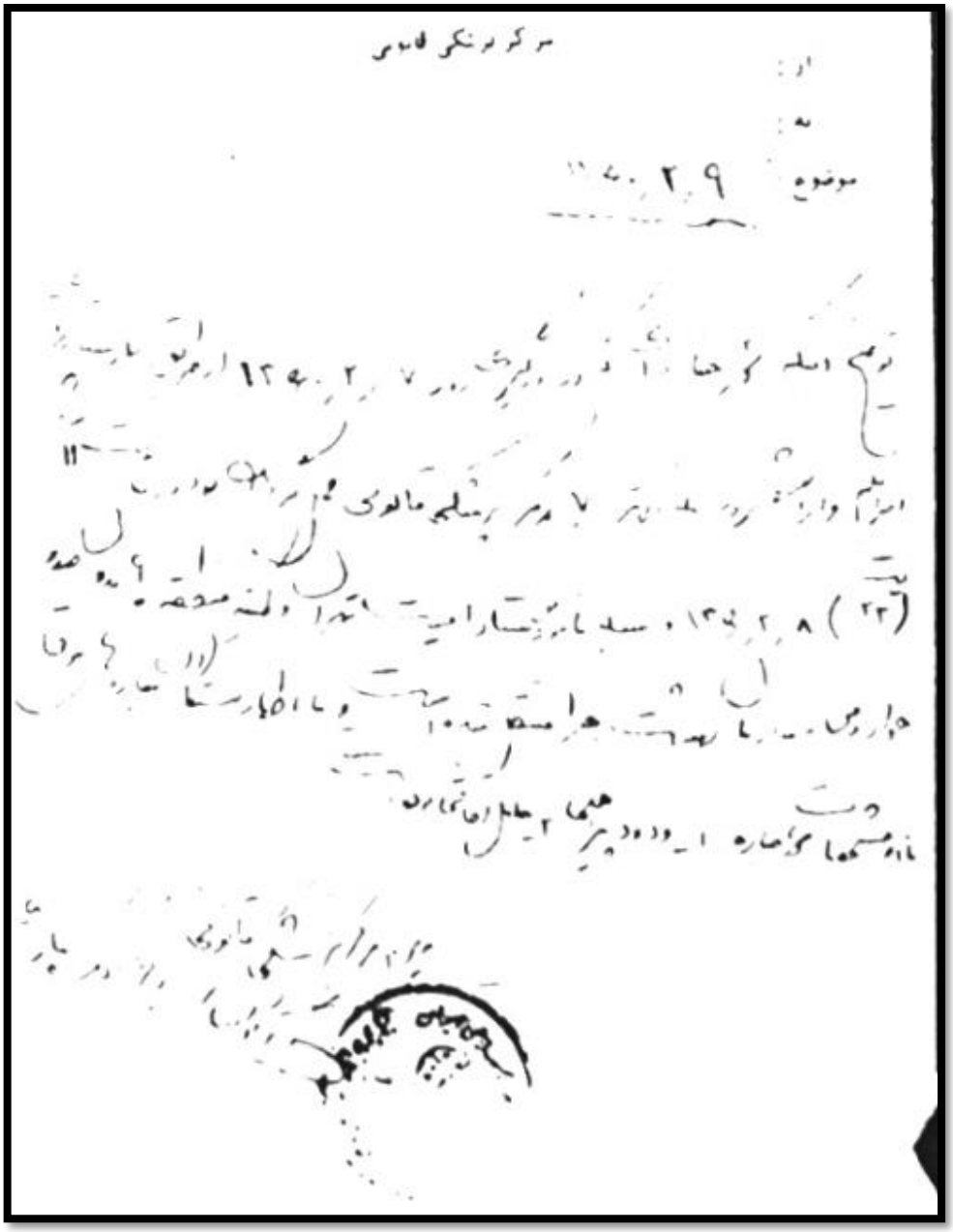
همان‌طور که درسند مقابل ملاحظه می‌کنید اجساد شهدای تهاجم مسلحانهٔ کمیته چی ها به راهپیمایی مسالمت‌آمیز هواداران مجاهدین را نیز تحویل نداده‌اند ، طبق سند مزبور پیکر پاک شهدا بنا به دستور ستاد امنیت تهران وکمیتهٔ منطقهٔ ۹ و بدون صدور جواز دفن به بهشت‌زهرا منتقل‌شده است.

تا کی می‌توان عوام‌فریبانه کشتار مجاهدین را به مردم نسبت دادمگر غیر از این است که همان‌ها که دستور سرقت شهدای مجاهدین را می‌دهند (و تا آنجا دراین امر عجله دارند که منتظر صدور جواز دفن نمی‌شوند) همان‌هایی هستند که دستور سرکوب و کشتار مجاهدین را می‌دهند؟

(قابل‌توجه آقای مهدوی کنی سرپرست کمیته‌ها و وزارت کشور و عضو هیئت سه نفرهٔ رفع اختلاف و ...)

البته سرقت جنازهٔ شهدا امر تازه‌ای نیست، مگر در دوران سرکوب آریامهری شهدا را به خانواده‌هایشان تحویل می‌دادند؟ مگر قابیل به خاطر وحشت از قتل هابیل او را به زیرخاک پنهان نکرد مگر همهٔ قاتل‌ها وحشت‌زده نمی‌شوند؟

سند فوق را اطباء متعهد پزشکی قانونی به‌عنوان اعتراض به سرقت جنازه‌های شهدا که حتی در دوران انقلاب توسط رژیم منفور شاه نیز اعمال نمی‌شد که به گفتهٔ مسئولین پزشکی قانونی به دستور آقای موسوی اردبیلی صورت گرفته است ارائه کرده‌اند .



منبع : نشریه مجاهد ۱۱۹



مجاهد شهید فاطمه کریمی

شهادت : مجاهد شهید فاطمه کریمی

تاریخ شهادت : ۸ / ۲ / ۱۳۶۰

محل شهادت : کرج

نحوه‌ی شهادت : اصابت سنگ توسط چماقداران و مزدوران رژیم .

اطلاعیه سازمان در باره شهادت ۵ مجاهد خلق از جمله فاطمه کریمی

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران در باره شهادت ۵ ملیلیشیای مجاهد دیگر در نقاط مختلف کشور

بدست چماقداران و ایادی مسلح مرتجعین انحصارطلب

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز ، مردم آگاه و شهیدپرور مازندران ، کرج، بندرعباس، و شهرکرد ، اخبار رسیده از نقاط مختلف کشور حاکیست که هر روز بر تعداد شهدای مجاهد خلق که در اثر موج اخیر کشتار مجاهدین توسط چماقداران حزب حاکم و حامیان مسلح آنان در نهادهای رسمی به خون پاکشان غلطیده اند افزوده می‌گردد .

شهدای والامقامی که هریک از پاک‌ترین و رشیدترین فرزندان آگاه و انقلابی خلق ستمدیده‌ی ایران بوده و جز وفاداری به اسلام راستین و انقلابی و مخالفت با عملکرد های ارتجاعی که بیشترین ضربه ها را بر پیکر انقلاب و حیثیت اسلام وارد کرده است گناهی نداشته‌اند .

همچنین قابل تأکید است که علیرغم دروغ پردازیهای شرم آور انحصارطلبان تمامی این شهدا با دست های خالی و در حال ابراز مخالفت کاملا مسالمت آمیز و یا در حین توزیع نشریه مجاهد هدف گلوله و چماق ایادی حزب حاکم قرار گرفته اند .

بنابرآخرین گزارشات واصله علاوه بر خواهران شهید سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی در قائمشهر و برادران شهید ودود پیراهنی و خلیل اجاقی در تهران که جریان شهادت آنان طی اطلاعیه های قبلی به اطلاع هموطنان رسیده است تا این لحظه یک خواهر و چهار برادر مجاهد در شهرهای کرج ، آمل ، قائمشهر، شهرکرد و بندرعباس به شرح ذیل به کاروان پرافتخار شهدای مجاهد خلق پیوسته اند .

۱ ــ میلیشیای قهرمان برادر مجاهد شهرام اسماعیلی دیپلمه در شهر قائم شهر وی در جریان حمله ی چماقداران و حامیان مسلح شان در تاریخ ۲ فروردین ۶۰ به محله‌ی آسیه کلا به ضرب گلوله ی یک پاسدار به خاک می افتد .

چماقداران پیکر مجروح اورا نیز با چماق هایی که بر سر آن میخ کوبیده بودند مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند و سپس از برابر چشم مردم می‌گریزند .

پیکر مجروح و مصدوم برادر مجاهد شهرام اسماعیلی توسط مردم به بیمارستان انتقال می یابد ولی معالجات بعمل آمده موثر واقع نشده و وی در تاریخ ۸ اردیبهشت ۶۰ به شهادت می رسد لازم به یادآوری است که مرتجعین مانع انتقال او به بیمارستانهای تهران شده بودند .

۲ ــ میلیشیای قهرمان خواهر مجاهد فاطمه کریمی دانش آموز دبیرستان در شهر کرج او در جریان حمله ی چماقداران به تظاهرات آرام مردم کرج در تاریخ ۸ اردیبهشت ۶۰ به منظور اعتراض به کشتار مجاهدین در قائمشهر ، در اثر اصابت سنگهای پرتاب شده از سوی چماقداران به سرش به جمع شهدای مجاهد خلق می پیوندد .

۳ ـ مجاهد شهید علی فتح کریمی (سرباز انقلابی نیروی هوایی) هوادار مجاهدین خلق ایران در شهرکرد. او در جریان حمله‌ی چماقداران و حامیان مسلح آنان به تظاهرات آرام مردم شهرکرد در تاریخ ۵ اردیبهشت ۶۰ به ضرب گلوله به خاک می افتد پیکر مجروح او جهت معالجه به اصفهان انتقال می یابد اما معالجات موثر واقع نشده و او در روز ۱۰ اردیبهشت ۶۰ در راه آرمانهای انقلابی و توحیدیش به شهادت می رسد .

۴ ـ میلیشیای قهرمان مجاهد شهید منصور سایانی دانش‌آموز سال سوم رشته‌ی ریاضی و فیزیک دبیرستان ابن سینا در بندرعباس که از جوانان فعال و مبارز این شهر در مبارزات انقلابی خلق علیه رژیم دیکتاتوری شاه خائن بود .

او و گروهی از همرزمانش در حالی که در چهلمین روز شهادت میلیشیای شهید صنم قریشی بر مزار او حضور یافته بودند مورد حمله ی چماقداران و پاسداران مسلح حامی آنان قرار می گیرند در جریان این حمله و بر اثر شلیک ناجوانمردانه پاسداری به نام کامران آقاحسینی نائینی از فاصله ی نزدیک ، برادر مجاهد منصور سایانی به خون پاکش در غلتیده و به شهادت می رسد .

۵ ـ مجاهد شهید عباس فرمانبردار از هواداران مجاهدین خلق در قائمشهر . او در جریان مراسم تشییع جنازه خواهران مجاهد سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی که در تاریخ ۲ / ۳ / ۶۰ باشرکت بیش از ده هزار نفر از مردم قائم شهر برگزار شد در اثر ترکش نارنجک پرتاب شده از سوی چماقداران وابسته به کمیته قائم شهر به شدت مجروح گردید . پیکر مجروح او جهت معالجه به تهران انتقال یافت اما معالجات بعمل آمده موثر واقع نگردید و برادر مجاهد عباس فرمانبردار در روز ۱۱ / ۶ / ۶۰ جمع شهدای مجاهد خلق پیوست .

بدین ترتیب با احتساب ۵ شهید مجاهد خلق که در دو هفته ی نخست سال جدید و به ضرب گلوله و یا دشنه ی چماقداران وحامیان مسلح آنان به شهادت رسیده اند ، شمار قربانیان موج کشتار مجاهدین در چهل روزه ی اخیر به چهارده تن بالغ می گردد. البته خبرهایی از شهادت برخی مجروحین نیز رسیده است که در صورت اثبات و تایید متعاقبا به اطلاع مردم آگاه و انقلابی ایران خواهد رسید .

مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن این جنایات وحشیانه و ضدمردمی شهادت این فرزندان آگاه و انقلابی خلق را به عموم هموطنان عزیز به ویژه خانواده های داغدار شهدا تبریک و تسلیت می گویند و اطمینان می دهند که راه پرافتخار و مقدس آنان را که همانا راه اسلام راستین و انقلابی است تاپیروزی نهایی انقلاب و رهایی کامل خلق و تحقق جامعه ی بی طبقه ی توحیدی ادامه خواهد یافت .

هم چنین مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن تبلیغات شرم آور انحصارطلبان مبنی بر متهم نمودن مجاهدین وهواداران آنان به درگیری وایجاد تشنج ، یادآور می شوند که اگر تبلیغات جنایتکاران ساواک در رابطه با اعتراضات حق طلبانه ی خلق توانست مردم را بفریبد آنان نیز در این نیرنگ های عوامفریبانه توفیق خواهند یافت به راستی چگونه است که مرتجعین و ایادی مسلح آنان پیوسته با انواع سلاح های سرد و گرم بر مجاهدین و مردم حمله ور می شوند ، اما در عین حال کسانی را که در تظاهرات آرام یا درحین توزیع نشریه به خاک و خون می غلطند به ترک مبازه ی مسلحانه دعوت می کنند !!

مگر نه اینست که تمامی این شهدا در حال توزیع نشریه یا در حال راه پیمایی و اعتراض کاملا آرام و مسالمت آمیز به ضرب گلوله‌ی عمال مسلح انحصارطلبان به خاک و خون غلطیده اند؟

پس در واقع این حزب حاکم و ایادی چماق دار آن هستند که باید چماق و اسلحه را در برابر خلق بر زمین گذارند و این همه خون جوانان بی گناه و انقلابی این مرزو بوم را بر خاک نریزند و گرنه بدیهی است که سرانجام از این خونهای پاک سیلاب‌ها برخواهد خاست و آتش خشم مردم بر علیه جنایتکاران و ستمگران برافروخته تر خواهد گردید چرا که مردم مبارز و انقلابی این میهن در جریان سالهای طولانی مبارزه بر علیه یکی از غدارترین و سفاک ترین رژیم های تاریخ آبدیده شده و آگاهی ها و تجارب فراوان اندوخته اند و چنین مردمی را به تهدید و ارعاب به دروغ و دغل و تبلیغات شاهانه از پای ننشانده و قادر به فریب آنان نیز نخواهد بود و بنا به سنن خدشه ناپذیر تاریخ و مشیت محتوم الهی سرانجام تمامی دغلبازان و جنایتکاران جز خسران و تباهی نیست

و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران

۱۲ اردیبهشت ۶۰

××××××

نشریه مجاهد ۱۱۹

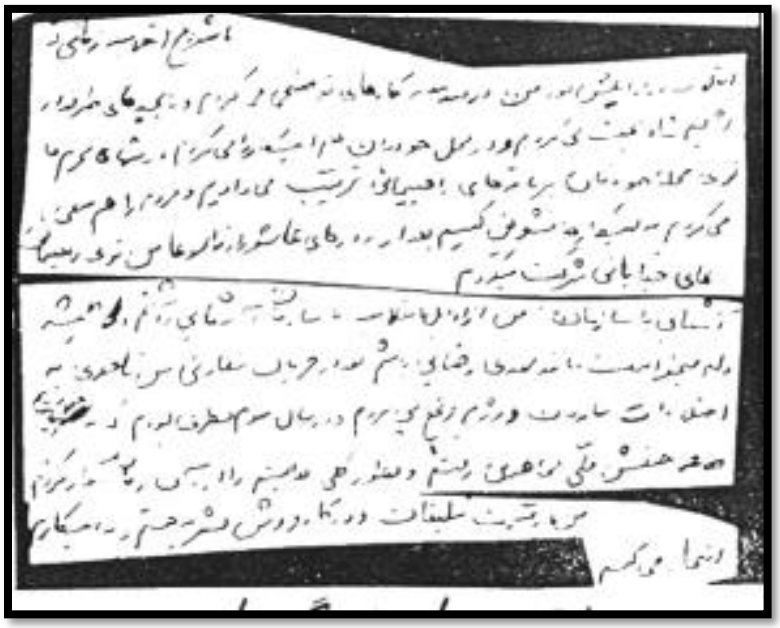
مجاهد شهید فاطمه کریمی

در شب هفت شهدای قائمشهر (مجاهدین شهید سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی) در تاریخ ۶۰/۲/۸ از طرف انجمن مادران مسلمان کرج طی اطلاعیه ای از مردم برای برگزاری مراسم یادبود دعوت به عمل می آید، اما از همان ساعات اول مزدوران حزب حاکم سعی در متشنج کردن و بهم ریختن وضع شهر داشتند .

این افراد توسط محلاتی که از دست اندرکاران و طراحان حرکت‌های ضد مردمی چماقداران در طی ۲ سال گذشته درکرج می باشد سازماندهی و هدایت می شدند . اوباش و چماقداران حزب با بستن راه ارتباطی از ورود مردم به محله حصار جلوگیری کرده و سپس با چوب و سنگ به مردم حمله می کنند که با مقاومت مردم و میلیشیا مواجه شده و ناموفق می‌مانند .

بعد از آن مزدوران مسلح با انواع سلاح های گرم به حمایت از برادران چماقدار خود آمده و بدین نحو چماق داران در زیر آتش حمایتی پاسداران به مردم حمله کرده عده ای را مضروب و مجروح و دستگیر میکنند در این حمله ۱۰۰ نفر زخمی و حدود ۱۴۴ نفر از مردم دستگیر و خواهر مجاهد فاطمه کریمی به شهادت می رسد .

قسمتی از گزارش مجاهد شهید فاطمه کریمی در مورد سوابق ، فعالیت ها و نحوه‌ی آشنائیش با سازمان به خط خودش :



××××××

مختصری از زندگینامه‌ی میلیشیای قهرمان فاطمه کریمی

خواهر مجاهد فاطمه کریمی در سال ۱۳۴۲ در خانواده ای زحمتکش به دنیا آمد و از همان آغاز با رنج و محرومیت توده های تحت ستم آشنا گردید ازهمان روزهای آغاز انقلاب پا به پا و همگام با توده های مردمی که از ظلم و ستم رژیم شاه به تنگ آمده بودند به مبارزه پرداخت . او در طول انقلاب با اهداف و آرمان مجاهدین خلق آشنا شد فاطمه بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل جنبش ملی مجاهدین

به صفوف خواهران و برادران مجاهدش پیوست نظم و انضباط از ویژگی های بارز او بود و به کوهنوردی علاقه بسیار داشت .

در جریان تهاجم مزدوران ارتجاع حاکم و در اثر ضربات چوب و چماق آنان در حالیکه در اثر ضربه‌ی وارده به سرش دیگر توان حرکت نداشت ! دائما می گفت : میلیشیا پیروز است میلیشیا باید خون بدهد آمریکا و ارتجاع از همین خونها می‌ترسند ... کی می‌شود سازمان به ما اجازه ی دفاع بدهد .... او بعد از این حملات بیهوش شده و لحظاتی بعد در حین انتقال به تهران با قلبی آکنده از عشق به خلق و کینه‌ای عمیق نسبت به امپریالیسم و ارتجاع به شهادت می رسد .

اعتراضات داخلی و بین المللی به این شهادت ها :

اعتراض سازمانها و شخصیتهای بین المللی نسبت به شهادت ۵ مجاهد خلق بدست ایادی مسلح حزب جمهوری

در ادامه‌ی اعتراضات گسترده‌ی بین‌المللی بر علیه جنایتکاران حزب جمهوری بازهم شخصیت‌ها و سازمانهای دیگری طی تلگرافهائی خطاب به رئیس‌جمهور ... به شهادت ۵ مبارز مسلمان قهرمان اعتراض کرده‌اند. در زیر خلاصه‌ای از متن برخی از این اعتراضات را می‌خوانید:

تلگرام چند تن از گروه‌های مترقی و ضدامپریالیست در فرانسه به رئیس‌جمهور

... آقای رئیس جمهور ریاست جمهوری ایران!

دو سال است که از پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی خلق قهرمان ایران بر علیه رژیم دیکتاتور و جنایتکار شاه می‌گذرد و ما میل داشتیم تا بتوانیم فراز و نشیب انقلاب ایران را دنبال می‌کنیم... نیروهای انقلابی و به طور مشخص مجاهدین خلق ایران فریاد می‌کوبند و خواستار سرنگونی رژیم دیکتاتوری شده‌اند و با توسل به اعتصاب سیاسی و تظاهرات خیابانی و مسلحانه علیه رژیم ارتجاعی حاکم مبارزه می‌کنند. در همین دوره است که شما در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ با اعلام حکومت نظامی و ممنوعیت تظاهرات و اعتصابات سیاسی و با توسل به زور و سرکوب، انقلاب را به خون کشیدید و با ترور و اعدام رهبران انقلاب و مبارزین راه آزادی، خلق را به خاموشی و سکوت وادار کردید. شما با ترور و اعدام ۱۰ هزار نفر از مبارزین و مجاهدین خلق و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی،

اعتراض سازمانها و شخصیتهای بین المللی نسبت به شهادت ۵ مجاهد خلق بدست ایادی مسلح حزب جمهوری

... مسئولین دستگاهها برای بسیج افکار عمومی دست به دامن افراد مرموزه و ماجراجوی مسلح شده‌اند. واقعیات که اعضاء و هواداران یکی از بی‌گیرترین سازمان‌ها در مبارزه علیه استبداد و سلط طاغوتی، یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران متحملا هدف این خطلات می‌باشد. در لحظه‌ای گذشته مرکوب وحشیانه‌تر شده و کورکورانه دست به کشتار و ضرب و خرج زده‌اند. این نوع اعمال آینه‌ای خلق ایران و لجوجتر امیدهای آزادی‌بخش خلق‌های سیه‌روزبدی جهان را به خطر می‌اندازد.

مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی بی‌بی‌سی پاریس
۲۲ آوریل ۱۹۸۱

* * *

... بالاگرفتن اعمال خشونت‌بار و کشار مردم که توسط ماندهای مسلح تحت نظامی جناح‌داران صورت می‌گیرد، خطرورزگران کشیده‌می‌شود در فضی رابطه جوانب امور قائم‌شهر که منجر به مرگ جمعی زن می‌گیاه گردید، باسف عمیق ما را برانگیخت مسئولین واقعی این کشار یعنی دارید جامعه‌ی ایران را به انفجار بکشانند... فاجعه این خشونت‌ها کم‌ترین بهانه‌ای برای خدمت اساسی بخطر تام و خدمت زن به خصوص، قائل نیستند....

دفتر دفاع از حقوق بشر فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر فرانسه
۲۲ آوریل ۸۱

* * *

بالاخره تعدی از کشار ۵ تن از هواداران مجاهدین خلق ایران از خطه دختر نابرده باقی "سما سام" مطلع شدیم و این در حالیست که کمتر از ۲ هفته از کشار آیت‌الله خمینی می‌گذرد این که سال جدید سال "رحمت و مغفرت" صورت می‌گیرد...

ما که در گذشته از مقاومت خلق ایران در مقابله دیکتاتوری شاه و امپریالیسم حمایت کرده و ضرورتی ملت ایران را شریک گفتیم، امیدواریم که هرچه زودتر به جنایات سازمان داده شده ضربون حزب جمهوری اسلامی که به شهدا، بی‌ثبت اقتصادی و اجتماعی موجود را وخیم‌تر کرده، بلکه جامعه را به طرف بگذشت داخلی و کشار خلق ایران سوق می‌دهد، پایان داده شود.

کلود بوردت، وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه ـ میشل بوزیلار وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه
۲۵ آوریل ۱۹۸۱

* * *

شهادت دو خواهر مبلغ‌های قهرمان مجاهدین خلق و زخمی شدن چندین نفر توسط مزدوران فاشیست ارتجاع وابسته به حزب جمهوری بسان می‌دهد که مرتجعین حاضر برای تثبیت خود را در جهت جنگ افروزی و به خاطر به خاک و خون کشیدن تمام کشور به خصوص صفحات شمالی بکار گرفته‌اند....

انجمن دانشجویان مسلمان در اتحاد انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه

* * *

بر طبق اخبار واصله ... عده اقل دو نفر دیگر از خواهران مبلغ میان هواداران مجاهدین خلق به دست مرتجعین جنای بدست و بادداران به شهادت رسیدند. شهادت مظلومانه این مربیان خلق همراه با عده‌ای مصروب و مضروب باقی مانده به خودی خود سند رسوائی مرتجعین حاضر بسازی است که در به اصطلاح "سال رحمت و مغفرت!" صورت می‌گیرد...

انجمن دانشجویان مسلمان آلمان غربی

* * *

در تلگرام عملی دادگاه مردم که حکومت ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی با سرکوب آزادیخواهان مردمی استبداد مضاعفی را در ایران عمل داده‌اند... این بار برخلاف این حساب ددمنشی به خواهر مسلمان هوادار مجاهدین می‌باشد. ارتجاع قصد دارد صفحه‌ی تحلیل کشور ایران را به تاریکی و راسی این افراد به چه گناهی کشته می‌شوند؟ چه کسی باید پاسخگوی خون‌آن‌ها باشد؟ حد اقدامی در مقابل این گونه اعمال جاسلگارانه و ضد خلقی انجام گرفته است؟...

ایجادیه نیومبرگ دانشجویان ایرانی در برلن غربی، هیئت سوسیالیست سکی (ا.ی.ا.) به خواهر آلمان غربی، قصد مخبرنامه مطلع اتومبیلی ـ آلمان غربی، ایجادیه کارگران مرکبی ـ آلمان غربی، فدراسیون سازمان کارگران آلمان غربی، فدراسیون سازمان آزادی‌بخش خلق‌های دکتر کوبان ـ آلمان غربی، خبرنگار روزنامه دموکرات آلمان غربی، آقای آسوس راوح عضو دفتر سوسیالیست ـ فرانکفورت، آقای هانس براند عضو سندیکای کارگری آلمان غربی، آقای برن گنیه فاشیزم‌ضد خبرنگار روزنامه تاگس تاینونگ

تلگراف دفتر کل روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه دکتر بنی صدر در مورد مذاکرات اخیرشان با هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران.

جناب آقای ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری اسلامی ایران تهران ـ ایران

حزب سوسیالیست که سوسیالیست از مبارزه‌ی خلق ایران علیه دیکتاتوری شاه حمایت کرده‌است، نگرانی بسیار خویش را در مورد سرکوب شدیدی که علیه مجاهدین به خصوص در سال گذشته و تهدیدی که در مقابل تظاهرات روز در روز ۲۴ آوریل اعمال گردید، ابراز می‌دارد. از شما می‌خواهیم جهت جلوگیری از تداوم چنین اعمالی که با موازین بین‌المللی این مبارزات انجام گرفته، خواهشمندیم اعتراضات بسیار را بعمل آورید.

دبیر اجرایی بخش ـ دفتر کل روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه
۲۸ آوریل ۱۹۸۱

ویژه‌گی‌های تاریخی ذهنی حوزه‌ی مبارزاتی اسلام (۵)

بقیه از صفحه‌ی ۱۹

بررسی یک دیدگاه (۱)

پیرامون جدا کردن فلسفه توحیدی از عنصر عینی جامعه‌شناسانه آن

و ناهنجار از مبارزات مسلحانه و تحریرسان سازمان که از نوع "عادی" و بعضی و بعضی بر انگیزه‌ای "مقدس‌خواسته" بودند زولدا معدای "جنگ حق و باطل" نه بحار می‌روند، بسیار می‌باشد.

می‌بینیم که از دیدگاه نویسنده مبارزه‌ای "مقدس" و "ارزشمند" است که "نامسلمان" است و مبارزه "الله و ناسیده" بامگذاری "نبرد حق و باطل" محسوب می‌گردد. که ارتجاعها و مظاهرات طبقاتی فاطمی مسیری گرفته باشد و اصولا کاری به کار طبقات و اقشار و بهره‌کشی نداشته باشد! که گویی مقاصدی چون "حق و باطل"، "کفر و ایمان" و اصلا مفهوم این چنین مفاهیم ارزشی دارد که حاکم می‌بینند. و بهمین‌های آنها به کلی فاقد اساس عینی بوده و به اصطلاح نه گاو و گوسفند نروماده‌ان شیر می‌زاییده است!

ما در آینده در باره‌ی ماهیت طبقاتی "دوآلیسم" موجود در بطن نظرات نویسنده، که عین یک دیدگاه بسیره طلبانه‌ی خرده‌بورژوائی نسبت به جامعه و انسان بوده و از برقراری پیوند واقع‌گرایانه با جان سرورهای مادی و معنوی در زندگی اجتماعی و فردی انسان عاجز می‌ماند، به طور جداگانه بحث خواهیم کرد. در اینجا فقط روی این سئوال تاکید می‌کنیم که آیا به راستی از این نقطه نظرها می‌توان کتب؟

اینجاست که می‌توان به عمق مفهوم این پیام نهفته سنایتگذار "محمد حسنین‌زاده" پی برد که در آخرین روزهای حیات خود عمیقی دفاع از آرمانهای انقلابی توحیدی مجاهدین در بیداد گاههای نظامی شاه، منعطف به جوهر و روح عدالتخواهی این تئولوژی توجیه اداره بود، و عدالتی اسلام را از مبارزه طبقاتی در حکم خیانت به اسلام دانست.

اما این که نویسنده در ابتدای اظهارات خود چنین و مسیر تاریخ را جنگ طبقاتی و ضرورتی استثمار نوشتگان بر استثمارگشتگان دانسته و

تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان اروپا و آمریکا در اعتراض به کشتار مجاهدین خلق

خلاصه‌ای از قطعنامه‌های راهپیمائی

به‌دنبال اعتراض موج تهاجمات و کشتار سراسری اعضاء و هواداران مجاهدین خلق از ابتدای سال جاری یعنی سالی که توسط سردمداران حاکم "سال قانون"!! نامیده شده است. و به‌دنبال حملات عناصر وابسته به جناح حاکم و عاملین سلطه‌گر آمریکا به مقرهای مجاهدین در سراسر کشور و ترور ۱۴ شهید از مجاهدین برجسته و گمنام و بخصوص بعد از حملات جنایتکارانه رژیم به تظاهرات عظیم مردم در ۲۹ خرداد و ۱۳ تیر، انجمن دانشجویان مسلمان در اروپا و آمریکا در روزهای ۲۹ آوریل و ۱ مه (۹ و ۱۰ اردیبهشت) در ۱۲ شهر اروپا و آمریکا دست به تظاهرات زد.

در این تظاهرات که با شرکت خانواده‌های مجاهدین خلق و عده‌ای از دانشجویان و هواداران سازمان در شهرهای مختلف برگزار شد، قطعنامه‌ای به زبانهای مختلف قرائت و تصویب شد که خلاصه‌ای از آن را در زیر می‌خوانید.

در قطعنامه‌ها با اشاره به اوضاع جاری کشور و بخصوص وقایع اخیر، ضمن تأیید مفاد قطعنامه راهپیمائی عظیم مادران مسلمان در تهران، به جریان سیما راه نجات خواهان خلع ید از خون‌آشامی سه ارتجاعی حاکم شده‌اند، حاکمیتی که هجوم اخیرش عمدتاً به انهدام کانونهای سازمانی مجاهدین خلق و کشتار هواداران و سمپاتهای آنها منجر شده است، و با اشاره به اینکه این حملات وحشیانه در شرایطی صورت گرفته که سازمان مجاهدین خلق ایران در ۱۰ سال گذشته با تحمل ضربات سنگین و بی‌سابقه‌ای از سوی رژیم، همواره بر مواضع سیاسی و نظامی خود پافشاری کرده و با تکیه بر توان و نیروی خود و با اتکاء به مردم و بدون هیچ‌گونه وابستگی به هیچ قدرت خارجی، مبارزه مسلحانه خود را علیه رژیم ادامه داده است، قطعنامه‌ها خواستار قطع آنی فروش‌های ارتجاعی و محاکمه عاملین سفاحه شده و شهدا و عاملین و آمرین کشتارها شده و تسلیح به ضرب و حرج و کشتار هواداران مجاهد به نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های زنان بین‌المللی اعلام دادخواهی و رسیدگی گردیده است.

همکاری مرتجعین انجمن به اصطلاح اسلامی با پلیس فاشیست آمریکا

در خاتمه‌ی راهپیمائی در آمریکا ۲ تن از نمایندگان انجمن دانشجویان مسلمان با در دست داشتن قطعنامه‌ی تظاهرات و همچنین عکس بلندگوهای حمایت نیروهای مترقی و صدامپریالیست به طرف نمایندگی ایران واقع در سفارت الجزایر رفته و خواستار تحویل آنها به مقامات مسئول نمایندگی و مجازات به ایران شدند. اما به محض ورود نمایندگان دانشجویان، محافظین مسلح نمایندگی به دستور مسئولین خود به ضرب و شتم دانشجویان پرداخته و عکس‌ها را تحویل پلیس فاشیست آمریکا می‌دهند. پلیس آمریکا نیز وحشیانه با باتوم‌های کشنده به آنان حمله می‌کند. جالب توجه است که اعضاء انجمن‌های به اصطلاح اسلامی همراه با اعضای سفارت تلاش را برای عکسبرداری و شناسائی شرکت کنندگان در مراسم شروع کرده بودند که کاملاً اعمال ساواک و ایادی رژیم محسوب شده را بخاطر می‌آورد.

حمایت‌های گسترده‌ی بین‌المللی

نیروها و شخصیت‌های مترقی و ضدامپریالیست بسیاری در کشورهای مختلف با دادن پیام و یا تائید قطعنامه‌های راهپیمائی انجمن‌های دانشجویان مسلمان در اروپا و آمریکا و هم چنین با ارسال بلندگوهای اعتراضی به سفارات ایران از خواسته‌های عادلانه‌ی هواداران مجاهدین خلق پشتیبانی کرده‌اند. در شماره‌های گذشته و سر همین شماره بخش‌هائی از این حمایت گسترده‌ی بین‌المللی را منعکس کرده‌ایم. و در اینجا بدلیل کمبود جا صرفاً به ذکر اسامی برخی از آن سازمان‌ها و گروهها و شخصیت‌ها اکتفا می‌کنیم:

انگلستان:

- ناحیه سیاسی لرس
- جمهوریخواه ایرلند (تین ـ فین)
- جنبش چپ انقلابی شمالی در انگلستان (میر)
- طرفداران اتحادیه‌ی کارگران کاباتا در انگلستان
- فرد هالیده‌ی نویسنده‌ی مترقی انگلیسی
- نمایندگی کمونیست انقلابی (ا ر ـ س ـ ت)
- گروه کمونیست انقلابی (ا ر ـ ت ـ ز)
- انجمن دانشجویان عراقی ضد رژیم بعث عراق در انگلستان
- اتحادیه ملی صنعتگران
- اتحادیه عمومی کارگران مهندسی
- جمعیت زنان ضد امپریالیست

اعتراض ۵۸ نفر از قضات، وکلا و اساتید حقوق به کشتار جوانان به جرم فروش نشریه و بحث‌های سیاسی

بنام خدا

در این لحظه‌های حساس و بحرانی که ملت قهرمان و مسلمان ایران در حال جنگ با متجاوزان خارجی است و ضد انقلابیون و جهان‌خواران از گونه و کنار جهان در صددند تا انقلاب را به انحراف کشانند و به آن ضربه بزنند، و در زمانی که مردم ما باید همه‌ی توان خود را در راه مبارزه‌ی با دشمن مشترک خود بکار گیرند،

و سرانجام در طبیعه‌ی سالی که "سال حاکمیت و اجرای قانون" نامیده شده است، هرچند روز یک بار شنیده می‌شود که در گوشه‌ای از کشور جوانان و نوجوانان ما به بهانه‌های نامعقول، از قبیل روزنامه فروشی و بحث‌های سیاسی، فریبای دلگیری‌های خیابانی می‌شوند و با گلوله‌هایی که باید سینه‌ی دشمنان و غوای متجاوز را بشکافد به خاک و خون می‌غلطند. گسترش این گونه برخوردها در سراسر ایران و بروز و تشدید آن در تهران و شهرستانها، این نگرانی را بوجود می‌آورد که اوج برخوردها به جنگ‌های خیابانی و داخلی انجامد و از درون ما را زبون و ضربه‌پذیر سازد. بنابراین ما، نمی‌توانیم نگرانی و تأسف عمیق خود از تکرار این حوادث، به دولت که مسئول حفظ نظم و اجرای قانون و حفظ جان اشخاص است، هشدار می‌دهیم که وضعیت اصلی خود را صدای گروه‌گراشی‌ها نسازد و صدر علوگیری قاطع از متجاوزان به حاکیو آزادی عزیز با روحیه‌ی تحمل و ارشاد با مسائل عقیدتی و سیاسی برخورد کند و طرح بعضی مسائل جزئی بهانه‌ای اقدامی چنین خشن قرار نگیرد. از همه‌ی گروه‌های سیاسی نیز انتظار و تقاضا داریم که به خاطر مصالح ملی همه‌ی توان خود را در پرهیز از برخوردهای خشونت‌آمیز در آینده بکار گیرند. مباد که جنگ با متجاوزان و جهان‌خواران بصیر جهت دهد و آنش در خانه افتد.

دکتر ناصر کاتوزیان استاد دانشگاه و وکیل دادگستری ـ دکتر حواد شیخ‌الاسلامی استاد دانشگاه ـ رضا حائری وکیل دادگستری ـ سید نظام‌الدین محمدی وکیل دادگستری ـ نادر رضایی‌راد وکیل دادگستری ـ دکتر حسنعلی درودیان استاد دانشگاه ـ محمد بیک‌بابا وکیل دادگستری ـ دکتر سید عزت‌الله عراقی ـ استاد

بقیه در صفحه‌ی ۲۴

- پروفسور رابرت براونسک از دانشگاه لندن
- دکتر جان کلی از مدرسه اقتصاد لندن
- هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در انگلستان

آلمان:

- نامه‌ای با امضای ۱۵ گروه تحصن سیاسی آلمان

امریکا:

- سربازان سابق (در جنگ ویتنام) بر علیه جنگ
- طرفداران جنبش ملی لیبان در اوکلاهما
- کمیته‌ی همبستگی با نیکاراگوئه
- هواداران انقلاب فلسطین در بوستن بگراس
- کمیته همبستگی با السالوادور ـ آیواسپی
- اتحادیه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی در شهر دنیوب
- کمیته‌ی ضدفاشیستی با السالوادور
- رئیس و معاون کمیته‌ی ضدامپریالیستی دانشجویان ضدامپریالیست مرکز آمریکا
- رئیس دانشجویان نیجریه دانشگاه ایلینکلن
- رئیس کمیته‌های همبستگی با السالوادور در ناحیه خلیج سانفرانسیسکو، آمریکا.
- رودن مایکل کالوسی
- گروه وکلای ملی خوزه آیواسپی

فرانسه

- حزب سوسیالیست فرانسه (اعزام سورک)
- اتحادیه‌ی دانشجویان العراقی
- مرکز تحقیقات ضدامپریالیستی
- دبیرکل روابط خارجی حزب سوسیالیست فرانسه
- کانون وکلا
- هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در فرانسه

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۹



(مجاهد شهید منصور سایانی)

شهادت : مجاهد شهید منصور سایانی

تاریخ شهادت : ۸ / ۲ / ۱۳۶۰

محل شهادت : بندرعباس

نحوه‌ی شهادت : به ضرب شلیک گلوله توسط یک پاسدار

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران در باره شهادت ۵ ملیلیشیای مجاهد دیگر در نقاط مختلف کشور بدست چماقداران و ایادی مسلح مرتجعین انحصارطلب

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز ، مردم آگاه و شهیدپرور مازندران ، کرج، بندرعباس، و شهرکرد ، اخبار رسیده از نقاط مختلف کشور حاکیست که هر روز بر تعداد شهدای مجاهد خلق که در اثر موج اخیر کشتار مجاهدین توسط چماقداران حزب حاکم و حامیان مسلح آنان در نهادهای رسمی به خون پاکشان غلطیده اند افزوده می‌گردد .

شهدای والامقامی که هریک از پاک‌ترین و رشیدترین فرزندان آگاه و انقلابی خلق ستمدیده‌ی ایران بوده و جز وفاداری به اسلام راستین و انقلابی و مخالفت با عملکرد های ارتجاعی که بیشترین ضربه ها را بر پیکر انقلاب و حیثیت اسلام وارد کرده است گناهی نداشته‌اند .

همچنین قابل تأکید است که علیرغم دروغ پردازیهای شرم آور انحصارطلبان تمامی این شهدا با دست های خالی و در حال ابراز مخالفت کاملا مسالمت آمیز و یا در حین توزیع نشریه مجاهد هدف گلوله و چماق ایادی حزب حاکم قرار گرفته اند .

بنابرآخرین گزارشات واصله علاوه بر خواهران شهید سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی در قائمشهر و برادران شهید ودود پیراهنی و خلیل اجاقی در تهران که جریان شهادت آنان طی اطلاعیه های قبلی به اطلاع هموطنان رسیده است تا این لحظه یک خواهر و چهار برادر مجاهد در شهرهای کرج ، آمل ، قائمشهر، شهرکرد و بندرعباس به شرح ذیل به کاروان پرافتخار شهدای مجاهد خلق پیوسته اند .

۱ ــ میلیشیای قهرمان برادر مجاهد شهرام اسماعیلی دیپلمه در شهر قائم شهر وی در جریان حمله ی چماقداران و حامیان مسلح شان در تاریخ ۲ فروردین ۶۰ به محله‌ی آسیه کلا به ضرب گلوله ی یک پاسدار به خاک می افتد .

چماقداران پیکر مجروح اورا نیز با چماق هایی که بر سر آن میخ کوبیده بودند مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند و سپس از برابر چشم مردم می‌گریزند .

پیکر مجروح و مصدوم برادر مجاهد شهرام اسماعیلی توسط مردم به بیمارستان انتقال می یابد ولی معالجات بعمل آمده موثر واقع نشده و وی در تاریخ ۸ اردیبهشت ۶۰ به شهادت می رسد لازم به یادآوری است که مرتجعین مانع انتقال او به بیمارستانهای تهران شده بودند .

۲ ـ میلیشیای قهرمان خواهر مجاهد فاطمه کریمی دانش آموز دبیرستان در شهر کرج او در جریان حمله ی چماقداران به تظاهرات آرام مردم کرج در تاریخ ۸ اردیبهشت ۶۰ به منظور اعتراض به کشتار مجاهدین در قائمشهر ، در اثر اصابت سنگهای پرتاب شده از سوی چماقداران به سرش به جمع شهدای مجاهد خلق می پیوندد .

۳ ـ مجاهد شهید علی فتح کریمی (سرباز انقلابی نیروی هوایی) هوادار مجاهدین خلق ایران در شهرکرد. او در جریان حمله‌ی چماقداران و حامیان مسلح آنان به تظاهرات آرام مردم شهرکرد در تاریخ ۵ اردیبهشت ۶۰ به ضرب گلوله به خاک می افتد پیکر مجروح او جهت معالجه به اصفهان انتقال می یابد اما معالجات موثر واقع نشده و او در روز ۱۰ اردیبهشت ۶۰ در راه آرمانهای انقلابی و توحیدیش به شهادت می رسد .

۴ ـ میلیشیای قهرمان مجاهد شهید منصور سایانی دانش‌آموز سال سوم رشته‌ی ریاضی و فیزیک دبیرستان ابن سینا در بندرعباس که از جوانان فعال و مبارز این شهر در مبارزات انقلابی خلق علیه رژیم دیکتاتوری شاه خائن بود .

او و گروهی از همرزمانش در حالی که در چهلمین روز شهادت میلیشیای شهید صنم قریشی بر مزار او حضور یافته بودند مورد حمله ی چماقداران و پاسداران مسلح حامی آنان قرار می گیرند در جریان این حمله و بر اثر شلیک ناجوانمردانه پاسداری به نام کامران آقاحسینی نائینی از فاصله ی نزدیک ، برادر مجاهد منصور سایانی به خون پاکش در غلتیده و به شهادت می رسد .

۵ ـ مجاهد شهید عباس فرمانبردار از هواداران مجاهدین خلق در قائمشهر . او در جریان مراسم تشییع جنازه خواهران مجاهد سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی که در تاریخ ۲ / ۳ / ۶۰ باشرکت بیش از ده هزار نفر از مردم قائم شهر برگزار شد در اثر ترکش نارنجک پرتاب شده از سوی چماقداران وابسته به کمیته قائم شهر به شدت مجروح گردید . پیکر مجروح او جهت معالجه به تهران انتقال یافت اما معالجات بعمل آمده موثر واقع نگردید و برادر مجاهد عباس فرمانبردار در روز ۱۱ / ۶ / ۶۰ جمع شهدای مجاهد خلق پیوست .

بدین ترتیب با احتساب ۵ شهید مجاهد خلق که در دو هفته ی نخست سال جدید و به ضرب گلوله و یا دشنه ی چماقداران وحامیان مسلح آنان به شهادت رسیده اند ، شمار قربانیان موج کشتار مجاهدین در چهل روزه ی اخیر به چهارده تن بالغ می گردد. البته خبرهایی از شهادت برخی

مجروحین نیز رسیده است که در صورت اثبات و تایید متعاقبا به اطلاع مردم آگاه و انقلابی ایران خواهد رسید .

مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن این جنایات وحشیانه و ضدمردمی شهادت این فرزندان آگاه و انقلابی خلق را به عموم هموطنان عزیز به ویژه خانواده های داغدار شهدا تبریک و تسلیت می گویند و اطمینان می دهند که راه پرافتخار و مقدس آنان را که همانا راه اسلام راستین و انقلابی است تاپیروزی نهایی انقلاب و رهایی کامل خلق و تحقق جامعه ی بی طبقه ی توحیدی ادامه خواهد یافت .

هم چنین مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن تبلیغات شرم آور انحصارطلبان مبنی بر متهم نمودن مجاهدین وهواداران آنان به درگیری وایجاد تشنج ، یادآور می شوند که اگر تبلیغات جنایتکاران ساواک در رابطه با اعتراضات حق طلبانه ی خلق توانست مردم را بفریبد آنان نیز در این نیرنگ های عوامفریبانه توفیق خواهند یافت به راستی چگونه است که مرتجعین و ایادی مسلح آنان پیوسته با انواع سلاح های سرد و گرم بر مجاهدین و مردم حمله ور می شوند ، اما در عین حال کسانی را که در تظاهرات آرام یا درحین توزیع نشریه به خاک و خون می غلطند به ترک مبازه ی مسلحانه دعوت می کنند !!

مگر نه اینست که تمامی این شهدا در حال توزیع نشریه یا در حال راه پیمایی و اعتراض کاملا آرام و مسالمت آمیز به ضرب گلوله‌ی عمال مسلح انحصارطلبان به خاک و خون غلطیده اند؟

پس در واقع این حزب حاکم و ایادی چماق دار آن هستند که باید چماق و اسلحه را در برابر خلق بر زمین گذارند و این همه خون جوانان بی گناه و انقلابی این مرزو بوم را بر خاک نریزند و گرنه بدیهی است که سرانجام از این خونهای پاک سیلاب‌ها برخواهد خاست و آتش خشم مردم بر علیه جنایتکاران و ستمگران برافروخته تر خواهد گردید چرا که مردم مبارز و انقلابی این میهن در جریان سالهای طولانی مبارزه بر علیه یکی از غدارترین و سفاک ترین رژیم های تاریخ آبدیده شده و آگاهی ها و تجارب فراوان اندوخته اند و چنین مردمی را به تهدید و ارعاب به دروغ و دغل و تبلیغات شاهانه از پای ننشانده و قادر به فریب آنان نیز نخواهد بود و بنا به سنن خدشه ناپذیر تاریخ و مشیت محتوم الهی سرانجام تمامی دغلبازان و جنایتکاران جز خسران و تباهی نیست

و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران

۱۲ اردیبهشت ۶۰

××××××

نشریه مجاهد ۱۱۹

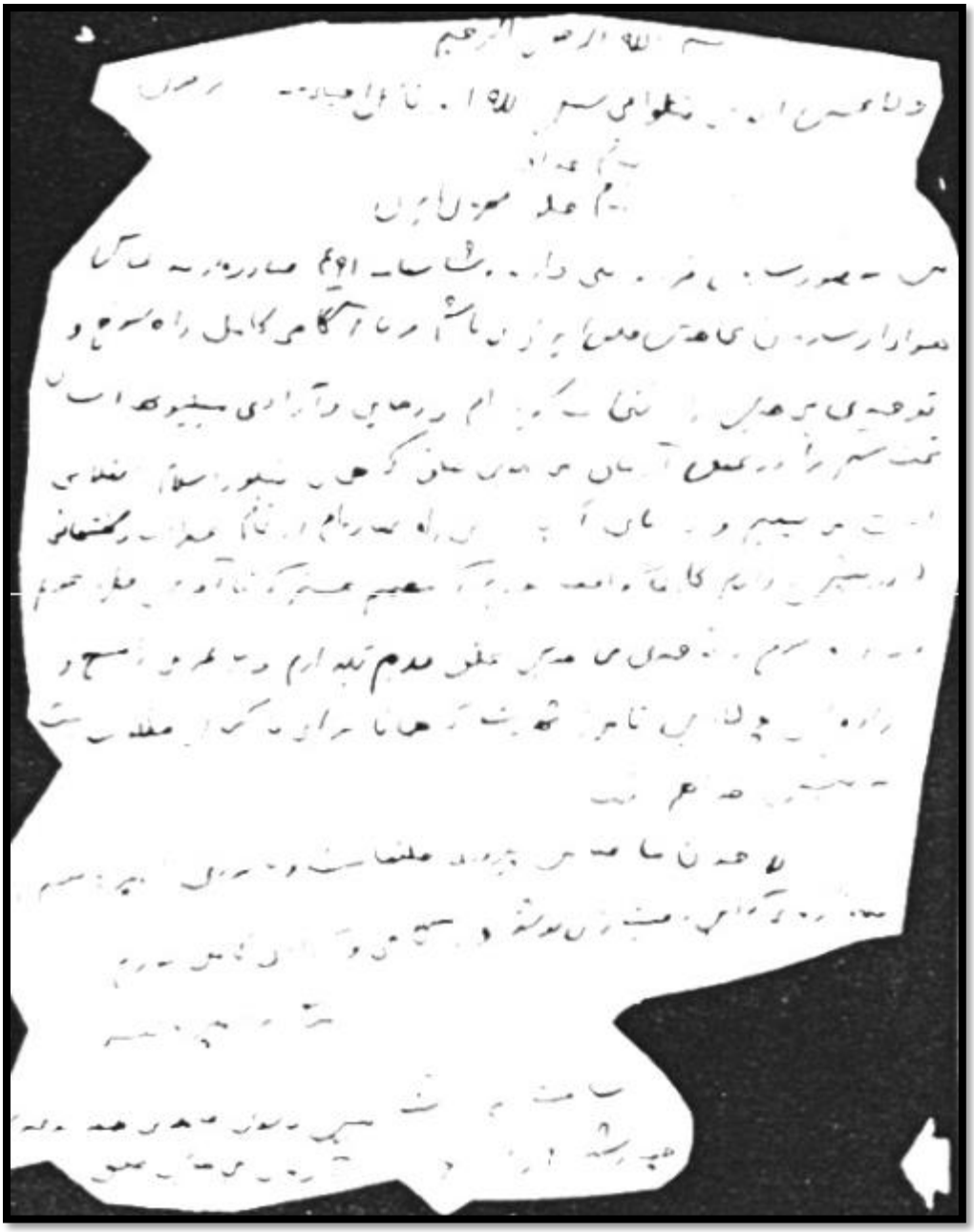
مجاهد شهید منصور سایانی

من منصور سایانی با آگاهی کامل راه سرخ و توحیدی مجاهدین را انتخاب کرده و رهایی و آزادی میلیونها انسان تحت ستم را در تحقق آرمان مجاهدین خلق که همانا تبلور اسلام انقلابی است می بینم .

از زمانی که پا در این راه نهاده ایم ازتمام خطرات و سختی هایی که در پیش دارم کاملا واقف بودم و مصمم هستم تا آخرین قطره ی خونم در راه سرخ و توحیدی مجاهدین خلق قدم بگذارم و با عزمی راسخ و اراده ای پولادین تا مرز شهادت که همانا برای ما کمال مطلوب است به پیش خواهم رفت .

خون ما ضامن پیروزی خلق هاست و نابودی امپریالیسم

بخشی از وصیت نامه مجاهد شهید منصور سایانی که قبل از شهادتش نوشته است :



میلیشیای قهرمان منصور سایانی دانش آموز سال سوم دبیرستان ابن سینا در بندرعباس و از جوانان فعال و مبارز این شهر در مبارزات انقلابی خلق در دیکتاتوری شاه خائن بود او و گروهی از همرزمانش در حالی که در چهلمین روز شهادت میلیشیای شهید صنم قریشی بر مزار او حضور یافته بودند مورد حمله‌ی چماقداران مزدور و پاسداران مسلح حامی آنان قرارمی‌گیرند. درجریان این حمله و بر اثر شلیک ناجوانمردانه‌ی پاسداری به نام کامران آقاحسینی نائینی از فاصله‌ی نزدیک منصور به خون پاکش در غلطیده و به شهادت می رسد پاسداران شب منصور را به

شهادت رساندند اما آنان مانند تمامی مرتجعین تاریخ از درک این حقیقت تابناک غافل بودند که

خون هر انقلابی مشعلی خواهد شد فرا راه رهایی و آزادی خلق

یادش گرامی و جاودانه باد

کارت پاسداری کامران آقاحسینی نائینی قاتل مجاهد شهید منصور سایانی



اعتراضات داخلی و بین المللی به این شهادت ها :

اعتراض سازمانها و شخصیتهای بین المللی نسبت به شهادت ۵ مجاهد خلق بدست ایادی مسلح حزب جمهوری

در ادامه‌ی اعتراضات گسترده‌ی بین‌المللی بر علیه جنایتکاران حزب جمهوری سازمانها و شخصیت‌های دیگری طی تلگرافهائی خطاب به رئیس‌جمهور ... به شهادت ۵ مسلمان قهرمان اعتراض کرده‌اند. در زیر خلاصه‌ای از متن برخی از این اعتراضات را می‌خوانید:

تلگرام چند تن گروه مترقی وضد امپریالیست در فرانسه به رئیس‌جمهور

... آقای رئیس جمهور ریاست جمهوری ایران!

دو سال است که از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی خلق قهرمان ایران بر علیه رژیم دیکتاتور و جنایتکار شاه می‌گذرد و ما میل نداشتیم با تبلیغاتی فراتر بحولات اوضاع ایران را دنبال می‌نمودیم... نیروهای انقلابی و به طور مشخص مجاهدین خلق ایران فریادی بودند که علیه حزب جنایتکار حاکم قدرت را به طور غیر مشروع به انحصار خود در آورده‌اند اعتراض می‌کنیم...

شما در پی وقایع ۵ مارس گذشته به هوی مسئولین واقعی را می‌شناسید اما سکوت با وجود ده‌ها فریادی و هزاران وعده داده شده بود که امسال سال "تلطیف" "مهربانی" و "محبت" و "عدالت" باشد. در حالی که صور جدی ارسال جدید طرفداران سازمان مجاهدین خلق ایران شهید شدند. بحوی‌که این انقلابیون جوان شهید گشته‌اند باعث می‌گردد که یک جریان سازمان‌دهی شده در پشت تمام این حرکات ضد خلقی می‌باشد. اگر برای جلوگیری از آن‌ها اقدام نشود بحروی حامعه به درجه‌ی انفجار خواهد رسید...

ایجاد پایگاه‌های سیاسی انقلابی در شهر دمکراتیک

"ماکسنس ۵ نفر از طرفداران مجاهدین خلق ایران را توسط عناصر ارتجاعی محکوم می‌کنیم. ما قویا اعتقاد داریم جناح‌داری یک اقدام غیر دموکراتیک است که آزادی مردم ایران و سازمان های رهبری انقلابی (که این وظیفه در سطح هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باشد) صحیح کوبه اقدامی ماکیون دموکراسیک بگردیم.

... از شما می‌خواهیم به سطور بالا دقت و محاکمه‌ی مسئولین این سرکوب که در صدر حزب حاکم قرار دارند داخالت کنید. در غیر این صورت نمی‌توان این سال را سال برقراری قانون نام‌گذاری کرد.

... ایجاد پایگاه علنی جوانان الجزایر ـ بخش برده، دیپارتمان دانشجوئی اعربطانی در فرانسه برده، اتحاد ملی دانشجویان مراکشی ـ برده، اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی ـ برده

۲۹ آوریل ۱۹۸۱

* * *

"وعده داده شده بود که امسال سال "تلطیف" "مهربانی" و "محبت" و "عدالت" باشد. در حالی که صور جدی ارسال جدید طرفداران سازمان مجاهدین خلق ایران شهید شدند. بحوی‌که این انقلابیون جوان شهید گشته‌اند باعث می‌گردد که یک جریان سازمان‌دهی شده در پشت تمام این حرکات ضد خلقی می‌باشد. اگر برای جلوگیری از آن‌ها اقدام نشود بحروی حامعه به درجه‌ی انفجار خواهد رسید...

ایجاد پایگاه‌های سیاسی انقلابی در شهر دمکراتیک

"ماکسنس ۵ نفر از طرفداران مجاهدین خلق ایران را توسط عناصر ارتجاعی محکوم می‌کنیم. ما قویا اعتقاد داریم جناح‌داری یک اقدام غیر دموکراتیک است که آزادی مردم ایران و سازمان های انقلابی را تهدید می‌کند...

سازمان دانشجویان عرب منطقه‌ی یوم ـ کمیته برای فلسطین دموکراتیک هوستون

* * *

"شک از فاصله‌ی بردیک به نفر یک فروشنده‌ی بنزین، "صبح فرنسی" در رمز، اعمال بی‌رحمانه‌ای می‌باشد که دنیا انتظار دیدن آن‌ها را از طرف رژیم هوی‌آشام السالوادور دارد. ما ازنشدن وجود چنین اعمالی در ایران انقلابی به‌حتی شوک نشدیم...

کمیته همبستگی با خلق السالوادور (آیوا سیتی)

* * *

"سلما مسائلی مانند بیزاری به نفر یک دختر میلیتیا به جرم فروختن بنزین مجاهد در خیابان می‌باشد توجیهی به وسیله‌ی حزب جمهوری اسلامی که حمایت کننده وشکل دهنده‌ی بیهکاران نیرویست می‌باشد داشته باشد سیاست‌های انحصارطلبانه‌ی حزب جمهوری اسلامی با آرزوی ایران در سطح جهانی و بحران‌های وخیم اقتصادی در درون جامعه گردیده است و همین طور باعث تحریک رژیم بحاورگر برای گردید...

ـ پاریان دانشجویان عرب در پنج پوهر پاکلاسیو

ـ نیویس برجسته خلق در اوکلند ـ کالیفرنیا

* * *

"به عنوان میتحبان صرفی ما از گزارشات اخیر مبنی بر بروز حدود ۵ نفر از مجاهدین مطلعیم، ما دولت شما را در عمل به هر گونه اقدام ضروری برای مبارزه از بکار و گسترش جنبش مقاومت‌های آشکار و مخفی در برابر سرکوب‌های که به نظر می‌رسد به خصوص علیه مجاهدین برعلیه باقیه است ترغیب می‌کنیم...

میلیس ـ ا. وی‌سی

دبیرخانه برنامه‌ی گسترده برای عمل و ارتباط در آمریکا ـ واشنگتن

* * *

"به عنوان حمایت کنندگان ایران ما نسبت بگران حوادث اخیر ایران می‌باشیم. سندی خبرهائی در رابطه با رشد تروریسم باعث بررسانی و نگرانی ما گردیده است. به عنوان نمونه در چند روز گذشته تعدادی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران به طرز دهشتی به قتل رسیده‌اند...

وکیل حقوقی مبرقی در امریکا ـ پدریکور ـ ماریورگ

* * *

... اصار نگران کننده‌ای که حاکی از آنست که به دنبال حملات جناح‌داران حزب حاکم ۵ تن از هواداران مجاهدین خلق ایران به شهادت رسیده‌اند... ما برای آینده‌ی انقلاب ضد امپریالیستی خلق ایران نگران بوده و معتقدیم که ادامه‌ی چنین اعمالی بدون این که مانعی آن دستگیر نشود، باعث انفجار و ناپودی جامعه خواهد شد.

ـ مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی (سی دی سی) ـ استراسبورگ ۲ـ حزب سوسیالیست فرانسه ـ استراسبورگ ۳ـ فدراسیون وکلای استراسبورگ ۴ـ وکیل ژان ـ ژاک زیول ۵ـ جنبش ضد نژادپرستی و دوستی خلق‌ها

بقیه در صفحه‌ی ۲۰

اعتراضات گسترده شخصیتها وگروههای مختلف کشور

به دنبال حملات وحشیانه‌ی ایادی جنایتکار و مسلح حزب جمهوری در شهرهای مختلف کشور و کشتار بیرحمانه‌ی موج گسترده‌ی اعتراض سراسر میهنمان را در بر گرفت. در این میان بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌ها، ضمن تنبر انقلابیهای این جنایات ناجوانمردانه را محکوم و خواستار خلوگیری از ادامه‌ی این جنایات گردیدند. در زیر به قسمتهائی از برخی از این اطلاعیه‌ها اشاره می‌نمائیم.

نظر آیت‌الله عالمی

بسمه‌تعالی

درچند روز اخیر شاهد برگزاری مراسمی از سوی بعضی گروههای سیاسی غیر مذهبی با اعاره‌ی رسمی وزارت‌کشور بودیم البته در چنین مسأله‌ای اشکال خاصی دیده نمی‌شود اما این سوال مطرح است و جای بسی تعجب! که چگونه است که حزبی هم‌چون حزب توده با آن سوابق جنایت‌بار که بر هیچ کس پوشیده نیست تنها به دلیل خایطوسی در برابر حزبان انحصارطلب اجازه‌ی رسمی مراسم می‌یابد؟ اما جوانان مسلمان انقلابی که بارها شهادتین خود را سر بر زبان رانده‌اند به جرم ایستادگی در برابر انحرافات، کجیها روی‌ها و سرکوب آزادی‌ها هرگز علی‌رغم تقاضاهای مکرر چنین اجاره‌ای نمی‌یابند. این امر به روشنی بیان می‌دهد که دعوای دست اندرکاران نه دعوای مکتب است بلکه دعوای قدرت طلبی است...

همدان محمدتقی عالمی

۶۰/۲/۱۲

اعتراض شدید استادان متعهد دانشگاه‌ها و مدارس عالی

در بیانگرد بهاجم ارتجاع به بیگر آزادی و در پی تلاش مذبوحانه‌ی مرتجعین حاکم در به تعطیل کشاندن مدارس و گسترش انقلاب فرهنگی" ۱۴ بهمن‌سال بحبرانی فرمانده‌ار قائم‌شهر و تحریک جنایتکاران و عناصر مسلح وابسته به حزب معلوم‌الحال حاکم، در خطه‌ی جنایتکاران به یکی از مجتمع‌های شهر، پاسداران و ایادی مسلح ضد مردمی، دو تن مسلمان قهرمان، خواهران مجاهد: رویا رحیمی و برزا (سمه) بهره‌خواهان را به شهادت رساندند و تعدادی‌دیگر از خواهران را به شدت مجروح ساختند. این خواهران هنگامی که به کمک دیگر خواهران و مادران از خانه و مجتمع خویش در تجاول بحوه عناصر مسلح و جنایتکار دفاع می‌کردند، مورد اصابت رگبار گلوله‌های فرمانده‌ی کشتی قائم‌شهر واقع شدند و پس ترتیب، حمایت دیگری بسم کارنامه‌ی ننگین انحصارطلبان حاکم اضافه شد.

۱۳۶۰/۲/۷

تلگراف جمعیت اقامه به رئیس‌جمهور

جناب آقای رئیس جمهور

اصاری که از شهرهای شمال کشور می‌رسد حکایت از درگیری و تسلیح شدید در آن حطه از میهنمان دارد. این درگیری‌ها در آمل و قائم‌شهر وبحد بیشتری دامنه و به خصوص در قائم‌شهر منجر به کشته و مجروح شدن چندین نفر شده است.

۱۳۶۰/۲/۳

بقیه در صفحه‌ی ۳۰

اعتراض سازمانها و شخصیتهای بین المللی نسبت به شهادت ۵ مجاهد خلق بدست ایادی مسلح حزب جمهوری

... مسئولین دستگاهها برای بسیج افکار عمومی دست به دامن افراد مرموزه و ماجراجوی مسلح شده‌اند. واقعیات که اعضاء و هواداران یکی از بی‌گیرترین سازمان‌ها در مبارزه علیه استبداد و سلط طارهی، یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران منعما هدف این حملات می‌باشد. در نقطه‌های گذشته مرکوب وحشیانه‌تر شده و کورکورانه دست به کشتار و ضرب و خرج زده‌اند. این نوع اعمال آینه‌ی خلق ایران و همچنین ایده‌های آزادی‌بخش خلق‌های سمودیده‌ی جهان را به خطر می‌اندازد.

مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی بی‌دفتر پاریس
۲۲ آوریل ۱۹۸۱

* * *

... بالاگرفتن اعمال خشونت‌بار و کشار مردم که توسط ماجراجوی مسلح شده نظامی جناح‌داران صورت می‌گیرد، خطرورزگران کشیده‌می‌شود در قلب روابط جوانب امیر قائم‌شهر که منجر به مرگ جمعی زن می‌گیاه گردید، باسف عمیق ما را برانگیخت. مسئولین واقعی این کشار یعنی دارید جامعه‌ی ایران را به انحطار بکشانند... قاطعین این خشونت‌ها کم‌ترین بهانه‌ای برای خرمت اساسی بخطر تام و خرمت زن به خصوص، قائل نیستند....

دفتر دفاع از حقوق بشر فرانسه سازمان مستقل مستقر فرانسه ۲۲ آوریل ۸۱

* * *

بالاخره تعدی از کشار ۵ تن از هواداران مجاهدین خلق ایران از خطه دختر نامزده مالک "شما ساع" مطلع شدیم و این در حالیست که کمتر از ۲ هفته از کشار آیت‌الله خمینی می‌گذرد. این کشار که در ۷ سال حدت سال رحمت و مغفرت و تحمل می‌نامد، می‌گذرد.

ما که در گذشته از مقاومت خلق ایران بر علیه دیکتاتوری شاه و امپریالیسم حمایت کرده و پیروزی ملت ایران را تبریک گفتیم، امیدواریم که هرچه زودتر به حیات سازمان داده شدن ضربون حزب جمهوری اسلامی که به سها، بن‌بست اقتصادی و اجتماعی موجود را وخیم‌تر کرده، بلکه جامعه را به طرف بگدهنگ داخلی و کشار خلق ایران سوق می‌دهد، پایان داده شود.

گلودبوده، وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه ـ میشل بوزیلار وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه
۲۵ آوریل ۱۹۸۱

* * *

شهادت دو خواهر مسلمان‌های قهرمان مجاهدین خلق و زخمی شدن چندین نفر توسط مزدوران فاشیست ارتجاع وابسته بحزب جمهوری بسان می‌دهد که مرتجعین حاضر کوشش خود را در جهت جنگ افروزی و به خاطر به خاک و خون کشیدن تمام کشور به خصوص صفحات شمالی بکار گرفته‌اند....

انجمن دانشجویان مسلمان در اتحاد انجمن دانشجویان مسلمان در فرانسه

* * *

بر طبق اخبار واصله ... عده اقل دو نفر دیگر از خواهران مسلمان هواداران مجاهدین خلق به دست مرتجعین جنای بدست و بازداران به شهادت رسیدند. بهادت مظلومانه‌ی این مرزندان خلق همراه با تندیا مسرور و مصدوم باقی مانده‌ا خودش خود سد رسوائی مرتجعین حاکم بسنای است که در ۷ سال اصطلاح "سال داوین!" "سال رحمت و مظلوم!" صورت می‌گیرد...

انجمن دانشجویان مسلمان آلمان غربی

* * *

در تلگرام عملی دادگاه مردم که حکومت ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی با سرکوب آزادیخواهان مردمی استداد جدیدی را در ایران عمل داده‌اند... این بار برخلاف این حاکمیت فاشیستی ۵ خواهر مسلمان هواداران مجاهدین می‌باشند. ارتجاع قصد دارد صفحه‌ی شمال کشور ایران را به خشکند و با این افراد به چه اتهامی کشته می‌شوند؟ چه کسی باید پاسخگوی خون‌ها باشد؟ حق اعتراض در مقابل این گونه اعمال جاسکارانه و ضد خلقی انجام گرفته است؟...

ایجادیه نیومبرگ
دانشجویان ایرانی، کشی در برلن غربی، عضو سوسیالیست سکی (A.I.S.) به خوم آلمان غربی، عضو مجریه محله اتومبیلی ـ آلمان غربی، ایجادیه کارگران مراکشی ـ آلمان غربی، فعالیت‌ها مبارزه کارگره آلمان غربی، فعله باها آزادی‌ی‌ی‌ک آلمان غربی، دکتر لوبار آ. فاسیس خبرنگار روزنامه دمکرا آلمان غربی، آقای آسوس راوع عضو دفتر سوسیالیستی ـ فرانکفورت، آقای فاسیس براست عضو سندکای کارگری آلمان غربی، آقای برو گنیه فاشیزم‌ی خبرنگار روزنامه ماکس ناتیونک

تلگراف دسترکل روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه دکتر بنی عضو در مورد مجاهدات اخیر هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران.

جناب آقای ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری اسلامی ایران تهران ـ ایران

حزب سوسیالیست که سوسیالیست از مبارزی خلق ایران پشتیبانی دیکتاتوری شاه خدمت کرده‌است، نگرانی بسیار خودش را در مورد سرکوب شدیدی که علیه مجاهدین به خصوص در شمال کشور و تهران در مخالفت زمان در روز ۲۴ آوریل اعمال گردید، ابراز می‌دارد. از شما می‌خواهیم جهت جلوگیری ماهی دستورات این بحارات اقدام فرمائید. خواهشمندیم اعتراضات بسیار ما را بپذیرید.

دریافت بفرمائید ـ دسترکل روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه
۲۸ آوریل ۱۹۸۱

درسگفتارهای تاریخی درک جریان و روابط اسلام (۵)

بقیه از صفحه‌ی ۱۹

بررسی یک دیدگاه (۱)

پیرامون جدا کردن فلسفه توحیدی از عنصر عینی جامعه‌شناسانه آن

و ناهنجار از مبارزات مسلحانه و تحریرسان سازمان که از نوع "عادی" و بعضی و بعضی بر انگیزه‌ای "مقصد جویانه" بوده‌اند زولدا معدای "جنگ حق و باطل" نه بحار می‌روند، بسیار می‌باشد.

بی‌نیست که از دیدگاه نویسنده مبارزه‌ای "مقدس" و "ارزشمند" است که "مبارزه کله وفی‌الله" و "نماینده‌ی باشگاری" "نبرد حق و باطل" محسوب می‌گردد. که ارتجاعها و مظاهرات طبقاتی فاطمی مسیری گرفته باشد و اصولا کاری به کار طبقات و استثمار و بهره‌کشی نداشته باشد! که گوئی طاهشی جز "حق و باطل"، "کفر و ایمان" و اصلا مفهوم دیگری ندارد. ارتجاع قصد دارد صفحه‌ی شمال کشور ایران را به خشکند و با این افراد به چه اتهامی کشته می‌شوند؟ چه کسی باید پاسخگوی خون‌ها باشد؟ حق اعتراض در مقابل این گونه اعمال جاسکارانه و ضد خلقی انجام گرفته است؟...

ایجادیه نیومبرگ
دانشجویان ایرانی، کشی در برلن غربی، عضو سوسیالیست سکی (A.I.S.) به خوم آلمان غربی، عضو مجریه محله اتومبیلی ـ آلمان غربی، ایجادیه کارگران مراکشی ـ آلمان غربی، فعالیت‌ها مبارزه کارگره آلمان غربی، فعله باها آزادی‌ی‌ی‌ک آلمان غربی، دکتر لوبار آ. فاسیس خبرنگار روزنامه دمکرا آلمان غربی، آقای آسوس راوع عضو دفتر سوسیالیستی ـ فرانکفورت، آقای فاسیس براست عضو سندکای کارگری آلمان غربی، آقای برو گنیه فاشیزم‌ی خبرنگار روزنامه ماکس ناتیونک

تلگراف دسترکل روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه دکتر بنی عضو در مورد مجاهدات اخیر هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران.

جناب آقای ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری اسلامی ایران تهران ـ ایران

حزب سوسیالیست که سوسیالیست از مبارزی خلق ایران پشتیبانی دیکتاتوری شاه خدمت کرده‌است، نگرانی بسیار خودش را در مورد سرکوب شدیدی که علیه مجاهدین به خصوص در شمال کشور و تهران در مخالفت زمان در روز ۲۴ آوریل اعمال گردید، ابراز می‌دارد. از شما می‌خواهیم جهت جلوگیری ماهی دستورات این بحارات اقدام فرمائید. خواهشمندیم اعتراضات بسیار ما را بپذیرید.

دریافت بفرمائید ـ دسترکل روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه
۲۸ آوریل ۱۹۸۱

اصلا معتبر طبقات استعمارگر حاکم می‌بیند. و پیچیدگی‌های آنها به تکلی فاقد اساس نبوده و به اصطلاح به گاو و گوسفند نروجمعدان تصریر می‌ریاضیده است!

ما در آینده در باره‌ی ماهیت طبقاتی "دوآلیسم" موجود در بطنی نکتیرات نویسنده، که عین نکته‌ی دیدگاه بسیره طلبانه‌ی خرده‌بورژوائی نسبت به جامعه و انسان بوده و از برقراری پیوند واقع‌گرایانه با سان ضرورتهای مادی و معنوی در زندگی اجتماعی و فردی انسان عاجز می‌باشد، به طور جداگانه بحث خواهیم کرد.

در اینجا فقط روی این سئوال تاکید می‌کنیم که آیا به راستی از این نقطه نظرها می‌توان

کتب؟

اینجاست که می‌توان به نحو مفهوم این پیام نهفته سایشگار "محمد حسین‌زاده" پی برد که در آخرین روزهای حیات خود جهت دفاع از آرمانهای انقلابی توحیدی مجاهدین در میدان‌گاههای نظامی شاه، متحصنه به جوهر و روح ضداستعماری ایدئولوژی موجود اشاره نمود، و ضداکردن اسلام را از مبارزه طبقاتی در حکم خیانت به اسلام دانست.

اما این که نویسنده در ابتدای اظهارات خود چنین و مسیر تاریخ را جنگ طبقاتی و پیروزی استثمار شوندگان بر استثمارکنندگان دانسته و

تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان اروپا و آمریکا در اعتراض به کشتار مجاهدین خلق

خلاصه‌ای از قطعنامه‌های راه‌پیمائی

بدنبال افزایش موج تهاجمات و کشتار سراسری اعضاء و هواداران مجاهدین خلق از ابتدای سال جاری بعنی سالی که توسط سردمداران حاکم "سال قانون"!! نامیده شده است. و بدنبال حملات جماعداران و عاملان سلطنت آنها که در فاصله‌ی یک ماه اخیر بالغون ۱۴ شهید از مجاهدین برجای گذارده‌است و بخصوص بعد از حملات جماعداران حزب حاکم به مردم آزاده‌ی قائم‌شهر که منجر به شهادت دو سیلنتای قهرمان فاطمی رحیمی و حمید مقدم‌جو گردید موج اعتراضات عمومی سراسر ایران را فرا گرفت. تظاهرات با شکوه تهران که به ابتکار "جمعیت مادران مسلمان" در تاریخ دوشنبه ۷/اردیبهشت / ۶۰ بدون اعلام رسمی برگزار شد قطعاً اوج این اعتراضات می‌باشد بود.

در حمایت از این راهپیمائی در تاریخ چهارشنبه ۹/اردیبهشت براتر با ۲۹ آوریل از طرف انجمن‌های دانشجویان مسلمان در اروپا و آمریکا به طور همزمان تظاهرات وسیعی در شهرهای واشنگتن (شرق آمریکا)، لس‌آنجلس (غرب آمریکا)، س. فرانسیسکو و برلن غربی (پارلمان غربی)، لندن، پاریس و استکهلم (سوئد) برگزار شد.

این تظاهرات به دعوت و با شرکت هواداران مجاهدین خلق و به همراهی سایر دانشجویان مبارز عموماً از مرکز شهرها آغاز شده و با یک راهپیمائی در مقابل نمایندگی‌های ایران در شهرهای مربوط ادامه یافت.

در طول راهپیمائی دانشجویان با حمل پلاکاردها و دادن شعار، خواسته‌های عادلانه‌ی خود را نسبی بر اعتراض به کشتار مجاهدین توسط عوامل مسلح ارتجاع در سراسر ایران و به ویژه در نواحی شمالی کشور و نیز پخش بیانیه‌ی از راهپیمائی شکوهمند "جمعیت مادران مسلمان" در روز دوشنبه در تهران به گوش جهانیان رسانده و اعمال فاشیستی حزب‌الرتجاعی حاکم را محکوم نمودند. این تظاهرات با قرائت قطعنامه در مقابل نمایندگی‌های ایران و تسلیم قطعنامه‌ها به نمایندگان دولت ایران در کشورهای فوق الذکر پایان یافت.

در قطعنامه‌ها با اشاره به اوضاع جاری کشور و بخصوص وقایع اخیر، ضمن ناشی معاد قطعنامه راهپیمائی جمعیت مادران مسلمان در تهران، به عنوان سپاه راه نجات خواهان خلع ید از حزب فاشیستی ـ ارتجاعی حاکم شده‌اند، حاکمیتی که همچون احمایوسی منفور با به‌انحصارکشیدن تمامی ارکان جامعه و همچنین جنایات و کشتارهای سمعانه‌ای که تاکنون بوسیله‌ی آبادی جماعدار و مسلح خود مرتکب شده لطمات جبران ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر جامعه وارد آورده‌است.

در پایان قطعنامه‌ها خواستار قطع آتش‌افروزی‌های ارتجاعی و محاکمه‌ی عاملین سماعه شده شهدا و غاصبین و آمرین کشتارها شده و سست به ضرب و طرح و کشار خواهران مجاهد به تمامی محاکم شرعی بین‌المللی و سازمان‌های زنان بین‌المللی اعلام دادخواهی و رسیدگی گردیده‌اند.

همکاری مرتجعین انجمن به اصطلاح اسلامی با پلیس فاشیست آمریکا

در خاتمه‌ی راهپیمائی در آمریکا ۲ تن از نمایندگان انجمن دانشجویان مسلمان با در دست داشتن قطعنامه‌ی تظاهرات و همچنین متن بلاگرافهای حمایت نیروهای مترقی و ضدامپریالیست به طرف نمایندگی ایران واقع در مقابل الجزایر رفته و خواستار تحویل آنها به مقامات مسئول نمایندگی و مجازیره به ایران شدند. اما به محض ورود نمایندگان دانشجویان، محافظین مسلح نمایندگی به دستور مستولین خود به ضرب و شتم دانشجویان پرداخته و بیانیه‌ها را بخوبی پلیس فاشیست آمریکا می‌دهند. پلیس آمریکا نیز وحشیانه با باطوم‌های کشنده به آنان حمله می‌کنند. جالب توجه است که اعضاء انجمن‌های باصطلاح اسلامی همراه با اعضای سفارت عده‌ای را برای عکسبرداری و شناسائی شرکت کنندگان در مراسم تسلیح کرده بودند که کاملاً اعمال ساواک و ایادی ریز منفور شاه را بخاطر می‌آورد.

حمایت‌های گسترده‌ی بین‌المللی

نیروها و شخصیت‌های مترقی و ضدامپریالیست بسیاری در کشورهای مختلف با دادن پیام و یا تائید قطعنامه‌ای راهپیمائی انجمن‌های دانشجویان مسلمان در اروپا و آمریکا و هم چنین با ارسال بلاگرافهای اعتراضی به مقامات ایرانی از خواسته‌های عادلانه‌ی راهپیمایان حمایت کردند.

در بیانیه‌های گذشته و نیز همین شماره بخش‌هائی از این حمایت گسترده‌ی بین‌المللی را منعکس کرده‌ایم. و در اینجا بدلیل کمبود جا صرفاً به ذکر اسامی برخی از آن سازمانها و گروهها و شخصیت‌ها اکتفا می‌کنیم.

انگلستان:

- ناحیه‌ی سیاسی لرس
- جمهوریخواه ایرلند (تین ـ فین)
- جنبش چپ انقلابی نپالی در انگلستان (میر)
- طرفداران اتحادیه‌ی کارگران کاپایا در انگلستان
- فرد هالیده‌ی نویسنده‌ی مترقی انگلیسی
- تندنیسی کمونیست انقلابی (ار ـ س ـ ت)
- گروه کمونیست انقلابی (ار ـ س ـ ز)
- انجمن دانشجویان عراقی ضد رژیم بعث عراق در انگلستان
- اتحادیه طلبی عمرنگاران
- اتحادیه عمومی کارگران مهندسی
- جمعیت زنان ضد ـ امپریالیست

اعتراض ۵۸ نفر از قضات، وکلا و اساتید حقوق به کشتار جوانان به جرم فروش نشریه و بحث‌های سیاسی

بنام خدا

در این لحظه‌های حساس و بحرانی که ملت قهرمان و مسلمان ایران در حال جنگ با متجاوزان مارحی‌است و ضد انقلابیون و جهان‌خواران از گوشه و کنار جهان در صدد به انقلاب را به انحراف کشانند و به آن ضربه بزنند، و در زمانی که مردم ما باید همه‌ی توان خود را در راه مبارزه‌ی با دشمنان مشترک خود بکار گیرند،

و سرانجام در طلیعه‌ی سالی که "سال حاکمیت و اجرای قانون" نامیده شده‌است، هرچند روز یک بار شنیده می‌شود که در گوشه‌ای از کشور جوانان ونوجوانان ما به بهانه‌های نامعقول، از قبیل روزنامه فروشی و بحث‌های سیاسی، قربانی درگیری‌های خیابانی می‌شوند و یا گلوله‌هایی که باید سینه‌ی دشمنان و هوای متجاوز را بشکافد به خاک و خون می‌غلطند. گسترش این گونه برخوردها در بندرعباس و قزوین و تهران و ماربدران این نگرانی را بوجود می‌آورد که اوج برخوردها به جنگ‌های خیابانی و داخلی انجامد و از درون ما را زبون و ضربه‌پذیر سازد. بنابراین ما، قضات ایران نگرانی و تاسف عمیق خود از تکرار این حوادث، به دولت که مسئول حفظ نظم و امنیت قانون و حفظ جان اشخاص است هشدار می‌دهیم که وضعیت اصلی خود را فدای گروه‌گرائی‌ها نسازد و ضمن جلوگیری قاطع از متجاوزان به جان و آزادی مردم با روحیه‌ی تحمل و ارشاد با مسائل عقیدتی و سیاسی برخورد کند و طرح بعضی مسائل جزئی بهانه‌ی اقدامایی چنین خشن قرار نگیرد. از همه‌ی گروه‌های سیاسی نیز انتظار و تقاضا داریم که به خاطر مصالح ملی همه‌ی توان خود را در پرهیز از برخوردهای خشونت‌آمیز در آینده بکار گیرند. مباد که جنگ با متجاوزان و جهان‌خواران خمیر جهت دهد و آتش در خانه افتد.

(دکتر ناصر کاتوزیان استاد دانشگاه و وکیل دادگستری ـ دکتر حواد شیخ‌الاسلامی استاد دانشگاه ـ رضا حاکار وکیل دادگستری ـ سید نظام‌میر محمدی وکیل دادگستری ـ نادر رضوی‌راد وکیل دادگستری ـ دکتر حسنعلی درودیان استاد دانشگاه ـ محمد بنک بنا وکیل دادگستری ـ دکتر سید عزت‌الله عراقی ـ استاد

بقیه در صفحه‌ی ۲۴

- پروفسور رابرت براونسک از دانشگاه لندن
- دکتر جان کلی از مدرسه اقتصاد لندن
- هواداران باریان جریکهای فدائی خلق ایران در انگلستان

آلمان:

- نامه‌ای با امضای ۱۵ گروه متخصص سیاسی آلمان

امریکا:

- سربازان سابق (در جنگ ویتنام) بر علیه جنگ
- طرفداران حسن علی لیبان در لوکلاهما
- کمیته‌ی همبستگی با سیکاراگوئه
- هواداران انقلاب فلسطین در بوستن نگران
- کمیته همبستگی با السالوادور ـ ایوانسی
- اتحادیه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی در شهر دیترویت
- کمیته‌ی متحد همبستگی با السالوادور
- رئیس و معاون کمیته‌ی دانشجویان ضد سلیتار بر فرآمریکا
- رئیس دپارتمان شیمی دانشگاه لیبکلن
- رئیس کمیته‌ی همبستگی با السالوادور در ناحیه غرب ساحل آمریکا، رودن مایکل کالوسی
- گروه وکلای ملی خورد آیوانسی

فرانسه

- حزب سوسیالیست فرانسه (اعتراضنامه)
- اتحادیه‌ی دانشجویان العرایری
- مرکز تحقیقات ضدامپریالیستی
- دبیرکل روابط خارجی حزب سوسیالیست فرانسه
- کانون وکلا
- هواداران باریان جریکهای فدائی خلق ایران در فرانسه

منبع : نشریه مجاهد به شماره ۱۱۹



شهادت : مجاهد شهید علی فتح کریمی

تاریخ شهادت : ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۰

محل شهادت : شهرکرد

نحوه‌ی شهادت : اصابت گلوله ژ ـ ۳ توسط یکی از مزدوران .

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران در باره شهادت ۵ ملیلیشیای مجاهد دیگر در نقاط مختلف کشور بدست چماقداران و ایادی مسلح مرتجعین انحصارطلب

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز ، مردم آگاه و شهیدپرور مازندران ، کرج، بندرعباس، و شهرکرد ، اخبار رسیده از نقاط مختلف کشور حاکیست که هر روز بر تعداد شهدای مجاهد خلق که در اثر موج اخیر کشتار مجاهدین توسط چماقداران حزب حاکم و حامیان مسلح آنان در نهادهای رسمی به خون پاکشان غلطیده اند افزوده می‌گردد .

شهدای والامقامی که هریک از پاک‌ترین و رشیدترین فرزندان آگاه و انقلابی خلق ستمدیده‌ی ایران بوده و جز وفاداری به اسلام راستین و انقلابی و مخالفت با عملکرد های ارتجاعی که بیشترین ضربه ها را بر پیکر انقلاب و حیثیت اسلام وارد کرده است گناهی نداشته‌اند .

همچنین قابل تأکید است که علیرغم دروغ پردازیهای شرم آور انحصارطلبان تمامی این شهدا با دست های خالی و در حال ابراز مخالفت کاملا مسالمت آمیز و یا در حین توزیع نشریه مجاهد هدف گلوله و چماق ایادی حزب حاکم قرار گرفته اند .

بنابرآخرین گزارشات واصله علاوه بر خواهران شهید سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی در قائمشهر و برادران شهید ودود پیراهنی و خلیل اجاقی در تهران که جریان شهادت آنان طی اطلاعیه های قبلی به اطلاع هموطنان رسیده است تا این لحظه یک خواهر و چهار برادر مجاهد در شهرهای کرج ، آمل ، قائمشهر، شهرکرد و بندرعباس به شرح ذیل به کاروان پرافتخار شهدای مجاهد خلق پیوسته اند .

۱ ـ میلیشیای قهرمان برادر مجاهد شهرام اسماعیلی دیپلمه در شهر قائم شهر وی در جریان حمله ی چماقداران و حامیان مسلح شان در تاریخ ۲ فروردین ۶۰ به محله‌ی آسیه کلا به ضرب گلوله ی یک پاسدار به خاک می افتد .

چماقداران پیکر مجروح اورا نیز با چماق هایی که بر سر آن میخ کوبیده بودند مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند و سپس از برابر چشم مردم می‌گریزند .

پیکر مجروح و مصدوم برادر مجاهد شهرام اسماعیلی توسط مردم به بیمارستان انتقال می یابد ولی معالجات بعمل آمده موثر واقع نشده و وی در تاریخ ۸ اردیبهشت ۶۰ به شهادت می رسد لازم به یادآوری است که مرتجعین مانع انتقال او به بیمارستانهای تهران شده بودند .

۲ ـ میلیشیای قهرمان خواهر مجاهد فاطمه کریمی دانش آموز دبیرستان در شهر کرج او در جریان حمله ی چماقداران به تظاهرات آرام مردم کرج در تاریخ ۸ اردیبهشت ۶۰ به منظور اعتراض به

کشتار مجاهدین در قائمشهر ، در اثر اصابت سنگهای پرتاب شده از سوی چماقداران به سرش به جمع شهدای مجاهد خلق می پیوندد .

۳ ـ مجاهد شهید علی فتح کریمی (سرباز انقلابی نیروی هوایی) هوادار مجاهدین خلق ایران در شهرکرد. او در جریان حمله‌ی چماقداران و حامیان مسلح آنان به تظاهرات آرام مردم شهرکرد در تاریخ ۵ اردیبهشت ۶۰ به ضرب گلوله به خاک می افتد پیکر مجروح او جهت معالجه به اصفهان انتقال می یابد اما معالجات موثر واقع نشده و او در روز ۱۰ اردیبهشت ۶۰ در راه آرمانهای انقلابی و توحیدیش به شهادت می رسد .

۴ ـ میلیشیای قهرمان مجاهد شهید منصور سایانی دانش‌آموز سال سوم رشته‌ی ریاضی و فیزیک دبیرستان ابن سینا در بندرعباس که از جوانان فعال و مبارز این شهر در مبارزات انقلابی خلق علیه رژیم دیکتاتوری شاه خائن بود .

او و گروهی از همرزمانش در حالی که در چهلمین روز شهادت میلیشیای شهید صنم قریشی بر مزار او حضور یافته بودند مورد حمله ی چماقداران و پاسداران مسلح حامی آنان قرار می گیرند در جریان این حمله و بر اثر شلیک ناجوانمردانه پاسداری به نام کامران آقاحسینی نائینی از فاصله ی نزدیک ، برادر مجاهد منصور سایانی به خون پاکش در غلتیده و به شهادت می رسد .

۵ ـ مجاهد شهید عباس فرمانبردار از هواداران مجاهدین خلق در قائمشهر . او در جریان مراسم تشییع جنازه خواهران مجاهد سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی که در تاریخ ۲ / ۳ / ۶۰ باشرکت بیش از ده هزار نفر از مردم قائم شهر برگزار شد در اثر ترکش نارنجک پرتاب شده از سوی چماقداران وابسته به کمیته قائم شهر به شدت مجروح گردید . پیکر مجروح او جهت معالجه به تهران انتقال یافت اما معالجات بعمل آمده موثر واقع نگردید و برادر مجاهد عباس فرمانبردار در روز ۱۱ / ۶ / ۶۰ جمع شهدای مجاهد خلق پیوست .

بدین ترتیب با احتساب ۵ شهید مجاهد خلق که در دو هفته ی نخست سال جدید و به ضرب گلوله و یا دشنه ی چماقداران وحامیان مسلح آنان به شهادت رسیده اند ، شمار قربانیان موج کشتار مجاهدین در چهل روزه ی اخیر به چهارده تن بالغ می گردد. البته خبرهایی از شهادت برخی مجروحین نیز رسیده است که در صورت اثبات و تایید متعاقبا به اطلاع مردم آگاه و انقلابی ایران خواهد رسید .

مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن این جنایات وحشیانه و ضدمردمی شهادت این فرزندان آگاه و انقلابی خلق را به عموم هموطنان عزیز به ویژه خانواده های داغدار شهدا تبریک و تسلیت می گویند و اطمینان می دهند که راه پرافتخار و مقدس آنان را که همانا راه اسلام راستین

و انقلابی است تاپیروزی نهایی انقلاب و رهایی کامل خلق و تحقق جامعه ی بی طبقه ی توحیدی ادامه خواهد یافت .

هم چنین مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن تبلیغات شرم آور انحصارطلبان مبنی بر متهم نمودن مجاهدین وهواداران آنان به درگیری وایجاد تشنج ، یادآور

می شوند که اگر تبلیغات جنایتکاران ساواک در رابطه با اعتراضات حق طلبانه ی خلق توانست مردم را بفریبد آنان نیز در این نیرنگ های عوامفریبانه توفیق خواهند یافت به راستی چگونه است که مرتجعین و ایادی مسلح آنان پیوسته با انواع سلاح های سرد و گرم بر مجاهدین و مردم حمله ور می شوند ، اما در عین حال کسانی را که در تظاهرات آرام یا درحین توزیع نشریه به خاک و خون می غلطند به ترک مبازه ی مسلحانه دعوت می کنند !!

مگر نه اینست که تمامی این شهدا در حال توزیع نشریه یا در حال راه پیمایی و اعتراض کاملا آرام و مسالمت آمیز به ضرب گلوله‌ی عمال مسلح انحصارطلبان به خاک و خون غلطیده اند؟

پس در واقع این حزب حاکم و ایادی چماق دار آن هستند که باید چماق و اسلحه را در برابر خلق بر زمین گذارند و این همه خون جوانان بی گناه و انقلابی این مرزو بوم را بر خاک نریزند و گرنه بدیهی است که سرانجام از این خونهای پاک سیلاب‌ها برخواهد خاست و آتش خشم مردم بر علیه جنایتکاران و ستمگران برافروخته تر خواهد گردید چرا که مردم مبارز و انقلابی این میهن در جریان سالهای طولانی مبارزه بر علیه یکی از غدارترین و سفاک ترین رژیم های تاریخ آبدیده شده و آگاهی ها و تجارب فراوان اندوخته اند و چنین مردمی را به تهدید و ارعاب به دروغ و دغل و تبلیغات شاهانه از پای ننشانده و قادر به فریب آنان نیز نخواهد بود و بنا به سنن خدشه ناپذیر تاریخ و مشیت محتوم الهی سرانجام تمامی دغلبازان و جنایتکاران جز خسران و تباهی نیست

و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران

۱۲ اردیبهشت ۶۰

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۹

مجاهد شهید سرباز انقلابی نیروی هوایی علی فتح کریمی

مجاهد شهید علی فتح کریمی در خانواده ای زحمتکش به دنیا آمد روزها کار می کرد و شب ها به تحصیل می‌پرداخت و بدین نحو تا کلاس نهم درس خواند .

علی فتح در هنگام انقلاب فعالانه در راه پیمایی‌ها شرکت می کرد و در همان هنگام بود که با مجاهدین خلق آشنا شد . او بعد از پیروزی انقلاب بر فعالیتهای خود افزود و ضمن مطالعه و آموزش با شرکت در بحث های گوناگون و در اجتماعات مردم شهرکرد به نشر آگاهی و تبلیغ آرمان مجاهدین پرداخت بارها می گفت :

آرمان مجاهدین انسان را زنده و سرمست از عشق به خدا و خلق محروم می کند .

او در سال ۵۹ به سربازی اعزام شد و در آنجا نیز به رغم اختناق موجود از فعالیت آگاه کننده دست برنداشت . علی کینه‌ای عمیق نسبت به غارتگران منافع و ثروت های خلق داشت روزی در پاسخ پدرش که وی را به سر و سامان دادن زندگی نصیحت کرده بود چنین می گوید :

باید دست به عمل زد و منافع پایمال شده‌ی خلق را باز پس گرفت فعالیت های انقلابی سیاسی در جهت امحا نظام های طاغوتی که بر علیه مردم و برخلاف منافع ستمدیدگان دست دوستی به دشمنان خلق می دهند یک وظیفه ی انقلابی است .

علی فتح هنگامی که به شهرکرد آمده بود در آخرین روز مرخصیش یعنی در روز شنبه ۵/ اردیبهشت / ۶۰ هنگامی که در صفوف مردم در راهپیمایی اعتراض آمیزی که نسبت به کشتار مجاهدین در قائمشهر ترتیب یافته بود در مقابل دفتر حزب جمهوری مورد اصابت گلوله ی ژ-۳ مزدوران حزب ارتجاعی حاکم قرار گرفته و از ناحیه طحال و کلیه به شدت آسیب می بیند .

برادر مجاهد علی فتح کریمی بعد از ۵ روز مقاومت و بعد از تلاش های بی دریغ پزشکان پرستاران و کارکنان شریف و فداکار بیمارستان مصدق شهرکرد و اصفهان بعلت عمق جراحات وارده در سحرگاه پنجشنبه ۱۰/ اردیبهشت/۶۰ به کاروان شهدای مجاهدین خلق می پیوندد . بی تردید خلق قهرمان ما اجازه نخواهد داد که خون این عزیزان پایمال گردد و انتقال آنان به فراموشی سپرده شود .

اعتراضات داخلی و بین المللی به این شهادتها در نشریه مجاهد ۱۱۹

اعتراض سازمانها و شخصیتهای بین المللی نسبت به شهادت ۵ مجاهد خلق بدست ایادی مسلح حزب جمهوری

در ادامه‌ی اعتراضات گسترده‌ی بین‌المللی بر علیه جنایتکاران حزب جمهوری بازهم شخصیت‌ها و سازمان‌های دیگری طی تلگراف‌هائی خطاب به رئیس‌جمهور ... به شهادت ۵ مجاهد خلق اعتراض کرده‌اند. در زیر خلاصه‌ای از متن برخی از این اعتراضات را می‌خوانید:

تلگرام چند تن گروه مترقی وضد امپریالیست در فرانسه به رئیس‌جمهور

آقای رئیس جمهور ریاست جمهوری ایران!

دو سال است که از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی خلق قهرمان ایران بر علیه رژیم دیکتاتور و جنایتکار شاه می‌گذرد و ما میل نداشتیم با تبلیغاتی فراتر بحوادث اوضاع ایران را دنبال می‌نمودیم... نیروهای انقلابی و به طور مشخص مجاهدین خلق ایران قربانی سرکوب وحشیانه و سیستماتیکی هستند که این سرکوب به وسیله‌ی جنایتکاران فرومایه‌ای که در حزب جنایتکار حاکم قدرت را به طور غیر مشروع به انحصار خود در آورده‌اند انجام می‌گیرد...

شما در پی وقایع ۵ مارس گذشته به هوش مسئولیتی واقعی را می‌نمائید اما سابقه‌ی ما وجود ده‌ها قربانی و هزاران رهبر جمهوری اسلامی با نیروی توده‌ای خلق در سطح جهانی و جنبش‌های وسیع استقلالی در درون جامعه گردیده است و همین طور باعث تحریک رژیم بحاکم برای کودتا...

- بازپرس دادگستری حزب جمهوری اسلامی
- نیروی برجسته خلق در اوکلند - کالیفرنیا

* * *

"به عنوان میهمان سیاسی ما از گزارشات اخیر مبنی بر بروز حدود ۵ نفر از مجاهدین مطلعیم، ما دولت شما را در عمل به هر گونه اقدام ضروری برای مبارزه با تروریسم و گسترش جنبش دمکراتیک های استار و سعدد بروزرسانی که به نظر می‌رسد به خصوص علیه مجاهدین برخلاف قانون است ترغیب می‌کنیم..."

سیلیت - ا - وی‌سی
سرپرست برنامه‌ی گسترده برای عمل و ارتباط در آمریکا - واشنگتن

* * *

"به عنوان حمایت کنندگان ایران ما نسبت بگران حوادث اخیر ایران می‌باشیم. سندی خبرهائی در رابطه با رشد تروریسم باعث بررسانی و نگرانی ما گردیده است. به عنوان نمونه در چند روز گذشته تعدادی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران به طرز دهشتی به قتل رسیده‌اند..."

وکیل حقوقی سرخی در امریکا - پدریکور - ماریورگ

* * *

... اعتراض‌گران کشته‌ای که حاکی از آنست که به دنبال حملات جناح‌داران حزب حاکم ۵ تن از هواداران مجاهدین خلق ایران به شهادت رسیده‌اند... ما برای آینده‌ی انقلاب ضد امپریالیستی خلق ایران نگران بوده و معتقدیم که ادامه‌ی چنین اعمالی بدون این که مانعی آن دیگر نشود، باعث انفجار و ناپودی جامعه خواهد شد.

- مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی (سی دی سی) - استراسبورگ ۲- حزب سوسیالیست فرانسه - استراسبورگ ۳- فدراسیون وکلای استراسبورگ ۴- وکیل ژان - ژاک زیول ۵- جنبش ضد نژادپرستی و دوستی خلق‌ها

بقیه در صفحه‌ی ۲۰

رحمی و زندانی (که این وقت در سطح هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باشد) صبح کوچه اعدامی باکنون دوره بگرفته.

... از شما می‌خواهیم به سطور بازدانست و محاکمه‌ی مسئولین این سرکوب که در صدر حزب حاکم قرار دارند دخالت کنید. در غیر این صورت نمی‌توان این سال را سال برقراری قانون نام‌گذاری کرد.

... اتحاد ملی جوانان الجزایر - بخش برده، دیرانسیون دانشجوئی ایرانیان در فرانسه برده، اتحاد ملی دانشجویان مراکشی - برده، اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی - برده

۲۹ آوریل ۱۹۸۱

* * *

"وعده داده بود که امسال سال "عطوفت"، "مهربانی" و "محبت" و "عدالت" باشد. در حالی که صور صدی ارسال جدید نگذشته بود ۵ سلسله از طرفداران سازمان مجاهدین خلق ایران‌شهید شدند. بحوه‌ای که این اعلامیون جوان شهید گشته‌اند ناشی می‌کند که یک جریان سازمان‌دهی شده در پشت تمام این حرکات ضد خلقی می‌باشد. اگر برای جلوگیری از آن‌ها اقدام نشود بحزودی جامعه به درجه‌ی انفجار خواهد رسید..."

اتحادیه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی در شهر دیترویت.

* * *

"ماکسی ۵ نفر از طرفداران مجاهدین خلق ایران را توسط عناصر ارتجاعی محکوم می‌کنیم. ما قویا اعتقاد داریم جناح‌داری یک اقدام غیر دموکراتیک است که آزادی مردم ایران و سازمان های انقلابی را تهدید می‌کند... سازمان دانشجویان خرب منطقه‌ی بوم - کلمه برای فلسطین دموکراتیک هوستون

* * *

"شبک از فاجعه‌ی بردیک به حد یک فروسه‌ی بشوه، "صبح فرصتی" در رمز، اعمال بی‌رحمانه‌ای می‌باشد که دنیا انتظار دیدن آن‌ها را از طرف رژیم جوراتام السالوادور دارد. ما ارتشیدن وجود جنبش‌اعتلائی در ایران انقلابی به‌حتی شوک ندیم...

کمیته همبستگی با خلق السالوادور (آیوا سیتی)

* * *

"سلما مسائلی مانند بیزاری به مغز یک دختر میلیتیا به جرم فروختن بشوه مجاهد در خیابان می‌باشد توجیهی به وسیله‌ی حزب جمهوری اسلامی که حمایت کننده وشکل دهنده‌ی بیهکاران نیرویست می‌باشد داشته باشد سیاست‌های انحصارطلبانه‌ی

اعتراضات گسترده شخصیتها وگروههای مختلف کشور

به دنبال حملات وحشیانه‌ی ایادی جناح‌دار و مسلح حزب جمهوری در شهرهای مختلف کشور و کنار بیدادگاه... موج گسترده‌ی اعتراض سراسر میهنمان را در بر گرفت. در این میان بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌ها... ضمن تقبیح اقدامات وحشیانه‌ی این عناصر ماجراجو خواستار جلوگیری از ادامه‌ی این جنایات گردیدند. در زیر به قسمت‌هائی از برخی از این اطلاعیه‌ها اشاره می‌نمائیم.

نظر آیت‌الله عالمی

بسمه‌تعالی

درچند روز اخیر شاهد برگزاری مراسمی از سوی بعضی گروه‌های سیاسی غیر مذهبی با اعاره‌ی رسمی وزارت‌کشور بودیم البته در چنین مسأله‌ای اشکال خاصی دیده نمی‌شود اما این سوال مطرح است و جای بسی تعجب! که چگونه است که حزبی هم‌چون حزب توده با آن سوابق جنایت‌بار که بر هیچ کس پوشیده نیست تنها به دلیل خائنوشی در برابر جریان انحصارطلب اجازه‌ی رسمی مراسم می‌یابد؟ اما جوانان مسلمان انقلابی که بارها شهادتین خود را سر بر زبان رانده‌اند به جرم ایستادگی در برابر انحرافات، کجیها روی‌ها و سرکوب آزادی‌ها هرگز علی‌رغم تقاضاهای مکرر چنین اجازه‌ای نمی‌یابند. این امر به روشنی بیان می‌دهد که دعوای دست اندرکاران نه دعوای مکتب است بلکه دعوای قدرت طلبی است...

همدان محمدتقی عالمی
۶۰/۲/۱۲

اعتراض شدید استادان متعهد دانشگاه‌ها و مدارس عالی

در بیانگرد بهاجم ارتجاع به بیگر آزادی و در پی تلاش مذبوحانه‌ی مرتجعین حاکم در به تعطیل کشاندن مدارس و گسترش "انقلاب فرهنگی" ۱ به‌بسیاج بحیرانی فرمایندار قائم‌شهر و تحریک جناح‌داران و عناصر مسلح وابسته به حزب معلوم‌الحال حاکم، در خطه‌ی جناح‌داران به یکی از مجتمع‌های شهر- بانداران و ایادی مسلح ضد مردمی، دو تن معلمان‌های قهرمان، خواهران مجاهد: رویا رحیمی و برزا (سمه) بهره‌خواهان را به شهادت رسانده و تعدادی‌دیگر از خواهران را به شدت مجروح ساخته‌اند. این خواهران هنگامی که به کمک دیگر خواهران و مادران از خانه و مجتمع خویش در تجاول تحوه عناصر مسلح و جناح‌دار دفاع می‌کردند، مورد اصابت رگبار گلوله‌های فرمانده‌ی کمیته قائم‌شهر واقع شدند و پس ترتیب، جنایت دیگری بسم کارنامه‌ی ننگین انحصارطلبان حاکم اضافه شد.

۱۳۶۰/۲/۷

تلگراف جمعیت اقامه به رئیس‌جمهور

جناب آقای رئیس جمهور

اصاری که از شهرهای شمال کشور می‌رسد حکایت از درگیری و تسلیح شدید در آن خطه از میهنمان دارد. این درگیری‌ها در آمل و قائم‌شهر وسعت بیشتری داشته و به خصوص در قائم‌شهر صحر به کشته و مجروح شدن چندین نفر شده است.

۱۳۶۰/۲/۳

بقیه در صفحه‌ی ۳۰

اعتراض سازمانها و شخصیتهای بین المللی
نسبت به شهادت ۵ مجاهد خلق بدست ایادی مسلح حزب جمهوری

... مسئولین دستگاهها برای بسیج افکار عمومی دست به دامن افراد مرموزه و بادهای مسلح شده‌اند. واقعیات که اعضاء و هواداران یکی از بی‌گیرترین سازمان‌ها در مبارزه علیه استبداد و سلط طارهی، یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران منعما هدف این حملات می‌باشد. در هفته‌های گذشته مرکوب وحشیانه‌تر شده و کورکورانه دست به کشتار و ضرب و خرج زده‌اند. این نوع اعمال آینه‌ی خلق ایران و همچنین امیدهای آزادی‌بخش خلق‌های سمودیده‌ی جهان را به خطر می‌اندازد.

مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی بی‌دفتر پاریس
۲۲ آوریل ۱۹۸۱

* * *

... بالاگرفتن اعمال خشونت‌بار و کشار مردم که توسط بادهای مسلح شده نظامی جناح‌داران صورت می‌گیرد، خطرورزیگران کشیده‌می‌شود در فضی رابطه جوانب امور قائم‌شهر که منجر به مرگ چندین زن بی‌گناه گردید، باسف عمیق ما را برانگیخت مسئولین واقعی این کشار بی دارید جامعه‌ی ایران را به انظار بگذاشید... باطلین این خشونت‌ها کم‌ترین بهانه‌ای برای خرمت اساسی بطور تام و خرمت زن به خصوص، قائل نیستند....

دفتر دفاع از حقوق بشر فرانسه سازمان مستقی سندیکا فرانسه ۲۲ آوریل ۸۱

* * *

بالاخره نفس از کشار ۵ تن از هواداران مجاهدین خلق ایران از خطه دختر نامرده ماند "ما صدای" مطلع شدیم و این در حالیست که کمتر از ۲ هفته از کشار آیت‌الله خمینی می‌گذرد این که سال جدید سال "رحمت و مغفرت و تحول" می‌باشد، می‌گذرد.

ما که در گذشته از مقاومت خلق ایران بر علیه دیکتاتوری شاه و امپریالیسم حمایت کرده و ضروری علیه ایران را تبریک گفتیم، امیدواریم که هرچه زودتر به جنایات سازمان داده شده ضربون حزب جمهوری اسلامی که به سیما، بی‌ثبت اقتصادی و اجتماعی موجود را وخیم‌تر کرده، بلکه جامعه را به طرف یک‌هنگ داخلی و کشار خلق ایران سوق می‌دهد، پایان داده شود.

گلودبوده، وکیل دعوی و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه ـ میشل بوزیلار وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه
۲۵ آوریل ۱۹۸۱

* * *

شهادت دو خواهر مسلمانهای قهرمان مجاهدین خلق و زخمی شدن چندین نفر توسط مزدوران فاشیست ارتجاع وابسته بحزب جمهوری بسان می‌دهد که مرتجعین حاضر کوشش خود را در جهت جنگ افروزی و به خاطر به خاک و خون کشیدن تمام کشور به خصوص صفحات شمالی بکار گرفته‌اند....

انجمن دانشجویان مسلمان در اتحاد انجمن دانشجویان مسلمان در فرانسه

* * *

بر طبق اخبار واصله ... عده اقل دو نفر دیگر از خواهران مسلمان هواداران مجاهدین خلق به دست مرتجعین جنای بدست و بادداران به شهادت رسیدند. شهادت مظلومانه‌ی این مرزندان خلق همراه با تندیا مسرت و مسدوم باقی مانده تا خودی خود سد رسوائی مرتجعین حاضر بسازی است که در ده اصطلاح "سال داخل!" "سال رحمت و مغفرت!" صورت می‌گیرد...

انجمن دانشجویان مسلمان آلمان غربی

* * *

در پیکرام علنی دادگاه متهم که خواهر ایادی مرتجع حزب جمهوری اسلامی تا مرکوب آزادیخواهی مردمی استداد عمدی را در ایران عمل داده‌اند... این بار برخلاف این حساب فاسدی ده خواهر مسلمان هوادار مجاهدین می‌باشد. ارتجاع قصد دارد صفحه‌ی شمال کشور ایران را به هشکشد و با این افراد به چه گناهی کشته می‌شوند؟ چه کسی باید پاسخگوی خون‌آن‌ها باشد؟ حق اقدامی در مقابل این گونه اعمال جاسکارانه و ضد خلقی انجام گرفته است؟...

ایجادیه نیومبی دانشجویان ترکیه ـ کسی در برلن غربی، حزب سوسیالیست متحد کردستان ـ بوخوم آلمان غربی، هفت مجزیه محله اوبرهوزن ـ آلمان غربی، اتحادیه کارگران ترکیه ـ آلمان غربی، فدراسیون مبارز کارگران آلمان غربی، فدراسیون کارگران آلمان غربی، آزادی برای کلیه دانشجویان خبرنگار روزنامه ماکس بانیوک

تلگراف دسته‌گل روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه دکتر بنی صدر در مورد اعدامات اخیر هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران.

جناب آقای ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری اسلامی ایران تهران ـ ایران

حزب سوسیالیست که سومین از مبارزین خلق ایران بشدت دیکتاتوری شاه حمایت کرده‌است، نگرانی بسیار خود را در مورد برگزاری بدون کاشمه مجاهدین به خصوص در سال کنون و تهدیدی که در مظاهرات روز در روز ۲۴ آوریل اعمال گردید، ایران می‌دارد از شما می‌خواهیم جهت جلوگیری ماهی دستورات این بحارات اقدام فرمائید. خواهشمندیم اعدامات بسیار را متوقف.

دبیرخانه بخش ـ دسته کل روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه
۲۸ آوریل ۱۹۸۱

ورشکستگی تاریخی درک جزء‌نگر روزوانی از اسلام (۵)

بقیه از صفحه‌ی ۱۹

بررسی یک دیدگاه (۱)
پیرامون جدا کردن فلسفه توحیدی از عنصر عینی جامعه‌شناسانه آن

و ناهنجار از مبارزات مسلحانه و بحران‌های سازمان که از نوع "تادی و بیت و همین بر انگیزه‌ای "مقدس‌جوانه" بودند زولدا معدای "جنگ حق و باطل" به مبارز می‌روند)، بسیار می‌باشد.

می‌بینیم که از دیدگاه نویسنده مبارزه‌ای "مقدس‌تر" و "ارزشمندتر" است و مبارزه‌ای "اسلامی‌تر" است و مبارزه‌ای "که در راه الله" و باستعه‌ای باشگاری "نبرد حق و باطل" محسوب می‌گردد. که ارتجاعها و مقاومت طبقاتی فاطعی مسیری گرفته باشد و اصولا کاری به کار شعارات و استدلال و بهره‌گیری نداشته باشد! که گوئی مقاصی حق و باطل، کفر و ایمان و اصلا معیار طبقات استعمارگر حاکم می‌بینند. و بهمین‌های آنها به تکی قائد اساسی نبی بوده و به اصطلاح به گاو و گوسفند نروسمدان تصویر می‌رساننده است!

ما در آینده در باره‌ی ماهیت طبقاتی "دوآلیسم" موجود در بطنی نگرات نویسنده، که عین نگرش‌گاه نبیره طلبانه‌ی خرده‌بورژوائی نسبت به جامعه و انسان بوده و از برقراری پیوند واقع‌گرایانه با میان ضرورتهای مادی و معنوی در زندگی اجتماعی و فردی انسان عاجز می‌ماند، به طور جداگانه بحث خواهیم کرد. در اینجا فقط روی این سئوال تاکید می‌کنیم که آیا به راستی از این نقطه نظرها می‌توان

کنه؟

اینجاست که می‌توان به عمق مفهوم این پیام نهفته سیاستگذار "محمد حسنی‌راد" پی برد که در آخرین روزهای حیات خود ضمن دفاع از آرمانهای انقلابی توحیدی مجاهدین در میدانگاههای نظامی شاه، متعهد به جوهر و روح عدالتخواری اید تولوژی موجود اداره بود، وعدالتی اسلام را از مبارزه طبقاتی در حکم خیانت به اسلام دانست.

اما این که نویسنده در ابتدای اظهارات خود چنین و مسیر تاریخ را جنگ طبقاتی و ضروری استثمار توده‌گان دانسته و

تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان اروپا و آمریکا در اعتراض به کشتار مجاهدین خلق

خلاصه‌ای از قطعنامه‌های راهپیمائی

بدنبال اعتراض موج تهاجمات و کشتار سراسری اعضاء و هواداران مجاهدین خلق از ابتدای سال جاری بعنی سالی که توسط سردمداران حاکم "سال قانون"!! نامیده شده است. و بدنبال حملات حامیداران و حامیان ملیح آنها که در فاصله‌ی یک ماه اخیر ۱۶ شهید از مجاهدین برجای گذارده‌است و بخصوص بعد از حملات حامیداران حزب حاکم به مردم آزادی‌خواه شهر که منجر به شهادت دو میلیتانی قهرمان خلقمان رجبعلی و حمید مقدم‌جو شاگردید موج اعتراضات عمومی سراسر ایران را فرا گرفت. تظاهرات با شکوه تهران که به ابتکار "جمعیت مادران مسلمان" در تاریخ دوشنبه ۷/اردیبهشت / ۵۰ بدون اعلام رسمی برگزار شد بقطعی اوج این اعتراضات مردمی بشمار میرود.

در جریان این راهپیمائی در روز چهارشنبه ۹/اردیبهشت براتر با ۲۹ آوریل از طرف انجمن‌های دانشجویان مسلمان در اروپا و آمریکا به طور همزمان تظاهرات وسیعی در شهرهای واشنگتن (شرق آمریکا)، لس‌آنجلس (غرب آمریکا)، س. فاسبورگ و برلن غربی (آلمان غربی)، لندن، پاریس و استکهلم (سوئد) برگزار شد.

این تظاهرات به دعوت و با شرکت هواداران مجاهدین خلق و به همراهی سایر دانشجویان مبارز عموماً از مرکز شهرها آغاز شده و با یک راهپیمائی باشکوه نمایندگی‌های ایران در شهرهای مربور ادامه یافت.

در طول راهپیمائی دانشجویان با حمل پلاکاردها و دادن شعار، خواسته‌های عادلانه‌ی خود را مبنی بر اعتراض به کشتار مجاهدین توسط عوامل مسلح ارتجاع در سراسر ایران و به ویژه در نواحی شمالی کشور و نیز پشتیبانی از راهپیمائی "جمعیت مادران مسلمان" در روز دوشنبه در تهران به گوش جهانیان رسانده و اعمال فاشیستی حزب ارتجاعی حاکم را محکوم نمودند. این تظاهرات با قرائت قطعنامه در مقابل نمایندگی‌های ایران و بنشیم قطعنامه‌ها به نمایندگان دولت ایران در کشورهای فوق الذکر پایان یافت.

در قطعنامه‌ها با اشاره به اوضاع جاری کشور و بخصوص وقایع اخیر، ضمن نشانه مقاد قطعنامه راهپیمائی خصمت مادران مسلمان در تهران، به عنوان تنها راه نجات خواهان خلع ید از خون فاشیستی ـ ارتجاعی حاکم تنها تشکیل ـ حاکمیتی که همچون احتابوسی متکی به انحصار کشیده‌ی تمامی ارکان جامعه و همچنین حمایت و کشتارهای سبعانه‌ای که تاکنون توسیله‌ی آبادی حامدار و مسلح خود مرتکب شده لطمات جبران ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر جامعه وارد آورده‌است.

در پایان قطعنامه‌ها خواستار قطع آتش‌افروزی‌های ارتجاعی و محاکمه‌ی عاملین سابقه شده شهدا و غاملین و آمرین سکت‌ها شده و سبب به ضرب و جرح و کشار خواهران مجاهد به تمامی محاکم صرفی بین‌المللی و سازمان‌های زبان بین‌المللی اعلام دادخواهی و رسیدگی گردیده.

همکاری مرتجعین انجمن به اصطلاح اسلامی با پلیس فاشیست آمریکا

در خانه‌ی راهپیمائی در آمریکا چند تن از نمایندگان انجمن دانشجویان مسلمان با در دست داشتن قطعنامه‌ی تظاهرات و همچنین متن تلگرافهای حمایت نیروهای مترقی و ضدامپریالیست به طرف نمایندگی ایران وارد سالن شدند. اما به محض ورود نمایندگان دانشجویان، محافظین مسلح نمایندگی به دستور مستولین خود به ضرب و شتم دانشجویان پرداخته و سپس آن‌ها را تحویل پلیس فاشیست آمریکا می‌دهند. پلیس آمریکا نیز وحشیانه با باتوم‌های کشنده به آنان حمله می‌کند. جالب توجه است که اعضاء انجمن‌های به اصطلاح اسلامی همراه با اعضای سفارت چند‌تای را برای عکسبرداری و شناسائی شرکت کنندگان در مراسم تسخیر کرده بودند که کاملاً اعمال ساواک و ایادی رژیم منفور شاه را بذاعی می‌نمود.

حمایت‌های گسترده‌ی بین‌المللی

نیروها و تشکیلات‌های مترقی و ضدامپریالیست بسیاری در کشورهای مختلف با دادن پیام و یا تائید قطعنامه‌ای راهپیمائی انجمن‌های دانشجویان مسلمان در اروپا و آمریکا و هم چنین با ارسال تلگرافهای اعتراضی به سفارت ایران از خواسته‌های عادلانه‌ی راهپیمایان حمایت کردند.

در سفارت‌های گذشته و سر همین شماره بخش‌هائی از این حمایت گسترده‌ی بین‌المللی را منعکس کرده‌ایم. و در اینجا بدلیل کمبود جا صرفاً به ذکر اسامی برخی از آن سازمانها و گروهها و شخصیت‌ها اکتفا می‌کنیم:

انگلستان:

- ناحیه‌ی سیاسی ارتش جمهوریخواه ایرلند (تنین ـ فین)
- جنبش چپ انقلابی شیلی در انگلستان (میر)
- طرفداران اتحادیه‌ی کارگران کاپایا در انگلستان
- فرد هالیدی نویسنده‌ی مترقی انگلیسی
- نشنیسی کمونیست انقلابی (ار ـ سی ـ ت)
- گروه کمونیست انقلابی (ار ـ ت ـ ز)
- انجمن دانشجویان عراقی ضد رژیم بعث عراق در انگلستان
- اتحادیه ملی صنعتگران
- اتحادیه عمومی کارگران مهندسی
- جمعیت زنان ضد ـ امپریالیست

اعتراض ۵۸ نفر از قضات، وکلا و اساتید حقوق به کشتار جوانان به جرم فروش نشریه و بحث‌های سیاسی

بنام خدا

در این لحظه‌های حساس و بحرانی که ملت قهرمان و مسلمان ایران در حال جنگ با متجاوزان خارجی است و ضد انقلابیون و جهان‌خواران از گونه وکنار جهان در صدد‌ند با انقلاب را به انحراف کشانند و به آن ضربه بزنند، و در زمانی که مردم ما باید همه‌ی توان خود را در راه مبارزه‌ی با دشمن مشترک خود بکار گیرند،

و سرانجام در طلیعه‌ی سالی که "سال حاکمیت و اجرای قانون" نامیده شده‌است، هرچند روز یک بار شنیده می‌شود که در گوشه‌ای از کشور جوانان ونوجوانان ما به بهانه‌های نامعقول، از قبیل روزنامه فروشی و بحث‌های سیاسی، قربانی درگیری‌های خیابانی می‌شوند و با گلوله‌هایی که باید سینه‌ی دشمنان و عوای متجاوز را بشکافد به خاک و خون می‌غلطند. گسترش این گونه برخوردها در پنجره‌ی و قزوین و تهران و مازندران این نگرانی را بوجود می‌آورد که انواع برخوردها به جنگ‌های خیابانی و داخلی انجامد و از درون ما را زبون و ضربه‌پذیر سازد. بنابراین ما، قضات ایران نگرانی و تاسف عمیق خود از تکرار این حوادث، به دولت که مسئول حفظ نظم و اجرای قانون و حفظ جان اشخاص است هشدار می‌دهیم که وظیفه‌ی اصلی خود را فدای گروه‌گرائی‌ها نسازد و ضمن جلوگیری قاطع از متجاوزان به جان و آزادی مردم با روحیه‌ی تحمل و ارشاد با مسائل عقیدتی و سیاسی برخورد کند و طرح بعضی مسائل جزئی بهانه‌ی اقداماتی چنین خشن قرار نگیرد. از همه‌ی گروه‌های سیاسی نیز انتظار و تقاضا داریم که به خاطر مصالح ملی همه‌ی توان خود را در پرهیز از برخوردهای خشونت‌آمیز در آینده بکار گیرند. امید که جنگ با متجاوزان و جهان‌خواران تغییر جهت دهد و آتش‌بس در خانه آمد.

آقای دکتر ناصر کاتوزیان استاد دانشگاه و وکیل دادگستری آقای دکتر حواد شیخ‌الاسلامی استاد دانشگاه آقای رضا عاکار وکیل دادگستری آقای سید نظام‌الدین محمدی وکیل دادگستری آقای نادر رضوی‌زاد وکیل دادگستری آقای دکتر حسینقلی درودیان استاد دانشگاه آقای محمد بنک سا وکیل دادگستری آقای دکتر سید عزت‌الله عراقی ـ استاد

بقیه در صفحه‌ی ۲۴

- پروفسور رابرت براوسنگ از دانشگاه لندن
- دکتر جان کلی از مدرسه اقتصاد لندن

هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در انگلستان

آلمان:

- نامه‌ای با امضای ۱۵ گروه متخصص سیاسی آلمان

امریکا:

- سربازان سابق (در جنگ ویتنام) بر علیه جنگ
- طرفداران جنبش ملی لبنان در اوکلاهما
- کمیته‌ی همبستگی با نیکاراگوئه
- هواداران انقلاب فلسطین در بوستن بگراس
- کمیته همبستگی با السالوادور ـ ایواسپی
- اتحادیه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی در شهر دترویت
- کمیته‌ی متحدجنبشگی با السالوادور
- رئیس و معاون کمیته‌ی دانشجویان ضدنظامیان مترقی آمریکا
- رئیس دپارتمان شیمی دانشگاه لیبکلن
- رئیس کمیته‌های همبستگی با السالوادور در ناحیه غرب میانه آمریکا، رودن مایکل کالوسی
- گروه وکلای ملی حوزه آتلانتیک

فرانسه

- حزب سوسیالیست فرانسه (اسمراسبورگ)
- اتحادیه‌ی دانشجویان العرابری
- مرکز تحقیقات ضدامپریالیستی
- دبیرکل روابط خارجی حزب سوسیالیست فرانسه
- کانون وکلا
- هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در فرانسه

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۹



شهادت مجاهد شهید : عباس فرمانبردار

تاریخ شهات : ۱۱ / اردیبهشت / ۱۳۶۰

محل شهادت : قائم شهر

نحوه شهادت : پرتاب نارنجک توسط چماقداران .

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران در باره شهادت ۵ ملیلیشیای مجاهد دیگر در نقاط مختلف کشور بدست چماقداران و ایادی مسلح مرتجعین انحصارطلب

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز

مردم آگاه و شهیدپرور مازندران ، کرج، بندرعباس، و شهرکرد ، اخبار رسیده از نقاط مختلف کشور حاکیست که هر روز بر تعداد شهدای مجاهد خلق که در اثر موج اخیر کشتار مجاهدین توسط چماقداران حزب حاکم و حامیان مسلح آنان در نهادهای رسمی به خون پاکشان غلطیده اند افزوده می‌گردد .

شهدای والامقامی که هریک از پاک‌ترین و رشیدترین فرزندان آگاه و انقلابی خلق ستمدیده‌ی ایران بوده و جز وفاداری به اسلام راستین و انقلابی و مخالفت با عملکرد های ارتجاعی که بیشترین ضربه ها را بر پیکر انقلاب و حیثیت اسلام وارد کرده است گناهی نداشته‌اند .

همچنین قابل تأکید است که علیرغم دروغ پردازیهای شرم آور انحصارطلبان تمامی این شهدا با دست های خالی و در حال ابراز مخالفت کاملا مسالمت آمیز و یا در حین توزیع نشریه مجاهد هدف گلوله و چماق ایادی حزب حاکم قرار گرفته اند .

بنابرآخرین گزارشات واصله علاوه بر خواهران شهید سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی در قائمشهر و برادران شهید ودود پیراهنی و خلیل اجاقی در تهران که جریان شهادت آنان طی اطلاعیه های قبلی به اطلاع هموطنان رسیده است تا این لحظه یک خواهر و چهار برادر مجاهد در شهرهای کرج ، آمل ، قائمشهر، شهرکرد و بندرعباس به شرح ذیل به کاروان پرافتخار شهدای مجاهد خلق پیوسته اند .

۱ ـ میلیشیای قهرمان برادر مجاهد شهرام اسماعیلی دیپلمه در شهر قائم شهر وی در جریان حمله ی چماقداران و حامیان مسلح شان در تاریخ ۲ فروردین ۶۰ به محله‌ی آسیه کلا به ضرب گلوله ی یک پاسدار به خاک می افتد .

چماقداران پیکر مجروح اورا نیز با چماق هایی که بر سر آن میخ کوبیده بودند مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند و سپس از برابر چشم مردم می‌گریزند .

پیکر مجروح و مصدوم برادر مجاهد شهرام اسماعیلی توسط مردم به بیمارستان انتقال می یابد ولی معالجات بعمل آمده موثر واقع نشده و وی در تاریخ ۸ اردیبهشت ۶۰ به شهادت می رسد لازم به یادآوری است که مرتجعین مانع انتقال او به بیمارستانهای تهران شده بودند .

۲ ــ میلیشیای قهرمان خواهر مجاهد فاطمه کریمی دانش آموز دبیرستان در شهر کرج او در جریان حمله ی چماقداران به تظاهرات آرام مردم کرج در تاریخ ۸ اردیبهشت ۶۰ به منظور اعتراض به کشتار مجاهدین در قائمشهر ، در اثر اصابت سنگهای پرتاب شده از سوی چماقداران به سرش به جمع شهدای مجاهد خلق می پیوندد .

۳ ــ مجاهد شهید علی فتح کریمی (سرباز انقلابی نیروی هوایی) هوادار مجاهدین خلق ایران در شهرکرد. او در جریان حملهی چماقداران و حامیان مسلح آنان به تظاهرات آرام مردم شهرکرد در تاریخ ۵ اردیبهشت ۶۰ به ضرب گلوله به خاک می افتد پیکر مجروح او جهت معالجه به اصفهان انتقال می یابد اما معالجات موثر واقع نشده و او در روز ۱۰ اردیبهشت ۶۰ در راه آرمانهای انقلابی و توحیدیش به شهادت می رسد .

۴ ــ میلیشیای قهرمان مجاهد شهید منصور سایانی دانش‌آموز سال سوم رشتهی ریاضی و فیزیک دبیرستان ابن سینا در بندرعباس که از جوانان فعال و مبارز این شهر در مبارزات انقلابی خلق علیه رژیم دیکتاتوری شاه خائن بود .

او و گروهی از همرزمانش در حالی که در چهلمین روز شهادت میلیشیای شهید صنم قریشی بر مزار او حضور یافته بودند مورد حمله ی چماقداران و پاسداران مسلح حامی آنان قرار می گیرند در جریان این حمله و بر اثر شلیک ناجوانمردانه پاسداری به نام کامران آقاحسینی نائینی از فاصله ی نزدیک ، برادر مجاهد منصور سایانی به خون پاکش در غلتیده و به شهادت می رسد .

۵ ــ مجاهد شهید عباس فرمانبردار از هواداران مجاهدین خلق در قائمشهر . او در جریان مراسم تشییع جنازه خواهران مجاهد سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی که در تاریخ ۲ / ۳ / ۶۰ باشرکت بیش از ده هزار نفر از مردم قائم شهر برگزار شد در اثر ترکش نارنجک پرتاب شده از سوی چماقداران وابسته به کمیته قائم شهر به شدت مجروح گردید . پیکر مجروح او جهت معالجه به تهران انتقال یافت اما معالجات بعمل آمده موثر واقع نگردید و برادر مجاهد عباس فرمانبردار در روز ۱۱ / ۶ / ۶۰ جمع شهدای مجاهد خلق پیوست .

بدین ترتیب با احتساب ۵ شهید مجاهد خلق که در دو هفته ی نخست سال جدید و به ضرب گلوله و یا دشنه ی چماقداران وحامیان مسلح آنان به شهادت رسیده اند ، شمار قربانیان موج کشتار مجاهدین در چهل روزه ی اخیر به چهارده تن بالغ می گردد. البته خبرهایی از شهادت برخی مجروحین نیز رسیده است که در صورت اثبات و تایید متعاقبا به اطلاع مردم آگاه و انقلابی ایران خواهد رسید .

مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن این جنایات وحشیانه و ضدمردمی شهادت

این فرزندان آگاه و انقلابی خلق را به عموم هموطنان عزیز به ویژه خانواده های داغدار شهدا تبریک و تسلیت می گویند و اطمینان می دهند که راه پرافتخار و مقدس آنان را که همانا راه اسلام راستین و انقلابی است تاپیروزی نهایی انقلاب و رهایی کامل خلق و تحقق جامعه ی بی طبقه ی توحیدی ادامه خواهد یافت .

هم چنین مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن تبلیغات شرم آور انحصارطلبان مبنی بر متهم نمودن مجاهدین وهواداران آنان به درگیری وایجاد تشنج ، یادآور

می شوند که اگر تبلیغات جنایتکاران ساواک در رابطه با اعتراضات حق طلبانه ی خلق توانست مردم را بفریبد آنان نیز در این نیرنگ های عوامفریبانه توفیق خواهند یافت به راستی چگونه است که مرتجعین و ایادی مسلح آنان پیوسته با انواع سلاح های سرد و گرم بر مجاهدین و مردم حمله ور می شوند ، اما در عین حال کسانی را که در تظاهرات آرام یا درحین توزیع نشریه به خاک و خون می غلطند به ترک مبازه ی مسلحانه دعوت می کنند !!

مگر نه اینست که تمامی این شهدا در حال توزیع نشریه یا در حال راه پیمایی و اعتراض کاملا آرام و مسالمت آمیز به ضرب گلوله‌ی عمال مسلح انحصارطلبان به خاک و خون غلطیده اند؟

پس در واقع این حزب حاکم و ایادی چماق دار آن هستند که باید چماق و اسلحه را در برابر خلق بر زمین گذارند و این همه خون جوانان بی گناه و انقلابی این مرزو بوم را بر خاک نریزند و گرنه بدیهی است که سرانجام از این خونهای پاک سیلاب‌ها برخواهد خاست و آتش خشم مردم بر علیه جنایتکاران و ستمگران برافروخته تر خواهد گردید چرا که مردم مبارز و انقلابی این میهن در جریان سالهای طولانی مبارزه بر علیه یکی از غدارترین و سفاک ترین رژیم های تاریخ آبدیده شده و آگاهی ها و تجارب فراوان اندوخته اند و چنین مردمی را به تهدید و ارعاب به دروغ و دغل و تبلیغات شاهانه از پای ننشانده و قادر به فریب آنان نیز نخواهد بود و بنا به سنن خدشه ناپذیر تاریخ و مشیت محتوم الهی سرانجام تمامی دغلبازان و جنایتکاران جز خسران و تباهی نیست

و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران

۱۲ اردیبهشت ۶۰

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۱۹

مجاهد شهید عباس فرمانبردار

در تاریخ ۶۰/۲/۲ هنگام تشییع جنازه‌ی خواهران مجاهد سمیه نقره خواجا و فاطمه رحیمی در قائمشهر ، عباس در اثر ترکش نارنجکی که مرتجعین جنایتکار به میان مردم می اندازند به شدت مجروح می شود .

این اوباشان توسط شاه نوش فرماندار جنایتکار و نعیمی دادستان ضدانقلابی و مختار اسماعیلی فرمانده ی عملیات کمیته قائمشهر هدایت و رهبری می شدند .

عباس که به سختی مجروح شده بود بعد از چند روز بستری شدن در بیمارستان قائمشهر به تهران منتقل می شود اما به علت شدت جراحات و علیرغم تلاش پزشکان معالجات موثر واقع نشده و در تاریخ ۶۰/۲/۱۱ به شهادت می رسد .

برادر مجاهد عباس فرمانبردار در آستانه ی شهادت بعد از اصابت نارنجک وصیتنامه‌ی کوتاهی را تنظیم می کند که در زیر می خوانید :

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

من عباس فرمانبردار (خیاط) از آنجا که تحقیق کردم راه مجاهدین خلق را قبول کردم و هرچه دستم بر می آمد به مجاهدین کمک می کردم برادران و خواهران این راه را دنبال کنید تا جان خود را هم بدهید .

درود بر رجوی ــ سه شنبه ۶۰/۲/۲

اعتراضات داخلی و بین المللی به این شهادتها در نشریه مجاهد ۱۱۹

اعتراض سازمانها و شخصیتهای بین المللی نسبت به شهادت ۵ مجاهد خلق بدست اوباشان مسلح حزب جمهوری

در ادامه‌ی اعتراضات گسترده‌ی بین‌المللی در علیه جنایتکاران حزب جمهوری سازمانها و شخصیت‌های سرشناس طی تلگرافهائی خطاب به رئیس‌جمهور ضمن محکوم نمودن شهادت ۵ مجاهد خلق در روز ۲۹ آوریل توسط اوباشان مسلح حزب جمهوری اعتراض خود را نسبت به این جنایت اعلام داشته‌اند. در زیر خلاصه‌ای از متن برخی از این اعتراضات را می‌خوانید:

تلگرام چند تن از گروه مترقی و ضد امپریالیست در فرانسه به رئیس جمهور

... ما از شما می‌خواهیم به منظور بازداشت و محاکمه‌ی مسئولین این جنایت که در صدر حزب حاکم قرار دارند دخالت کنید. در غیر این صورت نمی‌توان این سال را سال برقراری قانون نامگذاری کرد.

... اتحاد ملی جوانان الجزایر ـ بخش برلن، دیرخانه‌ی دانشجویی اریتره‌ای در فرانسه برلن، اتحاد ملی دانشجویان مراکشی ـ برلن، اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی ـ برلن

۲۹ آوریل ۱۹۸۱

* * *

"وعده داده شده بود که امسال سال "تطهیر"، "تهذیب" و "عدالت" باشد. در حالی که صدور صدمین ارسال جدید نگذشته بود ۵ سلسله از طرفداران سازمان مجاهدین خلق ایران شهید شدند. بخصوص‌که این اعلامیون جوان شهید گشته‌اند ناشی می‌کند که یک جریان سازمانده‌ی شده در پشت تمام این حرکات ضد خلقی می‌باشد. اگر برای جلوگیری از آن‌ها اقدام نشود بزودی حادثه به درجه‌ی انفجار خواهد رسید...

ایجاد پایه‌ی سیاسی‌های اعلایی در شهر دیپرویت:

* * *

"ماکسی ۵ نفر از طرفداران مجاهدین خلق ایران را توسط عناصر ارتجاعی محکوم می‌کنیم. ما قویا اعتقاد داریم جناح‌داری یک اقدام غیر دموکراتیک است که آزادی مردم ایران و سازمان های اعلایی را تهدید می‌کند...

سازمان دانشجویان حزب مظفر‌ی یوم ـ کمیته برای فلسطین دموکراتیک هوستون

* * *

"یکی از خاصیه‌ی بزدیک به عصر یک فروسیده‌ی شیوه، "صبح فرسی" در زمره اعمال بی‌رحمانه‌ای می‌باشد که دنیا انتظار دیدن آن‌ها را از طرف رژیم جور آنام السالوادور دارد. ما ازشنیدن وجود چنین اعمالی در ایران اعلایی به‌نحوی شوکه شدیم...

کمیته همبستگی با خلق السالوادور (آیوا سیتی)

* * *

"سلما مسالتی مانند سیاه‌داری به عصر یک دختر میلیتیا به جرم فروختن نشریه مجاهد در خیابان می‌باشد توجیهی به وسیله‌ی حزب جمهوری اسلامی که حمایت کننده وشکل دهنده‌ی سپاهکاران نیرویست می‌باشد داشته باشد سیاست‌های انحصارطلبانه‌ی رحمی و ریدائی (که این نقط در سطح هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باشد) صبح گونه اقدامی ناکنون صورت نگرفته.

حزب جمهوری اسلامی با ... ارزوای ایران در سطح جهانی و بحران‌های وخیم اقتصادی در درون عامه گردیده است و همین دلیل باعث تحریک رژیم بحاورگر برای گردید...

ـ یاران دانشجویان حزب ... در سوئد

ـ نیویورک تریبون سابقا واشنگتن ـ کالیفرنیا

* * *

"به عنوان مسلمان مبرقی ما از گزارشات اخیر مبنی بر بروز حدود ۵ نفر از مجاهدین مانیم، ما دولت شما را در عمل به هر گونه اقدام ضروری برای مجازات بکوار و گسترش چنین عملکردت های اشکار و مشدد برورسی که به نظر می‌رسد به خصوص علیه مجاهدین برسیت یافته است ترغیب می‌کنیم...

فیلیپ ا. وی‌سی

نیویورک تریبون گسترده برای عمل و ارتباط در امریکا ـ واشنگتن

* * *

"به عنوان حمایت کنندگان ایران ما نسبتا بگران حوادث اخیر ایران می‌باشیم. نسبتی خبرهائی در رابطه با رشد تروریسم باعث پرسانی و بگرانی ما گردیده است. به عنوان نمونه در چند روز گذشته تعدادی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران به طرز وحشیی به قتل رسیده‌اند...

وکیل حقوقی سیرفی در امریکا ـ پدریکور ـ ماریورگ

* * *

... اصابرگان کنید‌ه‌ای که حاکی از آنست که به دنبال حملات جناح‌داران حزب حاکم ۵ تن از هواداران مجاهدین خلق ایران به شهادت رسیده‌اند... ما برای آینده‌ی انقلاب ضد امپریالیستی خلق ایران نگران بوده و معتقدیم که ادامه‌ی چنین اعمالی بدون این که‌ماتمین آن دستگیر نمونه، باعث انفجار و ناموده خاصه خواهد شد.

ـ مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی (سی د تیم) ـ آمستردام ۲ـ حزب سوسیالیست فرانسه ـ آمستردام ۳ـ فدراسیون وکلای آمستردام ۴ـ وکیل ژان ـ ژاک زیول ۵ـ جنبش ضد نژادپرستی و دوستی خلق‌ها

بقیه در صفحه‌ی ۲۰

اعتراضات گسترده شخصیتها و گروههای مختلف کشور

به دنبال حملات وحشیانه‌ی اوباشان جناح‌دار و مسلح حزب جمهوری اسلامی به تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم در شهرهای مختلف کشور و کشتار بیرحمانه‌ی تعدادی از تظاهرکنندگان، موج گسترده‌ای از اعتراض سراسر میهنمان را در بر گرفت. در این میان، بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌ها، ضمن صدور اطلاعیه‌هائی این جنایات ناجوانمردانه را محکوم و خواستار جلوگیری از ادامه‌ی این جنایات گردیدند. در زیر به قسمت‌هائی از برخی از این اطلاعیه‌ها اشاره می‌نمائیم.

نظر آیت‌الله عالمی

بسمه‌تعالی

درچند روز اخیر شاهد برگزاری مراسمی از سوی بعضی گروه‌های سیاسی غیر مذهبی با اهداف رسمی وزارت‌کشور بودیم البته در چنین مسائله‌ای اشکال خاصی دیده نمی‌شود اما این سوال مطرح است و جای بسی تعجب! که چگونه است که خونی هم‌چون خون بوده با آن بوابق جنایت‌بار که بر صبح کس پوشیده نیست تنها به دلیل خابطوشی در برابر خربان انحصارطلب اخازه‌ی رسمی مراسم می‌یابد؟ اما جوانان مسلمان اعلایی که بارها شهادتین خود را نیز بر زبان رانده‌اند به جرم ایستادگی در برابر انحرافات، کجپ روی‌ها و سرکوب آزادی‌ها هرگز علی‌رغم تقاضاهای مکرر چنین اجازه‌ای نمی‌یابند. این امر به روشنی بیان می‌دهد که دعوای دست اندرکاران به دعوای مکتب است بلکه دعوای قدرت طلبی است...

همدان محمدتقی عالمی

۶۰/۲/۱۲

اعتراض شدید اساتید ان منعهد دانشگاه‌ها و مدارس عالی

در سالگرد شهادت ۷۲ تن از یاران امام و بنیانگذاران جمهوری اسلامی و در ادامه‌ی ترور و کشتار وحشیانه‌ی نیروهای اعلایی توسط اوباشان حزب جمهوری اسلامی، جمعی از اساتید دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور طی اعلامیه‌ای شدیدا این اقدامات ضد انسانی را محکوم نمودند. متن اعلامیه‌ی اساتید چنین است:

در سالگرد شهادت ۷۲ تن از یاران امام و بنیانگذاران جمهوری اسلامی و در ادامه‌ی ترور و کشتار وحشیانه‌ی نیروهای اعلایی توسط اوباشان حزب جمهوری اسلامی، جمعی از اساتید دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور طی اعلامیه‌ای شدیدا این اقدامات ضد انسانی را محکوم نمودند. متن اعلامیه‌ی اساتید چنین است:

ارتجاع به سنگر آزادی و در پی تلاش مذبوحانه‌ی مرتجعین حاکم در به تعطیل کشاندن مدارس و گسترش "انقلاب فرهنگی" ۱۰ ماهه‌ی سال تحصیلی فرمانبر خاتم‌شهر و تحریک جناح‌داران و عناصر مسلح وابسته به حزب معلوم‌الحال حاکم، در حمله‌ی جناح‌داران به یکی از تجمعات مسالمت‌آمیز دانشجویان و آزادی مسلح ضد مردمی، دو تن مسلمان فهرمان، جوانان مجاهد: رویا رحیمی و برزا (سمیه) رهروجوانان را به شهادت رسانده و تعدادی دیگر از جوانان را به شدت مجروح ساخته‌اند. این جوانان هنگامی که به کمک دیگر جوانان و مادران از خانه و محله‌ی خویش در مقابل هجوم عناصر مسلح و جناح‌دار دفاع می‌کردند، مورد اصابت رگبار گلوله‌های فرمانده‌ی کشتی خاتم‌شهر واقع شدند و بدین ترتیب، جنایت دیگری بست کارنامه‌ی ننگین انحصارطلبان حاکم اضافه شد.

۱۳۶۰/۲/۷

تلگراف جمعیت اقامه به رئیس جمهور

جناب آقای رئیس جمهور

اخباری که از شهرهای شمال کشور می‌رسد حکایت از درگیری و تسلح تندید در آن خطه از میهنمان دارد. این درگیری‌ها در آمل و قائم‌شهر وسعت بیشتری داشته و به خصوص در قائم‌شهر منجر به کشته و مجروح شدن چندین نفر شده است.

۱۳۶۰/۲/۳

بقیه در صفحه‌ی ۳۰

اعتراض سازمانها و شخصیتهای بین المللی
نسبت به شهادت ۵ مجاهد خلق بدست ایادی مسلح حزب جمهوری

... مسئولین دستگاهها برای بسیج افکار عمومی دست به دامن افراد مرموزه و ماجراجوی مسلح شده‌اند. واقعیات که اعضاء و هواداران یکی از بی‌گیرترین سازمان‌ها در مبارزه علیه استبداد و سلط طاغوتی، یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران منعکسا هدف این خطلات می‌باشد. در نقشه‌های گذشته مرکوب وحشیانه‌تر شده و کورکورانه دست به کشتار و ضرب و خرج زده‌اند. این نوع اعمال آینه‌ی خلق ایران و قهرمانی امیدهای آزادی‌بخش خلق‌های سمومدیده‌ی جهان را به خطر می‌اندازد.

مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی بی‌دفتر پاریس
۲۲ آوریل ۱۹۸۱

* * *

... بالاگرفتن اعمال خشونت‌بار و کشار مردم که توسط ماشه‌های مسلح شبه نظامی جناح‌داران صورت می‌گیرد، خطر روز بگران کشیده می‌شود در فضی رابطه حوادث اخیر قائم‌شهر که منجر به مرگ چندین زن بی‌گناه گردید، ما شدیداً عمیق ما را برانگیخت مسئولین واقعی این کشار بی‌دارید جامعه‌ی ایران را به انفجار بکشانند... فاجعه‌ی این خشونت‌ها کم‌ترین بهانه‌ای برای خدمت اساسی بخطر تمام و خدمت زن به خصوص، قائل نیست....

دفتر دفاع از حقوق بشر فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر فرانسه
۲۲ آوریل ۸۱

* * *

بالاخره تعدی از کشار ۵ تن از هواداران مجاهدین خلق ایران از خطه دختر نابرده باشد "صدای مطلع شدیم و این در حالیست که کمتر از ۲ هفته از کشار آیت‌الله خمینی می‌گذرد. این کشار از سال رحمت و مغفرت و تحمل می‌باشد، می‌گذرد.

ما که در گذشته از مقاومت خلق ایران بر علیه دیکتاتوری شاه و امپریالیسم حمایت کرده و پیروزی ملت ایران را تبریک گفتیم، امیدواریم که هرچه زودتر به جنایات سازمان داده شده ضربون حزب جمهوری اسلامی که به سیما، بی‌ثبت اقتصادی و اجتماعی موجود را وخیم‌تر کرده، بلکه جامعه را به طرف بدبختی داخلی و کشار خلق ایران سوق می‌دهد، پایان داده شود.

گفتگو برده، وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه - میشل زوبلاز وکیل مدافع و عضو انجمن حقوق‌دانان دمکرات فرانسه
۲۵ آوریل ۱۹۸۱

* * *

شهادت دو خواهر مبلغ‌های قهرمان مجاهدین خلق و زخمی شدن چندین نفر توسط مزدوران فاشیست ارتجاع وابسته بحزب جمهوری بسان می‌دهد که مرتجعین حاضر کوشش خود را در جهت جنگ افروزی و به خاطر به خاک و خون کشیدن تمام کشور به خصوص صفحات شمالی بکار گرفته‌اند....

انجمن دانشجویان مسلمان در اتحاد انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه

* * *

بر طبق اخبار واصله ... عده اقل دو نفر دیگر از خواهران مبلغ مسلمان هوادار مجاهدین خلق به دست مرتجعین چماق بدست و بادداران به شهادت رسیدند. شهادت مظلومانه این مربیان خلق همراه با عده‌ای مصروب و مضروب باقی مانده به خودی خود سند رسوائی مرتجعین حاکم بسیاری است که در به اصطلاح "سال رحمت و تطهیر" "سپری می‌گردد...

انجمن دانشجویان مسلمان آلمان غربی

* * *

در تلگرام عملی دادگاه مردم که حکومت ارتجاعی مرتجع جمهوری اسلامی با مرکوب آزادیهای مردمی استبداد جدیدی را در ایران حلل داده‌اند... این بار برعلیه این حاکمیت فاشیستی به خواهر مسلمان هوادار مجاهدین می‌باشد. ارتجاع قصد دارد صفحه‌ی شمال کشور ایران را به خاک و خون کشیده و با این افراد به چه اهدافی کشیده می‌شود؟ چه کسی باید پاسخگوی خونهای باشد؟ چه اقدامی در مقابل این گونه اعمال جاسوسانه و ضد خلقی انجام گرفته است؟...

ایجاد کمیته تبلیغی دانشجویان عربی در برلن غربی، هفته سوسیالیستی (۲۰ تا ۲۶ ژوئن) به خوانندگان عربی، هفته مخصوص اتوپیای ـ آلمان عربی، ایجاد کارگران مرکب آلمان عربی، تشدید مبارزه کارگر آلمان عربی، تشدید مبارزه آزادی‌بخش خلق عرب، دکتر لوبار، آقای سیاسی خبرنگار روزنامه دموکرات آلمان عربی، آقای اسپوس رابع عضو دفتر سوسیالیستی ـ فرانکفورت، آقای عباسی برای عضو سندیکای کارگری آلمان عربی، آقای برزی کمیته تأمین‌کننده خبرنگار روزنامه ناکین ناسیونال

تلگراف دفتر کل روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه دکتر بنی صدر در مورد اتهامات اخیر علیه هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران.

جناب آقای ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری اسلامی ایران تهران ـ ایران

حزب سوسیالیست که سومین از مبارزین خلق ایران نیشه دیکتاتوری شاه خدمت کرده‌است، نگرانی بسیار خود را در مورد برگزار شدن کنگره مجاهدین به خصوص در سال کنون و تهدیدی که علیه مجاهدین در مطبوعات رسمی در روز ۲۴ آوریل اعمال گردید، ابراز می‌دارد. از شما می‌خواهیم جهت جلوگیری از هرگونه تعدی نسبت به اعضای این سازمان اقدام فرمائید. خواهشمندیم اعتراضات بسیار ما را بپذیرید.

دفتر کل روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه
۲۸ آوریل ۱۹۸۱

ورشکستگی تاریخی فرقه توده‌ای در روابطش با اسلام (۵)

بقیه از صفحه‌ی ۱۹

بررسی یک دیدگاه (۱)
پیرامون جدا کردن فلسفه توحیدی از عنصر عینی جامعه‌شناسانه آن

و ناشیا از مبارزات مستمر و محرومان تاریخ که از نوع "مادی" و بعث و عینی در انگیزه‌های "مقدس‌خواهانه" بودند زولدا معنای "جنگ حق و باطل" به مبارزه می‌رویم، مبارزه می‌باشد.

می‌بینیم که از دیدگاه نویسنده مبارزه‌ای "مقدس‌تر" و "ارزشمندتر" است و مبارزه‌ای "مقدس‌تر" است و مبارزه‌ای "الله وفی‌الله" و بانگیزه‌ای "نبرد حق و باطل" محسوب می‌گردد. که ارتجاعها و مرتجعان طبقاتی فاطمی مسیری گرفته باشد و اصولا کاری به کار طبقات و استثمار و بهره‌کشی نداشته باشد! که گوئی مقاصی حق و باطل، کفر و ایمان و اصلا معیار طبقات استعمارگر حاکم می‌بینند. و بهمین‌های آنها به تکلی فاقد اساس عینی بوده و به اصطلاح به گاو و گوسفند نزدیکتر است تا به انسان‌های متفکر و اندیشمند امروز!

ما در آینده در باره‌ی ماهیت طبقاتی "دوآلیسم" موجود در بطن نظرات نویسنده، که عین یک دیدگاه تجزیه طلبانه‌ی خرده‌بورژوائی نسبت به جامعه و انسان بوده و از برقراری پیوند واقع‌گرایانه با جان ضرورتهای مادی و معنوی در زندگی اجتماعی و فردی انسان عاجز می‌باشد، به طور جداگانه بحث خواهیم کرد. در اینجا فقط روی این سئوال تاکید می‌کنیم که آیا به راستی از این نقطه نظرها می‌توان کتب؟

اینجاست که می‌توان به عمق مفهوم این پیام نهفته سازشکار "محمد حسنین‌زاده" پی برد که در آخرین روزهای حیات خود عمیقی دفاع از آرمانهای انقلابی توحیدی مجاهدین در میدانگاههای نظامی شاه، مجسمه‌ی جوهر و روح ضداستعماری اندیشه‌ی توحید اداره بود، وضداکنون اسلام را از مبارزه طبقاتی در حکم خیانت به اسلام دانست.

اما این که نویسنده در ابتدای اظهارات خود چنین و مسیر تاریخ را جنگ طبقاتی و پیروزی استثمار شوندگان بر استثمارکنندگان دانسته و

منبع : نشریه مجاهد به شماره ۱۲۲ و ۱۲۳



شهادت مجاهد شهید : مادر سکینه چاقو ساز

تاریخ شهات : ۳۰ / اردیبهشت / ۱۳۶۰

محل شهادت : تبریز

سال گذشته در جریان عید فطر که هواداران به همین مناسبت در مسجد اندبیلی ها در تبریز مراسمی مذهبی تشکیل داده بودند، چماقداران و اوباش مسلح موسوی تبریزی به محل مراسم حمله برده و هواداران را به شدت مورد ضرب و شتم قرار می دهند، بطوری که یکی از مادران مجاهد از ناحیه‌ی سر با ضربات اوباش چماقدار و مسلح به ژ-۳ به شدت زخمی شده و دچار خونریزی مغزی می شود .

بدنبال این حمله‌ی وحشیانه و به دور از هرگونه جوانمردی مادر قهرمان سکینه چاقوساز به تهران اعزام و تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد وی به مدت ۹ ماه در بیمارستانهای ایرانشهر و به‌آورد بستری می‌گردد و به رغم تلاش ممتد و مستمر پزشکان و پرستاران بیمارستان پس از مدت ها تحمل درد و رنج در روز چهارشنبه ۶۰/۲/۳۰ به شهادت می رسد .

به همین مناسبت روز جمعه ۶۰/۳/۱ در ساعت ۴ بعدازظهر در مسجد احتشام تبریز مراسم یادبود و بزرگداشت مادر شهید چاقوساز ایرانی از طرف خانواده‌ی آن شهید و با شرکت عده‌ی زیادی از مردم برگزار می شود.

در این مراسم پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید وصیت نامه ی شهید و نیز اطلاعیه ی مجاهدین خلق ایران مرکز تبریز که به همین مناسبت صادر شده بود برای حاضرین قرائت گردید .

مجاهدین خلق ایران ضمن تبریک و تسلیت به مادران قهرمان و مجاهدپرور سراسر کشور و خانواده ی آن مادر شهید بار دیگر به رغم وجود و افزایش روزافزون فشار و تضییقات مرتجعین چماقدار به هواداران و هجوم شبانه روزی ایادی مسلح حزب چماق داران حاکم به منازل هواداران تأکید می کنند که مجاهدین خلق و سایر مادران قهرمان و انقلابی در کنف حمایت بی دریغ خلق قهرمان ایران پرچم سرخ اسلام انقلابی را با نیل به آزادی و تحقق اساسی ترین شعارها و خواسته های مردم در اهتزاز نگاه خواهد داشت.

یاد مجاهد شهید سکینه چاقوساز گرامی و راهش جاودان باد .

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره شهادت مادرمجاهد سکینه چاقوساز در تبریز

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز! مردم آزاده و انقلابی تبریز!

سازمان مجاهدین خلق ایران بدینوسیله شهادت خواهر مجاهد و مادر قهرمان سکینه چاقوساز را به اطلاع عموم مردم می رساند .

شهادت مظلومانه‌ی این مادر انقلابی و مجاهد سند جنایت ننگین دیگری است که به مثابه نشانه‌ای روشن‌وگواهی قاطع بر منتهای قساوت قلب و ستم پیشگی انحصارطلبان و عمال و ایادی چماقدار مسلح شان در تاریخ انقلاب ایران برای همیشه باقی خواهد ماند و بدین سان خون پاک این شیرزن زحمت کش و مجاهد تبریز که مظلومانه در راه آرمان های توحیدی و انقلابیش و در راه عزت و شرف و آزادگی جان باخت نه فقط در عصر و نسل حاضر بلکه در طول تاریخ آینده نیز افشاگر عملکردها و جنایات ضدخلقی و ضداسلامی کسانی خواهد بود که پیوسته و عوامفریبانه از اسلام و مردم دم می زنند.

مجاهد شهید و مادر قهرمان سکینه چاقوساز در جریان تهاجم چماقداران و اوباش مسلح (که توسط موسوی تبریزی هدایت و تدارک و تجهیز شده بودن) به مراسم بزرگداشت عید فطر سال گذشته از سوی هواداران مجاهدین در مسجد اندبیلی ها برگزار شده بود مورد ضرب و جرح شدیدی قرار می‌گیرد صدمات و ضربات وارده بر این مادر مجاهد منجر به خونریزی مغزی وی می‌گردد و مادر برای مداوا و معالجه به تهران اعزام و تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد .

اما متاسفانه علیرغم تلاشها و مساعدتهای پزشکان و پرستاران بیمارستان‌های ایرانشهر و به‌آور معالجات موثر واقع نمی‌شود و مادر مجاهد سکینه چاقوساز سرانجام در روز چهارشنبه ۶۰/۲/۳۰ پس از مدتها تحمل درد و رنج و مقاومت قهرمانانه بشهادت می رسد

بدون شک برای شهر قهرمان پرور و مردم آزاده‌ی تبریز خواهر مجاهد سکینه چاقوساز نه اولین شهیدی است که در راه رهایی خلق تقدیم شده و نه آخرین آنها خواهد بود .

اما از سوی دیگر تردیدی نیست که جریان شهادت این شیرزن مجاهد تبریزی در شمار مجاهدین و شهیدان آن خطه و حتی در سراسر ایران نمونه ی نادری است که از سویی اراده ی انقلابی و آزادگی تمام مردم از زن ومرد و پیر و جوان به شمار می رود و از سوی دیگر منتهای جنایت پیشگی انحصارطلبان اسلام پناه را به اثبات می رساند

مجاهدین خلق ایران ضمن تقدیم تبریک و تسلیت به هموطنان عزیز بویژه مردم قهرمان تبریز و خانواده ی مجاهد شهید مادر قهرمان سکینه چاقوساز یک بار دیگر ضمن تأکید بر سوگند خونین مجاهدین در راه پیگیری قاطع آرمان های انقلابی و توحیدی و دفاع استورا از حقوق حقه ی خلق اطمینان می دهند که راه و آرمان این شهید سرانجام به اثبات و پیروزی خواهد رسید و ستمگران و ظالمان سنگدلی که دستشان به خون او آغشته است بدون مکافات و مجازات نخواهند ماند .

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران

۵/ خرداد /۶۰

××××××

منبع : نشریه مجاهد به شماره ۱۲۳

متن تایپ شده وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیا عند ربهم یرزقون

(قرآن کریم)

کسانی که در راه خدا کشته می شوند مرده مپندارید بلکه آنها زنده اند و در پیشگاه پروردگارشان روزی می خورند .

من سکینه‌ی چاقوساز ایرانی متولد سال ۱۳۱۴ فرزند میرزاعلی که در زمان شاه معدوم شاهد بوده که جوانان پاک و انقلابی که در مکتب مجاهدین خلق پرورش یافته بودند بدون ترس از قدرت طاغوتی رژیم و سازشکارهای مرتجعین مبارزه می کردند .

امروز هم آشکارا می بینم که همان جوانان پاک و معصومی که شاه با مارک خرابکار و تروریست و مارکسیست اسلامی آنها را به زندانها می انداخت و شهیدشان می کرد به دست رژیم به اصطلاح جمهوری اسلامی و شکنجه گران تازه کار دوباره در زندانها جای گرفته و هر روز خون مجاهدی را در گوشه و کنار این کشور بر زمین می ریزند .

این است که به استقامت و ایمان فرزندان مجاهدم ایمان آورده و تا جان در بدن دارم از هیچ گونه کوششی در راه تحقق آرمانهای توحیدی مجاهدین فروگذار نخواهم کرد و در این ساعات آخر عمرم می خواهم از قول من به مسعود و موسی سلام برسانید و به تمامی فرزندان و جوانان وصیت میکنم که راه مجاهدین را ادامه داده و از هیچ چیز نترسند که خدا با ماست .

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

سکینه چاقوساز ایرانی

××××××

قسمتی از نامه مجاهد شهید چاقوساز به آیت الله خمینی

و با وجود اینکه این نامه را برای شما می نویسم ولی تنها امید من برای نجات اسلام و مردم ستمدیده همین نسل انقلاب و فرزندان جان بر کف و مجاهد است که با وجود همه‌ی تهمت ها و مارکهای غیر

اسلامی باز با مقاومت دلیرانه و قهرمانانه‌ی حسین وار و زینب وار خود غبارهای ارتجاعی را از روی جمهوری اسلامی پاک کرده و آن را تا جامعه‌ی بی طبقه توحیدی و ظهور حضرت مهدی (ع) رهنمون خواهد بود .

و در این لحظه تنها ناراحتی من این است که چرا با وجود اینکه این همه فجایع از دست این عمال به اصطلاح شرعی و ... در تمام خاک این میهن انجام می گیرد و به همه کس هم آشکار است چرا از جانب آن حضرت عکس العملی صورت نمی گیرد .

به هرجهت فکر میکنم تصدیق بفرمایید که این انتظار از طرف مادری که انواع زحمات را در جریان انقلاب کشیده و خالصانه فرزندان خود را وقف انقلاب و اسلام نموده از شما انتظار زیادی نباشد که امید اجابت از حضرتعالی دارم .

به امید اقدام جدی آنحضرت

امضا

سکینه ایرانی (چاقوساز)

××××××

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۲۶



شهادت مجاهد شهید : سعید سرایدار

تاریخ شهادت : ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۰

محل شهادت : بجنورد

مجاهد شهید سعید سرایدار، یکی از قربانیان کودتای ضد انقلابی مرتجعین

همان طور که می‌دانید به دنبال اوج‌گیری توطئه‌ی ارتجاع علیه اراده‌ی آزاد خلق، مردم در روزهای اخیر در شهرهای مختلف ایران، اعتراضات گسترده‌ای را درحمایت ازآقای دکتر بنی صدر رئیس جمهور قانونی خود علیه ارتجاع جنگ افروز سازمان دادند. ارتجاع وحشتزده از این همه آگاهی وخروش مردمی، مزدوران خود را به مقابله می‌فرستد .

آن‌ها سبعانه مردمی را که بار سنگین استبداد و خفقان را بر دوش خود حس می‌کنند و ازشدت فشارهای اجتماعی، اقتصادی به جان آمده‌اند مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار داده و وحشیانه به گلوله می‌بندند و این تهاجمات نامردمی در طی روزهای اخیر منجر به شهادت و زخمی شدن مردمی می‌گردد که گناهی جز آزادی خواهی و اعتراض به استبداد و بند و بست های پشت پرده با امپریالیست‌های جهان خواهر ندارند.

در یکی ازاین اعتراضات که در شهر بجنورد انجام گرفت، بعد از ظهر روز چهارشنبه بیستم خرداد ماه حدود ۶۰۰ نفر از از مردم قهرمان بجنورد از مقابل "دفتر هماهنگی همکاری های مردم با رئیس جمهور" در این شهر به حمایت از رئیس جمهور دست به راه‌پیمائی می‌زنند.

در طی مسیر جمیعت به بیش از ۳۰۰۰ نفر می‌رسد. به دنبال این حمایت گسترده هنگامی‌که‌راه‌پیمایان به‌فلکه‌ی مرکز شهر می‌رسند، ناجوانمردانه هدف رگبار گلوله‌های مزدوران ارتجاع قرار می‌گیرند .

در پی این اقدام ضد مردمی، ایادی مسلح ارتجاع ۲ نفر به اسامی سعید سرایدار و پرویز یزدانی را به شهادت رسانیده و ۱۵ نفر دیگر را نیز مجروح می‌سازند .

ساعت ۹/۳۰ دقیقه صبح روز پنج‌شنبه ۶۰/۳/۲۱ ، مراسم تشییع جنازه مجاهد شهید "سعید سرایدار" از بیمارستان شریعتی شروع شده و با شعارهائی نظیر: خراسان و بجنورد بجای جبهه جنگ ، اینک به خون نشسته. گلوله‌ی پاسدار بجای سینه خصم در قلب ما نشسته- مرتجعین بدانند، خون شهیدان ما مشعل پیکار ماست و ... ادامه می‌یابد. تشییع کنندگان که مرتبا بر جمعیتشان افزوده می‌شد، تا اداره پست راه‌پیمائی می‌کنند .

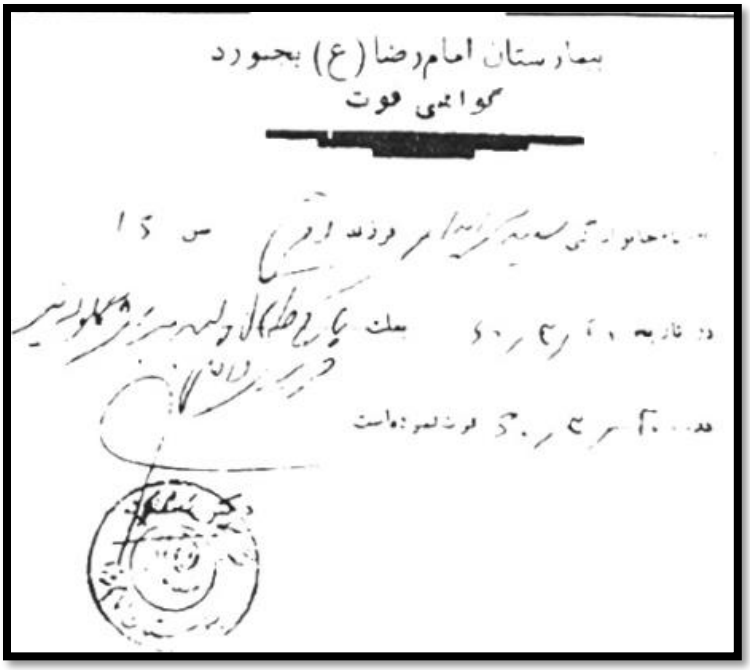
در این حین عده‌ای چماق‌دار به جمعیت تشییع کننده هجوم آورده و مشابه اقداماتی که ساواک در زمان احتضار خود می‌کرد پس از ربودن جنازه‌ی شهید ، آن را ابتدا به گورستان "معصوم زاده" منتقل کرده و سپس به دور از چشم مردم مخفیانه به خاک می‌سپارند .

پس از به خاک سپاری جسد شهید چند تن از مزودران ارتجاع، با سخنان خود به قلب واقعیت‌ها می‌پردازند .

ما شهادت برادر مجاهد"سعید سرایدار" را به مردم قهرمان ایران و به ویژه به خانواده‌ی داغدارش تبریک و تسلیت می‌گوئیم .

باشد با خون سعیدها در این برهه از زمان نهال آزادی را بارور سازد، بگذار تا مرتجعین و انحصار طلبان باز هم جوانان را بکشند و در لجه‌ی خون اندازند ولی در مقابل اراده‌ی استوار " نسل انقلاب" و خلقی که اینک علیه بند و بست‌های ارتجاعی پشت پرده و فریب و سرکوب بپاخاسته است تا دزدان شب را رسوا کند ،

مرتجعین چه خواهند کرد؟!!



بیمارستان امام رضا (ع) بجنورد

گواهی فوت

« گواهی پزشک قانونی در مورد چگونگی شهادت مجاهد شهید سعید سرایدار



اطلاعیه خانواده شهید سرایدار

در رابطه با برگزاری مراسم سومین روز شهادت او

منبع : نشریه مجاهد به شماره ۱۲۶

شهادت مجاهد شهید : پرویز یزدانی

تاریخ شهادت : ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۰

محل شهادت : بجنورد

نحوه‌ی شهادت : به ضرب گلوله پاسداران ظلمت و تباهی

گسترش اعتراضات انقلابی مردم در شهرستانهای مختلف ایران

بر علیه کودتای ضد مردمی مرتجعین

توطئه‌ها و شگردهای ارتجاعی انحصار طلبان علیه رئیس جمهور و فرمانده کل قوا در سراسر کشور نه تنها اعتراضات گسترده‌ی اقشار مردمی را به حمایت از آقای دکتر سید ابوالحسن بنی صدر باعث شده است، بلکه در میان سربازان غیور میهنمان نیز موج گسترده‌ای از نارضایتی و اعتراض را باعث شد و هموطنانمان درشهرهایی که بحث شدیدترین حملات رژیم متجاوز عراق قرار دارند از جمله اهواز، مسجد سلیمان و ... نیز با راه‌پیمائی‌های اعتراض آمیز خود حمایت خود را از رئیس جمهور اعلام داشتند.

در روزهای اخیر به ویژه بازاریان سراسر کشور، به رغم این که سخنرانان جنگ افروز و چماق‌داران حرفه‌ای‌آن‌ها راتهدید به غارت مغازه‌هایشان کرده بودند طی راه‌پیمائی

های گسترده و هم چنین با بستن مغازه‌های خود اعتراض نموده و به حمایت از رئیس جمهور قانونی خود برخاستند . البته بنا بر رسم انحصار طلبان هیچ کدام از اعتراضات فوق از تیغ حمله و هجوم چماق‌داران شناخته شده و مسلح حزب حاکم در امان نبوده است .

تاجائی که تا کنون حداقل ۵ نفر از مردم وهوادران مجاهدین خلق در پی حملات ناجوانمردانه‌ی چماق‌داران و دخالت مسلحانه پاسداران حزبی و افراد کمیته‌چی به صفوف فشرده‌ی راه‌پیمائی‌های حمایتی مردم از رئیس جمهور، دکتر بنی صدر، در شهرستان‌ها به شهادت رسیده‌اند .

اما بازهم اعتراضات با شور و توان بیشتری ادامه یافته وفریاد اعتراض مردم علیه توطئه‌ی ارتجاعی- امپریالیستی حذف آقای بنی صدر از مقام ریاست جمهوری و حاکم کردن استبداد مطلق زیر پرده دین و سرکوب نیروهای مردمی و آزادی‌خواه هر روز بیشتر می‌شود.

××××××

منبع : نشریه مجاهد ۱۲۵

مقاومت گسترده در تهران و شهرستانها در برابر جریان کودتای

ضد مردمی مرتجعین حاکم

در پیشاپیش این مقاومت‌های مردمی، هواداران مجاهدین و میلیشیای قهرمان علی رغم تمامی جنایات و وحشی‌گری‌های چماق‌داران و مرتجعان و سایر مزدوران مسلح ارتجاع، قهرمانانه ایستادگی می‌کنند و به قیمت هزاران اسیر و مجروح و شهید آزادی و استقلال و شرف خلق قهرمان ایران که هم اکنون به دلیل جریان کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم و نیز توطئه‌ی حذف رئیس جمهور در معرض جدی ترین تهدیدها قرار گرفته است، دفاع می کنند.

لاهیجان :

به دنبال اقدامات ارتجاعی برای ایجاد جو وحشت از طرف بسیجی ها که با لباس‌های رسمی و بازوبندبسیج هماهنگی اقدام به حکومت شبه نظامی کرده و با فعال کردن چماق‌داران برای چاقو کشی و چماق‌داری و جولان در خیابان‌های شهرپرداختند . مردم فارغ از این مانورهای رسمی و غیر رسمی ارتجاعی که همپای توطئه برای حذف ریاست جمهوری انجام می‌گرفت، دست به راه‌پیمائی اعتراضی در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد زده و در ادامه‌ی راه‌پیمائی‌های شب ۳/۲۲ با شعارهائی نظیر

اختناق، اختناق تهدید انقلاب است ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد تا پاسی از شب به خاطر پاسداری از ارزش‌های انقلاب به شعار دادن پرداختند. متعاقب آن عده‌ای از ایادی مسلح ارتجاع به آن‌ها حمله می‌کنند . در اثر رگبار مسلسل یوزی که از سوی ماشین سپاه به سوی آن‌ها شلیک می‌شود، مادری به نام "حرمت گیاهپور" مجروح شده که بعد ازانتقال به بیمارستان ۱۹ آبان شهید می‌شود

املش (رودسر) :

ساعت ۱۰و۳۰ دقیقه روز جمعه ۳/۲۲ عده‌ای از مردم به حمایت از ریاست جمهوری، دست به یک راه‌پیمائی می‌زنند به دنبال آن عده‌ای از چماق‌داران بسیج و سپاه به آن‌ها حمله کرده و شروع به تیراندازی می‌کنند .

در این یورش مسلحانه یکی ازهواداران مجاهدین به نام شرف مازیار از ناحیه کتف مجروح می‌شود که در اثر شدت جراحات سرانجام جمعه ساعت ۱۰و۱۰ دقیقه شب به شهادت می‌رسد .

هم چنین در اثر تیر اندازی یکی از ژ-۳ بدستان مرتجع به نام"هادی حمیدی" به سمت یکی ازهوادران سازمان چریک‌های فدائی خلق با نام "رویا کاظمی" از ناحیه‌ی قلب مورد اصابت گلوله قرار گرفته و در دم به شهادت می‌رسد .

در این درگیری دو خواهر دیگر به نام‌های "فاطمه غلامی" و "شیوا ترابی" نیز به شدت مجروح می‌شوند .

لازم به تذکر است که پس از شهادت برادر مجاهد شرف مازیار، مرتجعین مزدور به شیوه‌ی ساواک، جسد او را ربوده و دور از انظار دفن می‌کنند و به اعتراض خانواده‌ی وی نیز وقعی نمی‌نهند.

بجنورد :

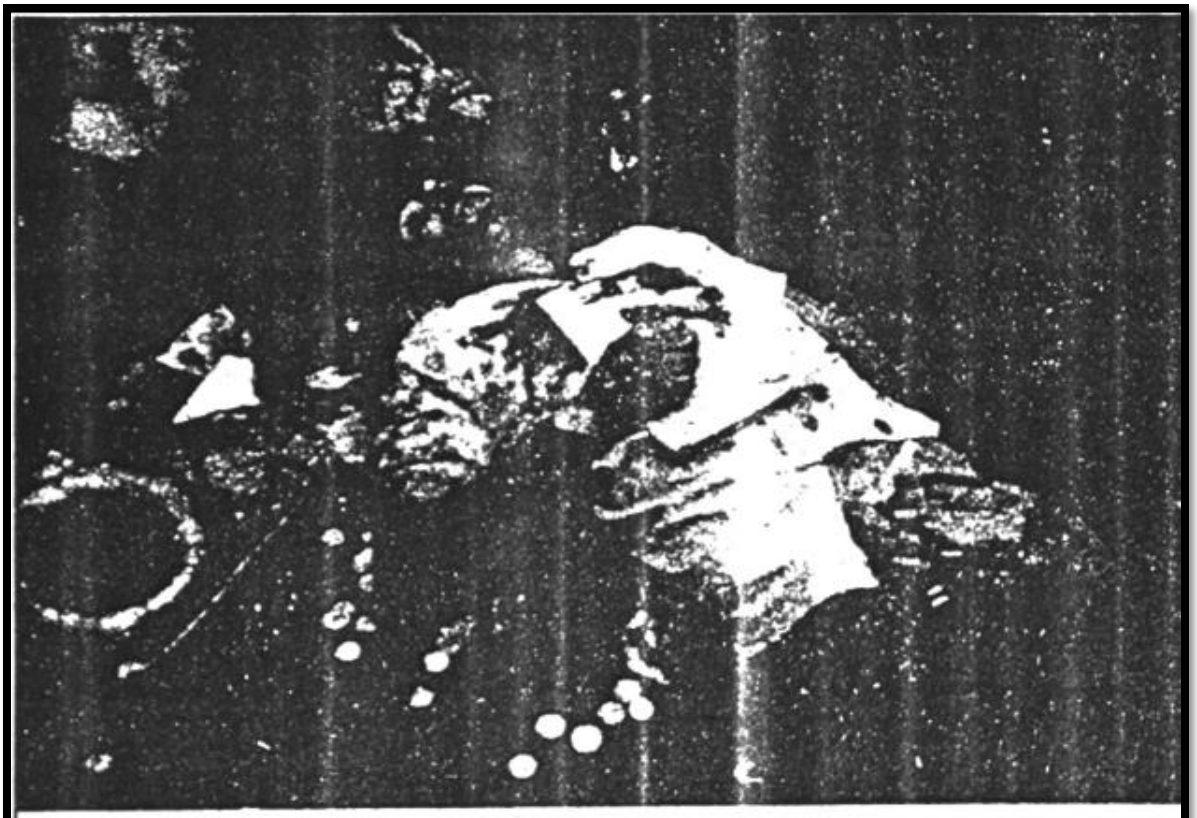
بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۰ خرداد عده‌ای از مردم مقابل دفتر همآهنگی دست به راه‌پیمائی می‌زنند. چماق‌داران که قصد برهم زدن راه‌پیمائی را داشتند، به علت کثرت جمعیت موفق به این کار نمی‌شوند .

مردم که پس از راه‌پیمائی در فلکه مرکز شهربودند، هدف رگبار وحشیانه‌ی مزدوران مسلح ارتجاع قرار می‌گیرند که در نتیجه‌ی آن بیش از ۱۷ نفر به ضرب گلوله مجروح و ۲ نفر به اسامی " سعید سرایدار" و "پرویز یزدانی" به شهادت می‌رسند .

حال ۶ نفر از زخمی‌ها نیز وخیم گزارش شده است . روز بعد ۵ شنبه ۳/۲۱ در تشییع جنازه‌ی یکی از شهدا که از هوادران مجاهدین خلق بود، هزاران نفر از مردم از خیابان شریعتی دست به راه‌پیمائی

می‌زنند، در مسیر راه‌پیمائی عده‌ای اوباش، مسلح به چوب و چماق به طرف مردم هجوم برده و جسد شهید را دزدیده و به بیمارستان شهر می‌برند.

به دنبال آن بین مردم و چماق‌داران درگیری شدیدی رخ می‌دهد که عده‌ی زیادی از دو طرف مجروح می‌شوند. مردم ضمن ابراز انزجار خود را از این جنایت یکصدا فریاد می‌زدنند: در سنگر انقلاب نه سازش نه تسلیم نبرد با ارتجاع- مرتجعین بدانند ، خون شهیدان ما، مشعل پیکار ماست -بجنورد به جای جبهه ،اینک به خون نشسته ! به دنبال این جریان افراد سپاه تا اواخر شب در خیابان‌های شهر گشت داده و سه نفر را دستگیر می‌کنند . در این حمله‌ی ناجوانمردانه و مقاومت دلیرانه‌ی مردم بجنورد ۱۴ نفر به وسیله‌ی چماق و گلوله زخمی می‌شوند .



نمونه‌ای از آثار "قضای باز سیاسی" مورد ادعای هیات‌حاکمه‌ی ارتجاعی ایران
گلوله‌ی ژ-۳ و گلت: رایج‌ترین پاسخ مرتجعین به هواداران مجاهدین خلق: مجاهدی‌که‌شربه‌ی "مجاهد" ش با خون او لاله‌گون‌شد و حتی در لحظه‌ی شهادت نیز از آن جدا نشد، به جرم ترویج حقیقت و بردن پیام انقلاب به میان توده‌ها و به جرم مقاومت در برابر کودتای ضد مردمی مرتجعین، در عصر چهارشنبه ۲۵ خرداد ماه ۶۰ در میدان امام خمینی (سپه سابق) مورد اصابت گلوله‌ی پاسداران قرار گرفت ومغز او یکجا از کاسه‌ی سرش بیرون ریخت و بدین ترتیب به شهادت رسید.
آیا مرتجعین جنایتکار خاکه گمان‌می‌کنند که می‌توانند سرانجام از انتقام خدا و خشم خلق در امان بماند؟!

منبع : نشریه مجاهد شماره ۱۲۵

شهادت مجاهد شهید : شرف مازیار

تاریخ شهات : ۲۲ / ۳ / ۱۳۶۰

محل شهادت : املش (رودسر)

نحوه شهادت : به ضرب گلوله اوباش چماقدار

مقاومت گسترده در تهران و شهرستانها

در برابرجریان کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم

در پیشاپیش این مقاومت‌های مردمی، هواداران مجاهدین و میلیشیای قهرمان علی رغم تمامی جنایات و وحشی‌گری‌های چماق‌داران و مرتجعان و سایر مزدوران مسلح ارتجاع، قهرمانانه ایستادگی می‌کنند و به قیمت هزاران اسیر و مجروح و شهید آزادی و استقلال و شرف خلق قهرمان ایران که هم اکنون به دلیل جریان کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم و نیز توطئه‌ی حذف رئیس جمهور در معرض جدی ترین تهدیدها قرار گرفته است، دفاع میکنند.

املش (رودسر) :

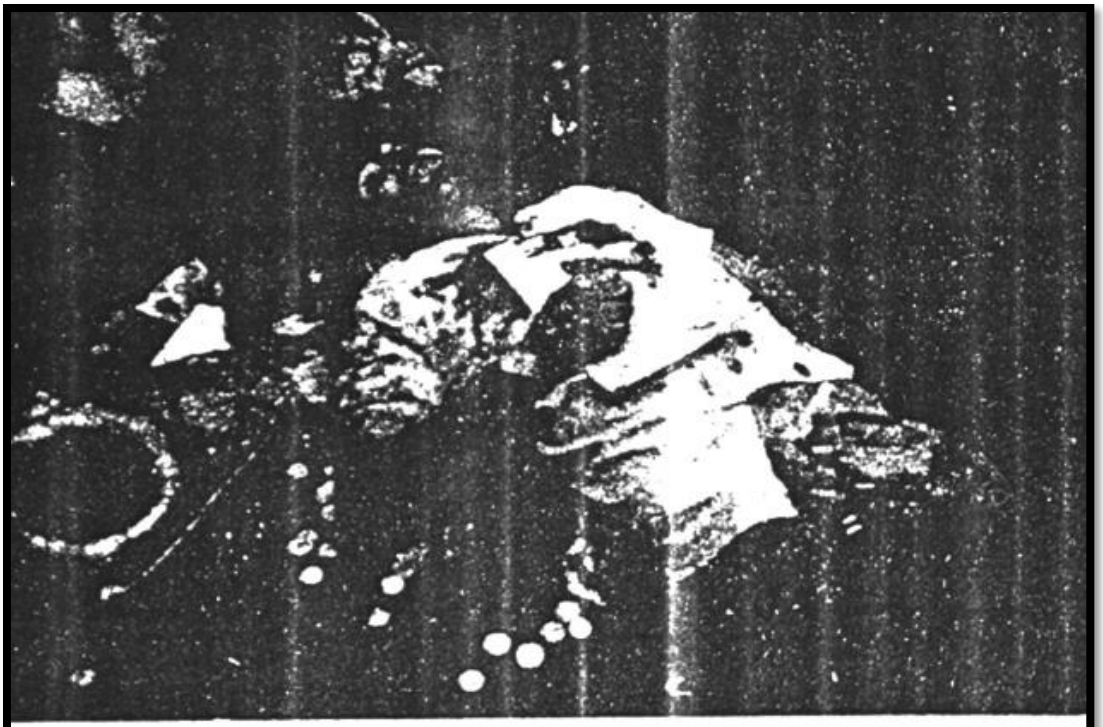
ساعت ۱۰و۳۰ دقیقه روز جمعه ۳/۲۲ عده‌ای از مردم به حمایت از ریاست جمهوری، دست

به یک راه‌پیمائی می‌زنند به دنبال آن عده‌ای از چماق‌داران بسیج و سپاه به آن‌ها حمله کرده و شروع به تیراندازی می‌کنند .

در این یورش مسلحانه یکی ازهواداران مجاهدین به نام شرف مازیار از ناحیه کتف مجروح می‌شود که در اثر شدت جراحات سرانجام جمعه ساعت ۱۰و۱۰ دقیقه شب به شهادت می‌رسد .

هم چنین در اثرتیر اندازی یکی از ژ-۳ بدستان مرتجع به نام"هادی حمیدی" به سمت یکی ازهوادران سازمان چریک‌های فدائی خلق با نام "رویا کاظمی" از ناحیه‌ی قلب مورد اصابت گلوله قرار گرفته و در دم به شهادت می‌رسد .

در این درگیری دو خواهر دیگر به نام‌های "فاطمه غلامی" و "شیوا ترابی" نیز به شدت مجروح می‌شوند. لازم به تذکر است که پس از شهادت برادر مجاهد شرف مازیار، مرتجعین مزدور به شیوه‌ی ساواک، جسد او را ربوده و دور از انظار دفن می‌کنند و به اعتراض خانواده‌ی وی نیز وقعی نمی‌نهند .



نمونه‌ای از آثار "قضای باز سیاسی" مورد ادعای هیات‌حاکمه‌ی ارتجاعی ایران
گلوله‌ی ژ-۳ و گلت: رایج‌ترین پاسخ مرتجعین به هواداران مجاهدین خلق: مجاهدی‌که‌شربه‌ی "مجاهد" شن با خون او لاله‌گون‌شد و حتی در لحظه‌ی شهادت نیز از آن جدا نشد، به جرم ترویج حقیقت و بردن پیام انقلاب به میان توده‌ها و به جرم مقاومت در برابر کودتای ضد مردمی مرتجعین، در عصر چهارشنبه ۳۰ خرداد ماه ۶۰ در میدان امام خمینی (سپه سابق) مورد اصابت گلوله‌ی پاسداران قرار گرفت ومغز او یکجا از کاسه‌ی سرش بیرون ریخت و بدین ترتیب به شهادت رسید.
آیا مرتجعین خائنکار جاکه گمان‌می‌کنند که می‌توانند سرانجام از انتقام خدا و خشم خلق در امان بماند!!

××××××

منبع : نشریه مجاهد ـ شماره ۱۲۶

گسترش اعتراضات انقلابی مردم در شهرستانهای مختلف ایران

بر علیه کودتای ضد مردمی مرتجعین

توطئه‌ها و شگردهای ارتجاعی انحصار طلبان علیه رئیس جمهور و فرمانده کل قوا در سراسر کشور نه تنها اعتراضات گسترده‌ی اقشار مردمی را به حمایت از آقای دکتر سید ابوالحسن بنی صدر باعث شده است، بلکه در میان سربازان غیور میهنمان نیز موج گسترده‌ای از نارضایتی و اعتراض را باعث شد و هموطنانمان درشهرهایی که بحث شدیدترین حملات رژیم متجاوز عراق قرار دارند از جمله اهواز، مسجد سلیمان و ... نیز با راه‌پیمائی‌های اعتراض آمیز خود حمایت خود را از رئیس جمهور اعلام داشتند .

در روزهای اخیر به ویژه بازاریان سراسر کشور، به رغم این که سخنرانان جنگ افروز و چماق‌داران‌حرفه‌ای آن‌ها را تهدید به غارت مغازه‌هایشان کرده بودند، طی راهپیمایی هایی گسترده و هم چنین با بستن مغازه‌های خود اعتراض نموده و به حمایت از رئیس جمهور قانونی خود برخاستند .

البته بنابر رسم انحصار طلبان هیچ کدام از اعتراضات فوق از تیغ حمله و هجوم چماق‌داران شناخته شده و مسلح حزب حاکم در امان نبوده است، تاجائی که تا کنون حداقل ۵ نفر از مردم و هوادران مجاهدین خلق در پی حملات ناجوانمردانه‌ی چماق‌داران و دخالت مسلحانه پاسداران حزبی و افراد کمیته‌چی به صفوف فشرده‌ی راه‌پیمائی‌های حمایتی مردم از رئیس جمهور، دکتر بنی صدر، در شهرستان‌ها به شهادت رسیده‌اند .

اما بازهم اعتراضات با شور و توان بیشتری ادامه یافته وفریاد اعتراض مردم علیه توطئه‌ی ارتجاعی ـ امپریالیستی حذف آقای بنی صدر از مقام ریاست جمهوری و حاکم کردن استبداد مطلق زیر پرده دین و سرکوب نیروهای مردمی و آزادی‌خواه هر روز بیشتر می‌شود .

منبع : نشریه مجاهد ۱۲۶

شهادت : مجاهد شهید مادر حرمت گیاهپور

تاریخ شهادت : ۱۹/ آبان / ۱۳۶۰

محل شهادت : لاهیجان

نحوه‌ی شهادت : اصابت رگبار گلوله .

گسترش اعتراضات انقلابی مردم در شهرستانهای مختلف ایران

بر علیه کودتای ضد مردمی مرتجعین

توطئه‌ها و شگردهای ارتجاعی انحصار طلبان علیه رئیس جمهور و فرمانده کل قوا در سراسر کشور نه تنها اعتراضات گسترده‌ی اقشار مردمی را به حمایت از آقای دکتر سید ابوالحسن بنی صدر باعث شده است، بلکه در میان سربازان غیور میهنمان نیز موج گسترده‌ای از نارضایتی و اعتراض را باعث شد و هموطنانمان درشهرهایی که بحث شدیدترین حملات رژیم متجاوز عراق قرار دارند از جمله اهواز، مسجد سلیمان و ... نیز با راه‌پیمائی‌های اعتراض آمیز خود حمایت خود را از رئیس جمهور اعلام داشتند.

در روزهای اخیر به ویژه بازاریان سراسر کشور، به رغم این که سخنرانان جنگ افروز وچماق‌داران حرفه‌ای آنها را تهدید به غارت مغازه هایشان کرده بودند ، طی راه پیمایی های گسترده و هم چنین با بستن مغازه‌های خود اعتراض نموده و به حمایت از رئیس جمهور قانونی خود برخاستند .
البته بنا بر رسم انحصار طلبان هیچ کدام از اعتراضات فوق از تیغ حمله و هجوم چماق‌داران شناخته شده و مسلح حزب حاکم در امان نبوده است .
تاجائی که تا کنون حداقل ۵ نفر از مردم و هوادران مجاهدین خلق در پی حملات ناجوانمردانه‌ی چماق‌داران و دخالت مسلحانه پاسداران حزبی و افراد کمیته‌چی به صفوف فشرده‌ی راه‌پیمائی‌های حمایتی مردم از رئیس جمهور، دکتر بنی صدر، در شهرستان‌ها به شهادت رسیده‌اند .
اما بازهم اعتراضات با شور و توان بیشتری ادامه یافته وفریاد اعتراض مردم علیه توطئه‌ی ارتجاعی ـ امپریالیستی حذف آقای بنی صدر از مقام ریاست جمهوری و حاکم کردن استبداد مطلق زیر پرده دین و سرکوب نیروهای مردمی و آزادی‌خواه هر روز بیشتر می‌شود.

××××××

نشریه مجاهد ۱۲۵

مقاومت گسترده در تهران و شهرستانها

در برابرجریان کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم

در پیشاپیش این مقاومت‌های مردمی، هواداران مجاهدین و میلیشیای قهرمان علی رغم تمامی جنایات و وحشی‌گری‌های چماق‌داران و مرتجعان و سایر مزدوران مسلح ارتجاع، قهرمانانه ایستادگی می‌کنند و به قیمت هزاران اسیر و مجروح و شهید آزادی و استقلال و شرف خلق قهرمان ایران که هم اکنون به دلیل جریان کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم و نیز توطئه‌ی حذف رئیس جمهور در معرض جدی ترین تهدیدها قرار گرفته است، دفاع میکنند.

××××××

لاهیجان :

به دنبال اقدامات ارتجاعی برای ایجاد جو وحشت از طرف بسیجی ها که با لباس‌های رسمی و بازوبند " بسیج همآهنگی" اقدام به حکومت شبه نظامی کرده و با فعال کردن چماق‌داران برای چاقو کشی و چماق‌داری و جولان در خیابان‌های شهر، مردم فارغ از این مانورهای رسمی و غیر رسمی ارتجاعی که

همپای توطئه برای حذف ریاست جمهوری انجام می‌گرفت، دست به راه‌پیمائی اعتراضی در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد زده و در ادامه‌ی راه‌پیمائی های شب ۳/۲۲ با شعارهائی نظیر "اختناق، اختناق تهدید انقلاب است ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد" تا پاسی از شب به خاطر پاسداری از ارزش‌های انقلاب به شعار دادن پرداختند.

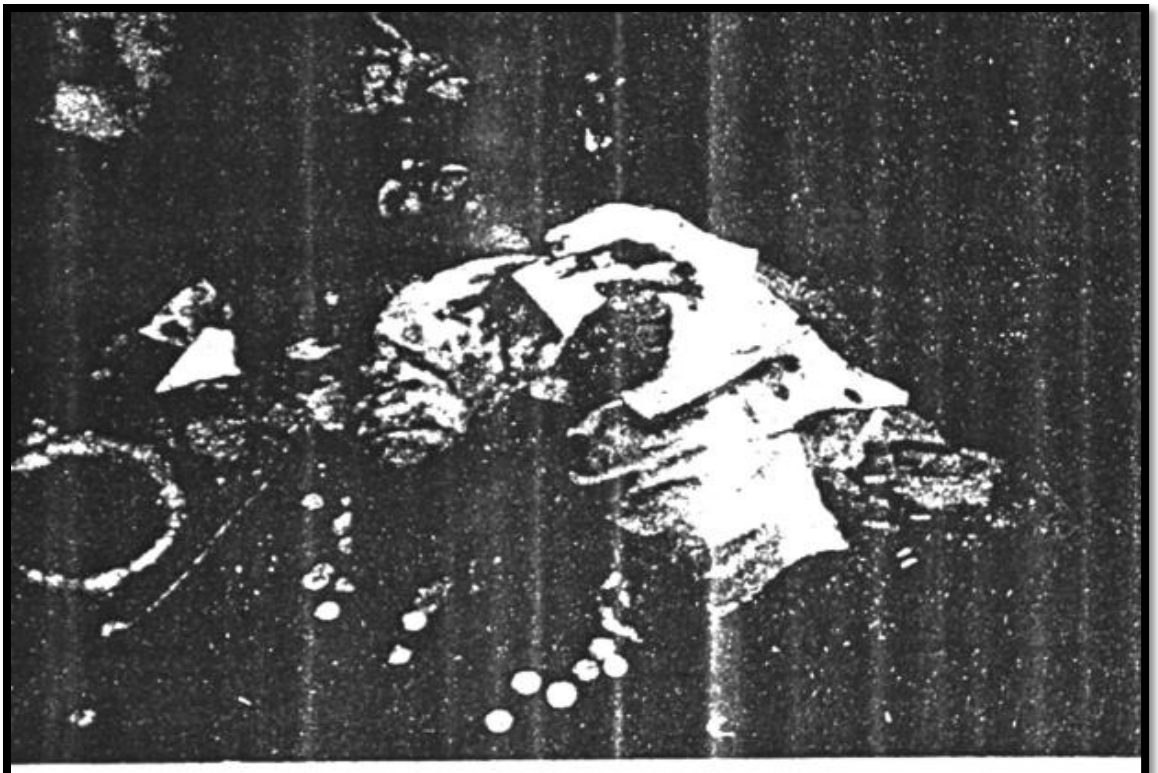
متعاقب آن عده‌ای از ایادی مسلح ارتجاع به آن‌ها حمله می‌کنند . در اثر رگبار مسلسل یوزی که از سوی ماشین سپاه به سوی آن‌ها شلیک می‌شود، مادری به نام "حرمت گیاهپور" مجروح شده که بعد از انتقال به بیمارستان ۱۹ آبان شهید می‌شود .

بجنورد :

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۰ خرداد عده‌ای از مردم مقابل دفتر همآهنگی دست به راه‌پیمائی می‌زنند. چماق‌داران که قصد برهم زدن راه‌پیمائی را داشتند، به علت کثرت جمعیت موفق به این کار نمی‌شوند. مردم که پس از راه‌پیمائی در فلکه مرکز شهربودند، هدف رگبار وحشیانه‌ی مزدوران مسلح ارتجاع قرار می‌گیرند که در نتیجه‌ی آن بیش از ۱۷ نفر به ضرب گلوله مجروح و ۲ نفر به اسامی "سعید سرایدار" و "پرویز یزدانی" به شهادت می‌رسند حال ۶ نفر از زخمی‌ها نیز وخیم گزارش شده است روز بعد ۵ شنبه ۳/۲۱ در تشییع جنازه‌ی یکی از شهدا که از هوادران مجاهدین خلق بود، هزاران نفر از مردم از خیابان شریعتی دست به راه‌پیمائی می‌زنند، در مسیر راه‌پیمائی عده‌ای اوباش، مسلح به چوب و چماق به طرف مردم هجوم برده و جسد شهید را دزدیده و به بیمارستان شهر می‌برند .

به دنبال آن بین مردم و چماق‌داران درگیری شدیدی رخ می‌دهد که عده‌ی زیادی از دو طرف مجروح می‌شوند. مردم ضمن ابراز انزجار خود را از این جنایت یکصدا فریاد می‌زدنند :

" در سنگر انقلاب نه سازش نه تسلیم نبرد با ارتجاع"" مرتجعین بدانند ، خون شهیدان ما، مشعل پیکار ماست" "بجنورد به جای جبهه ، اینک به خون نشسته" به دنبال این جریان افراد سپاه تا اواخر شب در خیابان‌های شهر گشت داده و و سه نفر را دستگیر می‌کنند. در این حمله‌ی ناجوانمردانه و مقاومت دلیرانه‌ی مردم بجنورد ۱۴ نفر به وسیله‌ی چماق و گلوله زخمی می‌شوند.



نمونه‌ای از آثار "فضای باز سیاسی" مورد ادعای هیات حاکمه‌ی ارتجاعی ایران
گلوله‌ی ژ-۳ و کلت: رایج‌ترین پاسخ مرتجعین به هواداران مجاهدین خلق: مجاهدی که نشریه‌ی "مجاهد" ش با خون او لاله‌گون شد و حتی در لحظه‌ی شهادت نیز از آن جدا نشد، به جرم ترویج حقیقت و بردن پیام انقلاب به میان توده‌ها و به جرم مقاومت در برابر کودتای ضد مردمی مرتجعین، در عصر چهارشنبه ۳۰ خرداد ماه ۶۰ در میدان امام خمینی (سپه سابق) مورد اصابت گلوله‌ی پاسداران قرار گرفت و مغز او یکجا از کاسه‌ی سرش بیرون ریخت و بدین ترتیب به شهادت رسید.

آیا مرتجعین جنایتکار حاکم گمان می‌کنند که می‌توانند سرانجام از انتقام خدا و خشم خلق در امان بمانند؟!

منبع : نشریه مجاهد ۱۲۷ و ۱۲۸

اعدام ناجوانمردانه بیش از ۲۰ نفر از فرزندان قهرمان و بیگناه خلق

به دست مرتجعین خونخوار حاکم

ارتجاع خونخوار حاکم در ادامه‌ی کشتار وحشیانه‌اش از مردم قهرمان ایران به خصوص به دنبال کشتار بی‌رحمانه در راه‌پیمائی ۵۰۰ هزارنفری اخیر تهران، دیشب به یکی از بزرگترین جنایات ضد بشری خود زد و با اعتراف به اعدام بیش از ۲۰ نفر از فرزندان مجاهد ومبارز خلق، به خیال خود از مردم قهرمانی که به راه‌پیمائی افتخار آفرین خود پوشالی بودن حکومت غاصبانه‌ی مرتجعین را بر ملا کرده بودند، انتقام گرفت غافل از اینکه این جنایت هولناک مرگ محکوم ارتجاع حاکم را بسیار نزدیک کرد. مشروح جریان را بعد به اطلاع خواهیم رساند .

××××××

منبع : نشریه مجاهد ۱۲۸

اسامی برخی از شهدای مجاهد که اعدام شده‌اند :

مجاهد شهید سید حسین مرتضوی ۱۸ ساله / مجاهد شهید علی اصغر زهتابچی/ مجاهد شهید زهرا ابراهیمیان / مجاهد شهید کبری ابراهیمیان / مجاهد شهید کاظم فخرایی (فخاریان) / مجاهد شهید جعفر کلاغی چی گنجینه/ مجاهد شهید داود فراهانی/ مجاهد شهید امین ارسطانفر/ مجاهد شهید غلامعلی جعفری/ مجاهد شهید رضا حاجی ملک/ شهید قنبرنژاد/ وصیت نامه‌های سه تن از مجاهدین شهید که بجرم شرکت درراهپیمائی اخیر مردم تهران یعنی بجرم دفاع از انقلاب و اسلام انقلابی بدست ارتجاع خونخوار حاکم به شهادت رسیده‌اند .



(مجاهد شهید حسین مرتضوی ـ سن زیر ۱۸ سال)

وصیت نامه مجاهد شهید حسین مرتضوی

یکی از نوجوانانی که توسط ارتجاع خونخوار حاکم به جوخه‌ی اعدام سپرده شدند

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام خدا و پیام خلق قهرمان ایران

اللهم اهد المجاهدین الذین قاتلوا فی سبیلک لکلمتک و دینک

در سال ۵۹ با پیروزی رزمندگان سازمان مجاهدین خلق ایران این یاران راه رهایی خلق ارتجاع فرتوت حاکم و خود را مقهور به تداوم انقلاب یافتند، این بار در مقابل اپورتونیسم طبقاتی اراده خلق قرار گرفت و ولی مرتجعین هرچند هم که دیوانه‌وار و با بربریت هر چه تمامتر می‌کوشیدند راهی نیافتند.

ولی ناسپاسانه با گام‌های استوار خلق که در روند از مسلخ خلق برای ارتجاع حاکم و تاسیس مسلخ خود می‌گذشت به‌سوی رهائی بیشتر و انقلاب رو به تکامل رسیدن آن ایجاد شده اعصار طبقاتی با تبلیغات وسیعی که به راه انداخته بود نتوانستند برای مدتی چهره واقعی خود را پشت نقاب اسلام پنهان کنند و از بین روی مردم بیان کنند و در مقابل هر آشوبگری راه فقط خودشان شایستگی آن را داشتند، به پیروزهای انقلابی و در راس آن سازمان مجاهدین خلق ایران برخورد و از همانطور که خود می‌دانند راه خود را ادامه خواهند داد و امیدوارم ظلم‌ستیزان بر پرونده‌های خود را جراح و دوستان راه رهایی خلق بگذرند.

شخصا این شانس را دارم که تا دوران پایانی دیکتاتوری شاه آدمی بودم که برای تمامی دوستان همرزم با انگیزه و استوار اسلامی و همکاری با شکنجه‌گران انقلابی خیلی زیاد آشنا بودم، تمام در مقابل اعصار طبقاتی و ضد انقلاب استاده و زیر پرچم دین و مسلمانان گام گذاشتم حال با پیرترین پایی است که با چوبی راه می‌رود و این تنها بهانه برای من است که از پا نیفتم و با آزادی حال گیرد و مرتجعین چون گاو پیر شاخ خود را به طرف خلق ارتجاع چون سرو باستند.

و بدانید من، سید حسین مرتضوی، دانش‌آموز سال سوم که مجاهدین خلق، حق‌ترین نیروی انقلابی کنونی هستند و مردم موظفند برای ادامه حیات خود در محیطی آزاد و جامعه‌ای توحیدی و عاری از طبقه همه جانبه خود را تا آخرین قطره خون نثار این مجاهدان راه حق و آزادی کنند و مقدمتا استعمار زیر تحت هر شعار و عنوانی که هست و در مقابل ظلم‌ستیزترین و رهبران انقلابی کسی پرور یا نابود می‌شود و آزادی‌های اندیشه و بیان و تشکل و تحزب و غیره که در آن مقدمتا آنچه می‌گذرد آن مقدمتا آنچه می‌گذرد.

و در آخر به تمامی خلق‌های مبارز ایران توصیه می‌کنم که هشیار باشید بار ۲۵ امپریالیسم آمریکا و بار ۳۵ سال دیکتاتوری سایه سیاه و ننگین خود را بر سر ما گسترده‌اند و این نوید اعتلای مجدد جنبش‌های انقلابی و ضد امپریالیستی در ایران است.

اللهم اهد المجاهدین الذین آمنوا هادوا و ما توا لهم و اختم لهم بسلک و انبیاء آدم و اجعلهم ارشک هم الموسوم بخاتم معالم و اسبغ لهم سبیل السیر فی ضوء نورا عظیما.

بار خدایا مجاهدین را یاری کن و همان کسانی که آیات آورده‌اند و مبارزه و مبارزه‌ات را تحمل کرده‌اند و در راه تو جهاد کرده‌اند و برکسانی که ایشان را یاری کرده‌اند و برکسانی که ایشان را یاری کرده‌اند.

موسی، و عیسی هم آمدند و با مردمان و راهشان را بروای ملتها روشن کردند و در آخر درود و تمامی پیشتازان راه رهایی خلق و مردم مجاهد شهید و آزادگان را تا پایان تاریخ.

درود بر اسلام، درود بر خلق، درود بر آزادی

مرگ بر اربابی، مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر استعمار

درود بر پیروان اسلامی جوان مجاهدین خلق ایران.

حسین مرتضوی ۲۸، ۶، ۶۰

منبع : نشریه مجاهد ۱۲۷ و ۱۲۸

راهپیمائی بیش از ۵۰۰ هزارنفر از مردم قهرمان تهران در اعتراض به کودتای ضد مردمی مرتجعین بوسیله مزدوران مسلح ارتجاع حاکم به خاک و خون کشیده شد و یکبار دیگر جنایات ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور تکرار گردید .

پاسداران ارتجاع با مسلسل مستقیما راه‌پیمایان را هدف قرار می‌دادند و مغز و قلب آنان را متلاشی می‌کردند . دژخیمان ارتجاع، اجساد ده‌ها شهید را نیز می‌ربودند و به جای اینکه به پزشکی قانونی منتقل کنند مستقیما به بهشت زهرا برده و مخفیانه به خاک می‌سپردند.

سه شنبه ۳۰ خرداد، تهران شاهد خروش خشم خلق قهرمانی بود که مصمم و استوار صدای اعتراض خود را بر علیه ارتجاع، اختناق وکشتار، فریاد کرده بود .

مرتجعین ددمنش، در روز شنبه ۳۰ خرداد وقتی با انفجار خشم مقدس خلق روبرو شدند، ماهیت ضد انسانی و ضد مردمی خویش را به نمایش گذاشته و با به رگبار بستن مردم بی سلام و بی پناه، در میدان فردوسی تهران، خاطره ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور را در ذهن توده‌های مردم تداعی کردند .

تهران بعد ازظهر شنبه درفاصله‌ای کمتر از یک ساعت جمعیتی بیش ازنیم میلیون نفر را در خیابان‌های خود به حرکت در آورد و با دادن حداقل ۵۰ شهید و صدها زخمی ثابت کرد که وقتی پای آزادی و استقلال کشورش در بین باشد هم چون گذشته به عالیترین فداکاری‌ها دست خواهد زد .

راه‌پیمائی بزرگ مردم تهران دراعتراض به حذف رئیس جمهور و اختناق و استبداد حاکم بر جامعه بین ساعت ۳/۵ تا ۴ بعد از ظهر از ۷ نقطه‌ی شهر تهران آغاز شد و در مدتی کمتر از یک ساعت به بیش از ۵۰۰ هزار نفر رسید و چهره‌ی شهر را به یکباره دگرگون کرد.


اسامی ۸ تن از شهدای راهپیمائی که تاکنون شناخته شده‌اند

★ مجاهد شهید زهرا محمدی
★ مجاهد شهید سوحیر طلائی
★ مجاهد شهید محمدرضا مری سپهرانی
★ مجاهد شهید رضا حمیدی
★ مجاهد شهید عباس سروس
★ مجاهد شهید کوروش سنفی
★ مجاهد شهید عارف اقبال
★ مجاهد شهید عبدالله ابراهیمی

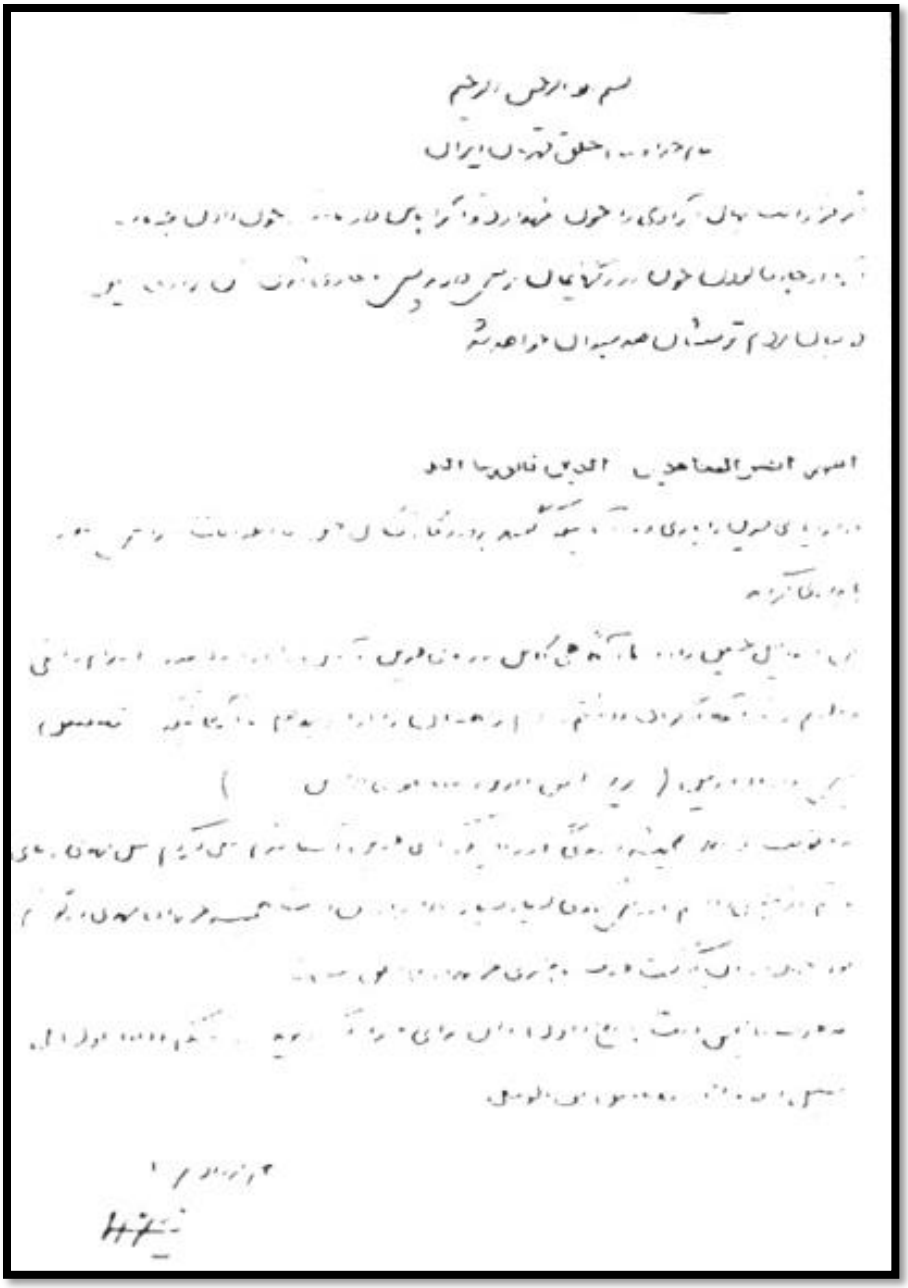
منبع : نشریه مجاهد ۱۲۸



(وصیتنامه میلیشیای قهرمان ، مجاهد شهید کورش سیفی)



(وصیتنامه میلیشیای قهرمان ، مجاهد شهید اسماعیل حسین زاده)



بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل دوم

قضائیه آخوندها چه کرد؟

قضائیه آخوندها در سراسر دورانی که قتل‌های سیاسی هواداران مجاهدین درکف خیابان‌ها جریان داشت، علیه هیچ‌یک از جنایت‌هایی که نسبت به مجاهدین خلق و هواداران‌شان اعمال شد رسیدگی نکرد، هیچ قاتلی را تحت پیگرد قضایی قرار نداد،

قضائیه خمینی فقط در یک مورد به دادخواهی مجاهدین خلق پاسخ داد و آن‌هم هنگامی بود که حاکم شرع شهرستان بم (آخوندی به اسم علامه) زیر شکایت مجاهدین نوشت:

«مجاهدین خلق به فرمان امام خمینی مرتدین و از کفار بدترند، هیچ‌گونه احترام مالی ندارند بلکه حیاتی هم ندارند، لذا دادگاه انقلاب اسلامی به شکایت دروغی آن‌ها وقعی نگذارد»

در حاشیهٔ نامه مجاهدین به آیت اله منتظری

در رابطه با نامه‌ی فوق بد نیست متن همان شکایت نامه‌ای که در بالا به آن اشاره شد و نیز جوابی که "حضرت حجت الاسلام والمسلمین"!! جناب آقای علامه ریاست دادگاه انقلاب بهم بدان تظلم خواهی داده اند عینا چاپ شود:

سبحانه و تعالی و اسمه

۵۹/۵/۲

[illegible]

[illegible] دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[

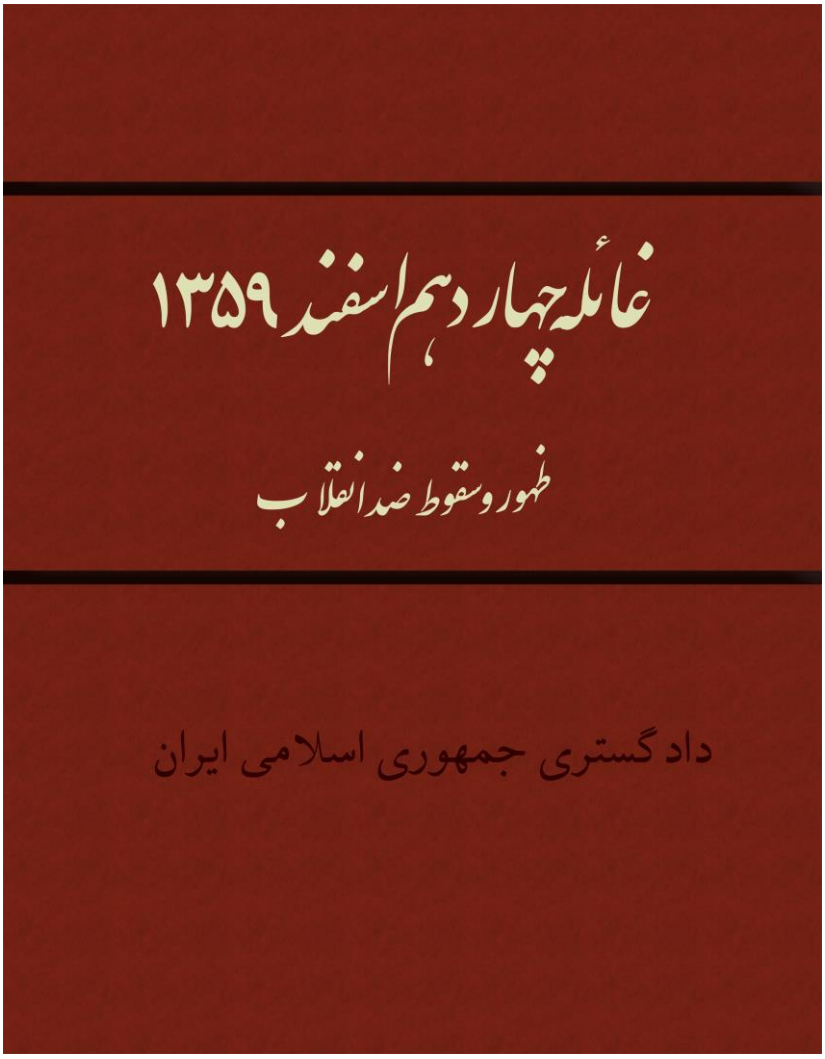
همین یک سند، وضعیت حقوقی رسیدگی به جنایت‌های حکومتی علیه مجاهدین خلق را به خوبی روشن می‌کند. سندی که نشان می‌دهد حکم قتل مجاهدین خیلی پیش‌تر از ۳۰خرداد ۶۰ توسط خمینی صادر شده و به آخوندهای شهرستانی هم ابلاغ شده است!

این سند گواه وضعیت حقوقی زندگی و مبارزات مسالمت‌آمیز مجاهدین، خانواده‌ها و هواداران و دوست‌داران آن‌ها در ایران آخوندزده در زمان خمینی است! مجاهدینی که در شرایط اختناق کامل می‌توانستند بدون اعلام عمومی بیش از نیم میلیون هموطن را به تظاهرات مسالمت‌آمیز خیابانی دعوت کنند!

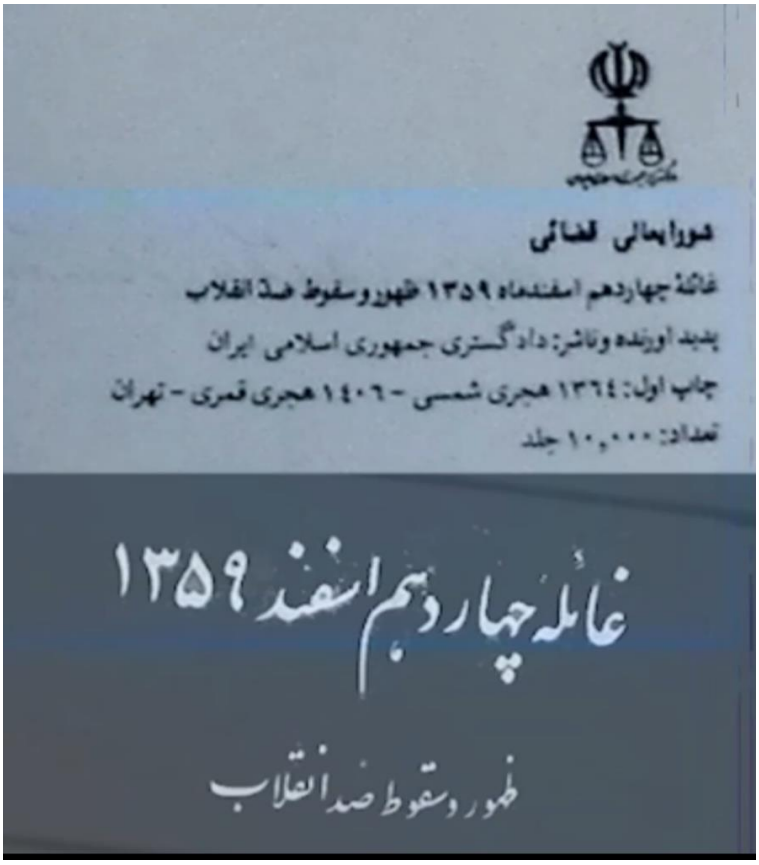
قضائیه‌ای که می‌توانست حتی با وجود پیکر سوراخ سوراخ شده رضا حامدی هوادار مجاهدین در شهرستان خمین، برای او جواز دفن به علت «تصادف»!!! صادر کند و اگر اسناد و عکس‌هایی که مجاهدین از پیکر گلوله خورده رضا حامدی نگرفته و منتشر نکرده بودند، بدون شک قتلش را آخوندها به اسم تصادف، بسته بندی و در پرونده‌های راکد خود دفن می‌کردند! (در این مورد نگاه کنید به ماجرای شهادت رضا حامدی در فصل دوم همین کتاب).

فصل سوم

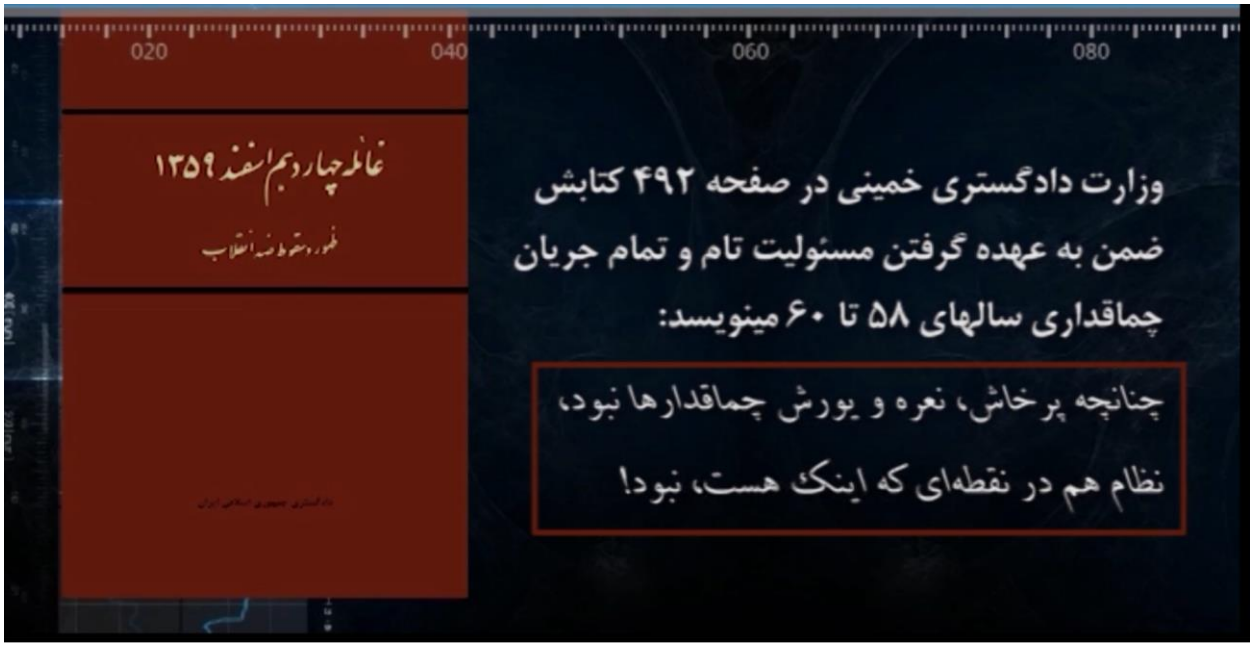
نگاهی به یک سند منتشر شده تاریخی از رژیم با امضای موسوی اردبیلی رئیس قضائیه جنایتکار آخوندها



پس از ده‌ها قتل سازمان‌یافته حکومتی که سوژه تمامی آن‌ها مجاهدین و هواداران‌شان بودند و نیروهای انتظامی و ضابطین دادگستری و دیگر عناصر قضائیه رژیم هم پیوسته در همکاری با قاتلان، دست در خون مجاهدین می‌کردند، هیچ کس دست‌کم در آن سال‌ها شک نداشت که آن جنایت‌ها کار خود رژیم است و نه کار به اصطلاح عناصر خودسر و امت همیشه در صحنه! اما سرانجام در سال ۱۳۶۴ قوه قضائیه رژیم با انتشار کتابی به اسم «غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹» تمامی پرده‌ها را کنار زد و به روشنی اعتراف کرد که تمام چماق‌داری‌های سال های ۵۸ تا سی خرداد ۶۰ همه و همه حاصل کار سازمان‌یافته حکومتی زیر سایه قوه قضائیه آخوندها بوده است. قضائیه آخوندها با افتخار تمام در این کتاب نوشته که اگر پاسداران و کمیته‌چی‌های تحت امر قضائیه آن جنایت‌ها را نمی‌کردند، نظام سقوط کرده و اثری از آن باقی نمانده بود!



در بخشی از این کتاب که با مقدمه موسوی اردبیلی از سران رژیم در آن سال‌ها به سندیتش افزوده شده از جمله نوشته شده:



کتاب غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹ صفحه ۴۹۲ به بعد: «آنانی که پس از ۱۴ اسفند به دفاع از نهادهای انقلابی برخاسته و حضور آنان را در دانشگاه کتمان می کردند، بی راهه‌های غیر معقول انتخاب کرده بودند ....اگر ۱۴ اسفند بدون حضور نهادهای انقلابی و پرخاش آنان, و اگر بدون نعره‌های حزب الله سرانجام می یافت، اگر ۲۵ خرداد ۶۰ , بدون یورش فداییان انقلاب! سپری می‌شد و اگر اگر ... مسلما اکنون در این اوج از گذرگاه انقلاب, گام بر نمی داشتیم!!!»

و چند خط بالاتر در صفحهٔ ۴۹۲ هم در باره چگونگی بسیج سپاه پاسداران و کمیته‌چی‌ها و لباس‌شخصی‌ها برای رفتن به دانشگاه و به خون کشیدن یک میتینگ مجاهدین خلق نوشته:

« بعد از ظهر, پاسبخشِ ستاد یک، وابسته به منطقهٔ ۱۰ آمد گفت: هرکسی که می‌خواهد برود دانشگاه, بیاید برود!...رفتیم به ادارهٔ مرکزی , میدان خراسان. پاسداران با لباس شخصی آماده بودند. از طرف «ج "و فرماندهٔ نظامی, گفته شد: همه، کارت‌ها و سلاح های خود را تحویل دهید که اگر جریانی پیش آمد شناخته نشویم!.... اولین گروهی که پا به میدان گذاشتند, تعداد قریب به ۳۰۰ نفر حزب اللهی, به سردستگی حاجی " ع ع " بودند!» و ...

و این البته پایانّ حقوقی جنایتی است به اسم چماقداری!

یک جریان فاشیستی و ضد مردمی که ۴سال پس از سی خرداد، خودشان خودشان را معرفی کردند. اگرچه که برای مردم و مجاهدین همه چیز روشن بود و در همان سال‌های ۵۸ – ۵۹ آن اوباش جنایت‌کار را با اسم و مشخصات و آدرس دقیق محل کار و اجتماع‌شان در ساختمان حزب جمهوری اسلامی خمینی و کل طرح‌ها و نقشه‌های آن‌را افشا کرده بودند. اما این خمینی بود که با دجال‌گری آخوندی, تلاش می‌کرد قضیه را پنهان نگه‌دارد و بگوید چماق‌دارها همان توده خودجوش و خودسر مردمی هستند که به شکلی کاملا مستقل از حکومت و دستگاه‌های سرکوبگر آخوندی به مخالفان دیکتاتوری حمله می‌کنند!

.....

پیوست‌ها:

- **مصاحبه‌های موسی خیابانی و مهدی ابریشم‌چی در هشدار به پیامدهای خطرناک چماق‌داری و قتل‌های حکومتی در سال‌های ۵۸ و ۵۹**

موسی خیابانی در یک مصاحبه مطبوعاتی در همان سال‌ها از جمله گفته بود: « تلاش کردیم صبر و بردباری داشته باشیم واکنشهای متقابل کور انجام ندیم ... در هر موردی مراتب را به مسولین امر نوشتیم و درخواست رسیدگی کردیم ... وممکنه کسی کشته بشه.... متاسفانه به این تقاضاهای ما که خطاب به مسولین بود تا حالا جوابی داده نشده !

مهدی ابریشم‌چی هم در همان گفتگوی مطبوعاتی گفته بود: « ما عناصر دست اندرکارشو شناسایی کردیم با اسم کوچک می گم و اگر مقامات مسول بخوان در دادگاه میتوانیم با مشخصات کامل افشایشان کنیم سرشان فردی است به اسم اسدالله در دفتر حزب جمهوری . یکی دیگه یک روحانی است . افراد کمیته ۴ ستاد ۱۰ و معاون سپاه منطقهٔ ۶ که این جریاناتو ترتیب میده و بعد از ماموریت به نفراتش دشنه هدیه میده»




نشریه مجاهدین خلق ایران
فوق العاده شماره ۳
انتخابات مجلس شورای ملی
پیشنهادهای مجاهدین خلق ایران
برای مردمی کردن انتخابات
چه کسانی از طرح دو مرحله‌ای کردن انتخابات دفاع می‌کنند و چرا؟
ضرورت به کاربردن
منطق "مردمی" علیه منطق "چماق"
مصاحبه مطبوعاتی مجاهدین خلق درباره تهاجمات ارتجاعی اخیر
ما نه از باب تهدید بلکه از روی احساس مسئولیت اخطار می‌کنیم که توان ما در کنترل و مهار کردن هوادارانمان محدود است
نامه‌ای درباره ماهیت انتخابات دو مرحله‌ای
انتخابات دو مرحله‌ای از کجا آمده و به چه نیازی پاسخ می‌دهد؟
قانون دو مرحله‌ای در جمهوری پنجم از دستاوردهای خشونت‌بارترین دوره‌های خودکامگی بورژوازی ورشکسته بود
جمهوری پنجم فرانسه در چه شرایطی به وجود آمد؟

اعتراف سردمداران رژیم به مسالمت‌آمیز بودن تظاهرات ۳۰خرداد۶۰ مجاهدین خلق و اقرار آن‌ها به زمینه سازی های کشتار مجاهدین قبل از سی خرداد

بعد از درواقع اردیبهشت سال ۶۰ سازمان مجاهدین خلق .. رسما دست به سلاح نبرده (بود). صادق کوشکی

در جمع دوستان و جمع خصوصی خود می‌گفتیم یک به یک آنها (مجاهدین خلق) را بکشیم مملکت درست می‌شود!حسن غفوری فرد

دوستان می گفتند چون مجاهدین را از زندان می شناسیم پس آن‌ها را پخ پخ کنیم!!! بهزاد نبوی

در شورای مرکزی حزب جمهوری تصویب شد که کاری کنیم که مجاهدین خلق دست به سلاح ببرند تا سرکوبشان کنیم!!! مهدی خزعلی

من با سرعت با فیات آبی رنگی قدیمی که داشتم وارد خیابان شدم، با سرعت تمام به وسط جمعیت زدم! هادی غفاری

حالا مجاهدین فرار کرده بودند ... آقای هادی غفاری تیربار را در اختیار گرفته بود و شلیک می‌کرد. بسیار کار بدی بود که ایشان در آن لحظه انجام داد.اسداله بادامچیان

ما هم مثل شمر اعدام کردیم(از مجاهدین) توی زندان اوین و بعد هم...صادق زبیاکلام

آخوند خزعلی (در یک سخنرانی در مسجد بناها در مشهد روز ۳۱اردیبهشت۵۹ یعنی قبل از شروع اعدام‌ها گفته بود): «... ما تشنه به خون اینها هستیم باید شاهرگهای اینها را ببندیم ولی چون خونشان کثیف است باید بریزیم دور. کوبیدن اینها مهمترین کار است...»
«اینها اگر در سوراخ موش باشند، بیرونشان می‌کشیم وآنها را می‌کشیم»
و سیزده روز بعد در سخنرانی دیگری گفت: «اگر یک روزی درگیری باشد اینها را از بین خواهیم برد وآنها را به خلیج فارس یا بحر خزر خواهیم ریخت».

ابوالقاسم سرحدی‌زاده که بعد از انقلاب کرسی ریاست اداره زندانها و بعدبه وزارت(کار) هم رسید گفت «مجاهدین اصالتی ندارند. اینها کسانی هستند که با همه نمودهای انقلاب مخالفت کردند... ما باید ۶تا گورستان درست کنیم وهمه آنها را دفن کرده...، با ضد انقلاب باید با خشونت سیاه مبارزه کرد. حالا مراحل نرم است.» (روزنامه انقلاب اسلامی ــ ۸آذر۵۹).

حسن غفوری فرد : روز ۱۳ اردیبهشت ۹۵ در مصاحبه‌ای که با خبرگزاری پاسداران موسوم به خبرگزاری فارس کرده گفته: "سازمان مجاهدین خلق به‌طور رسمی آن موقع همه جا حضور و دفتر و تشکیلات داشت". در اوائل انقلاب رو میگه..."حتی تانک جلوی دفترشان بود، تانک!...ما می‌گفتیم آنها را محاکمه کنید. حتی در جمع دوستان و خصوصی خود می‌گفتیم یک به یک آنها را بکشیم مملکت درست می‌شود"!

بهزاد نبوی: ۹ شهریور ۹۵سایت حکومتی قطره: "یکی از اختلافات من با دوستان این بود که می‌گفتند چون مجاهدین را از زندان می‌شناسم پس آنها را پخ‌پخ کنیم من می‌گفتم که تا زمانی که دست به اسلحه نبرده‌اند نبایدآنها را پخ‌پخ کرد!"

آخوند اکبر هاشمی رفسنجانی: اگر همان روز اول پیروزی انقلاب ۲۰۰نفر از مجاهدین را که تازه از زندان شاه آزاد شده بودند می‌کشتیم بیشتر نمی‌شدند و امروز هم اگر با قاطعیت اعدامشان نکنیم ۳سال دیگر باید به جای هزار نفر چندین هزار اعدام کنیم. (روزنامه اطلاعات ۱۱مهر۶۰)

- **نگاهی به چند صحنه از آن سال‌ها**


گزارش روز

آیا سایه چماق از سر اجتماعات کوتاه می‌شود؟

هیچ اجتماع و تجمع قانونی مجاهدین خلق نبود که با چند صد زخمی و یکی دو نفر کشته به دست حزب‌اللهی‌ها همراه نباشد. پاسداران و کمیته‌چی‌ها که باید خود حافظ امنیت اجتماعات باشند، اولین مهاجمان بودند!



این، تصویری از جوانانی است که در میتینگ امجدیهٔ مجاهدین درسال ۵۹، توسط حزب‌اللهی‌ها مجروح شده‌اند. میتینگی که مردم تمامی سکوها و زمین چمن امجدیه (استادیوم شیرودی فعلی) را هم پر کرده بودند تا سخنان مسعود رجوی را بشنوند.



آن چماقداری‌ها آن‌چنان نفرت‌انگیز بود که به عنوان نمونه برای تشییع جنازهٔ مجاهد شهید شکراله مشکین فام که در مشهد و درجریان انقلاب فرهنگی! و بستن دانشگاه‌ها به دست حزب‌اللهی‌ها به قتل رسیده بود، تمامی چهره‌های سرشناس استان و بیش از ۱۰۰۰۰۰ (یکصد هزار) نفر در شهر مشهد شرکت کردند.



صفحه ۳ شماره ۴۹

با شرکت بیش از ۱۰۰ هزار نفر پیکر بخون طپیده‌ی مجاهد شهید شکرالله مشکین فام به خاک سپرده شد.

روز ۳شنبه دوم اردیبهشت‌ماه، مردم مشهد شاهد یکی از بزرگترین و پرشکوه‌ترین مراسم تشییع در شهر خود بودند. بدنبال شهادت شکرالله درخیابان حملهٔ حامداران‌واوباشان تحریک شده به دفتر مجاهدین خلق در مشهد، سازمان مجاهدین خلق ناحیهٔ خراسان طی اطلاعیه‌ای از مردم دعوت کرد تا در مراسم تشییع جنازه‌ی مجاهد شهید مشکین فام شرکت کنند.

تا ساعت ۹/۵ صبح آغاز شود ولی اسوه جمعیت از ساعت ۷ صبح در مقابل بیمارستان مصدق گرد آمده بودند... قبل از حرکت، جمعیت بالغ بر ۲۰هزار نفر می‌شد. در این هنگام یکی از مادران به نام مادر محمدزاده با سخنان چند دقیقه‌ای وبرتوحود، جمعیت را تحت تاثیر قرار داد. سپس آمبولانس حامل جنازه با نوای قرآن به آرامی بحرکت درآمد. وبیشتر آن سیل جمعیت که دو اتکشت‌حود را به علامت پیروزی بالا نگاه‌داشته بودند، با آرامش و نظم کامل، به طرف فلکه‌ی نقی‌آباد براه افتاد. در دست بسیاری از تشییع کنندگان شاخه‌های گل‌دیده می‌شد. جمعیت هرلحظه رو به افزایش می‌گذاشت. بسیاری از مردم نیز با حالت تاثر در مسیر عبور تشییع کنندگان، ایستاده بودند. آنها با یکدیگر راجع به این جنایت، کوایشگرایان مرتکب شده بودند، صحبت می‌کردند. در این هنگام دهها هزار جمعیت، با شعارهای:

– شهادت شکرالله حامی مستضعفین، بدست امپریالیسم حامی مستکبرین – پرتوان، پرخروش علیه امپریالیسم – خون شکور می‌جوشد، مجاهد می‌خروشد – مجاهد مجاهد، ستاد تو قلب ماست ما‌می سید حمایت ارتجاع است – از فلکه‌ی نقی‌آباد، جهارراه لشکر، خیابان خمینی، خیابان خسروی، به سمت فلکه‌ی آب، در حرکت بودند. در دست راهپیمایان عکسهای بسیاری از شهدای سازمان مجاهدین خلق ایران بخصوص عکس سعیدکاوران سازمان و عکسهای امام‌خمینی و پدرطالقانی و مجاهد شهید شکرالله مشکین فام دیده می‌شد. همچنین بلاکاردهائی حاوی شعارهایی از برادر مجاهدمسعود رجوی توسط راهپیمایان حمل می‌شد. در مسیر راه بمعابر، بر سوروی جمعیت گل و مغل و گلاب پاشیده می‌شد. این راهپیمائی که باموکب شکرالله مشکین فام در این چند ساعت، به شیدائی ماهیت سروهای وابسته‌را برای مردم مشهد روشن کرد. این هاشان دادند که مجاهد خلق لبک آن در زندگیش از مبارزه با امپریالیسم و بایگاههای داخلی آن دست برنمی‌دارد، وآنگاه شهادتش نیز صرفه‌ی مهلکی بر پیکر امپریالیسم و ایادی وابسته‌ای آن وارد می‌آورد، تشییع جنازه‌ی با شکوه مشکین فام تنلور عینی رسالت خون شهید، بود. ساعت یک بعدازظهر جنازه به فلکه‌ی آب رسید. در این محل می‌بایستی مردم‌توسط اتومبیل برای مراسم خاکسپاری به سوی بهشت‌رضا بروند. چون جمعیت‌زیاد بودو اتوبوسهای موجود نگاهوی آن را نمی‌داد، فقط حدود ۱۲ – ۱۰ هزار نفر موفق شدند با وسایل موجود خودشان را به بهشت رضابرسانند. برادران ما با مسئول شرکت واحد تماس گرفته بودند و تقاضای اتوبوس می‌کنند ولی مسئول شرکت‌تحت این عنوان که شماتعاد هستند ازتحویل اتوبوس واحد خودداری می‌نمایند اگر اتوبوسی به اندازه می‌بود اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان می‌خواستند خودشان را به بهشت‌رضا برسانند. سپس افراد که نتوانستند وسیله‌ای بیابند که خودشان را به بهشت رضا برسانند، علیرغم اینکه اعلام شده بود مراسم در فلکه‌ی آب خاتمه یافته است، همچنان دسته اتوبوسها حرکت کردند و تا نزدیک فرودگاه راهپیمائی کردند. تشییع جنازه صدهزارنفری برادر شهید شکرالله مشکین فام در این چند ساعت، به شیدائی ماهیت نیروهای وابسته‌را برای مردم مشهد روشن کرد. این هاشان دادند که مجاهد خلق لبک آن در زندگیش از مبارزه با امپریالیسم و بایگاههای داخلی آن دست برنمی‌دارد، وآنگاه شهادتش نیز صرفه‌ی مهلکی بر پیکر امپریالیسم و ایادی وابسته‌ای آن وارد می‌آورد، تشییع جنازه‌ی با شکوه مشکین فام تنلور عینی رسالت خون شهید، بود. ساعت یک بعدازظهر

پایان